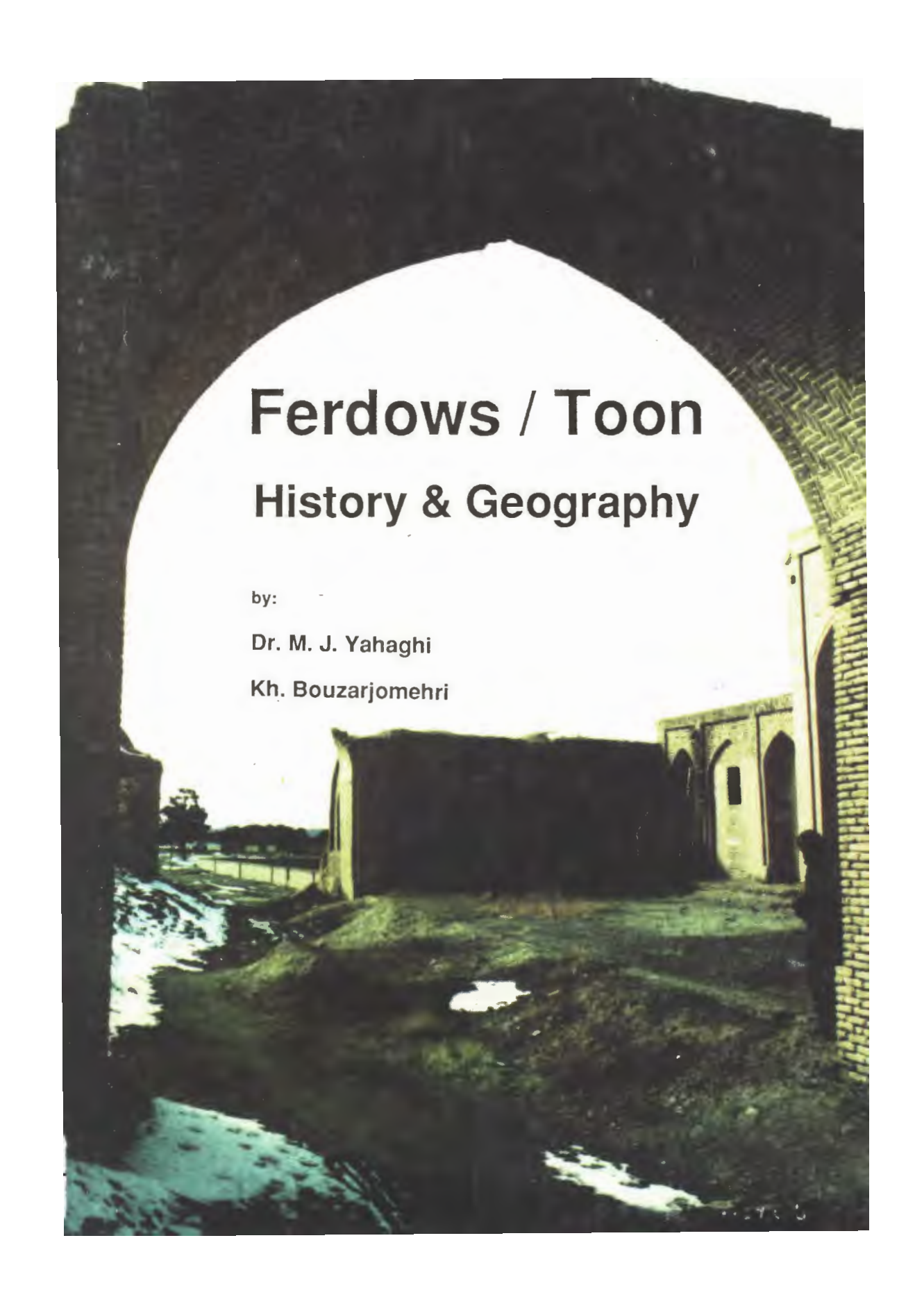


# فردوس ارتون

## تاريخ و جغرافيا

نوښته د کتر محمد جعفر ياقتي - خديجه بوزجهری





# **Ferdows / Toon**

## **History & Geography**

by:

**Dr. M. J. Yahaghi**

**Kh. Bouzarjomehri**



فردوس آقون

|    |  |
|----|--|
| ۱  |  |
| ۱۱ |  |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۸۲۶۲۷ :



فردوس ازل

تاریخ و جغرافیا

نوشته

دکتر محمد حفیظی - خدیجه بودجهری



۲۶۰

### مشخصات:

|                 |                                           |
|-----------------|-------------------------------------------|
| نام کتاب:       | فردوس / تون (تاریخ و جغرافیا)             |
| مؤلفان:         | دکتر محمد جعفر یاحقی - خدیجه بوذرجمهری    |
| ویراستاران:     | دکتر محمد حسین پاپلی یزدی - علی سالیانی   |
| ناشر:           | مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد |
| تیراژ:          | ۳۰۰۰ نسخه                                 |
| تاریخ انتشار:   | ۱۳۷۴                                      |
| امور فنی و چاپ: | مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی       |

حق چاپ محفوظ است

## فهرست مطالب

۷

آغاز سخن

### بهره نخست - تاریخچه تون

۱۳

مقدمه - تون / فردوس

۱۳

نامگذاری و نام شناسی

۱۶

تون چه زمانی بنا شده است؟

۲۳

بخش نخست - تون در دوره اسلامی

۲۶

جغرافیای شهری تون در طول تاریخ

۴۹

بخش دوم - تاریخ مردم تون

۶۸

بخش سوم - آثار باستانی تون

۷۸

بخش چهارم - رجال تون

### بهره دوم - جغرافیای فردوس

۹۵

بخش نخست - کلیات جغرافیای طبیعی

۱۳۰

بخش دوم - جغرافیای انسانی

۱۹۸

بخش سوم - جغرافیای اقتصادی

۲۳۰

فرجام سخن و چند پیشنهاد

۲۳۷

کتابنامه



## به نام خداوند جان و خرد

### آغاز سخن

شهرها هم مثل آدمها نام و شناسنامه دارند. به دنیا می آیند، می بالند، به نام و آوازه می رسند، پیر و سال زده می شوند و بتدریج در سالخوردگی تن به مرگ می دهند، یا در میان سالی و چه بسا که در نوجوانی - مثل آدمها - بر اثر حادثه ای زمینی یا سانحه ای آسمانی در کام نیستی فرو می روند. مرگ شهرها هم مثل مرگ آدمهاست - دردناک و درعین حال زندگی خیز - یا بهتر بگوییم مثل مرگ ققنوسان<sup>۱</sup>. آدمها پس از مرگ از طریق فرزندان خود در صورت و هیأتی دیگر، گاه با همان نام و گاه با نامی دیگر به زندگی خویش ادامه می دهند. شهرها نیز چنین اند. گاهی از میان خاکستر شهری سوخته، شهری دیگر قد می افرازد و نام و نشان و برخی ویژگیهای شهر پیشین را به میراث می برد.

روز یازدهم شهریور ماه ۱۳۴۷ خورشیدی، در حاشیه کویر جنوب خراسان شهری که از چند دهه پیش از آن «فردوس» نامیده شده بود، در آتش زلزله ای ویرانگر، سوخت. چندی پس از آن تاریخ، فردوس کنونی بر بالین مادر جان باخته خویش

---

۱- ققنوس نام مرغی افسانه ای و خوش آواز که تولید مثل او با همه موجودات متفاوت است، به این ترتیب که وقتی عمرش به آخر رسید، هیزم بسیار جمع می کند و بر بالای آن می نشیند و آوازه های خوش می خواند. ققنوسان دیگر بر او گرد می آیند. بال می زنند و منقار بر یکدیگر می سایند تا این که آتشی از آن افرخته می شود. ققنوس در آن آتش می سوزد. از خاکستر او تخمی و از آن تخم ققنوسی دیگر پدید می آید. فرهنگ اساطیر، ص ۳۴۱

پا گرفت و زندگی نوینی را آغاز کرد که چندان هم بظاهر با آنچه از مام از دست رفته خود به میراث برده بود، شباهت و سازگاری نداشت.

هنگامی که این نوزاد بالید و سری میان سرها در آورد، جوان رعنائی را مانست با آرایه‌ها و پیرایه‌های روزگار خویش، که پوستین کهنه پدر را نه تنها دیگر خوش نمی‌داشت که موجب شرمساری نیز می‌دید.

شهرها هم مثل آدمها شناسنامه و برگه هویت لازم دارند، تا سن و سال و گذشته و حال خود را در آن بنمایانند. این کتاب قرار است برگه هویتی باشد برای تون دیرین و فردوس نوین.

در بخش تاریخی کتاب حاضر ما را با فردوس نورسیده کاری نیست؛ از تون فروپاشیده‌ای - در جنوب و مغرب شهر کنونی - سخن خواهیم گفت که اینک از آن چیزی بر جای نمانده است، جز ویرانه‌هایی برای عبرت روزگار، و بومان و کلاغان هم دیری است آن را رها کرده‌اند.

فردوس جوان در توفان زلزله فرو رفت چنان که تون کهنسال در غبار قرون فرورفته بود. گرد افشانی از سیمای هر دوان برآستی که دشوار می‌نمود. در بخش تاریخی این کتاب کوشیده‌ایم که در زوایای تاریکخانه تاریخ به جستجوی تون از یاد رفته برخیزیم. در بخش جغرافیایی برعکس بیشتر به توصیف آرایه‌های همین جوان رعنا بروی کرده‌ایم.

دشواری کار برای جستجوی مدارکی در هر دو مورد، بیشتر به همان محرومیت مضاعفی باز می‌گردد که این شهر از گذشته‌های دور با آن مواجه بوده است. مدارک گذشته را مورخان و سفرنامه نویسان باید از خود می‌گذاشتند، که نگذاشته‌اند و، مدارک اکنون هم در گرو برنامه‌ریزیها و عنایتهای ویژه‌ای بوده است که کمتر به آن جا معطوف گشته است.

برای تدوین کتاب طرح مشخصی داشته‌ایم که ناشر طبق یک برنامه کلی و یکنواخت برای همه شهرهای خراسان، پیش رویمان گذاشته بود. بنابراین آنچه گردآورده‌ایم لزوماً نمی‌تواند تمام دلبستگیها و پیوستگیهای ما را به منطقه نشان بدهد. آمارها و اطلاعات بخش دوم کتاب را سعی کرده‌ایم از منطقه و اطلاعات

متعلق به مراکز و ارگانهای ذی ربط به دست آوریم.

بخش رجال و چهره‌های تاریخی شهر به ضرورت طرح کلی کار به این صورت فشرده (فرهنگ سخنوران و دانشوران) درآمد. امیدواریم توفیق آن را داشته باشیم که جداگانه و در تألیفی مستقل برای معرفی دانشوران منطقه فکری بکنیم. جای آن داشت که برخی نواحی مثل رقه (به دلیل دیرینگی و سابقه تاریخی) و بخشهای مستقل بشرویه و سرایان (از نظر هویت جغرافیایی و ویژگیهای منطقه‌ای) در فصلهای جداگانه‌ای مورد بررسی قرار می‌گرفت، که متأسفانه به دلیل طرحی که پیش رو داشتیم، این کار میسر نشد. بدین وسیله از اهالی منطقه پوزش می‌خواهیم و ضرورت کارهای مستقلی را در هر مورد خاطر نشان می‌کنیم.

طرح کلی «جغرافیای تاریخی شهرهای خراسان» را روان شاد دکتر عباس سعیدی رضوانی مدیر عامل در گذشته مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - که به سرزمین و مردم خراسان عشق می‌ورزید - پیش بینی کرد و مقدمات چاپ همین کتاب را هم او فراهم آورده بود؛ حق شناسی ایجاب می‌کند که سپاسنامه این کتاب را به نام او بکشاییم و برای روانش آرامش و رحمت یزدانی آرزو کنیم.

کوششهای دکتر محمدحسین پاپلی یزدی در همکاری با شادروان دکتر سعیدی و ادامه راه او سزاوار سپاسگزاری است، بویژه که پس از مطالعه دستنویس این کتاب پیشنهادها و نکته‌های سودمندی را هم یادآوری کردند.

دانشور گرامی آقای احمد نوغانی مقدم که در سمت ریاست آموزش و پرورش شهرستان فردوس در سالهای سخت زلزله و کوشش در راه معرفی این شهر محروم و دور افتاده از طریق نوشتن مقالات متعدد، بیشتر از يك همشهری کوشنده حقی برگردن منطقه دارند و سزاوار بود بخش تاریخی این کار را بر عهده بگیرند، با بزرگواری تمام این وظیفه را به ما واگذار کردند تا بخشی از دینی را که ما به شهر و دیار خود داریم ادا کنیم. از ایشان هم سپاسگزاریم.

از آقایان رحمت الله ابریشمی، مهدی اخگری، علیرضا میداندار و علی مقدّس که هر کدام به نوعی یادداشتها و یا نتیجه تحقیقات خود را برای استفاده

در اختیار ما گذاشتند تشکر می کنیم.

برای تهیه نقشه ها و نمودارهای کتاب خانمها ژیلاکلالی و فرحناز اکبر اوقلی، دانشجویان عزیز رشته جغرافیای دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، صمیمانه کوشش و صرف وقت کرده اند، از آنها هم سپاسگزاریم و در پرتو عنایت خداوندی برای همگان روزی و کامیابی آرزو می کنیم.

یا حقی - بوذر جمهری

بہرہٴ نخست:

تاریخچہٴ تون

دکتر محمد جعفر یاحقی



## مقدمه

### تون - فردوس

#### نامگذاری و نام‌شناسی

گفته بودیم که «فردوس» را چند دهه قبل به این نام خوانده‌اند. نام پیشین آن چه بوده و چه عیبی داشته است که آن را تغییر داده‌اند؟ تون را همه جغرافی نویسان و سیاحان قدیم می‌شناختند و در بسیاری از دوره‌ها آن را یکی از دو شهر عمده ایالت قهستان می‌دانستند و همه جا نامش را همدوش و همراه «قاین» و گاه در ترکیب با آن به صورت «تونو کین»<sup>۱</sup> (=تون و قاین) به جای قهستان و مرادف با آن به کار می‌بردند. وقتی گروهی از تونیان در همین دهه‌های اخیر برای معنی کردن نام شهری که قرن‌ها پیش از تألیف همه کتاب‌لغتهای موجود فارسی در سینه تاریخ نام و آوازه‌ای داشته است، به همین کتابهای دم‌دستی مراجعه می‌کنند و برای آن معنی‌های: «روده پاك نکرده»، «زهدان»، «گلخن حمام»، «جامه شبرو» و «حمام» می‌یابند، از نام شهر خود لابد شرمشان می‌آید و پیشنهاد تغییرش را به دولت وقت - که نامهای زیبا و خوش معنی و خوش آهنگ چند هزار ساله را به شاهپور و شاهی و شهنسوار... تبدیل می‌کرد - می‌دهند و در نتیجه از سال

۱ - Tuno Cain. این نام را برای نخستین بار، مارکوپولو به این صورت به کار برده است. رك: لسترنج،

جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲، تهران

۱۳۰۸ هـ. ش با تصویب هیأت دولت وقت «تون» مثلاً نازیبا و بدمعنی و فرودین به «فردوس» زیبا و بامعنی و برین تبدیل می شود.<sup>۲</sup>

«تون» را چرا به این نام نامیده اند و اکنون که نامیده اند چرا هیچ کس از جغرافی- نویسان و مورخان گرفته تا گرد آورندگان فرهنگها و دانشوران و ذوقمندان که در طول تاریخ از این دیار برخاسته اند به نازیبایی و نادلیذیری آن اشاره ای نکرده اند؟ اصلاً چه کسی گفته است برای معنی کردن نامها آن هم نامهای تاریخی و جغرافیایی، باید به کتاب لغت مراجعه کرد و نه مثلاً به اشتقاق و سابقه باستانی آن؟ مگر نه این است که مسمی به اسم معنی می دهد و نه برعکس؟ مگر مسمی مقدم بر اسم نیست؟

«نامها از آسمان فرودمی آید»<sup>۳</sup>. اگر «تون» از يك سو با «قاین» و قهستان پیوند تاریخی یافته است، از سوی دیگر و در پهنه جغرافیا هم آن را با «طبس» هماهنگ و هم آوا می یابیم بطوری که عبارت عامیانه «به تون و طبس» مثلاً شده است چیزی مرادف عبارت «به جهنم» که اگر رشته کوه نسبتاً مرتفعی که میان قاین و تون واقع شده، برای عقابان آشیانه های اسماعیلی در سده های گذشته موجب ارتباط و اتحاد این دو شهر و تشکیل قهستان (کوهستان) واحد بوده است، از نظر جغرافیایی همان رشته کوه تون را از قاین معتدل جدا کرده و آن را به عنوان حاشیه نشین کویر با طبس تفتیده و گرما زده همسان و همعنان کرده است.

دلایل و شواهد تاریخی نشان می دهد که در گذشته های دور که تون اهمیت و اعتبار تاریخی و جمعیتی داشته و بویژه تادوران اقتدار اسماعیلیه و حتی سده های پس از آن، به ولایت قهستان تعلق داشته و در کنار قاین یکی از دوشهر مهم آن ولایت بوده است.<sup>۴</sup> و در دوره های اخیر که این شهر اهمیت پیشین خود را از دست داده بود با طبس بر روی هم

۲- رك: نقوی پاکباز، تاریخچه فردوس، مشهد، بی تاریخ، ص ۴.

۳- مفهوم فارسی سخن معروف: الاسماء تنزل من السماء.

۴- از آن جمله رك:

- محمدبن نجیب بکران، جهان نامه، به کوشش دکتر محمد امین ریاحی، کتابخانه ابن سینا، تهران ۱۳۴۲،

ص ۶۲.

- بار تولد، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، ج ۲، توس، تهران ۱۳۵۸، ص ۱۶۰.

- سون هدین، کویرهای ایران، ترجمه پرویز رجبی، انتشارات توکا، تهران ۱۳۵۶، ص ۴۵۹.

منطقه واحدی را تشکیل داده و عبارت «تون و طبس» جای «تون و قاین» را گرفته است. اگر واژه دیرینه طبس را که در تواریخ یونانی به صورت «تابه آ» و «تبس» (Tabas) آمده از ریشه «تفس» و «تفسیدن» و «تبسیدن» به معنی داغ شدن و در پیوند با «تبش» به معنی تابش و تابیدن (تافتن) و در واقع عربی شده آن بدانیم و آن را «داغی» و «محل تابش و گرما» معنی کنیم - که ظاهراً بهترین و با مفهوم ترین معنای طبس باید همین باشد - چه اشکالی دارد که مرادف و همسان و همسوی آن یعنی واژه «تون» در گذشته های خیلی دور و مثلاً در زبانهای پیش از اسلام، مرتبط و هم ریشه با واژه هایی از قبیل تاویدن، تبیدن و تویدن (Tavīdan) باشد<sup>۵</sup> و مرکب از دو جزء تَو (= تاو، تاب) + ان نسبت (در تلفظ محلی و سایش خورده «وَن») که بتدریج تَوُوَن به صورت «تون» به معنی «محل تابش و کانون گرما» درآمده است<sup>۶</sup> و این نام را به دلیل مجاورت منطقه با ناحیه گرمسیر کویر، بدان داده باشند. به نظر می رسد تسمیه «گلخن حمام» هم به تون، به مناسبت آن که تابش و گرمای حمام از آنجا آغاز می شود، بسیار موجّه و پذیرفتنی باشد. بنابراین تا معنی کهنتر و استوارتری برای کلمه «تون» ابراز نشده است، می پذیریم که «تون» همانند مرادف و همزاد خود «طبس» از ریشه تابیدن و به معنی جای گرمسیر و سوزنده باشد<sup>۷</sup>.

در آن تغییر نام «تون» پارسی جای خود را به «فردوس» معرب داد، کلمه ای که هر چند اصل آن هم فارسی است و در زبان اوستایی مرکب است از دو جزء Pairi به معنی

---

۵- ر: هرن - هوبشمان، اساس اشتقاق فارسی، ترجمه دکتر جلال خالقی مطلق، بنیاد فرهنگ ایران،

تهران ۱۳۵۶، ۴۶۲/۱.

۶- محمد محیط طباطبایی «در پیرامون تون و طبس»، مشکوة، ش ۲۰ (پاییز ۱۳۶۷) ص ۱۲۴.

۷- اتفاق را گویی کسانی هم که واژه تون را نپسندیده و به جای آن «فردوس» به معنی بهشت را به دولت پیشنهاد کرده اند از روی تفلّ و با توجه به همین واقعیت بوده و از کلمه «تون» مفهوم نقیض فردوس یعنی «جهنم» را به نظر آورده اند. کما این که شوخی یکی از جراید آن روز تهران در ارتباط با تغییر این اسم به این مضمون که «اگر جهنمی را بهشت بنامیم در وضع آن تغییری حاصل نمی شود» هم همین پندار را تأیید می کند. همین طور است ابیات زیر که هر دو پس از این تغییر اسم در مذمت شهر زیانزد شده است:

فردوس برین اگر همین است      حقاً که جهنم به از این است

\*\*\*

فردوس مگو که گلخن حمام است      تون و طبس است و دوزخ ایران است

«پیرامون» و dae'za به معنی «انباشتن و دیوار کشیدن» که در عصر هخامنشیان بر باغهای محصور ایرانی، بویژه باغهای انگور و تاکستانها اطلاق می شده است. این واژه در زبان پهلوی و بعد هم فارسی دری به صورت «پالیز» و «پردیس» باقی مانده است.<sup>۸</sup> وقتی هم به زبانهای غربی رفته است، در یونانی به صورت پارادئوسوس (Parádeisos)، در انگلیسی پارادایز (Paradise)، در فرانسوی پارادیس (Paradis) تلفظ شده است.<sup>۹</sup> با این حال و نظر به این که به همین صورت معرب «فردوس» دوبار در قرآن مجید<sup>۹</sup> و بارها در دیگر متون اسلامی به معنی «بهشت» و «دارالخلد» به کار رفته است برای ایرانیان مسلمان، بیشتر کلمه ای عربی و با مفهوم مذهبی قلمداد می شود.

### تون چه زمانی بنا شده است؟

کسی چه می داند! مگر تاریخ بنای همه شهرها بدرستی روشن است؟ تنها برخی از شهرها که به مناسبتی و به دلیلی ساخته شده اند، زمان ولادتشان در حافظه تاریخ مانده است. شباهت برخی نامهای پارتی با واژه «تون» و پاره ای قرائن جغرافیایی از آن جمله همسایگی ناحیه با قلمرو دائمی پارتها، قدمت شهر را احتمالاً می تواند تا عصر اشکانی عقب ببرد و هیچ بعید نیست این شهر هم بمانند بسیاری از شهرهای دیگر که در دوره ساسانی هر کدام به دستور شاهی یا شاهزاده ای و به منظوری خاص بنا شده و بعد هم با الهام

۸- برای آگاهی از اشتقاق و معنای این واژه رك:

- خلف تبریزی، برهان قاطع، با حواشی و تصحیح و تعلیقات دکتر محمد معین، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۱،

۱۴۵۵/۳.

- ابراهیم پورداوود، آناهیتا یا پنجاه گفتار، به کوشش مرتضی گرجی، امیرکبیر، تهران ۱۳۴۳، ص ۷۶.

- علیرضا آریان، پژوهشی در شناخت باغهای ایرانی و باغهای تاریخی شیراز، انتشارات فرهنگسرا، تهران

۱۳۶۵، ص ۲۸ به بعد.

- محمد جعفر یاحقی، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، سروش - مؤسسه مطالعات و

تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۹، ذیل بهشت و فردوس.

۹- سوره کهف (۱۸) آیه ۱۰۷.

از نام اوبه نامی نامبردار شده است<sup>۱۰</sup>، به دستور یکی از شخصیت‌های پارتی از قبیل پی‌تون، که بعد از اسکندر به فرماندهی قشون ایالات آسیای علیا رسید<sup>۱۱</sup>، یاتان‌وئی<sup>۱۲</sup> T'an wu -ti یک تن از گروه مبلغان بودایی که از سرزمین پارت به چین رفته بود<sup>۱۳</sup>، بنا شده باشد. اسکندر وقتی در تعقیب داریوش بود، شنید که داریوش از همدان رفته است. راه خود را به طرف مادکچ کرد و شتافت تا به داریوش برسد. در آخر پاره تاگن (Pare'tace'ne) شهری بود تبس (Tabas) نام، در آن جا به اسکندر گفتند که داریوش عزیمت باختر کرده است<sup>۱۴</sup>. «پاره تاگن» که در نزدیکی تبس واقع بوده کجاست؟ آیا با تون ارتباطی دارد؟ تون کی بنا شده است؟ ما چه می‌دانیم! شاید همان زمان که چشمه‌آبی در این منطقه بر سینه زمین جاری شده است. که آب در آن دیار، با آن جغرافیای عبوشش، جز با کاریز آدمیان و یا چشمه سارهای خدای آدمیان، با چیز دیگری مترادف نیست.

همه آبادیها در آن دیار، مثل همه جاهاى خشك دیگر، برکنار چشمه‌ای جوشنده و یا در شیب ملایم دشتی پدید آمده‌اند که دست‌کم در زرفای زمینش بوی زلال حیات به مشام آدمی زاده‌ای روشن بین خورده است. از قدیم هم به قول شیخ فرزانه شیراز، بنای جهان بر آب بوده است و زندگی بر باد<sup>۱۵</sup>، و آدمی هر چه داشته، از رهگذار همین باد و آب داشته است. برای دانستن تاریخ زندگانی خاکی باید به سراغ آب رفت. تاریخ شهرها

۱۰- رك: - صادق هدایت «شهرستانهای ایران»، مجله مهر، س ۷ (۱۳۲۱) ش ۱-۳.

- احمد اشرف «ویژگیهای تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۴ (تیر

ماه ۱۳۵۳) ص ۷ به بعد.

۱۱- حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، ایران باستان، کتابهای جیبی، ج سوم، تهران ۱۳۴۲، ج ۷/۲۰۰۷.

۱۲- ان an به زبان چینی معادل کلمه ارشاك (اشك) است که بر سراسامی مهاجران برای تعیین هویت ملی

آنها می‌آمده است.

۱۳- یشتها، گزارش پوردادود، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۶، ج ۲/۳۱.

۱۴- پیرنیا، همان مأخذ، ۱۴۴۱/۵.

- ۱۵

جهان بر آب نهاده‌ست و زندگی بر باد  
غلام همت آتم که دل سرو نهاده  
(سعدی)

یعنی تاریخ آنها. با معناترین نامها را همین مردمان خاکی نهاد بر می‌گزینند. مگر نه این است که هر شهری و دهی و قصبه‌ای و واحه‌ای در آغاز آبادی بوده است. «آبادی»! آری چه اسم با مسمایی! ارتباط این واژه را با «آب» چه کسی می‌تواند نادیده بگیرد؟ بهترین نامها را همین آدمها بر می‌گزینند. نامها از آسمان فرود نمی‌آیند، نامها از زمین، از زمین همین آدمیان به آسمان می‌روند، که این خاکیان، این بندگان خاك، خود روزی مسندنشینان ملکوت بوده‌اند و با هبوط تاریخی خویش خاك خوب خدا را با دامن آسمان پیوند داده‌اند، اسمها از زمین به آسمان می‌روند. تاریخ آسمان را هم این آدمیان زمینی بهتر می‌دانند. تاریخ را باید از مردمان تاریخ پرسید. تاریخ سرگذشت آدمیان است، چه کسی بهتر از من سرگذشت مرا می‌داند؟

سرگذشت مرا از خود من پرسید. این صدای فرو شکسته تون است که از پس آوار قرون به گوش می‌رسد. شهرها، یعنی آدمها! سرگذشت تون را از تونی‌ها باید پرسید. مگر مورخان کاری جز این می‌کنند که سرگذشت هرکس را از خود او و سرگذشت هر شهر را از باشندگان همان شهر می‌پرسند؟ روایت اصلی تاریخ به همان نقلهای شفاهی اولیه‌ای بازمی‌گردد که راویانش کسی جز ناظران وقایع نیستند و سینه‌به‌سینه یا قلم به قلم این روایت اصلی را به دست آیندگان سپرده‌اند، و شگفتا که برخلاف پندار، راست‌ترین تاریخها همین تاریخهای بی‌مأخذ و پا در هوای شفاهی است که همیشه بنیان هر تاریخ علمی و ضابطه‌دار و مکتوبی را تشکیل داده است.

پیشینه تون به عصر کیخسرو باز می‌گردد. این را تونیان می‌گفتند. در بند نام نباشید، به این نام یا به هر نام دیگری. منظورم زندگی است که با آب جریان داشته است. باور کنید. من از قول تاریخ می‌گویم؛ چه کسی بهتر از ناصر خسرو:

«و چون از شهر تون برفتیم؛ آن مرد گیلکی<sup>۱۶</sup> مرا حکایت کرد که وقتی ما از تون به گناباد می‌رفتیم، دزدان بیرون آمدند و بر ما غلبه کردند. چند نفر از بیم خود را در چاه کاریز افکندند. بعد از آن، یکی را از آن جماعت پدری مشفق بود. بیامد و یکی را به مزد

۱۶ - منظور همان مرد رکابداری است که گیلکی بن محمد امیر طیس به عنوان بلد همراه ناصر خسرو

گرفت و در آن چاه گذاشت تا پسر او را بیرون آورد. چندان که ریسمان و رسن که آن جماعت داشتند حاضر کردند و مردم بسیار بیامدند، هفتصد گز رسن فرو رفت تا آن مرد به بُن چاه رسید، رسن در آن پسر بست و او را مرده برکشیدند. و آن مرد چون بیرون آمد گفت که «آبی عظیم در این کاریز روان است». و آن را گفتند کیخسرو فرموده است کردن. ۱۷»

آری مردم تون در روزگار ناصر خسرو می گفته اند که این کاریز را، با آن ژرفا و سترگی که داشته است، به دستور کیخسرو ساخته اند. در سینه دشتی که این کاریز سیراب می کرده است مردمانی و به احتمال زیاد شهر بزرگی بوده است، که از روی نشانه هایی می توان گفت در همین منطقه شهر کنونی تون یا در آن سوی رشته کوه در دامنه کلات واقع می شده است. اگر به قول آن رکابدار طبسی، که ناصر خسرو نقل کرده است، توجه کنیم می بینیم که آن کاریز درست در مسیر تون به گناباد بوده است، که هم اکنون هم که ناصر خسرو به قاین می رود، ظاهراً از آن مسیر نمی گذرد و گر نه با آن دقتی که در سفرنامه از او سراغ داریم، جایش را مشخص می کرد و حتی خود او چه بسا که به دیدن این کاریز عظیم می رفت و آگاهیهای بیشتری درباره آن به دست می داد.

اما کیخسرو را با حاشیه کویر چه کار بوده است؟ جواب را باید از شاهنامه بجویم، که تاریخ او و نیاکان اوست؛ و در واقع سرگذشت پدران ما نیز هست. کوتاه سخن آن که کیخسرو بعد از آن که در ایران به شاهی رسید کمر به کین خواهی پدر (سیاوش) بست. او را برادری بود به نام «فرو» که مادرش جریره دختر پیران بود و پدرش سیاوش و او با جریره و گروهی از پهلوانان در قلعه ای برفراز کوه های کلات مسکن داشت. افراسیاب شهرهای آن سوی کلات را از سپاه ایران گرفته و به اشغال خود درآورده بود. در یکی از جنگهای کین خواهی، طوس سپهدار بود و فرمان کیخسرو این بود که چون به مرز کلات رسیدی از راه دشت برو و «گذری کلات ایچ گونه مکن» و منظورش این بود که سپاه ایران با فرود رویه رو نشود و دانسته یا ندانسته به برادر آسیبی نرسد.

اما طوس همین که به کلات رسید از راه دشت اندیشه کرد و مسیر کوهستان را در پیش گرفت. فرود بر تیغ کوه کلات بردست سپاه ایران کشته شد و دل کیخسرو

را به درد آورد.

بخشی از عملیات نبرد دوازده رخ هم به فرماندهی گودرز در همین کوههای کلات رخ می‌دهد و هم آن‌جاست که پیران ویسه - که در حکم نیای کیخسرو و پرورنده او نیز هست - بردست گودرز کشته می‌شود. چون کیخسرو بربالین او حاضر می‌شود با دریغ و درد برایش همان‌جا دخمه‌ای می‌آراید و پیکرش را به آیین روز در آن دخمه می‌نهد. پس اگر امروز مردم این سامان یعنی اهالی تون و گناباد در وسط دره کلات و حدود يك فرسخ بعد از آبادی کلات به سمت فردوس قلّه‌ای با آثار تاریخی فراوان به نام فرود<sup>۱۸</sup>، و محلی در پایانه درّه زبید به نام «قبر پیران ویسه» می‌شناسند، در واقع روایت شاهنامه را تأیید می‌کنند. هیچ دور نیست کیخسرو که در این نقطه برادر عزیز - فرود - و مربی مهربان خود - پیران - را از دست داده است، به یادبود و برای دلجویی از بازماندگان آنها، که شاید در همین نقطه ساکن بوده‌اند، فرمان حفرقناتی را داده باشد که تا روزگار ناصر خسرو هم میان مردم به نام او نامبردار بوده است.

ممکن است هنوز برای کسانی این تردید باقی باشد که آیا کلات شاهنامه، کلات نادر واقع در شمال خراسان است یا کلات جنوب خراسان و یا به عنوان يك نظریه سوم، منطقه اقلید فارس<sup>۱۹</sup> هرچند قدری از این تردید برای ما هم باقی است، اما پاره‌ای قراین و برخی نامهای جغرافیایی منحصر به جنوب خراسان این گمان را در ذهن تقویت می‌کند که تا دلایل قطعی بر رد آن پیدا نشود، کلات شاهنامه را همین کلات جنوب خراسان و رشته‌کوه شمال تون بدانیم.

اما کاریز کیخسروی که آن رکابدار طبسی برای ناصر خسرو از آن خبر داده است، اگر در جنوب رشته‌کوه کلات بوده می‌تواند یا یکی از همین آبهای باشد که در دامنه‌های کلات به هم می‌پیوندد و آب معروف بلده را تشکیل می‌دهد، و یا یکی از کاریزهای خشکیده‌ای که روزی در گذشته‌های دور اراضی شهر و در گذشته‌های نه چندان دور، که

۱۸ - رك: سلطان حسين تابنده، تاريخ و جغرافى گناباد، تهران ۱۳۴۸، ص ۱۵۲.

۱۹ - رك: احمد اقلیدى، «محلّ حوادث داستان فرود» فرهنگ، کتاب هفتم، پاییز ۱۳۶۹، ص ۳۰۹-۳۰۳.

به کمیابی و خشک سالیهای معهود گرفتار آمده، زمینهای کمتری را برگرد یکی دو آبادی کوچکت‌ر سیراب می‌کرده و سرانجام هم در گران جانیه‌ای پیاپی آسمان متروک مانده‌است. هرچند بنا بر نقل برخی منابع مانند نزهة القلوب<sup>۲۰</sup>، که در مورد گناباد گفته است: «آبش از کاریز است و چهار فرسنگ درازای کاریز است و چاه آن تخمیناً هفتصد گز باشد» این احتمال هم بعید نیست که کاریز مزبور یکی از قنوات دامنه شمالی کلات باشد که به سوی دشت گناباد در جریان بوده‌است.

نام «تون» را تا امروز بالصراحه در هیچ يك از مدارك مربوط به تاریخ ایران پیش از اسلام ندیده‌ایم و این بیش از آن که به معنی این باشد که تونی پیش از اسلام وجود نداشته‌است، از کمی مدارك و كثرت جهل آدمهایی مثل ما پرده برمی‌دارد. اگر نتوانیم با دانش اندکی که امروز درباره این شهر داریم از وجود آن پیش از اسلام خبر بدیم دست‌کم از روی پاره‌ای نامها و قراین باستان‌شناسی، اهمیت تاریخی منطقه را حتی در گذشته‌های دورتر از عصر ساسانی هم نمی‌توان انکار کرد.

برخی، وجود پاره‌ای نامها مثل تگ مادیان (نام جویی در نزدیکی خرو که به برون می‌رود)؛ مادی کوه (در شمال فردوس)، مارکوه یا مادکوه (در جنوب فردوس سر راه قاین) را دلیل ارتباط این شهر با مادها دانسته‌اند<sup>۲۱</sup>، که نام بغداد (روستایی در جنوب فردوس) را، با ارتباطی که می‌تواند با «بغ» خدای بزرگ ایران باستان داشته باشد، نیز می‌توان بر آنها افزود. کما این که اگر نام مهران كوشك (روستایی در چهار کیلومتری شمال خاوری فردوس) را هم با مهر و آیین مهری یا «مهران» به عنوان نام یکی از خاندانهای هفتگانه عصر ساسانی که در پارس سکونت داشته‌اند، در ارتباط بدانیم، چندان به خطا نرفته‌ایم.

این نامها همه به اطراف شهر و در واقع به منطقه مربوط می‌شد، که هرچند مهم است، اما در صورت صحت، قدمت شهر را اثبات نمی‌کند. در خود شهر هم قراینی

۲۰- چاپ طهوری، تهران ۱۳۳۶ ص ۱۷۶.

۲۱- نقوی پاکباز، همان، ص ۴.

هست که از فرهنگ و تاریخ پیش از اسلام حکایت می‌کند: هم کلمه «کوشک» (نام مسجد و حمامی در بخش جنوبی شهر قدیم تون نزدیک دروازه قاین) نامی ایرانی و احتمالاً مربوط به پیش از اسلام است و هم وضعیت بنای مسجد کوشک<sup>۲۲</sup> با آن محراب زردشتی‌نشانش، می‌نمایاند که این‌جا در آغاز، نه مسجد که آتشکده بوده است.

نشانه‌های آیین زردشتی که احتمالاً به قبل از اسلام مربوط می‌شود، در داخل شهر به این منحصر نمی‌ماند. وجود اجساد مومیایی شده‌ای در سرداب کنار بقعه امامزاده و همچنین در محفظه‌ای بزرگ و آجری در محل موسوم به «سرخ کوه»، که تا همین سالهای اخیر بر جای بود، هم از وجود آیین و مراسم زردشتی در این شهر حکایت دارد. بگذریم از این که به گمان من قلعه دختر و «قال چهل دختران» (سوراخی که زنان قدیمی فردوس آن‌جا نذر و نیاز می‌دادند و مشکل خود را می‌گشودند) واقع در همان صخره سرخ کوه، مثل همه ابنیه دختر در ایران گواه دیگری است بر ارتباط منطقه با ناهید و پرستش ایزد آبها در ایران باستان<sup>۲۳</sup>.

از منطقه‌ای که تون در آن واقع شده است در کتیبه داریوش با عنوان «ساگارتی‌یه» یاد شده که نویسندگان قدیم «ساگارتی» یا «ساگارتی‌یا» ضبط کرده‌اند. این منطقه ابتدا زیر نفوذ مادها بوده و پس از عصر سلوکیان هم از طرف جنوب، سرزمین «پارت» را محدود می‌کرده است و جز قسمت تون و طبس بقیه نواحی آن کویر خشک و بی‌آب و علف بوده است. هرودوت مردمان این صفحه‌ها «ساگارتیها» را طایفه‌ای از پارسیها می‌داند و می‌گوید که به زبان پارسی سخن می‌گفتند و از راه شکار گورخر و غزال روزگار می‌گذاشتند<sup>۲۴</sup>.

۲۲ - از این بنا بعداً سخن خواهیم گفت. اجمالاً رك: احمد نوغانی، «آثار تاریخی فردوس»، مشکوة،

شماره ۱۷، زمستان ۱۳۶۶، ص ۱۸۷.

۲۳ - برای آگاهی از ابنیه دختر و ارتباط آن با ناهید، رك: محمدابراهیم باستانی پاریزی، خاتون هفت قلمه،

کتابفروشی دهخدا، تهران ۱۳۴۴، ص ۳۲۱-۲۰۳.

۲۴ - پیرنیا، همان کتاب ۸/۲۱۹.

## بخش نخست

### تون در دوره اسلامی

خراسان جنوبی هم در همان نخستین سالهای حمله اعراب به تصرف تازیان درآمد. ابن اثیر در ذیل وقایع سال ۳۱ هجری از احنف بن قیس یادمی‌کند که از راه طبس وارد خراسان شد و از دو محل به نام طبسین<sup>۱</sup>، که بمنزله قلعه‌های مرزی و دروازه خراسان بود، گذشت. ساکنان آن دو قلعه تن به صلح دادند و آواز آن جابه‌سوی قهستان لشکر کشید<sup>۲</sup>. ابن اثیر در جای دیگر (۳۳/۳) سال فتح خراسان را سال ۲۸ هجری ذکر می‌کند. در این روایت بتصریح از تون اسمی به میان نیامده است، اما بدون تردید بعد از طبس سپاه احنف از منطقه تون گذشته و لابد چون در آن جا هم با مقاومتی یا حتی با جمعیتی مواجه نشده،

---

۱- طبسین (به صیغه تثنیه) = دو طبس. منظور دو شهر است در خراسان جنوبی که هر دو به همین نام خوانده شده است. اما جغرافی نویسان بطور تفکیک، از آنها به «طبس خرما» یا طبس گیلکی (همین طبس گلشن فعلی) و طبس عتاب یا طبس مسینان (مسینا) واقع در نزدیکی بیرجند کنونی، یاد کرده‌اند. بلاذری همین طبس خرما (گیلکی) را دروازه خراسان نامیده است. رک: لسترنج: سرزمینهای خلافت شرقی، ص ۳۸۴-۵.

۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت ۱۳۸۵/۱۹۶۵ المجلد الثالث، ص ۱۲۴.

راه قهستان را در پیش گرفته است. بنابراین سال ورود اسلام به تون را هم می‌توان تا همین زمان، یعنی دهه‌های نخستین هجری عقب برد.

ظاهراً نخستین و قدیم‌ترین کتابی که به تصریح از تون به عنوان شهری در ناحیه کویریاد کرده، اشکال العالم جیهانی است متعلق به نیمه سده چهارم هجری. در این کتاب ضمن برشمردن نواحی بیابان و کویر می‌گوید: «از جاهایی که برکنار این بیابان است... از جانب خراسان، قهستان و تون و طبس و کریت و قاین<sup>۳</sup>».

جای دیگر در ذکر توابع خراسان آورده است: «تون، شهری است آبادان و بزرگ مانند جنابذ بزرگتر». و در ادامه همین توصیف در حالی که تون را جزو منطقه قهستان به شمار می‌آورد، می‌افزاید:

«از ولایت قهستان کرباسهای نیکو و پلاسه‌های خوب و زیلوها مانند جهرمی می‌بافند و بیشتر در تون باشد و از آنجا به نشابور و دیگر ولایات می‌برند<sup>۴</sup>».

در پایان همین مبحث هنگام برشمردن مسافتات اعمال و شهرها گوید (ص ۱۷۴):

«از قاین تا طبس شش منزل و از طبس تا تون دو منزل و از آنجا تا رقه -

قصبه‌ای است خرد - دو منزل و از رقه تا طبس دو منزل این بود مسافتات ولایات

خراسان و توابع آن که یاد کردیم کیفیت نموده‌اند.»

دومین کتابی که در آن ذکری از تون به عنوان شهری در منطقه قهستان آمده است، حدود العالم<sup>۵</sup> است متعلق به مؤلفی دانا اما ناشناخته که به سال ۳۷۲ در روزگار سامانیان تألیف شده است. در این کتاب «ترشیز، کندر، ینابد، تون و کری شهرکهایی» دانسته شده است «از حدود کوهستان و نشابور با کشت و برز بسیار»

از دو کتاب اخیر - که تقریباً در زمانی نزدیک به هم تألیف شده‌اند - برمی‌آید که در نیمه‌های سده چهارم هجری تون شهری پرآوازه و آبادان و در ردیف شهرهای مهم و

۳- ابوالقاسم بن احمد جیهانی، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز

منصوری، شرکت بهنشر، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۵۶.

۴- جیهانی، همان کتاب، ص ۱۷۱.

۵- حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران ۱۳۴۰، ص ۹۰.

کهنی مثل ترشیز و گناباد بوده است.

اهمیت و آبادی تون را در سده چهارم هجری، مقدسی با عبارتی روشنتر و مفصّلتر خاطر نشان کرده است. جایی که در وصف قوهستان (قهستان) می گوید:

سرزمین پهناوری است که هشتاد فرسنگ سنگین در هشتاد است ولی بیشتر آن را کوهها و دشتهای خشک و بی درخت فرا گرفته است. قصبه آن قاین و شهرهایش: تون، جناب، طبس عتاب، طبس خرما، رقه، خور، خوشت، کری می باشند.<sup>۶</sup>

چند صفحه بعد که به توصیف هریک از این شهرها می پردازد، در مورد تون

می گوید:

آباد و پر جمعیت است، مردم جولاهه و پشم کار هستند، دانشمندان بزرگ نیز دارد. دژی دارد جامعش در میان شهر است. از کاریزی که در جامع ظاهر می شود می آشامند.<sup>۷</sup>

خبر دیگر را از تون ثعالبی نیشابوری (م. ۴۲۹) به دست داده است، آن جا که در سرگذشت ابو عبدالله محمد بن احمد الشبلی وزیر افتکین الخازن می گوید:<sup>۸</sup>

پس از هلاک افتکین روزگار شبلی دگرگون شد و ابوالحسن سیمجور [م. ۳۷۸] وی را به تون<sup>۹</sup> از بلاد قهستان تبعید کرد و چون زمان اقامتش در آن شهر دیر پایید این شعر را در بحر متقارب سرود:

تعلّمت بالتّون اکل الأقط      وغزل العهون و نسج البُسُط  
و ما كنت فيما مضى هكذا      ولكن من الدهر جاء الغلط

شهری که در سال ۳۷۵ هـ (سال تألیف احسن التقاسیم) آباد و پر جمعیت بوده، دانشمندان بزرگ بیرون داده، دژی داشته و جامعی که در میان شهر واقع بوده است،

۶- محمد بن احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه دکتر علی نقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران ۱۳۶۱، بخش دوم، ص ۴۳۶.

۷- مقدسی، همان کتاب، ص ۴۷۱.

۸- ابو منصور عبدالملک ثعالبی نیشابوری، بئمة الدهر فی محاسن اهل العصر، به تحقیق محمد محبی الدین

عبد الحمید، قاهره [بی تا] الجزء الرابع ص ۱۴۶.

۹- در متن اصلی «النون» که غلط چایی است.

نمی‌تواند شهری نوین‌باد باشد که مثلاً چنان که برخی نوشته‌اند<sup>۱۰</sup> بنای آن را به عمرولیث صفّاری (۲۸۷-۲۶۵هـ) نسبت بدهیم.

اکنون که قدمت و اهمیت شهر در روزگاران بسیار دور، تقریباً مسلم گشت، بجاست که ابتدا جغرافی شهر و کیفیت بنای آن را در طول تاریخ از نظر بگذرانیم و آنگاه براساس مدارك موجود تاریخچه‌ای هرچند مختصر از این شهر پرآوازه، که هرچه به روزگار ما نزدیکتر شده از اهمیت آن کاسته شده‌است، به دست دهیم:

### الف - جغرافیای شهری تون در طول تاریخ

چنان که دیدیم اولین توصیف را از بنای شهرتون مقدسی در کتاب خود آورده‌است کوتاه و روشن:

«دژی دارد، جامعش در میان شهر است و از کاریزی که در جامع ظاهر می‌شود می‌آشامند.»

و این وضعیت عمومی شهرهای دوره اسلامی است که تا همین سالهای اخیر در اغلب شهرهای قدیمی و اصیل، از جمله خود فردوس (تون) تا پیش از زلزله، کاملاً مشهود بود. در این توصیف کوتاه چند نکته اساسی در ساختمان شهر تون دیده می‌شود:

۱ - دژ یا قلعه برای شهرهای کهن، بویژه آنها که دایم در معرض تهاجم و جنگ و گریز بوده، ضرورت داشته است. دژ را در قسمت درونی شهر درست می‌کرده‌اند و حتی گرداگرد آن را هم بمانند حصار دور شهر خندق می‌کنده‌اند. وجود دژ و ضرورت آن که یادگار بناهای عصر ساسانی است<sup>۱۱</sup> در همه دوره‌های تاریخی نشان می‌دهد که این شهر چنان که در سرگذشت آن خواهیم دید همیشه در معرض تاخت و تاز مهاجمان بوده‌است.

۲ - وجود مسجد جامع برای این شهر هم اهمیت و تعداد زیاد جمعیت آن را در آن

---

۱۰ - تا آن‌جا که دیده‌ام، اولین کسی که بنای این شهر و ارگ آن را از قول نایب تون به عمرولیث نسبت داده، میرزا خانلرخان است، رك: سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام الملك، به کوشش منوچهر محمودی، تهران، بی‌تا ص ۲۵۵.

۱۱ - رك: احمد اشرف، «ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، س ۱ ش ۴ (تیرماه

روزگار نشان می‌دهد و هم‌گویای این حقیقت است که این مردمان تعلقات مذهبی خاصی داشته‌اند. بی‌سبب نیست که در بسیاری دوره‌ها از آن به عنوان «دارالمؤمنین» یاد کرده‌اند، هرچند این عنوان کلی در گذشته بر شهرهای بسیاری اطلاق می‌شده است و چندان هم به این شهر یا هر شهر دیگر اختصاص نداشته است.

۳- کاریز هم در شهرهای مرکزی ایران، بویژه آنها که برکناره تفتیده کویر از آسمان آبی و پرستاره سرزمین خویش خیری ندیده‌اند، معنای دیگری دارد که بوی زندگی از آن به مشام می‌رسد. همیشه ساخت اقتصادی و حیاتی تون با کاریز در پیوند بوده است زیرا مردمان آفتاب سوخته آن، هم نان خود را از برکت زلالی که از دهانه آن می‌جوشد، داشته‌اند و هم گلوی خشکیده خود را با آب آن تر می‌کرده‌اند، و این حقیقتی است که در توصیف کوتاه مقدسی هم نمودار است.

ناصر خسرو هم از اقتصاد کاریزی تون در روزگار خود (سده پنجم هجری) خبر داده است؛ آن‌جا که می‌گوید: «و آب روان و کاریز دارد»<sup>۱۲</sup>. پیش از این از کاریز کی‌خسروی که آن مرد طبسی برای ناصر خسرو نقل کرده بود، نیز یاد کردیم. آنچه در تصویر مفصل‌تری که ناصر خسرو از وضعیت شهر تون به دست داده است دیده می‌شود، موقعیت اقلیمی و اقتصادی شهر است که «بر صحرایی نهاده است» و «بر جانب شرقی باغهای بسیار بود و حصاری محکم داشت» و «در شهر درخت پسته بسیار بود در سرایها، و مردم بلخ و تخارستان پندارند که پسته جز برکوه نروید و نباشد».

اهمیت باغ در اقتصاد تون و باغستان معروفش که برکناره کویر سبزینه حیاتی است، که تاریخ و جغرافیای تون تا امروز هرگز به آن پشت نکرده و توجه اهالی را به خود معطوف داشته است، چنان که پسته کاری و استعداد زمین عبوش برای طلای سبز هم همیشه، - حتی امروز که طلای سرخ (زعفران) راه را بر همه تولیدات حیاتی دیگر بسته است - همیشه از نظر اقتصادی مورد نظر بوده است. اگر آن بوی دریغی که از جمله دیگر ناصر خسرو به مشام تونیان و هر دلبسته آبادی و آبادانی دیگری در طول تاریخ رسیده است که: «شهر تون شهری بزرگ بوده است، اما در آن وقت که من دیدم اغلب خراب بود» و

۱۲- ناصر خسرو، سفرنامه، ص ۱۲۰.

«گفتند: در این شهر چهارصد کارگاه بوده است که زیلو بافتندی». براین بیفزاییم، هم تصویر تون آبادان و بارونق را بهتر به نظر خواهیم آورد و هم از ستمی که تاریخ براین شهر و مردمان ستمدیده اش روا داشته است، نخواهیم توانست خشم خود را فروخوریم. بعد از ناصر خسرو منابع تاریخی موجود تا دوسه قرنی از گفت و گو درباره وضعیت شهری تون ساکنند، زیرا اهمیت یافتن اسماعیلیه در منطقه قهستان و از آن جمله در تون توجه مورخان را از شهر به دژهای استوار فدائیان در اوج قلّه‌ها و دل‌کوهستانها معطوف کرده است و تاریخ این عصر هم برگرد همین قلاع سربه فلک کشیده دورمی زند و چنانکه نوشته اند قلعه تون در زمان فرمانروایی نواسماعیلیان نزاری جزواستحکامات و قلاع اسماعیلیه محسوب می شده است<sup>۱۳</sup>.

تنها در عصر هلاکوخان مغول است که يك بار دیگر نام شهر تون به یاد تاریخ می آید و آن روزی است که مردم رنج‌دیده آن شهر لابد به پشت گرمی همان باروها و قلعه استوار و برتر از آن به پشت گرمی اعتقادی که داشته اند در برابر تاتار جانانه می ایستند و هفت روز سپاه خون آشام مغول را بیرون حصار استوار شهر بیچاره می کنند «تا هفتم روز که لشکر بر حصار رفتند و باره آن را با زمین یکسان کردند».

در این یورش هم چهره ساختمانی شهر تغییر کرد و هم چهره جمعیتی آن بکلی دگرگون شد که «تمامت مردان و زنان را به صحرا راندند و از ده ساله تیر بالا مگر زنانی را که جوان تر بودند، نگذاشتند»<sup>۱۴</sup>.

عطا ملک ننوخته است، اما خود مردمان در طول تاریخ مصیبت بارتون پس از فتنه مغول می گفته اند که از جسد آن زنان و مردانی که به صحرا راندند، و تعدادشان حدود چهل هزار بوده است، به دستور سردار مغول بر کران قلعه شهر تپه ای ساختند که سردار ظاهراً شبی را بر فراز آن خوش گذرانیده و فردایش بار سفر بسته است. بقایای آن تپه که دگرگونی چشمگیری در ساختمان قلعه شهر پدید آورد، تا همین چندسال پیش و حتی بعد از زلزله

۱۳ - پطروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، ج ۴، پیام، تهران ۱۳۵۴، ص ۳۱۱.

۱۴ - عطا ملک جوینی، تاریخ جهانگشای، به سعی و اهتمام محمد قزوینی، لیدن، ۱۹۳۷ م. جلد سوم، ص

اخیر هنوز پیدا بود. آن تپه در تداول اهالی همواره به «تخت هلاکو» معروف بوده است. از پیشینیان بهترین تصویر را از شهر و حدود آن حمدالله مستوفی به دست داده است. البته وصف مستوفی مربوط به سال ۷۴۰ هجری (سال تألیف نزهة القلوب) یعنی کم از نود سال پس از حادثه قتل عام و ویرانی تون (به سال ۶۵۳) بردست قوم تاتار بوده است. بنابراین باید به مستوفی حق بدهیم که بگوید: «در اول شهر بزرگ بوده و این زمان شهری وسط است»، زیرا بطور قطع و مسلم تا زمان وی هنوز بقایای ویرانی هولناک مغول ترمیم نشده بوده است. اما چهره شهر تون و حوالی آن را مستوفی چنین ترسیم کرده است:

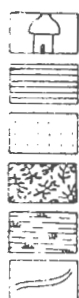
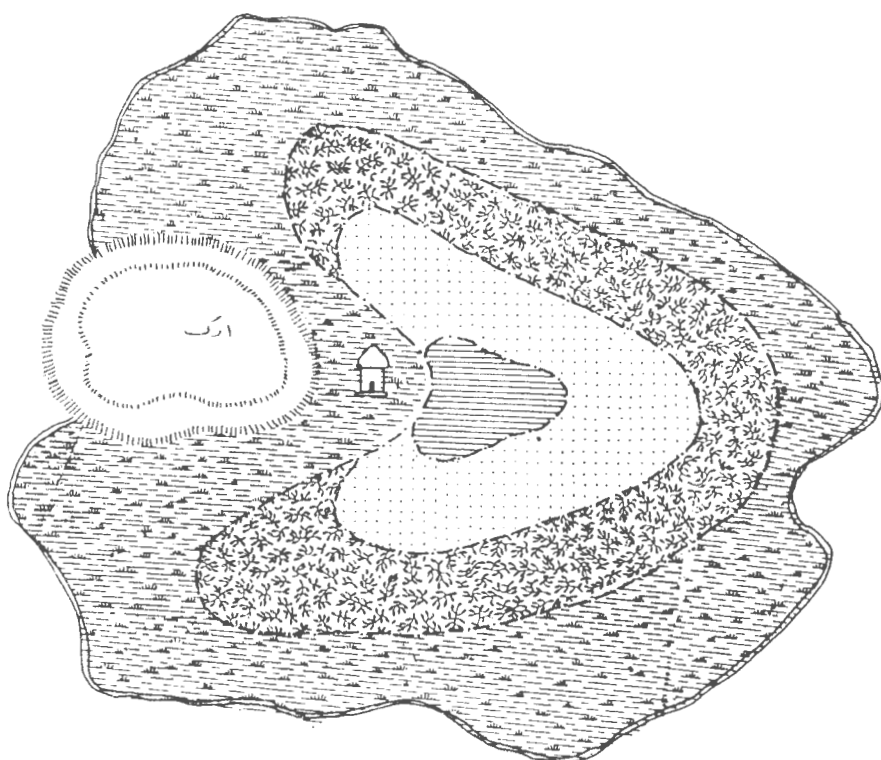
«و وضع آن چنین نهاده اند که اول حصارى بغایت بزرگ نهاده و خندق عمیق بی آب دارد و بازار و باغات و تودستانها در گرد خانه ها و غله زار در گرد باغات و در گرد غله زارها بندها بسته که آب باران می گیرند و آب بدان غله می برند و در آن بندها خریزه بی آب زراعت می کنند بغایت شیرین می باشد و آبش از کاریزهاست و هوایش معتدل و حاصلش غله و میوه و ابریشم باشد.»<sup>۱۵</sup>

باتوجه به تصویر روشنی که مستوفی از شهر به دست داده و کتابهای مقدم بر او هم کلیات آن را تأیید می کنند می توان سیمای کلی شهر تون را در سده های نخستین دوره اسلامی به شکل شماره ۱ ترسیم کرد.

تقریباً همین وضعیت شهری تا چند سال پیش، که حتی نسل سی ساله های فردوس هم به خاطر می آورند، تغییر چندانی نکرده بود. جز آن که حسد آسمانهای آبی بر این زمین نفرین شده در سالها و سده ها بالا گرفته بود و آرام آرام بندسارها را به برهوت و کاریزها را به دژ استوار و روبهان و شغالان تبدیل کرده بود و هوایش هم البته در تهاجم کویر و شن و گرما اعتدال خود را از دست داده بود. دیگر در این سالهای اخیر نه از آن غله زارهای آبادان و خرّم چندان خبری بود و نه از آن تودستانهای فراوان که صنعت ابریشم رادر منطقه قابل ذکر نشان بدهد. خریزه ای هم اگر پیدایم شدنه از آن دیم زارهای زمان مستوفی، که یا از

۱۵ - حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، کتابخانه طهوری، تهران ۱۳۳۶، ص

سیمای شهر تون در اوایل دوره اسلامی



مسجد جامع

بازار

محلات مسکن

باغات

اراضی مزرعی

حصار فدی شهر



شکل شماره ۱

دوردست‌ها به این شهر می‌آمد و با از همت زلال نخ آبی بود که در پت پت يك مكينه از ژرفای زمین بر سینه دشت به راه می‌افتاد و چند قدم آن طرف‌تر در حلقوم تشنه خاك فرو می‌رفت. کاریز و قلعه را با نام تون پیوندی دیرینه بوده است، از آن عهد اسطوره‌های کیخسروی تا همین زمانه زلزله که در ارکان حیات تون تاریخ نشان تزلزلی شگرف پدیدار ساخت و بسوزد پیر این آسمان بخیل و این مکینه‌های کینه‌کش، که کاریزها را در کینه هزار ساله خود به خاك سیاه نشاند و خاکستر فراموشی بر دهانه شفاف و زندگی خیز آنها پاشید. قلعه‌ها هم در تهاجم تاریخ فرو ریخت و نه همان قلعه متین هزار ساله تون که درهای استوار فرهنگ و باورهای چندین هزار ساله نیز در یورش ترانزیستور و تلویزیون از پای درآمد.

اندکی پس از مستوفی قزوینی، حافظ ابرو هم - بی‌خبر از حوادث عصر ما - از استواری قلعه تون یاد می‌کند و آب‌تونیان که «از کاریز است و يك کاریز دارند که تا به آب آن صد پایه فرود می‌رود.»<sup>۱۶</sup> وی البته به قدمت شهر تون به عنوان یکی از نواحی عمده قهستان هم اشارتی دارد، با این عبارت که «تون شهر قدیمی است و پیشتر آن را «شهر عمید» می‌خوانده‌اند و قلعه محکم دارد. دوازده قریه و پنجاه مزرعه از توابع وی است». خرابیها و ویرانیهایی که در عصر مغول بر این شهر وارد آمد، سبب شد که ویرانی آن بیشتر از عصر ناصر خسرو و روزگار حمد الله مستوفی توجه را به خود جلب کند؛ و ظاهراً به همین دلیل در ایام حکومت صفویان به این شهر توجهی نسبی مبذول شده است، به دستور شاه تهماسب اول صفوی (۹۸۴-۹۳۰ هـ) ارگ بزرگ تون مرمت و بازسازی گردید.<sup>۱۷</sup>

پس از صفویان که تون در دست ملك محمود و خانان پس از او بود از وضعیت شهری آن خبر چندانی نداریم. در دوره قاجاریه، یکی از بهترین توصیفهای شهری تون را صنیع الدوله در کتاب مشهور خود مرآت البلدان به دست داده است، که هر چند در کلیات با تصویر مستوفی در نزهة القلوب هماهنگ است، در جزئیات با آن تفاوت‌های اندکی دارد:

۱۶ - حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، قسمت ربع خراسان، هرات، به کوشش مایل هروی، بنیاد فرهنگ

ایران، تهران ۱۳۴۹، ص ۵۷ و ۵۸.

۱۷ - علاء الدین آذری د میرچی، «جغرافیای تاریخی فردوس»، هنر و مردم، مردادماه ۱۳۵۰، ص ۴۴.

«تون از شهرهای خراسان میانه قاین و طبس واقع است، حصاری محکم دور این شهر کشیده شده. بعضی از علمای جغرافی خاصه مسافری محمد مجدی نام که معلوم نیست در چه سالی به تون سفر کرده و در یکی از کتابهای فرنگی سیاحت نامه او ترجمه شده و به نظر مؤلف رسیده نوشته که شهر تون را به سبک شهرهای چین ساخته‌اند، یعنی مدور بنا نموده. حصار دور شهر و خندق عمیقی بی‌آب دور حصار و بازار دور خندق و خانه‌ها دور بازار و باغات دور خانه‌ها و غله‌زار دور باغات و در گرد باغات بر روی غدیری بندی بسته‌اند که آب باران در بهار در میان آن بند جمع می‌شود و غله‌زار را مشروب می‌نماید. در اطراف بند خربزه و هندوانه دیمی می‌کارند و بسیار خوب به عمل می‌آید. بالجمله در این که این شهر چه شده که به طرز شهرهای چین ساخته‌اند احتمالات هست: یا در وقت تسلط مغول برابر آن این شهر را این طایفه بنا کرده‌اند و بواسطه قرب جوار آنها با چین که در واقع خود آنها هم تبعه چینی بوده و هستند به طرزهای خود بنیاد این شهر را نهاده‌اند یا اگر پیش از غلبه مغول این شهر بنا شده در آن زمان مندرس بوده و مغول تجدید عمارت کرده‌اند. و مؤید این خیالات ابتدا شدن اسامی شهرهای چینی غالباً به لفظ تون است، مثل تونق و تونقان و تونک‌شان و تونک و غیره که همه از بلاد چین است ... باغات اطراف شهر را آب برکه مشروب می‌کند. بازار و مسجد و کاروان سراهای معتبر که از آجر ساخته شده در تون موجود است ... باغستانی دارد که دو فرسخ امتداد آن است؛ در میان این باغستان هر چه کوچه قرار داده‌اند، خیابان از دو طرف مقابل یکدیگر می‌باشند.»<sup>۱۸</sup>

تصویری که صنیع الدوله از طرح کلی شهر ترسیم می‌کند با آنچه براساس طرح حمدالله مستوفی و آثار پیش از او به دست دادیم حدوداً هماواز و همسان است، جز این که مستوفی از وجود بندهای متعدّد برگرد غله‌زارها خبر می‌دهد و صنیع الدوله تنها از يك بند یاد می‌کند که آب باران در بهار در میان آن جمع می‌شود و غله‌زارها را مشروب می‌نماید. البته در این که به علت کمبود تدریجی باران در عصر صنیع الدوله نسبت به

۱۸ - محمدحسن خان صنیع الدوله، مرآت البلدان، به کوشش پرتونوری علاء و محمدعلی سپانلو، ج ۱،

روزگار مستوفی ممکن است تعداد این بندها کمتر شده باشد و در نتیجه خشکی و کم آبی و کم غلگی بمراتب افزونتر، هیچ تردیدی نیست، اما چنان هم نباید پنداشت که در روزگار صنیع الدوله یعنی متجاوز از یکصدسال پیش از این، تنها یک بند تمام غله زارهای شهر را مشروب می کرده است. گمان من این است که منظور صنیع الدوله از آن بند، بند معروف به «بند آخوند» باشد بر سر راه فردوس به آیسک که در آن روزگار البته مهم و پر آب و گرداگرد آن دیم خیز بوده است و به دلیل شهرت و عظمت تمام ذهنها را به خود متوجه داشته است. اهمیت و شهرت این بند، که به علت انتسابش به «آخوند ملا اکبر»، یکی از روحانیون سرشناس و پرآوازه سده های اخیر تون به این نام نامگذاری شده، با وجود کم آبی و خشک سالیهای معهود تا همین سالهای پیش از زلزله در آبیاری مزارع و وجود خربزه زارها و دیمزارهای بسیار بر اطراف آن، نظرها را به خود متوجه داشت، بطوری که همه اهالی شهر، در آن روزگار و حتی نسل سی سالگان فعلی فردوس، نام و آوازه آن را هنوز در گوش دارند و یاد خربزه های لطیف و لبدوز آن تا امروز کام بسیاری را همچنان شیرین نگه داشته است.

اما این محمد مجدی نام که به تون سفر کرده و سیاحتنامه او در یکی از کتابهای فرنگی که به نظر صنیع الدوله هم رسیده، ترجمه شده است، تا امروز برای ما ناشناخته مانده است؛ و ظاهراً او نخستین کسی است که نوشته است که «شهر تون را به سبک شهرهای چین ساخته اند، یعنی مدور». مدور بودن شهر اختصاصی به تون نداشته است، بیشتر شهرها، اگر نه تمام آنها، در عصر اسلامی مدور و غالباً برگرد معبد و بازار و کهندژ بوده اند. در ساختمان شهر تون هم هیچ ویژگی بارزی که آن را از دیگر شهرهای حاشیه کویر ممتاز کند وجود نداشته است که دلیل بر آن باشد که مثلاً مغولان پس از ویرانی تون دوباره آن را به سبک شهرهای دیار خود یا چین یا هر جای دیگری ساخته باشند. آغاز شدن برخی از نامهای چینی با کلمه «تون» هم نمی تواند برهان قاطعی باشد برای ساخته شدن این شهر بر شیوه شهرهای چین؛ زیرا قرنهای پیشتر از آن که مغولان به ایران بیایند، نام و نشان تون، در کتابهای جغرافی و سفرنامه ها وجود داشته است.

آنچه از سفرنامه ژنرال سایکس<sup>۱۹</sup> در مورد جغرافیای شهری تون به دست می‌آید این است که «حصاری دور آن کشیده شده و در داخله آن اکثر اراضی زراعت می‌شود»<sup>۲۰</sup>. این حصار دور شهر که باز تا همین سالهای پس از زلزله حتی بقایای آن بر جای بود و آثارش در بخشهای تسطیح نشده شهر کهنه هنوز هم به چشم می‌خورد، نسبت به اطلاعات قبلی پدیده تازه‌ای است و این غیر از حصاری بوده که برگرد قلعه شهر کشیده بوده‌اند. گویا این حصار در همین دوره قاجاریه و اندکی پیش از ایامی که ژنرال سایکس از آن منطقه دیدار می‌کرده به علت ناامنی‌ها و تجاوزهای ترکمنها و مهاجمان دیگر به همت مردمان رنج‌دیده شهر بنا شده‌است. و پدر بزرگهای نسل ما از بنای این حصار (یا به اصطلاح محلی: شهر بند) چه خاطره‌های تلخ و شیرین که در یاد داشتند.

نکته دیگر که از جمله سایکس به دست می‌آید این است که گویا بسیاری از آن باغات که پیشتر برگرد خانه‌ها بود، در روزگار وی از حالت باغ خارج شده و به صورت زمین مزروعی درآمده بوده‌است، روندی که تا همین سالهای پیش از زلزله ادامه و استمرارش کاملاً محسوس بود.

سایکس علاوه بر این به جمعیت شهر که چهار هزار نفر بوده اشاره می‌کند و درجه حرارتش که «در واقع با ۴۳۰۰ فوت ارتفاع»، «آنقدرها زیاد نیست، با وجود این جمله «به تون و طبس» که مفهوم آن با جمله «به اریحابرو» مطابق است و در زبان ایرانی‌ها می‌باشد»<sup>۲۱</sup>.

در سالهای دهه ۸۵-۱۲۷۵ سفرنامه نویس دیگری از دولتیان در راه مأموریت خود به سیستان از این شهر گذشته و در یک توصیف جانبدارانه از باغستان تون و معجزه‌ای که آب بلده در کناره کویر آفریده تصویری دلپذیر به دست داده‌است که سیمای

۱۹- ژنرال سرپرسی سایکس (Sir Percy Molesworth Sykes) که يك نظامی انگلیسی بود در سال ۱۸۹۳

به ایران آمد و به اکثر نقاط ایران بخصوص نواحی شرقی و جنوب شرقی آن سفر کرد و تحقیقات تاریخی و جغرافیایی خود را به سال ۱۹۰۲ در لندن منتشر کرد.

۲۰- سرپرسی سایکس، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت

نوری، چاپ دوم، تهران ۱۳۳۶، ص ۳۸.

۲۱- سایکس، همان مأخذ، ص ۳۹.

طبیعی شهر را کاملتر می‌کند.

«از منزل بجستان حرکت کرده در باغات تون که دوازده فرسخ مسافت راه است و جمیع این راه دهکده معمور و آباد است. و تون شهری است با صفا و دلنشین و از امکنه بانزहत روی زمین مشتمل بر باغات زیاد. کوهی به مسافت سه فرسخ از شهر دور در سمت شمالی این شهر واقع است و نهر آبی که چهار سنگ آب آن است دارد و از آن کوه سرازیر می‌شود، در میان خیابان و دو نهر دو طرف خیابان جاری می‌گردد و طرفین خیابان باغات و عمارات است که اهالی تون در تابستان هنگام بیلاق رفتن در آن جا منزل می‌نمایند و طول این باغات به مسافت دو فرسخ است و عرض باغات هزار و پانصد ذرع می‌شود و هوای آن جا کمال مناسب با هوای دارالخلافه دارد.»<sup>۲۲</sup>

این توصیف چنان که ملاحظه می‌شود بیشتر از آن که به خود شهر مربوط باشد، محیط طبیعی و آب و هوا و بیلاق معروف تون یعنی باغستان شمالی آن را تصویر می‌کند و گر نه بی‌سامانی و روز بدتری تون چیزی نیست که سفرنامه نویسان اخیر از توصیف آن غافل مانده باشند.

این روز بدتری تون هم مثل سرنوشتی محتوم، دست از گریبان این شهر رنج کشیده بر نمی‌داشت تا همین اواخر، که زلزله نقطه پایانی شد بر همه چیز، و دیگر «نه از تاء نشان ماند و نه از تاء نشان» میرزا خانلرخان هم که در عصر ناصری به سال ۱۲۹۴ هـ. ق به تون سفری داشته است، در کتاب خود درباره این شهر می‌گوید: «قدیماً شهر معتبر بوده است؛ حالا شهری پربد نیست. باز می‌گویند

سیصد آب انبار و مسجد دارد.»<sup>۲۳</sup>

جای دیگر و پیشتر از آن از قلعه ارگ شهر خبر داده بود، به این عبارت که: «نایب آمد. [منتظر نایب تون است] تعریف قلعه ارگ را کرد. رفتیم آن جا.

۲۲ - محمد ابراهیم خدابنده لو، «روزنامه سفر خراسان و سیستان»، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران

زمین، جلد دوازدهم، ص ۱۲۷.

۲۳ - میرزا خانلرخان، همان، ص ۲۵۸.

ارگ خراب شده، يك مسجد، يك حمام دایر دارد. نایب گفت: تون و آن قلعه از بناهای عمرو لیث صفار است و در آن قلعه يك تاریخ قلعه‌ای بوده است که هلاکوخان وقت محاصره تون، آن قلعه را کوبیده بر سر اهلس و حالا معروف است به تخت هلاکو...»<sup>۲۴</sup>.

از این پس تقریباً همه سفرنامه‌نویسان و آنها که به نوعی درباره تون قلمی زده‌اند هم به قدمت شهر و از آن جمله بقایای همین ارگ و برج و باروی رو به ویرانی آن اشاره کرده‌اند و هم به این که در روزگاران گذشته از این که هست آبادتر و بارونق‌تر بوده است. اگر بخواهیم دلیلی برای این بی‌رونقی و در واقع مرگ تدریجی شهر در گذشته‌های تاریخی‌اش بجوئیم، به گمان من در نهایت به دو نتیجه مهم و کارساز خواهیم رسید: یکی خشم طبیعت، که در خشکسالیها و بی‌بارانیهای مزمن و مستمر چهره نموده است و دیگر خشم آدمیان که قالب تاریخی خویش را - به دلیل آن که این شهر بر سر راه شهرهای مرکزی و جنوبی ایران به خراسان واقع شده است - در یورشها و تاخت و تازها و ویرانگریهای پیاپی یافته بود.

در حدود دو دهه بعد از آن که میرزا خانلرخان نایب اول وزارت خارجه وقت، آن گزارش سیاسی - اقتصادی خود را از منطقه قاینات و از آن جمله شهر تون تهیه کرده بود، غلامحسین خان افضل‌الملک، سفرنامه نویس هوشمند دیگری از این شهر دیدار کرده و مشاهدات مبسوط و تفصیلی خود را از بافت شهری تون و شیوه ساختمان سازی آن به قلم آورده است که در نوع خود کم نظیر و برای بررسی سیر جغرافیای شهری تون مهم و در خور توجه است.

«تون شهری است گرمسیر، برج و باروی قدیم آن بر سرپاست، وسعت فسحت شهر این است: از دروازه مشهد تا دروازه کرمان که پیاده حرکت کنی نیم ساعت مسافت است. در محوطه شهر هشت هزار خانوار کمتر است. در کنار شهر ارگی از قدیم هست که بنای آن خراب شده، دیوارها و آثار و بیوتات آن در سرپاست. تا عهد صفویه این ارگ دایر بوده، در عهد افشاریه و زندیه رو به انهدام

گذاشته، الآن بایر است.»<sup>۲۵</sup>

نکته تازه در این بخش از توصیف افضل الملك طول شهر است که از دروازه مشهد تا دروازه کرمان یعنی از شمال تا جنوب آن نیم ساعت پیاده بیشتر راه نیست، که به نظر می آید از این هم کمتر بوده و این يك زمان تخمینی است، چنان که جمعیتی را هم که برای شهر ذکر کرده یعنی هشت هزار خانوار بسیار زیاد و غیر واقعی به نظر می آید و این آمار با چهار هزار نفری که ژنرال سایکس کمتر از دو دهه پیشتر از اوبه دست داده، تفاوت فاحش و غیر قابل قبولی دارد.

افضل الملك هم به توصیف کلی شهر و بناهای آن پرداخته و هم بطور جزئی برخی از ساختمانهای خاص آن جا را مورد بررسی و دقت بیشتر قرار داده است. در مورد سیمای کلی شهر می گوید:

«دراکثر کوچه ها آب روان جاری است. چند آب شیرین از قنات دارد با وجود این آبها باز اهالی محض خیرات در سرکوچه ها و گذرها به قدر هفتصد آب انبار ساخته اند که هر آب انباری بسی عمیق است. نزدیک تکیه آب انباری دیدم که چهل زینه می خورد و از پاشیر آن آب برداشته می شد. در این شهر که در زمستان برای یخچال یخ فراهم نمی آید و در کوچه های اطراف هم در تابستان برف نیست که به شهر بیاورند، لهذا چنین آب انبارهای وسیع بسیار عمیق محض خیرات در سرگذرها می سازند و در فصل قوس و جدی آب در آن می بندند. در تابستان که آب از آن جا برمی دارند، مثل تگرگ سرد است و از برودت دندان افسرده می شود. این آب انبارها به حال اهل شهر مفید است.»<sup>۲۶</sup>

به آمارهای افضل الملك قدری باید با احتیاط نگاه شود، به نظر می رسد که او اهل مبالغه و شاعر منش است. اولاً هفتصد آب انبار رقم بسیار بالایی است که کمی بیش از يك چهارم آن یعنی رقم ۱۸۷ تنها قابل قبول است، که از آن میان تنها هفت آب انبار آن از نوعی بوده است که وی در نزدیک تکیه دیده و چهل پله داشته است، بقیه حوض انبارهای

۲۵ - غلامحسین خان افضل الملك، سفرنامه خراسان و کرمان، به اهتمام قدرت الله روشنی (زعفرانلو)،

انتشارات توس، تهران (بی تا)، بخش دوم ص ۱۴۵.

۲۶ - افضل الملك، همان، ص ۱۴۴.

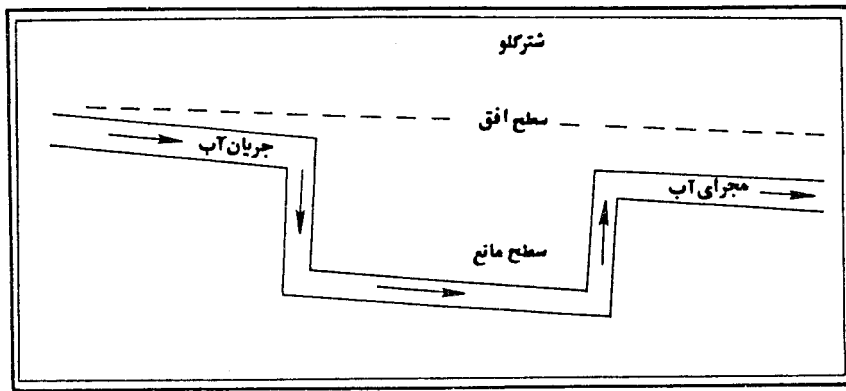
کوچکی بوده است در زمان وی فاقد شیر که فقط پنج تا ده پله بیشتر نداشته است. توصیف افضل الملك از وضع ظاهر بناهای شهر واقعی تر و عاری از گزافه گویی است: «دیوارهای کوچه و بنای خانه‌ها و سقف رواقها و اتاقهای این شهر غالباً به خشت است که مثل آجر سخت است. در این شهر آجر خیلی بندرت به کار برده‌اند مگر در جرزه‌های درب خانه. و الا تمام بناها خشت خام است. خشت و گل این جا بسیار سخت و محکم است. در این شهر خانه‌ها از سیصدسال قبل ساخته‌اند که مجموع آن از خشت خام است و هنوز خراب نشده و در سرپاست. طاق اتاقهای آن همه گنبدی و ضربی پخ است.

هفت آب وارد شهر می‌شود و در اطراف روان است. یکی از آنها شورمرزه است... نزدیک شهر شترگلوبی ساخته بودند که آب از روی دیوار کنار خندق نزدیک دروازه ارگ وارد بیوتات دولتی ارگ می‌شده. الآن شترگلو و نهر روی دیوار سنگی در کنار خندق موجود است که اسباب حیرت است...»<sup>۲۷</sup>

خشت و گل محصول طبیعت آزاد است و ارزان‌ترین وسیله برای ساختن؛ و چه مناسب افتاده بود این مصالح ساختمانی فراوان و مطمئن، با طبیعت خشک و گرم آن منطقه و تمام منطقه‌های کویری دیگر؛ بارانی نبود تا آن را بفرساید، زمین هم آن قدر فراوان و ارزان در اختیار بود که ضخامت دیوارها نمی‌توانست برای صاحب کار دریغی باشد. ضرورت اقلیمی هم ضخامت بیشتر دیوارها را می‌طلبید تا در برابر یورش سرما و گرما در زمستان و تابستان پایدارتر باشد، بنابراین چه عجب اگر برخی از آن ساختمانها و ضریبهای گنبدی را حتی قهر طبیعت با ابزار بنیان کن زلزله هم نتوانسته باشد از پای در بیاورد، بقایای این طاقهای نستوه حتی امروز هم پس از گذشت نزدیک به ربع قرن از آن زلزله هولناک و متروک ماندن تاریخی تون، دربخش تسطیح نشده شهر کهنه برجای است و دیده‌های عبرت بین و عاقبت‌نگر را به خود متوجه می‌سازد.

اما شترگلو تکنولوژی پمپاژ ساده‌ای است که فرزندان طبیعت، بویژه طبیعت خشمگین کویر، که دست آدمیزاده را در همه چیز می‌بندد، بخوبی می‌شناسد. آب را برای

بالا بردن به نقطه‌ای مرتفع که مانعی مثل جاده یا خیابان هم بر سر راه دارد، از دورترها بر روی بلندی دیوار ماندی با شیب ملایم می‌آورند به طوری که وقتی به مانع برخورد کرد بر آن کاملاً مسلط باشد. مجرای آب را از زیر مانع عبور می‌دهند و در سوی دیگر آن آب را طبق قانون علمی ظروف مرتبط در مجرای خود به جریان می‌اندازند، مثل شکل شماره ۲:



شکل شماره ۲ - شترگلو

هم این شترگلو که افضل‌الملک در آن سالها دیده بود و هم چندین شترگلی کوچک دیگر تا همین چند سال پیش که آب بود و آدمیان و هنوز خشونت زلزله همه ظرافتها را درهم نریخته بود، در گوشه و کنار شهر قدیمی فردوس خودنمایی می‌کرد. اما وصف برخی ساختمانهای ویژه از زبان افضل‌الملک:

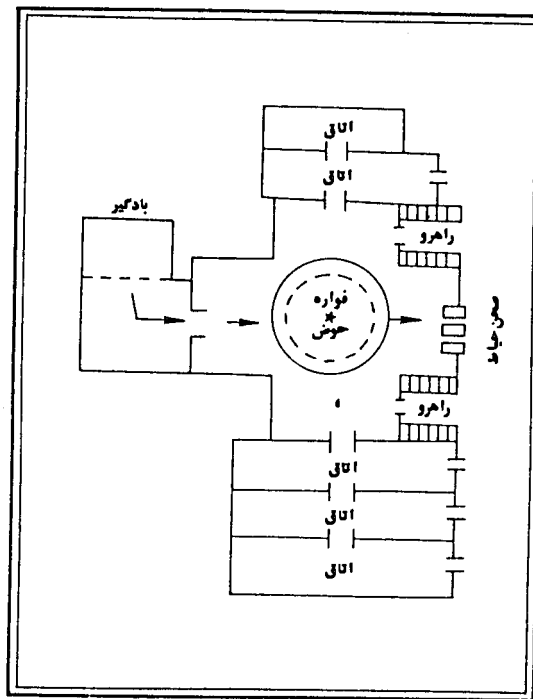
«... خلاصه وقت مناجات به شهر تون رسیدیم. بعضی مردم [منظور مسافران است] در تکیه بزرگ این شهر و مساجد منزل می‌کنند ولی من با همراهان خود به باغ خان که متعلق به عمادالملک حاکم حالیه طبس است، فرود آمدم و در آنجا منزل کردیم. باغ خان بسیار آباد است، حیاطهای متعدده و رواقها و بالاخانه‌ها و سرپوشیده‌های خنک و حوضخانه دارد. دو خانوار محرم از زنانه و مردانه در آنجا براحتی می‌توانند اقامت نمایند و راحت باشند. دریک اتاق خلوت آن که خوابگاه است، من به تنهایی خوابیده بواسطه بادگیر بسیار خوبی که داشت در این شدت گرما و هوای قشلاقی تون نزدیک بود که با کتان روانداز بچایم. متصل در آن اتاق از

بادگیر بلند خوب بادخنك می‌وزید. روزدیگر در حوضخانه مخصوص آن باغ هم که خوابیدم از گرما راحت بودم لیکن بیرون حوضخانه بسی گرم بود. در این باغ نهر آب جاری بود و بالنسبه بسیار منازل قدری راحتی داشتم.<sup>۲۸</sup>

حوضخانه و بادگیر تکنولوژی تهویه مطبوع پدران ماست در حواشی کویر که طبیعت سرکش و گرماگیر آنجا را چه نیک رام کرده بود و در دیگر شهرهای همسایه کویر هم ناشناخته نبود، بویژه بادگیر که بسیاری می‌پندارند به یزد منحصر است. راست است که گستردگی و قدمت استفاده از بادگیر در یزد قابل انکار نیست. و هم راست است که فرهنگ استفاده از بادگیر با آن معماری دقیق و پیچیده‌اش به احتمال زیاد از یزد به فردوس آمده است، اما عظمت و فایده رسانی برخی از بادگیرهای فردوس را که من خود از کودکی و نوجوانی به خوبی در یاد دارم، هرگز در یزد و شهرهای دیگر ندیده‌ام، بویژه که فایده این بادگیرها را در آن تابستانهای داغ وجود برخی حوضخانه‌ها دوچندان می‌کرده است، درحالی که مثلاً در یزد تا آنجا که من می‌دانم اغلب به جای حوضخانه از سرداب استفاده می‌شده است.

توصیف افضل‌الملک به حوضخانه و بادگیر باغ خان مربوط است که به حاکم آن روز طبس تعلق داشته است. نباید پنداشت که درتون تنها باغ خان چنین بادگیر و حوضخانه‌ای بزرگ داشته است. چند بادگیر و حوضخانه بزرگ دیگر متعلق به رجال شهر وجود داشت، که اتفاقاً یکی از آنها را پدر نویسنده این سطور در همین اواخر از یکی از همان رجال شهر خریده بود و کودکی و نوجوانی من هم با خاطرات شیرین و مطبوع حوضخانه و بادگیر درهم آمیخته است. بویژه که بعدها همان باغ خان عمادالملکی هم که افضل‌الملک از آن خبر داده است، تقریباً با همان‌سان و سیرت پیشین به مدرسه تبدیل شد و دست‌کم سه سال از سالهای دبستان من هم در همان حوضخانه و بادگیر و اتاقهای اطراف آن گذشته است. بنابراین بی‌مناسبت نمی‌دانم که طرحی از ساختمان و حوضخانه و بادگیر را چنان که از این بناها در روزگار کودکی و نوجوانی‌ام در خاطر دارم این جا بیاورم. یاد باد آن روزگاران یادباد!

حوضخانه عبارت بود از چهار ایوان ضربی و گنبدی از چهار جهت روبه روی هم که گنبدی واحد و برکشیده همه آنها را در بالا به هم ربط می داد. این گنبد بر فراز حوضچه ای که در وسط و روی زمین به محاذات گنبد تعبیه شده بود، قرار داشت که مجرای آب آن با شیب ملایم طوری از زیر ساختمان عبور می کرد که وقتی آب به آن می بستند در وسط حوض از فواره کوچکی آب فوران می کرد و سرریز آب از گرداگرد لبه برجسته آن در پاشویه کوچکی جمع می شد و از طریق مجرای دیگری از زیر ساختمان به باغچه حیاط هدایت می شد. از وسط یکی از این ایوانهای چهارگانه حوضخانه دری باز می شد که بلافاصله به فضای اتاق گونه زیر بادگیر راه پیدا می کرد. بر فراز این اتاق و به جای سقف و گنبد آن بادگیر برکشیده ای قرار داشت که از چهار جهت مسیر باد به داخل آن باز شده بود، یعنی از هر جهتی که باد می وزید پره های بادگیر قادر بود آن باد را به داخل بادگیر و از آن جا به داخل حوضخانه و بر فراز حوض پر آب داخل آن هدایت کند. در



شکل شماره ۳- حوضخانه

ایوان مقابل بادگیر در داخل حوضخانه درهای خروجی (معمولاً سه در) با پنجره‌های مشبك و شیشه‌های رنگی به داخل حیاط و فضای باز تعبیه شده بود که وقتی این درها یا درهای خروجی حوضخانه در دو ضلع این ایوان را می‌گشودی هوا بطور طبیعی کوران می‌کرد و اگر بادی هم نمی‌وزید، جریان هوا بطور ملایم از طریق بادگیر به داخل حوضخانه هدایت می‌شد و از درهای خروجی بیرون می‌رفت و چون همیشه حوض داخل حوضخانه پر آب بود دائماً نسیم ملایم و خنکی جریان هوا را جا به جا می‌کرد و کمر گرمای سوزان تابستانها را می‌شکست (شکل شماره ۳).

در توصیف کوتاه صاحب طرائق الحقایق از شهر تون نکته تازه‌ای که

دیده می‌شود این است که:

«... تون شهری بوده و الحال حصار شهر منهدم و غالب به جای محله‌ها و

خانه‌ها زراعت می‌نمایند. بعضی مساجد و مدارس بوده که ویران شده و قرب

شصت باب دکان و آب انبار در جوار مدرسه و مسجد است...»<sup>۲۹</sup>.

باری در کنار مسجد جامع تون مدرسه و بیرون مدرسه چند کاروانسرا و بازاری

بوده است بادکانهایی که در دو طرف يك راسته از محلی به نام میدان بازار تا نزدیک یکی از

تکایای معروف شهر یعنی تکیه میدان امتداد داشته است.

در فرهنگ جغرافیایی ایران درباره وضعیت شهری و عمرانی فردوس آمده است که:

«... خیابانی از شمال به جنوب کشیده شده است. از ساختمانهای جدید فقط

ساختمان فرمانداری است...»<sup>۳۰</sup>.

و بالاخره يك مسافر دیگر که در سال ۱۳۴۰ یعنی کم از هفت سال پیش از زلزله،

از فردوس گذشته و یادداشت‌هایی درباره این شهر در سفرنامه خود به جای گذاشته،

بدین گونه تصویر شهر را کاملتر می‌کند که:

«... شهر فعلی تون عبارت است از يك فلکه در ابتدای شهر با چند درخت

سرو و بعد يك عدد خیابان و در دو طرف دکان. همین و همین... مسجد جامع شهر

۲۹ - معصوم علی شاه نعمة اللهی شیرازی، طرائق الحقایق، به کوشش محمدجعفر معجوب، تهران

۱۳۴۵، ص ۳۳۷.

۳۰ - اداره جغرافیایی ارتش، فرهنگ جغرافیایی ایران، جلد نهم، استان نهم، تهران، اسفند ۱۳۲۹.

پاك و پاكيزه است و بادگیرهای شبستان آن عیالواری و جادار.<sup>۳۱</sup>

\*\*\*

اگر بخواهیم بعد از آنچه از پیشینیان و سفرنامه نویسان آوردیم، تصویر کاملتری از فردوس پیش از زلزله به دست دهیم و به نسل بیست و چند سالگان و جوانترهای این شهر بگویم تونی که پدرانشان در آن زندگی می کرده اند، چگونه جایی بوده است، باید بیفزاییم که: در آن سالهای پیشتر از زلزله تون - که تنها چنددهه پیش از آن به فردوس تغییر نام یافته بود - شهرکی متواضع و خاك نشان بود، با کوچه های خاکی و گاهی هم سنگفرش و شنی که تنها خیابان وسط شهر (خیابان پهلوی) فقط چند سال بود که در کمتر از چندصد متر به خود اسفالتی دیده بود. دوفلکه در ابتدا و انتهای شهر قرار داشت، که البته از چندی پیش از آن ساختمانهای خیابان سعدآباد شهر را از قسمت شرقی امتداد می داد و فلکه کنار شهر را آرام آرام ساختمانهایی نو بنیاد و آجری و آهن پوش در میان می گرفت.

ساختمانهای قدیمی شهر، چنان که پیشینیان نوشته اند، همه از خشت و گل بود و خانه های گنبدی و ضربی که هم با گرما سر ستیز داشت و هم سرمای گزنده زمستان را به درون آن راهی نبود. آن کوچه های پیچ در پیچ و باریک و دراز و بن بست، که تنها در چند نقطه شهر بر فراز بخشهایی از خود سباباطهایی خرد و کلان می دید، درهای فروکشیده و چوبی خانه ها را بی هیچ ادعایی در برابر عابران به ردیف کرده بود و درهمه جا بوی آشنای زندگی و یکرنگی با خود داشت.

محله های پنجگانه شهر (سادات، عنبری، میدان، تالار و سردشت) با همین کوچه های پیچ پیچ به یکدیگر راه پیدامی کرد؛ تنها چند دهه بیشتر نبود که خیابان اصلی شهر وجدان یکپارچه آن را دوباره و شهر را عملاً به دو قسمت تقسیم کرده بود. اما ارگ و قلعه شهر، که آن همه از دیرباز آوازه داشت با تخت هلاکوش که در عصر تاتار از پیکر پاك پدران در خاك و خون کشیده ما برآمده بود، سالها بود که روبه ویرانی و تباهی گذاشته بود؛ برج و بارویش سر بر خاك نهاده بود و خندق افسانه ایش به مزرع ای فکسنی و بی نام و نشان بدل شده بود؛ پیشروی ساختمانها در این سالهای آخر قلب آن کهن دژ تاریخ نشان را شرحه شرحه می کرد.

۳۱ - علی اصغر مهاجر، زیر آسمان کویر، سازمان کتابهای جیبی، تهران ۱۳۴۰ ص ۱۹۷.

اما بازار از در جنوبی مسجد جامع و جلو مدرسه علمی تقریباً آغاز می شد با دو رسته دکان برکشیده اش تا میدان بازار پیش می رفت و از آن جا به صورتی ال (L) مانند به دست چپ می پیچید و به تقریب کم از دوصد متری باز با دورسته دکانش بموازات خیابان پهلوی امتداد می یافت. از وقتی خیابان روی رونق به خود دید، مغازه هایش بازرق و برق خاص آن روز با دکانهای آجری و بی آفتاب و سنتی بازار به رقابت برخاسته بود و اقتصاد مدرن شهر به سنت بازارهای عهد عتیق تنه می زد و سینه تولیدات محلی با حضور مصنوعات غیربومی شرحه شرحه می شد. دکاکین متفرقه هم البته درسرگذرها و پسکوچه های محلات بود تا راه دراز بازار و خیابان را از پیش پای آنها که دست وپایی نداشتند بردارد.

مراکز مذهبی شهر گذشته از مساجد سرگذرها و کوچه ها، که باز اعتباری دیرینه و شماری درخور اعتنا داشت، عبارت بود از مسجد جامع و مزار (امام زاده) که جداگانه و در جای دیگر از تاریخ و عمارت آن سخن خواهیم گفت. گذشته از این، تکایای چهارگانه شهر (سادات، تالار، عنبری و میدان) هم بود که مراسم محرم از روزهای ششم و هفتم به بعد در آنها برپا داشته می شد.

در شهر چندین کاروانسرا هم از قدیمها مانده بود و در این سالها که پای ماشین به جاده های شوسه باز شده بود و شبگیر و ایوارهای تاریخی قوافل و کاروانهای زیارتی را از پیش پای زوآر امام و سوداگران دیارهای دور برداشته بود، سالها می گذشت که بر آنها گرد ایام نشسته بود و بعضی از آنها آرام آرام به تیمچه های سوداگری مبدل می شد. راه آمد و شد این کاروانها به شهر دروازه طبس بود در مغرب و دروازه قاینی در جنوب شرق. شهر دروازه های معروف دیگری هم داشت که اغلب راه کشاورزان و روستائیان را به سوی مزارع و روستاهایشان پیش پای آنها می گذاشت. «دروازه ملک» در شمال بود و «دروازه میدان» در شرق، دروازه «سرخ کوه» در غرب و «دروازه سوق» در شمال غرب.

از کاریزها همه سخن گفته بودند، هنوز هم در سرگذشت فردوس جوان، آن رعناي طنازی که پس از زلزله از میان خاکستر مام برباد رفته خود قدبرافراشت و همه ارزشهای سنتی گذشته را درهم پیچید، باید از کاریز گفت که کویر بی کاریز نمی شود،

کناره کویر هم بی کاریز معنی پیدا نمی کند. آب آن کاریزها در دشتها و مزارع حواشی شهر روزی مردم را در ایام خرمین ته انبارهایشان می گذاشت و برخی از آن هم به شهر می آمد و در خانه ای اگر سبزینه ای بود آن را سیراب می کرد و اگر هم نبود باری مردم نظافتی داشتند و شستشویی و رخت و لباسی که با آن گلهای سرشور و یا بیخهای اشنان مالشی بدهند، در زلال جویهای سرگذر نمازی کنند و در سینه آفتابی که همیشه بی دریغ بر سر و رویشان می ریخته است بخشکانند.

از نظافت گفتم، یادم از حمامهای دیرینه سال و تودرتوی شهر آمد با آن سربینه ها و گنبد های فروکشیده و در خاک خزیده که در تاریکیهای صبح که سیه باد خشک کویر برگونه مردان شب شلاق می زد، عجیب گرم و دلپذیر می آمد! وقتی دالانهای دراز سربینه حمام را در تاریکی سحر یا در پرتو دود اندود یک چراغ موشی تا داخل حمام می پیمودی و از راه تن به گرمای خزینه پر آدم و کم آب حمام می سپردی، همه کدریها و کدورتها از تن و جانت فرو می ریخت، مشّت و مال اوستای دلاک البته چیز دیگری بود، که هر چند همگان را دست نمی داد، اما برای آن که بود توش و توان دیگری بود.

این حمامها، اغلب شبها مردانه بود و روزها به زنان اختصاص می یافت و بین الطلوعین البته برای آنها که واجبی داشتند دشواری ایجاد می کرد که با اختصاص برخی از حمامهای کوچکتر به زنان این مشکل از پیش پای برداشته می شد. نام آورترین حمامهای تون در این سالهای اخیر عبارت بود از: حمام جیار، حمام گُرخرمن، حمام زال، حمام قلعه، حمام کوشک و حمام سردشت.

تنها حمامها نبود که از آب قناتهای شهر و اطراف آن سهمی و حق آبه ای داشت، برخی حوضها هم بود که چون آبش مصرف غیر آشامیدنی داشت و مثلاً برای چهارپایان یا آبیاری باغچه ها و امور ساختمان سازی به کار می رفت، از آب این کاریزها در مدار معین خود لبریز می شد؛ دیگر حوضها و حوض انبارها اما داستان جداگانه ای داشت.

نمی توان از حوض و کاریز سخن گفت و از «بلکده» حرفی به میان نیاورد. این که بماند، اصلاً از زندگی در تون گذشته و فردوس حال هم نمی توان گفت و بلده را از یاد برد که اگر نگوییم تمام حیات شهر، دست کم نیمی از مسائل حیاتی آن در گذشته بدون

شك و امروز با اندکی تردید، به همین آب گل آلوده‌ای باز می‌گردد که شرابین آن بردوسوی ستون فقرات زیباترین سبزینه آن صفحات، یعنی باغستان فردوس اغلب اوقات، هنوز هم جاری است و نشان می‌دهد که آن بالاتر در سینه سخاوتمند کلات، هنوز قلب شهر از تپش باز نایستاده است، هر چند که سالخوردگی مزمن و آفت‌زدگی عام منطقه از خشکی و خشکسالی در آن، قدری تصلب شرابین ایجاد کرده و دشواریهایی را در امر خون‌رسانی به تمامی این کالبد فراهم آورده است.

آن بالاها در دامنه‌های کوه هنوز قنات‌ها و چشمه‌سارهایی چند هست که وقتی دست به دست هم می‌دهند و با تمهید تاریخی اندیشه گرانی، که پدران ما بوده‌اند، از سینه خاکزارهای خدا داده آن دامنه‌ها (به تعبیر محلی «تیره‌گه») می‌گذرند و گل ولای را با خود برمی‌دارند دهان باز و اشتهای سیری ناپذیر شزارها را با آن پر می‌کنند و خود خرامان یا بشتاب سربر آستان نارستانها و گندمزراها می‌گذارند یا در فصل پاییز در آغوش گرم زعفرانزارهای هوس‌انگیز فرو می‌روند.

سهمی تاریخی از این بلده پر آوازه هم چندین سده و تاهمین سالهای زلزله از آن حوضها و آب انبارها بوده است.

مطلب به روزگار صفویان باز می‌گردد. بنابر مشهور آن سالها که شاه عباس از اصفهان پیاده به مشهد رضا سفر می‌کرد و سر راه رباطها و کاروانسراهای معروف می‌ساخت، گویا شبی را هم در تون طبس گذرانیده است و به هر دلیل؛ یا به جهت فقر و ناداری اهالی، یا از آن رو که اهالی دیندار و اسلام پناهِش مقدم این زائر پای آبله از راه دراز را به گرمی گرامی داشته‌اند، و به درخواست میرعلیا الحسینی (احتمالاً همان میرتونی معروف) که به دستگاه صفویان پیوستگیهایی داشته است - مقدار ۲۰۵۷ فنجان آب خالص دولتی وقف اصناف چهارگانه شهر - سادات، علما، صلحا و مستحقان - می‌کند و تولیت آن را هم به «سید علیا (میرتونی)» واگذار می‌نماید.

در فرمانی که از شاه صفی به تاریخ محرم الحرام ۱۰۴۲ ه.ق موجود است - و در مورد آب حیاض همیشه ملاک عمل بوده است - از دوطاقه آب وقف حیاض شهر تون یاد شده است. پایین طومار را - که هم اکنون کپی‌هایی از آن در اداره کل اوقاف استان

خراسان در مشهد، موجود است - عده زیادی از معاریف آن عصر امضا و مهر کرده‌اند. بالای آن هم آرم مخصوص عصر صفوی دیده می‌شود و در اعتبار نسخه اصلی آن تردیدی نیست.

گویا در سابق، مثلاً تا اواسط دوره رضاشاه، هر هفت روز يك بار این آب گل آلود به شهر می‌آمده و حوضها را پر می‌کرده‌است. اما چون آب موقوفه حیاض مجموعاً  $\frac{1}{16}$  کل آب بلده است و از طرفی مقدار کمی از آن را هم به منظور تأمین هزینه لوله‌گذاری مسیر با هدف رسانیدن آب تمیز و بی‌گل ولای در همان روزگار رضاشاه، به اهالی و مشترکین آب بلده می‌فروشدند، در نتیجه به تبعیت از مدار کلی بلده این اواخر هر شانزده روز يك بار آب به شهر می‌آمد و تمام حوضها را پر می‌کرد. داستان استفاده از مجرای لوله‌گذاری شده هم گویا پس از ماجرای شهریور ۱۳۲۰ به دلایلی به فراموشی سپرده می‌شود<sup>۳۲</sup>، نتیجه آن که باز هم همان آب گل آلود به شهر می‌آمد و پس از هربار، تا گل ولای آن ته‌نشین شود، یکی دوروزی زمان لازم بود. لوش و لجن ته این حوضها و آب انبارها که دست کم سالی يك بار بایستی پس از تخلیه کنار کوچه‌های تنگ و تاریک شهر انباشته می‌شد، خود البته داستانی است و قضیه کرمهای خاکشیری و یا کفچلیز مانند اغلب آنها داستان دیگری، که سی سالگان کنونی فردوس جوان هم حتی به یاد می‌آورند. تون آرزوی آب لوله‌کشی و بهداشت را با خود به گور برد.

در گوشه و کنار شهر هفت آب انبار بزرگتر بود، هر کدام با حدود ۳۶ تا ۴۰ پلکان آجری که با گنبد های بزرگ آجری و ضربی خود در خاک خزیده بود، تا گرمای بیرون بر ضخامت جدارش کارگر نیفتد و در تابستان هم آبش - آبی که تنها سالی يك بار آن هم در شبهای سرد و یخبندان دی ماه به خود می‌دید - در قلب گرمای نفس گیر تابستان هم دندان شکن باشد. تنها این آب انبارها بود و فقط برخی حوضها - آن هم در همین اواخر - که شیر داشت. وقتی با کوزه سفالی تشنه کامت با آن غرور جوانی از پله‌های پر شیب آب انبار - که یکی در میان پشت سر می‌گذاشتی - فرو می‌دویدی، از میانه پله‌ها، آه چه بوی رطوبت مطبوعی در آن گرمای بی‌مروت تابستان مشامت را می‌نواخت!

این سبوه‌ای سفالین پر آب سر بر شانه آن سبودانه‌ای کمر باریک، عجب تکنولوژی خود یافته‌ای بود که ترا و همه دودمانت را از داشتن یخچال و یخدان و هر چیز مشابه دیگر بی‌نیاز می‌داشت. معجزه گل رُس در آن صفحات را از داشگرهای محلی باید پرسید و کوزه‌گران شهر، که راه کار را حتی از کوزه‌گر دهر - همان که خیام از دست او چه شکایتها که نکرده است - هم بهتر می‌دانستند، و کوزه‌ای را که می‌ساختند هرگز با دست خود نمی‌شکستند.

چهارسوها و گذرهای آفتابگیر، یا سایه‌سارهای سباباطها در فصلهای مختلف وعده‌گاه پیرمردان و پیرزنان خوش‌نشین بود که بنشینند و از مسائل خانواده یا محل خود گپ و گویی داشته باشند، یا متلکی پیرانند و برای دیگری لوغوزی بخوانند و همزمان هم، زنان با چرخ ریشه‌های بزرگ و پردنگ و فنگ و مردان با جلکهای چارپره چوبی نخی بتابند و فردای آن روز یا هفته‌ای و چه می‌دانم ماهی دیگر ارخالقی یا چوخه‌ای برای سالار ممد و جلیزقه‌ای یا تنبانی برای پسر بچه‌ها و عورتینه‌ها ببافند.

## بخش دوم

### تاریخ مردم تون

در سرگذشت تاریخی این شهر، از تون پیش از اسلام اگر هم بوده است، بیشتر از آنچه پیش از این به هنگام بحث از واژه و پیشینه «تون» آوردیم نمی توان سخنی به میان آورد؛ زیرا به فرض آن که براساس مدارك تاریخی موجود - که البته بسیار کم و ناقص و غیر وافی به مقصود است - وجود تاریخی این شهر در گذشته های دور ثابت شود، جستجوی حوادث خاصی که بر آن گذشته و ارتباطش با حادثه سازان تاریخ همچنان در پرده ابهام و اجمال خواهد ماند. تنها کاوشهای باستان شناسی و مطالعات بیشتر می تواند تاحدی پرده از روی این ابهام کنار بزند.

شهری که در حوالی سال ۴۴۴ به نظر ناصر خسرو «اغلب خراب» آمده، اما سابقه وجود چهارصد کارگاه زیلوبافی داشته است، حتماً قرنهای در بستر تاریخ وجود داشته و تکانهای زیادی را پشت سر گذاشته است. همان خرابی آن در عصر ناصر خسرو هم بیشتر به نظر می آید که معلول همین حوادث تاریخی بوده باشد، تا مثلاً حادثه ای طبیعی از نوع خشکسالی و زلزله که همیشه آن منطقه را در معرض تهدید داشته است.

موقعیت جغرافیایی شهر و قرار گرفتنش بر سر راه مناطق شمالی خراسان به مرکز و جنوب هم اگر چه برای آن خالی از پاره ای برکتها و سودمندیا نبوده است، اما در مجموع

باید گفت که از این رهگذر هم لطمه‌ها و نابسامانیهای فراوانی متحمل شده‌است. بویژه به‌هنگام اردو کشیها و عبور سپاهیان به بهانه‌های گوناگون مورد تاخت و تاز و غارت و ویرانی قرار می‌گرفته‌است. و چون پس از آن تقریباً تا حوالی کرمان و یزد، یعنی حدود صد فرسنگ آبادی دیگری نبوده‌است، چه سپاه‌یانی که از جنوب به شمال می‌آمدند و چه آنها که از شمال به جنوب می‌رفتند ذخیره غذای فراوانی از اهالی دست به دهن و مغضوب طبیعت این شهر طلب می‌کرده‌اند و اگر فراهم نمی‌شده‌است البته غضب شاهان و گردنکشان را هم به موازات خشم همیشگی آسمان و زمین، بایستی به جان می‌خریدند؛ و سرگذشت تاریخی این شهر، چنان که خواهیم دید، بیشتر آغشته به همین گونه خشم و غضبهاست. این را هم نباید از یاد برد که اگر امروز نام این شهر غریب دور افتاده را می‌توانیم گه‌گاه در لابه‌لای کتب تاریخ بینیم و غبار استتار از چهره آن فرو شویم به خاطر تحمل همان مصیبتها و پی‌سپاریهایی است که گردنکشان بتناوب در آن صفحات داشته‌اند، زیرا که تاریخ‌نویسان همیشه در التزام شاهان بوده‌اند و سفرنامه نویسان هم جاهای خوش آب و هوا تر و دلپذیر تر را همواره ترجیح می‌داده‌اند.

نخستین خبر موثق از سرگذشت تاریخی تون و در ارتباط با همین گردنکشان به روز پنجشنبه بیست و پنجم شوال سال ۴۲۵ هجری قمری باز می‌گردد که «... از اتفاق احمد علی نوشتکین از کرمان به راه تون به هزیمت» به نیشابور آمده‌بود و «از خجالت آن جا مقام کرده و سوی او نامه‌رفته تا به درگاه آید».<sup>۱</sup>

تنها حدود سه سال پس از این ماجراست، یعنی درست روز پنجشنبه بیست و دوم ربیع‌الاول سال ۴۲۸ که باز به گزارش بیهقی، «نامه‌ها رسید از خراسان که ترکمانان در حدود ممالک پراکندند و شهر تون غارت کردند»<sup>۲</sup>، و این مشکل ترکمانان را شهر تون از همان روزگاران قدیم داشته‌است، تا همین سالهایی که نسل پیش از ما در آن می‌زیسته‌اند و خاطره‌های ناشیرینش را بسیاری از بقایای آن نسل هنوز از یاد نبرده‌اند این هجومها و

۱ - ابوالفضل بیهقی، تاریخ بیهقی، به تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه مشهد، چاپ دوم

مشهد ۱۳۵۶، ص ۵۵۰.

۲ - همان کتاب، ص ۶۷۹.

ناامنی‌ها که آن‌همه استحکامات و کهندژ و ارگ و خندق را در شهر سبب شده بود، غیر از آسیبهایی است که تونیان همه ساله از اردو کشیهای گردنکشان می‌دیده‌اند.

سال ۴۲۸ که بیهقی در آن از غارت تون سخن می‌گوید تنها شانزده سال پیش از تاریخی است که ناصر خسرو اغلب آن را خراب دیده‌است؛ کسی چه می‌داند، شاید بخشی از آن خرابی هم از رهگذر همین غارت ترکمانان بوده‌است.

کمتراژ ثلث‌قرنی پس از این تاریخ است که پای اسماعیلیان به قهستان بازمی‌شود و برای نخستین بار یکی از داعیان حسن صباح به نام «حسین قائی» مردم آن سامان را به کیش اسماعیلی فراخواند و به دنبال آن جنبش آنان را در هیأت قیامی برای استقلال منطقه رهبری کرد و سرانجام به سال ۴۸۴ قلعه‌هایی را در حدود قاین و تون به تصرف خود درآورد<sup>۳</sup> و پرچم نهضت اسماعیلی را در آن سامان به گونه‌ای برافراشت که حتی کوششهای ملکشاه سلجوقی هم در دفع آنان، به نتیجه چندانی نرسید و سپاهی که وی در سال ۴۸۵ به امیری یکی از خواص خود به نام غزل سارغ برای سرکوبی آنان فرستاده بود، همین که خبر مرگ ملکشاه را شنیدند به قول صاحب جهانگشا «... متفرق شدند و آن جماعت نیز چون طاغیان الموت دست تطاول به هر طرف دراز کردند و پای تعدی بکشیدند»<sup>۴</sup>.

بنابر این مردم تون به قول یاقوت «... همچنان اهل سنت و صلاح بودند تا ملاحظه بر آن‌جا استیلا یافتند و در نتیجه فساد به آنان راه یافت»<sup>۵</sup> فساد که سنجر هم با آن همه کوشایی که در دفع ملاحظه از خود نشان داد، نتوانست از سرزمین قهستان ریشه‌کن کند و صدسالی بعد از او هم اهالی تون و همه قهستان صمیمانه بدان دل داده بودند و دژهای استوار آن را به صورت پناهگاههایی هول‌انگیز برای فدائیان اسماعیلی درآورده بودند، تاهرگاه که فرمانی برسد خنجری از آستین به درآوردند و اگر نه در سینه نرم سنجر، که بر بالین او در سینه سخت خاک فرو کنند.

۳- برنارد لوئیس، فدائیان اسماعیلی، ترجمه فریدون بدره‌ای، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۸، ص ۶۹.

۴- عطا ملک جوینی، تاریخ جهانگشا، ۳/ ۲۰۲.

۵- یاقوت حموی، برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۲،

مردمان تون همچنان بر مذهب اسماعیلی بودند و در جنگ و گریز با حکومت مرکزی یا اقوام مجاور مثل سیستانی‌ان و غوریان با آنان مشارکت داشتند تا این که در بهار سال ۶۵۳ سپاه تاتار که از قلع و قمع بلاد اندکی فراغت یافته بودند به رهبری هلاکو، نواده چنگیز خان مغول: «بر عزم جهاد و اقلاع قلاع الحاد به عقد رایات و بنود و احتشاد جنود اشارت رانند، تمامت لشکرها که در آن حدود بودند، از ترك و تازیك مستعد گشتند. و چون قصبه تون هنوز از روی صورت زیون نگشته بود و همچنان بر سر ضلالت قدیم بود، ابتدا قاصد آن شده، در اوایل ربیع الاول به طالع مبارك مراکب فتح و ظفر بارگیر مراد ساخت.

چون به حدود زاوه و خواف رسید، عارض عارضه‌ای سایه افکند. کوکایلیکای و کید بوقا و امیران دیگر را نامزد فرمود تا چون به آن جا رسیدند نود آن جا مقاومتی کردند تا هفتم روز که لشکر بر حصار رفتند و باره آن را با زمین یکسان کردند و تمامت مردان و زنان را به صحرا رانند و از ده ساله تیر بالا مگر زنانی را که جوانتر بودند نگذاشتند و از آن جا کامیاب و کامران بابتدگی شاه جهان آمدند و عزم طوس کردند.<sup>۶</sup> از روایت جهانگشا در مورد این واقعه چنان بر می آید که پیش از این تمام منطقه و هم در ظاهر شهر تون به سپاه مغول تسلیم شده بود و این ظاهر آ باید زمانی بوده باشد که: «در دوره حکومت منگوقا آن هلاکو خان مأمور تسخیر این ناحیه شد. هلاکو در سال ۶۴۳ از جیحون گذشت و از طریق بلخ و خواف به خراسان آمد و ملک شمس الدین کرت را به رسم رسالت پیش ناصر الدین محتشم قهستان فرستاد و او را به قبول آن خواند. ناصر الدین که در این تاریخ پیرمردی ضعیف بود به همراهی ملک شمس الدین به حضور هلاکو رفت و تسلیم گردید. هلاکو مقدم او را محترم داشت و به حکومت شهر تون فرستاد.»<sup>۷</sup>

این ناصر الدین، واپسین محتشم اسماعیلی قهستان و کرسی ولایتش تون بود. وی از مردان دانشمند و علم پرور روزگار خود بود و علما و حکما را از اطراف و اکناف به درگاه خود فرا می خواند. نام خواجه نصیر الدین توسی و آوازه فضل و دانش و تبحر او را

۶- همان مأخذ، ص ۱۰۳.

۷- عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، چاپ سوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۴۷، ص ۱۷۵.

در علوم شنیده بود و به قهستان دعوتش کرد<sup>۸</sup>، خواجه هم که از فتنه و آشوب خراسان در بیم بود، دعوت او را پذیرفت. دژهای استوار اسماعیلی را قرارگاهی امن و اندیشه شیعی را پایگاهی استوار یافت و ظاهراً در تون با دستگاه آنان ملازم شد. کتاب مشهور اخلاق ناصری را هم به خواهش همین ناصرالدین محتشم و به نام او تألیف کرد، اما چنان که مشهور است با آنها نتوانست کنار بیاید «وبعدھا ناصرالدین بر او خشم گرفت و او را به قلعه میمون دژ الموت فرستاد»<sup>۹</sup> و ظاهراً در سالهایی که هلاکوبساط اسماعیلیان و عباسیان را درهم می پیچید یعنی میان سالهای ۶۵۴ تا ۶۵۶ خواجه به دستگاه خان مغول نزدیک شده بود.

«سه سال قبل از آن که هلاکو شخصاً قدم به میدان نبرد گذارد یکی از سردارانش به نام بوقانونین علیه اسماعیلیان دست به لشکرکشی زد. وی بزودی شهر تون و چند قلعه از قلاع اسماعیلی را تصرف کرد ولی قبل از آن که هلاکو خود به میدان آید، اسماعیلیان توانستند تون و قلاع دیگر را دوباره در حصار گیرند»<sup>۱۰</sup>

استحکامات اسماعیلیان در قهستان که بیشتر از یک قرن قرار و آرام از دولت سلجوقی گرفته بود، بویژه قلعه های استوار آنان بر قلل کوه های بلند که تعدادش به روایت منهاج سراج از هفتاد می گذشت و بقایای برخی از آنها هنوز در کوه های اطراف فردوس باقی است، از مهمترین هدف های جنگی مغولان در خراسان به حساب می آمد، بنابراین برای تسخیر آن، انواع تمهیدات را به کار گرفتند و چون اقدامات و یورش های سرداران مغول برای ریشه کن کردن شورش های اسماعیلیان کفایت نکرد به روایت لب التواریخ .

«هلاکوخان بن تولی خان چنگیزخان به فرمان برادرش منگوقاآن در شوال

سنه ۶۵۳ از جیحون عبور کرده به ایران آمد و به قلع و قمع ملاحظه پرداخت و در

۸ - محمدتقی مدرس رضوی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۴، ص ۸

۹ - هاجسن، فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران ۱۳۴۳، ص ۴۴۹.

۱۰ - احمد ارمانی، فردوس در گذرگاه تاریخ، متن تابی از انتشارات کتابخانه عمومی فرهنگ و ارشاد

اسلامی، فردوس، ۱۳۶۶، ص ۱۵-۱۶.

تون و توابع آن که منشأ فرقه طایفه‌ای از اسماعیلیه بود، قتل عام نمود.<sup>۱۱</sup> در دناکترین خاطره برچهره خراشیده تون که همه حوادث تاریخی دیگری را که بر آن گذشته بکلی از یادها برده است، همین قتل عام هول‌انگیزی است که به دستور خان مغول در این شهر پیش آمده است. گویی در مورد این شهر هم بمانند کل تاریخ ایران مغولان روی همه ستمگران را سفید کرده‌اند، که در این قتل عام تمامی سکنه آن مگر زنان جوان و به گفته رشیدالدین محترفه و پیشه‌وران همگی قتل عام شدند. منابع تاریخی تعداد این کشتگان را دوازده هزار تن یاد کرده‌اند.<sup>۱۲</sup>

اگر تاریخ به ثبت این حادثه در دناک در سرگذشت مردم این شهر، اهتمام چندانی به خرج نداده یا به اشاره‌ای اجمالی اکتفا کرده است، از آن روست که سروگوش مورخان در آن سالها از نظایر این حادثه پر بوده و قتل عامهای دامنه‌دار و هول‌انگیزی که چنددهه پیش از آن در نیشابور و خوارزم و... روی داده و دوست و دشمن را به همدردی و نوحه‌گری کشانیده است، امثال حادثه تون را بی‌رنگ و خالی از اهمیت جلوه داده است. این جا هم قلم در دست دوستان است، که هر چند بسیار هم انصاف داشته باشند کینه خود را نسبت به ملاحده و ارادت خویش را به خان مغول نمی‌توانند پنهان بکنند.

اما مردم جبران این قصور را کرده‌اند و برای آن که این خاطره در دناک همچون اسطوره‌ای در ضمیر نسلهای بعد ته‌نشین شود، سفاکی سردار مغول را چنین عینیت داده‌اند که دستور داد جنازه کشتگان را روی هم انباشتند و تختی ترتیب دادند که سردار شبی را بر فراز آن در خواب خوش فرو رفت. این همان تپه ماندی بود که در بخش شرقی ارگ سابق شهر از قرن‌ها پیش و تا همین امروز به «تخت هلاکو» معروف بوده است. به این هم اکتفا نشده است، همیشه تونیان می‌گفته‌اند که قبرستان «خاموشی» در جنوب تون آرامگاه کشته‌شدگان فاجعه مغول بوده است.

خاموشی تون پس از این کشتار البته حتمی و اجتناب‌ناپذیر بود، زیرا تمام نیروی

۱۱- یحیی بن عبداللطیف، لب‌التواریخ، تهران ۱۳۱۴، ص ۱۴۰.

۱۲- جی. آ. بویل (گردآورنده) تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۶،

کارشهر به دیار خاموشان - شاید همان گورستان خاموشی - روانه شده بودند. از زنان و پیران و خردسالان - اگر مانده بودند - چه کاری ساخته بود؟ بویژه که همانها هم به علت بلا صاحب ماندن قنات و زمینها، در معرض گرسنگی و نابودی قرار داشتند. راست است که ایلخانان جانشین هلاکو که در فرهنگ ایران و اسلام مستحیل شده بودند، با اقدامات اصلاحی و عمرانی، بخشی از تباہکاریهای نیاکان خود را ترمیم کردند، اما مدارکی تاریخی در دست نیست که نشان بدهد سهمی از این اقدامات عمرانی ایلخانان هم نصیب تون شده باشد. اما چنان نیست که در همان دوره ایلخانان هم یکسره نامی از تون در میان نباشد؛ مجمل فصیحی ذیل حوادث سنه ۷۰۲ می نویسد:

«قتل ربیعی خطیب فوشنج، شاعر و ندیم ملک فخرالدین محمد کرت که یکبار از ملک فخرالدین مذکور ناامید شد و بگریخت و به تون و قهستان رفت.»<sup>۱۳</sup>

در عصر سریداران هم از یکی از مریدان سرسخت شیخ حسن جوری به نام خواجه اسد یاد کرده اند که در «قریه ای از قرای تون» بوده است و ارغون شاه در حق او گفته است که: اگر شیخ حسن ده مرید مثل این داشته باشد، عالمی را خراب کند.»<sup>۱۴</sup>

قرار نبود که شهری به قدمت و استقامت تون در کشاکش حوادث از پای درآید و چنان که پیداست از همان دوره ایلخانان رشد و اهمیت دوباره خود را آغاز کرد و تا به دوره گورکانیان برسیم تون را بار دیگر در مسیر حوادث و اردو کشیهای فرمانروایان آن صفحات می بینیم. اگر مندرجات کتاب منم تیمور جهانگشا، صحت تاریخی داشته باشد - که البته بعید به نظر می رسد - باید گفت که خود تیمور ضمن یورشها و اردو کشیهای گزری بر جنوب خراسان داشته و دست کم از بشرویه گذشته است<sup>۱۵</sup>. اما ظاهراً تون نباید از

۱۳- احمد بن جلال الدین محمد خوافی، مجمل فصیحی، به تصحیح محمود فرخ، کتابفروشی باستان،

مشهد، ج ۳، ص ۴.

۱۴- میر محمد بن سید برهان الدین خواندشاه، تاریخ روضة الصفا، کتابفروشی خیام، تهران ۱۳۳۹،

۶۰۸/۵.

۱۵- رك: مارسل بریون، منم تیمور جهانگشا، ترجمه ذبیح الله منصوری، مستوفی، تهران ص ۸۴؛ به نقل از

ارمغانی، همان جزوه، ص ۱۷.

حمله تیمور آسیبی دیده باشد زیرا در زمان جانشینان او آبادی و اهمیتی داشته و مرتب به تیول این خان و آن امیر می‌رفته است. مجمل فصیحی در وقایع سال ۸۱۲ می‌نویسد:

«وچند گاه بود که امیرزاده اسکندر از برادر گریخته، بعضی اوقات در «دیه محمد» که از توابع رقه قهستان است مقام داشت و گاهی به شهر تون می‌رفت، اما دایم به حزم و احتیاط بود.»<sup>۱۶</sup>

در حدود سال ۸۵۲ که بابر به هرات آمد و مملکت خراسان او را مسلم گشت:

«تون را به رسم سیورغال به میرزا علاءالدوله داد و علاءالدوله هم پسر خود میرزا ابراهیم را به این ولایت فرستاده و خود در هرات اقامت نمود. چیزی نگذشت که میرزا بابر میرزا علاءالدوله را گرفته حبس کرد و مأموری به تون فرستاده میرزا ابراهیم پسر میرزا علاءالدوله را به هرات آورد.»<sup>۱۷</sup>

از این پس چنین به نظر می‌آید که تون باید در تصرف میرزا بابر باشد. و حال آن که ظاهراً بعد از این تاریخ است که امیری به نام عبدالرحیم دولدای مأمور ضبط قهستان می‌شود؛ اما وقتی به آن جا می‌رسد، احمد یساول حاکم قاین به اتفاق فرامون داروغه تون با عبدالرحیم رزمی جانانه می‌کنند و پس از شکستی سخت که بر او وارد آوردند، سرش را از بدن جدا می‌سازند.<sup>۱۸</sup>

شاید سرکشیهایی که در تون می‌شده است، میرزا بابر را نسبت به این شهر بر سر کین می‌داشته است به همین دلیل در ذکر حرکت بابر از خراسان به جانب عراق و فارس، می‌خوانیم که:

«بالجمله چون موکب همایون به ظاهر بلده تون رسید، غله در آن دیار نایاب بود. رعایا غله را به امید غلادر صدد بیع نمی‌آوردند. میرزا بابر فرمود که هر جا غله باشد بردارند تصرف نمایند و سپاه قیامت نهیب به بهانه غله جستن به خانه‌های مردم

۱۶ - خوانی، مجمل فصیحی، ص ۱۹۰.

۱۷ - اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، به کوشش دکتر محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران

۱۳۶۴، ج ۲، ص ۷۰۰.

۱۸ - رك: خداوند شاه، تاریخ روضة الصفا، ۶ / ۷۸۰.

می آمدند و هر چه می دیدند برمی داشتند و از نهب و سلب دقیقه ای فرونگذاشتند.<sup>۱۹</sup> بدون شك اگر قلم در دست مورّخی می بود که به اندازه صاحب روضة الصفا دلبسته با بریان و ستایشگر همه اقدامهای آنان نبود، تصویر این غارت بسیار هولناکتر از این که هست می بود. جغرافیای اقتصادی منطقه، حتی در زمان گورکانیان، به ما می گوید که داوری صاحب روضة الصفا در باب این که رعایا به امید گرانی از فروش غله خود سرباز می زدند، چندان منصفانه نیست. شهری به خشکی و کم آبی تون، با آن محصول اندکی از غله، که فقط گاهی به زحمت كفاف يك سال اهالی را می داده و بسیاری از سالها هم در قحطی و کمبود چشم به کرامت راههای دور دوخته بوده است، نمی تواند آن مقدار غله داشته باشد که برای تأمین آذوقه لشکری که برای فتح عراق و فارس می خواهد قدم به برهوت کویر بگذارد و تا یزد آبادی دیگری بر سر راه خود ندارد، کفایت کند. بنابراین مردم حق داشته اند که از فروش غله سرباز زنند، و خدا می داند که بعد از این نهب و غارت چه به روزگار آنها آمده و تا چند سال دیگر نتوانسته اند کمبودها و مرگ و میرهای ناشی از آن را جبران کنند.

تون این خاطره تلخ را از اردو کشی میرزا بابر از یاد نبرده بود که به تصرف ترکان درآمد. با شناختی که از شهر پیدا کرده ایم این تصرف هم نباید بی مقاومتی از جانب اهالی صورت گرفته باشد، چرا که ترکان در آن صفحات کاملاً بیگانه و غیربومی تلقی می شده اند، بدیهی است که براساس تجربه های تاریخی پاسخ هر مقاومتی هم کشتار بوده است و ویرانی. هنوز نباید ترکان در این شهر استقرار چشمگیر پیدا کرده باشند که در بازگشت از سفر عراق و فارس موکب همایون میرزا بابر که از بلده یزد روان شده بود، «چون به تون رسید آن ولایت را از فرمان ترکان باز ستد و امیر غیاث الدین سلطان حسین در رکاب نصرت انتساب از تون نهضت فرمود و سایه وصول بر دارالسلطنه هرات مبسوط گردانید.»<sup>۲۰</sup>

ظاهراً این بازپس گیری به معنی فیصله یافتن کار تون نبوده است و احتمالاً

۱۹ - همان کتاب، ۶/۳-۷۸۲.

۲۰ - خواننده شاه، همان کتاب، ۶/۷۸۵.

مقاومتهایی چه از ناحیه اهالی و چه از طرف همان ترکانی که پیشتر آن ولایت را به تصرف خود در آورده بودند، اعمال می شده یا دست کم خطر آن بکلی منتفی نبوده است، زیرا که در همین سفر،

«چون امرا و شاهزادگان به جام رسیدند، از جانب تون فرستاده امیرسلطان حسین به موکب همایون پیوست و پیغام امیرشارالیه را به عرض رسانید که خاطر از جانب این ولایت جمع دارند که بغایت مضبوط است.»<sup>۲۱</sup>

مقارن با او جگیری دولت صفویه که اساساً به مذهب و شهرهای مذهبی عنایت خاصی از خود نشان می دادند، تون روی هم رفته آن اهمیت و اعتبار را داشته است که شاه طهماسب یکی از امرای نامدار خود به نام سلیمان خلیفه ترکمان ولد سهراب را به حکومت تون و طبس بفرستد<sup>۲۲</sup>. همین سردار چندبار در کشمکشهایی که حکومت مرکزی با سرکشان و دشمنان خود داشت، به کمک شتافت<sup>۲۳</sup>.

در آغاز روی کار آمدن شاه عباس اول یعنی درست در سال دوم حکومت او، سلیمان خان پسر شاه علی میرزا استاجلو که حاکم تون و طبس بوده است مورد تهاجم ترکمانان امیرخانی، بویژه شاه بوداق قرار می گیرد و قلعه تون را می بندد و چندگاه با او به جنگ و ستیز می گذراند و چون عرصه براو تنگ می شود، ضمن ترك آن ولایت به عراق می گریزد<sup>۲۴</sup>.

ترکمانان در سرگذشت این شهر سابقه خوشی ندارند، بدون تردید آنان هم نباید از تباہکاری و درهم کوبیدن مقاومت مردم روی برتافته باشند.

خراسان به دلیل نزدیکی به ماوراءالنهر بیشتر از هرجای دیگر از یورش اوزبکان آسیب دید. مقارن بانخستین سالهای روی کار آمدن شاه عباس اول اوزبکان شهرهای خراسان شمالی را یکی پس از دیگری به تصرف خود در می آوردند و سرداران قزلباش را

۲۱- همان کتاب ۶/۸۰۶.

۲۲- اسکندریک ترکمان، عالم آرای عباسی، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۰، ص ۱۴۰.

۲۳- ر.ک: همان کتاب، ص ۲۵۶ و ۲۹۶؛ ایضاً، محمودبن هدایت الله افوشته ای نظری، نقاوة الآثار فی

ذکر الاخبار، به اهتمام دکتر احسان اشراقی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۰، ص ۱۳۹.

۲۴- اسکندریک ترکمان، همان کتاب، ص ۴۰۳.

از آن صفحات عقب می‌رانند. عالم‌آرای عباسی<sup>۲۵</sup>، ماجرای بازپس‌گیری تون و شهرهای جنوبی خراسان را از اوزبکان در خلال حوادث سال ششم جلوس شاه‌عباس اول آورده است. اجمال سخن آن که:

در آغاز این سال بعد از فتح گیلان سپاه قزلباش به جانب خراسان در حرکت آمد و کسان به احضار لشکرهای ممالک فرستادند. به ولی‌خان و اسماعیل‌خان امرای کرمان حکم شده بود که از راه یزد و طبس به خراسان آیند و به اردوی شاهی پیوندند. در این زمان مصطفی بیگ کنگرلو از جانب حکومت مرکزی حاکم تون و طبس بود و جماعت اوزبکان بر آن حدود مستولی شده بودند و بویژه ولایت تون را به تصرف خود درآورده بودند. در این سال که خبر ورود موکب شاهی به خراسان شایع شد، مصطفی‌خان به عزم بازپس‌گیری تون با دوستان و پنجاه نفر از جنگجویان استاجلو و برخی ملازمان خود از طبس به تون رفت و شهر بند قلعه تون را از اوزبکان بازپس گرفت و قوری میرزا را که حاکم اوزبکی تون بود در ارگ به محاصره درآورد. محصوران کس به هرات فرستادند و استمداد خواستند. میرقلبا کوکلتاش حاکم هرات و دین محمد سلطان خواهرزاده عبدالله خان، مشهور به یتیم سلطان، یک‌هزار جنگجوی اوزبک را به سرکردگی شخصی بهادر به نام «ناجولی» به دفع لشکر قزلباش و کمک به محاصره شدگان قلعه تون فرستادند. مصطفی خان مردانه با فوج کثیر اوزبک جنگید، اما سرانجام تاب مقاومت نیاورد و به همراه یاران اندک با پناه گرفتن در حصار اسبان خود تا حدود آیسک (āyask) به حالت جنگ و گریز عقب نشست. در آیسک به میان حصار ده درآمدند و دیوار بست آن را پناه خود ساختند. اوزبکان در بیرون قلعه فرود آمدند و آن شب از جانبین پاس داشتند. از این طرف امرای افشار و لشکر کرمان در طبس از مشکل مصطفی‌خان اطلاع یافتند و با شتاب به جانب آیسک روانه شدند. روز دوم که مصطفی‌خان در دیوار بست آیسک حصاری بود به آن موضع رسیدند. همین که سپاه قزلباش که به حدود شش هزار می‌رسیدند از دور نمایان شدند، اوزبکان پریشان خاطر پا به فرار گذاشتند. مصطفی‌خان از حصار بیرون آمد و به اتفاق دلاوران افشار معرکه رزم و پیکار با اوزبکان را گرم کرد.

۲۵ - اسکندریک ترکمان، همان کتاب، ۴۵۵/۲ به بعد.

اوزبکان در حملهٔ اوّل شکست خوردند و گروهی کثیر طعمهٔ شمشیر انتقام شدند. جان محمد دیوان بیگی که از بزرگان اوزبکیه و دیوان بیگی یتیم سلطان بود با چند نفر از سرداران دیگر خود به اسارت درآمد. چون این خبر به جماعت اوزبکانی که در قلعهٔ تون بودند، رسید تاب توقف نیاوردند؛ ارگ را خالی کردند و راه فرار پیش گرفتند<sup>۲۶</sup>. بعد از درهم شکسته شدن مقاومت اوزبکان، خبر رسید که موکب شاهی از خراسان به جانب عراق بازگشته است. از این رو مصطفی خان در تون و گناباد ماند و امرای افشار از راه ترشیز و سبزوار به عراق عجم رفتند و در اصفهان جان محمد دیوان بیگی و اسیران را با سرهای کشته شدگان به حضور پادشاه عرضه داشتند. همزمان با این احوال یتیم سلطان با برادران و سپاه اوزبک بر سر سلطان علی خلیفه شاملو رفته او را در قلعهٔ درخش به محاصره درآوردند. توضیح آن که سلطان علی مغضوب درگاه شاه عباس بود و بی رخصت درگاه عالی به جانب قاین رفته بود در حالی که امیر حمزه خان استاجلو از طرف پادشاه حکومت قاین یافته بود. سلطان علی خود سرانه بر قاین دست یافت و به هواخواهی از رستم میرزا حاکم قاهر قندهار برخاست. سلیمان خلیفه هم با یاران خود به طرف قندهار و زمیندور رفت. عده ای دیگر از امرای قزلباش و گروهی از مردم خراسان هم به هواخواهی او برخاستند و وی را به آمدن به خراسان ترغیب کردند، اما او به دلیل مصالحه با برادر به خراسان نیامد و این جماعت از او مأیوس گشتند. این وقایع در سال هفتم جلوس شاه عباس روی می داد. مقارن این ایام سلیمان خلیفه به ولایت تون و گناباد اعزام شده و سلطان علی خلیفه شاملو حکومت قاین یافته بود. دسته هایی از قزلباش که در خراسان مانده بودند بر آنها گردآمدند و هر يك قشونی آراسته ترتیب دادند. از طرف دیگر مصطفی خان کنگرلو حاکم طبس را هم به یاری خواستند و به ارادهٔ تصرف برخی از صفحات خراسان که هنوز کاملاً نفوذ اوزبکان در آن جا استقرار نیافته بود، به ترشیز رفتند. در ترشیز هم چهار هزارتن از امرای و اعیان شاملو و استاجلو و ترکمان و قاجار که هواخواه دولت قزلباش بودند به یاری

۲۶ - به این واقعه در مآخذ دیگر هم به اختصار اشاره شده است، از آن جمله رك:

- افوشته ای نطنزی، همان کتاب، ص ۴۱۴.

- خواننده شاه، تاریخ روضة الصفا، ۸/ ۲۶۵.

آنان شتافتند و بالاتفاق به قلعه کرات ترشیز تاختند و دین محمد سلطان اوزبک را متواری کردند و جمعی کثیر از طرفداران او را به قتل آوردند. اما خود او از معرکه به سلامت جان به در برد و به یتیم سلطان که از طرف عبدالله خان اوزبک در خراسان بود، پیوست. یتیم سلطان از حاکم هرات استمداد خواست و در قلعه ازغند ترشیز بر قزلباشان تاختن آورد و آنها را درهم شکست. سلیمان خلیفه سردار لشکر در نبرد با دین محمد کشته شد، اما سلطان علی خلیفه از معرکه جان سالم به در برد ولی در جنگ و گریزی که در حدود قاین با اوزبکان داشت در قلعه «آویز» به قتل رسید. این واقعه به سال ۹۹۹ هـ اتفاق افتاد.

از آن میان تنها یکی از سران قزلباش و نزدیکان به شاه عباس یعنی مصطفی خان بود که با اکثر سپاهیان خود جان سالم به در برد و خود را به طبرستان رسانید و بعد از چندی به تون رفت. چون یتیم سلطان از بودن او در تون با خبر شد با چهار هزار اوزبک بر سر او تاخت. مصطفی خان در شهر بند تون با تنگچیان خود حصار می ماند. اوزبکان خواستند با نیرنگ او را به صحرا کشند، برای آن که ظاهراً تصرف شهر با استحکاماتی که داشت برایشان ناممکن می نمود، از این رو به حالت فرار رو به بازگشت نهادند. مصطفی خان که کمیت و کیفیت لشکر اوزبک را نمی دانست از شهر بیرون آمد و به تعقیب آنان شتافت. اوزبکان بازگشتند و پس از یک نبرد سخت وی را به قتل رسانیدند.

بعد از قتل مصطفی خان ایالت طبرستان به تیمور سلطان کنگرلو که خویشاوند مصطفی خان بود واگذار گردید. اما چون اوزبکان در آن سرحدات همچنان به دست درازیهای خود ادامه می دادند وی از عهده ضبط آن بیرون نتوانست آمد و بنابراین از طرف حکومت مرکزی آن ولایت به محراب خان قاجار تفویض گردید و او تازمان فتح خراسان در آن سرحدات مردانگیهای بسیار از خود نشان داد.

در زمانی که محراب خان حکومت طبرستان داشت، گویا هنوز تون در اشغال اوزبکان می بود. زیرا بنا بر گزارش عالم آرا<sup>۲۷</sup>: محراب خان در سال دوازدهم جلوس شاه عباس اول عزیمت اردوی همایون نمود. سر راه الله یار اعلان حاکم تون را در شهر به

۲۷ - اسکندریک، همان کتاب، ۲/ ۵۷۶.

محاصره خود درآورد. دريك گرمگاه که یاران محراب خان از تردد باز مانده و در گوشه‌ای به استراحت مشغول بودند، الله‌یار اعلان از شهر بیرون آمده با فوجی از اوزبیکه که در تون می‌بودند پا به فرار گذاشتند. محراب خان به تعقیب آنان روی آورد و خود او را اسیر کرد و یاران اوزبیک وی را از دم تیغ گذرانید. سپس الله‌یار را در هرات به پایه سریر اعلی رسانید که به پاداش حکومت خواف و باخرز به او تعلق گرفت.

سرگذشت تون در عصر شاه عباس اول کمی هم به مرز افسانه نزدیک شده است. پاره‌ای از این روایات شفاهی درباره موقوفات شاه عباسی را که اهالی کهنسالتر شهر سینه به سینه دریافت کرده‌اند و در کتاب تاریخیچه فردوس<sup>۲۸</sup> هم نقل شده است، در واپسین صفحات فصل پیشین آورده‌ایم و از تکرار آن چشم می‌پوشیم.

بنابریک گزارش تاریخی<sup>۲۹</sup> در سال ۱۰۵۹ هجری میرزا عنایت بیك نامی به پاداش رشادتی که دریکی از جنگها از خود نشان داد، از طرف حکومت صفوی، داروغگی و حکومت تون و طبس به وی واگذار گردید.

مقارن سالهای آخر حکومت صفوی، ولایت تون قلمرو حکومت ملك محمود سیستانی بود که خود را از اولاد صفاریان می‌دانست. در سال ۱۱۳۲ که خبر قتل صفی‌قلی خان سردار به دست افغانه هرات به دربار صفوی رسید، اسماعیل خان غلام به رتبه سپه‌سالاری نایل آمد و مأمور تسخیر هرات گردید و با این عنوان وارد مشهد شد. در این ایام ملك محمود علكم طغیان برافراشته، خودرایی آغاز کرده و حتی بنا به روایتی شهر یزد را مورد تهدید قرار داده بود<sup>۳۰</sup>. اسماعیل خان از سرکشی و بی‌تمکینی ملك محمود رنجید و فتحعلی خان نامی را که سمت بیگلربیگی مشهد مقدس با او بود، با فوجی قزلباش مأمور سرکوبی ملك محمود کرد.

۲۸ - نقوی پاکباز، همان کتاب، ص ۲۱.

۲۹ - محمد مفید مستوفی، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، کتابفروشی اسلامی، تهران ۱۳۴۰، جلد

سوم، ص ۲۸۹.

۳۰ - ويلم فلور، برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سري، چاپ اول، انتشارات

توس، تهران ۱۳۶۵، ص ۱۷۷.

فتحعلی خان در این مأموریت ملک محمود را در قلعه تون به محاصره درآورد. مدت محاصره حدود یک ماه به درازا کشید، تا این که شبی پیرمحمد نامی که از ملازمان فتحعلی خان بود، از وی رنجیده خاطر شد و خود را به قلعه رسانید و ملک محمود را از ضعف قزلباشان آگاه کرد<sup>۳۱</sup>. ملک محمود با استفاده از فرصت بر سر سپاه قزلباش تاخت و طی نبردی فتحعلی خان را به قتل رسانید.

پس از این توفیق وی در سال ۱۱۳۵ با استفاده از ضعف حکومت مرکز و آشوب افغانه به مشهد تاخت و در آنجا استقلال به هم رسانید. نیشابور را هم گرفت و در مشهد به نام خود سکه زد و خطبه خواند. و تا چند سال بعد که به دست نادر به قتل رسید در خراسان فرمانروایی داشت<sup>۳۲</sup>. میرزا مهدی خان که واقعه ملک محمود را با تفصیل آورده، از این قضیه با عنوان «مجادله تون»<sup>۳۳</sup> و «معرکه تون»<sup>۳۴</sup> یاد کرده است. چندی بعد از این واقعه یعنی نوروز سال ۱۱۴۰ نادر ابوطالب خان و عبدالمطلب خان لالویی را که حاکم تون بودند و در حواشی مملکت فتنه انگیزی می کردند همراه هرات در منزل جام کشت. (درة نادره ص ۲۷۵)

از برخی مدارک ناموثق چنین پیداست که نادر هنگامی که از عراق عجم عازم خراسان بوده از تون گذشته و گویا در آنجا توقیفی هم داشته است<sup>۳۵</sup>. تفصیل ماجرا در

۳۱- خواننده شاه، روضة الصفا، ۸/ ۱۲.

۳۲- به ماجرای سرکشی، حبس، قتل و استیصال ملک محمود که در حکومت تون خودکامگی آغاز کرد و در مشهد علم اقتدار برافراشت، در مآخذ عصر نادر هم اشاره شده است، از جمله رک:

الف- محمد شفیع تهرانی، تاریخ نادرشاهی، نادرنامه، به اهتمام رضا شعبانی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۹، ص ۱۵.

ب- میرزا مهدی خان استرآبادی، تاریخ جهانگشای نادری، به اهتمام سیدعبدالله انوار، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۴۱، ص ۱۲ تا ۹ و ص ۴۳ به بعد.

ج- همو، درة نادره، به اهتمام سیدجعفر شهیدی، ج ۲، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی تهران ۱۳۶۶، ص ۱۸۴ به بعد.

۳۳ و ۳۴- استرآبادی، تاریخ جهانگشای نادری، ص ۸۲ و ۶۴.

۳۵- محمدکاظم، نامه عالم آرای نادری، دفتر سوم، چاپ عکسی، مسکو ۱۹۶۶ ص ۲۱۳b.

افواه و مآخذ کم اعتبار چنین است که در سفری که نادرشاه از کرمان به خراسان می‌رفته در جایی که هم‌اکنون میان نای‌بند و دیهوک واقع و به «کفه نادر» معروف شده‌است، با لشکریان خود دچار بی‌آبی می‌شود بطوری که سپاه وی نزدیک به هلاک می‌رسند در این هنگام یکی از رؤسای طایفه زنگویی که از اعراب منطقه بودند، به وسیله شتر آب به لشکریان نادر می‌رساند و آنان را از مرگ می‌رهاند. به پاس این خدمت نادر شاه حکومت طبس و تون را به او می‌دهد و اعقاب او از آن پس تا همین اواخر در تون و طبس حکومت داشتند.

همین روایات می‌گویند که نادر قلعه آیسک را بر سر مردمش کوبید [چرا و به چه دلیل؟] که اکنون خرابه‌های آن به نام «قلعه کله کوب» معروف است. تپه‌ای هم موسوم به «تخت نادر» در این آبادی باقی است.<sup>۳۶</sup>

حاکمان زنگویی در دوره زندیان و قاجاریه هم در منطقه فرمانروایی داشتند. به روایت اعتمادالسلطنه<sup>۳۷</sup> در سنه ۱۲۳۱ میرحسن خان عرب زنگویی حاکم تون و طبس بوده‌است و ظاهراً محمدخان فرزند او بود که مقارن سالهای اول روی کار آمدن قاجاریان:

«هوایی به سرافتاد و طمعی خام به خاطر راه داد و هوس تسخیر اصفهان و جلوس بر تخت شاهان کرد. آغامحمدخان چون از رای او اطلاع حاصل کرد یکی از سردارانش را به دفع او فرستاد و این سردار موفق شد که محمدخان را از تون و طبس فراری دهد.»<sup>۳۸</sup>

نزدیکی تون با منطقه هرات سبب شده‌است که این شهرگاهی در معرض تهاجم نیروهایی که از آن سمت می‌آمدند نیز قرار گیرد. روضة‌الصفاء از تجاوز صید محمدخان حاکم هرات ملقب به ظهیرالدوله، به اراضی بیرجند و قاینات خبر می‌دهد که یک بار

۳۶- نقوی پاکباز، همان کتاب، ص ۹.

۳۷- اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، جلد سوم، ص ۱۵۳۶.

۳۸- رضاقلی خان هدایت، روضة‌الصفاء، جلد ۹ ص ۲۱۰، به نقل از ارمغانی، فردوس در گذرگاه تاریخ،

امیر علم خان پسر امیر قاین آنها را سر جای خود می‌نشانند، اما گویا بار دیگر سیصد سوار از اراضی طبس می‌گذرند و «جنگل» از توابع تربت حیدریه و «جنابد» از محال تون و طبس و «زیرکوه» از قاینات را غارت می‌کنند که امیر علم خان بار دیگر او را درهم می‌شکند.<sup>۳۹</sup>

در این گزارش هر چند از غارت مستقیم تون سخنی به میان نیامده، با این حال بدون تردید اقوام مهاجم از این شهر گذشته و به احتمال، رعب و وحشتی هم بایستی ایجاد کرده باشند.

سرگذشت تون مقارن واپسین سالهای حکومت قاجاریان و عصر مشروطیت با وجود آن که به زمان ما بسیار نزدیک است، مثل دوره‌های دیگر در غبار ابهام و آمیخته با خاطرات تلخ و افسانه‌های شومی از تجاوزها و چپاولهای اقوام مهاجم بلوچ، ترکمان و حسنی‌هاست که اغلب سینه به سینه نقل شده و بیش و کم به نسل امروز این شهر نیز رسیده است. بعد از مشروطه نایب حسین کاشی که از عناصر مخرب و زیانکار عصر خود بود، تحت حمایت عمال محمدعلی شاه مدّت یازده سال در یزد و کاشان و تون و طبس به غارت و آزار مردم مشغول بوده است.<sup>۴۰</sup>

از آنچه مك گرگر نوشته است برمی‌آید که تون دائم در معرض تهاجم اقوام بلوچ و ترکمن بوده است. او گفته است:

«وجود بیابانهای بی‌آب و علف‌طوری بخشهای مختلف این منطقه وسیع را از یکدیگر پراکنده کرده است که مردم از دست ترکمنها کاملاً راحتند و از وقتی حکومت قدرتمند امیر قاین استقرار یافته از حملات بلوچها هم نیز در امانند.»<sup>۴۱</sup>

يك سفر نامه‌نویس دیگر که گویا مقارن سالهای میان ۱۲۷۵-۸۵ از مسیر تون به سیستان سفر کرده است در تأیید مطلب بالا سخنی دارد که بیش از پیش موقعیت منطقه را در قبال تاخت و تاز مهاجمان مشخص می‌کند.

۳۹- میرخواند، روضة الصفاي ناصري، به تصحيح رضاقلی هدايت، خيام، تهران ۱۳۳۸-۹، ۱۰/۶۶۶.

۴۰- مرتضی راوندی، تاريخ اجتماعي ايران، اميرکبير، تهران ۱۳۵۶، ج ۳/۵۹۱.

۴۱- مك گرگر، شرح سفر به ابالت خراسان و شمال غربي افغانستان، ترجمه مجيد مهدي زاده، آستان

قدس رضوي، مشهد ۱۳۶۶، ص ۱۴۲.

«از منزل یُونسی تا این «سرایون» که متعلق به خاك طبس است در سابق محلّ تاخت و تاز طایفه ضالّه ترکمانیه مرو بوده است و این قلعه جات که در عرض راه واقع است پاره ای مخروبه امّا دایر است. از اهالی آنها سؤال نمودم چرا قلعه را تعمیر نمی نمایند؟ می گفتند... احتیاج به قلعه به جهت امن نبودن طرق و شوارع است. از دولت پادشاه عالمیان پناه الحال دوازده سال است که از ترکمانان جز اسمی نمی شنویم و از ایشان اثری نمی بینیم. و همچنین از طوایف بلوچ هم تاخت و تاز برخلاف سابق نمی بینیم، مگر بعضی اوقات در این صفحات آمد و شد دارند به جهت معاملات از قبیل گوسفند و روغن که می آورند و می فروشند و در عوض اقمشه به جهت لباس خود می خرند.»<sup>۴۲</sup>

این آرامش نسبی از جانب اقوام مهاجم که پیشتر از آن همیشه منطقه را عرصه تاخت و تاز و میدان عرض اندام خود می داشتند، البته برای اهالی مغتم و شایان قدردانی بوده است، اما دریغ که دشمنان بیرونی و یاغیان آن سوی مرزها از شکوه دولت پادشاه عالمیان پناه سرجای خود نشستند و میدان را گویی برای عمال حکومت باز گذاشتند و دست آنها را بر جان و مال مردم گشاده کردند و مردم این دیار مانده بودند که «از دوست شکایت کجا برند؟» داستان را از قلم همان سفرنامه نویس بشنویم:

«اهالی آن جا [تون] از اشراف و رعایا از تعدّیات عمادالملک شکوه زیاد داشتند و می گفتند: از قرار معمول سابق چهار مقابل علاوه می گیرد. جان نثار گفتم: چرا مراتب را معروض کارگزاران نواب حشمةالدوله نمی دارید؟

گفتند: مکرّر در ارض اقدس معروض داشته ایم، حاجی مستشارالملک به جهت نسبت سببی که با عمادالملک پیدا کرده و دختر او را به حباله نکاح خود درآورده به عرض نمی رساند و کمال حمایت و جانبداری را از عمادالملک می نماید و عارضین را تنبیه و سیاست نموده بازو بسته به درگاه عمادالملک می فرستد و به جهت بعد مسافتی که در میان ما و دارالخلافه واقع است عرض حال به دربار معدلت مدار شاهنشاهی متعسر است. بناءً علیه هرگاه این عرایض ما را به دربار معدلت مدار ظلّ الّهی در

۴۲ - محمد ابراهیم خداپنده لو، «روزنامه سفر خراسان و سیستان»، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران

خدمت امنای دولت معروض نداری البتّه در قیامت مورد مؤاخذه خداوندی خواهی بود. از رعایای مزبور چندتن فراری شده به خاک قاین پناه به میر علم خان حشمة الملك برده در کمان آسودگی روزگاری گذرانند. هرگاه اندک زمانی بر این حال بگذرد جز این که ما نیز بر منوال آنان به خاک قاین پناه بریم چاره دیگر نداریم.»<sup>۴۳</sup>

مقارن جنگ بین الملل اوّل در قاین زد و خوردی میان گروهی از سربازان روسی و آلمانی روی می دهد که به قتل حاکم قاین منجر می شود، در این زد و خورد گروهی از اهالی تون به روسیه تبعید می شوند. در جنگ دوم جهانی هم طبق خاطراتی که افراد مسنّ این شهر هنوز از یاد نبرده اند، مدتی روسها (یا به گویش محلی اُرسها) در این شهر سکونت داشته اند. قبل از آن نیز همچنان وضع تون پریشان و نابسامان بوده و چپاولهای اقوام مهاجم و غارتگر ادامه داشته است. آنچه از این ناامنیها بیشتر در خاطره نسل کهنسال این شهر باقی مانده، فتنه «حسنی ها» است. حسنی ها مردمی چپاولگر از حدود شیراز بودند که برای غارت به جانب سه قلعه و تون آمدند و مقداری شتر و از آن جمله شترهای مشیرالایاله رئیس پست را به یغما بردند و از آن جا به ناحیه گزین حمله کردند که با پایداری مردم گزین و کمک اهالی تون مجبور به هزیمت شدند.

غائله محمدعلی گنابادی که به تحریک عبدالرحیم نامی از اهالی شهر شبانه به تون وارد شد و عبدالله خان رئیس نظمیّه را در منزل مسکونی او به قتل رسانید، شاید آخرین ماجرای باشد که پیرتران هنوز از یاد نبرده اند. این محمدعلی که به یاغی گری معروف بود و عواملی چند در اختیار داشت، پس از قتل عبدالله خان پول هنگفتی از سران شهر طلب کرد و چون شنید که عده ای قشون از بیرجند و تربت به پیگرد او برخاسته اند، شبانه از طریق سرایان به «گیسور» رفت و این در حالی بود که حاکم وقت سردار مکرم از ترس او به مشهد گریخته و مردم هم عده ای به بیرجند متواری شده و عده ای از والی مشهد درخواست امنیت کرده بودند. حکومت تون از مرکز به عمادالملک طبسی واگذار می شود و او هم فرزند خود را مأمور دفع محمدعلی می کند که سرانجام در گیسور بر او چیره می شوند و غائله پایان می گیرد. و عمادالملک به پاداش این رشادت به لقب «سردار ارفع» مفتخر می گردد.

## بخش سوم

### آثار باستانی تون (فردوس)

با آنچه گذشت، در شهری به دیرینگی تون، انتظار آثار باستانی و بناهای کهن البته بی‌جا و نابجا نیست، هر چند که موقعیت اقلیمی و آب و هوای کویری آن دیار که با بناهای خشت و گلی تناسب تام دارد، ایجاب نمی‌کرده است که ساختمانهای آجری و سنگی - که از باد و بارانش کمتر گزند می‌رسد - در این ناحیه زیاد باشد. با این حال برای تکمیل این بخش از تاریخچه فردوس اشاره‌ای مختصر به چند بنای کهن و تاریخ دار لازم می‌نماید، هر چند این بناها پس از زلزله یابکلی از میان رفته و یا تنها بخشهایی از آن برجای مانده باشد:

#### ۱ - مسجد کوشک

آن سالها که هنوز هیولای زلزله شهر آرام و بی‌آزار تون را خاک‌نشین نکرده بود، در شرق شهر و مجاور دروازه قاین مسجد کوشک از اسم و رسم و نام و آوازه‌ای برخوردار بود و هر بام و شام نمازگزاران دلسوخته و از کار فرسوده را به خود می‌پذیرفت، با ایوانی و شبستانی و صحنی و محرابی البته اندکی متفاوت با مساجد دیگر. برپیشانی قوس محراب کتیبه‌ای بود مزین به مقداری گچ‌بری گل و بوته به این عبارت:

«یا عبادى الذین اسرفوا علىٰ انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله

[زمر (۳۹) آیه ۵۳]. فی تاریخ اربع و خمسين و خمسمائه<sup>۱</sup>!

بنای آن روز مسجد کوشک البته نمی نمود که متعلق باشد به سال ۵۵۴ هجری. آیا بنای مسجد که احتمالاً بمرور زمان یا بر اثر حادثه‌ای از میان رفته، در دورانی پس از این تاریخ دوباره‌سازی شده و این محراب از بنای پیشین در آن برجای مانده است؟ یا نه، اصلاً محراب متعلق به بنایی دیگر بوده که بعدها به این جا انتقال یافته است؟ بدرستی روشن نیست.

این کهنترین تاریخی است که در بنای این مسجد و حتی در تمامی بناهای شهر قدیم فردوس به چشم می خورد، اما در همین بنا تاریخهای دیگری هم هست:

برجانب راست محراب تابستانی مسجد کتیبه‌ای است با این عبارت:

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَالْوَصِيِّ وَ الْبَتُولِ وَ السَّبْطَيْنِ وَ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ الْبَاقِرِ  
وَ الصَّادِقِ وَ الْكَاطِمِ وَ الرَّضِيِّ وَ التَّقِيِّ وَ النُّقِيِّ وَ الْعَسْكَرِيِّ وَ الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ  
اجْمَعِينَ. بسعی و اهتمام قدوة السالکین درویش خلف بن علی بن درویش میرانشاه  
تونی. فی تاریخ ۸۸۵».

سمت چپ همین محراب تخته سنگی نصب شده بود با فرو رفتگی‌ای همانند دپای انسان با ابیاتی بر روی آن. آنچه از آن کتیبه سالم ماند چنین خوانده می شده است:

هو العزیز.

سال هزار و سیزده از هجرت نبی      مقری حسین حاجی آن مرد خوش نهاد  
شاه رضا به خواب وی آمد شبی و گفت      سنگی که شاه نجف پا بر آن نهاد

کتیبه سمت راست می نماید که در سده نهم هجری پیش از رسمیت یافتن تشیع در ران، شهر تون به داشتن دراویش دوازده امامی سرفراز بوده است. کتیبه دوم قدمگاه لا علی را بر سینه سخت آن سنگ تسجیل می کند که تا همین سالهای اخیر زیارتگاه ورمندان و مشکل داران بوده است.

۱- متن کتیبه‌های این مطلب کلاً از منبع زیر نقل شده است:

احمد نوغانی، «آثار تاریخی شهر فردوس»، مشکوة، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۶۶، ص ۱۸۶ به بعد.

در دو سوی در ورودی مسجد در طاقنمای کوچکی دو کتیبه نصب شده است که یکی به خط نستعلیق و متعلق به خود مسجد است و دومی گویا از جایی آورده شده و در سردر این بنا نصب گردیده است. اما کتیبه مسجد که متعلق به دوران شاه طهماسب صفوی است چنین خوانده می شود:

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَالْوَصِيِّ وَابْنِ الْعَابِدِينَ وَالْبَاقِرِ وَالصَّادِقِ  
وَالْكَاسِمِ وَالرَّضِيِّ وَالتَّقِيِّ وَالتَّقَى وَالْعَسْكَرِيِّ وَالْمُهَدِيِّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ  
اجمعين».

|                                |                           |
|--------------------------------|---------------------------|
| به توفیق حق شیخ محمود ساخت     | بنایی به دوران طهماسب شاه |
| رسید این بنا چون به اتمام از و | به تأیید و امداد لطف اله  |
| قضا باب تاریخ این بقعه یافت    | «قدمگاه شاه ولایت پناه»   |
| کنار آن نوشته شده است:         | (۹۸۳)                     |

«عمل استاد حسن بن نظام الدین تونی»

در مجموع از کیفیت بنا و کتیبه های متعلق به درویش و بویژه آیه پشانی محراب چنان پیداست که این بنا اساساً نه يك مسجد، بلکه شاید يك خانقاه و در دوره های دورتر شاید يك آتشکده بوده است.

## ۲- حوض سیدی

در میان آب انبارهای قدیمی تون که همواره در سرگذشت این شهر از آن یاد می شود حوض سیدی به دلیل کتیبه ای که داشت از شهرت و اعتباری تاریخی برخوردار بود. کتیبه که تاریخ و نام بانی بنا را مشخص می کند، چنین خوانده شده است:

«اتفاق افتاد این حوض پاك در تاریخ ماه رجب سال ۸۹۰ در زمان شاه اسلام سلطان بهادر خان. به سعی سید بن طاهر بن یحیی و وقف گردید مقدار پنج فنجان آب از کاریزین بلده تون. اللّٰهُمَّ اغفر غفران الخیرات».<sup>۲</sup>

۲- علی اصغر مهاجر، همان کتاب، ص ۲۰۴. در این کتاب همه جا به عوض «سیدی» که در محل معروف

است، «سعیدی» ضبط شده است.

نصّ این کتیبه نشان می‌دهد که سنت وقف آب بلده برای حیاض و آب انبارهای تون پیش از عصر صفویان هم مرسوم بوده است.

### ۳- بقعهٔ امامزاده

وقتی از متاهی الیه گوشهٔ غربی میدان بازار چندصد متر پیشتر می‌رفتی قدم به صحن امامزاده‌ای می‌گذاشتی که عامّه آن را «مزار» می‌گفتند و بر آن بودند که آرامگاه دوامامزاده موسوم به سلطان محمد و سلطان ابراهیم از نوادگان موسی بن جعفر (ع) در آن جا واقع شده است. سندی تاریخی بر صحت این مدّعا یا اساساً تاریخچه و سرگذشتی دربارهٔ این دوامامزاده نیافتیم. خود بنا با آن گنبد آبی برکشیده و ایوانهای خشت و آجری هم تاریخ و کتیبه‌ای ندارد. اما بر روی در چوبی و منبت کاری شدهٔ آن ایباتی است که نام سازنده و تاریخ ساختن آن را معین می‌کند:

حاجی علی کاشی این در چوبه صنعت ساخت گفتند که داد اتمام استاد در جنت از روی ادب داعی از پیر خرد جستم تاریخ برایش، گفت: «بگشاد در جنت» بنابراین از روی حساب ابجد تاریخ ساختن این در ۹۸۴ می‌شود. گذشته از این، در ایوان این امامزاده سنگ لوحی است که با خطی میانهٔ ثلث و نسخ اشعاری بر روی آن کنده شده است به این شرح:

#### هو الحکم العدل

|                         |                             |
|-------------------------|-----------------------------|
| در زمان عدالت شه دین    | شاه عالم پناه مهدی شان      |
| بر کمال ائمهٔ معصوم     | داد از دین و داد و عدل نشان |
| بندهٔ او شهان هفت اقلیم | چاکر اوست قیصر و خاقان      |
| مظهر لطف شاه اسمعیل     | کوست آثار قدرت یزدان        |
| شمع تلقین حیدری افروخت  | کرد روشن جهان کران به کران  |
| حضرت حق بود نگه دارش    | که برانداخت تخم خارجیان     |

نهصد و بیست و چار از هجرت  
 که به حکمش امیر و عمده ملک  
 عمده الملك چاکر حیدر  
 سراریاب دین سوندول بیک  
 که به تون سرشمار بخشش یافت  
 با تمام توابعش بخشید  
 که دگر هر که سرشمار کند  
 هست امید کز عنایت شاه  
 حضرت والی ولایت تون  
 در پناه خدا بود جاوید  
 ...از عز و جاه برخوردار

شد به توفیق حضرت سبحان  
 آن کمر بسته شه مردان  
 منبع جود و قدوه اعیان  
 حکم فرمود از ره احسان  
 از برای فراغ درویشان  
 صدقه فرق شاه...<sup>۳</sup> و امان  
 باد در لعنت خدای جهان  
 ملک تون باز گردد آبادان  
 با علی باد و آل جاویدان  
 یارب از فضل و حرمت قرآن  
 ۳.....

چنان که از این ابیات پیداست سوندول بیک نامی که در سال ۹۲۴ از طرف شاه اسماعیل صفوی در تون حکومت داشته است، برای رعایت حال مردم مالیات سرانه (سرشمار) را از اهالی این شهر و توابع آن برداشته است.

شاید با توجه به همین قراین تاریخی بوده است که آندره گدار باستان‌شناس معروف فرانسوی زمانی که در سال ۱۳۱۵ ه. ش، با علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت به فردوس آمده تاریخ بنا را به عهد تیموریان مربوط دانسته است.<sup>۴</sup>

شکل عمومی بنا مثل اغلب امامزاده‌هاست با ضریحی چوبی در زیرگنبد و بر فراز قبر. در کنار بقعه امامزاده آب انباری ظاهراً متعلق به عصر شاه سلطان حسین و در سمت دیگر سردابی متروک هست که گویا اجساد مومیایی شده با کفنهای قیمتی و تابوتهای گرانبها در آن قرار داشته است. بنابراین بعید نیست که در این محل بقایایی از آداب و

۳- در جای نقطه چین کلماتی قابل قرائت نیست.

۴- نقوی پاکباز، همان کتاب، ص ۳۶.

رسوم زردشتی در مورد مردگان برجای بوده است.

#### ۴ - مسجد جامع

نام دارالمؤمنین تون با مسجد جامع پرآوازه اش پیوندی دیرینه یافته است. بویژه این مسجد در این اواخر با داشتن شبستانی بزرگ با دو قسمت تابستانی و زمستانی که بنای آن را به آخوند ملاکبر تونی پارسا مرد وارسته آن دیار نسبت می دهند، از ارج و اعتباری دوچندان برخوردار بوده است. بنای مسجد بی آن که نشانی از تاریخ آن درجایی یا حتی در کتابی برجای مانده باشد می نماید که قدیمی است بویژه ایوان مسجد که با دو گردخانه در دو طرف آن افزون از ۱۸ متر ارتفاع دارد. در پیشانی ایوان جای خالی يك کتیبه پیداست. چنان پنداشته اند که این کتیبه حاوی نام خلفای راشدین و متعلق به عصر حاکمیت مذهب تسنن بوده است که بعدها آن را برداشته اند. اگر این حدس درست باشد باید قدمت این بنار ااتاسالهای پیش از هولاکو خان مغول و دست کم تا سده ششم هجری عقب برد زیرا در قتل عام شهر بردست سپاه هولاکو، اهالی آن جا بر مذهب اسماعیلی بوده اند. در این صورت بعید نیست که مسجد جامع حاضر همان مسجدی باشد که صاحب احسن التقاسیم از آن یاد کرده و گفته است: «قلعه و مسجدی نیکو دارد و بیشتر اهل آن بافندگانند.»<sup>۵</sup>

شبستان بزرگ مسجد در ضلع شمال شرقی بویژه در قسمت زمستانی ستونهایی قطور داشته است به صورت شش ضلعیهای منظم که دهنة فاصله هر ستون چیزی در حدود دو و نیم متر بوده است. تعداد این ستونهای خشت و گلی و گچ کاری شده رایکصد عدد نوشته اند.<sup>۶</sup> ضلع غربی شبستان با درهای چوبی کشوی و مشبك که به شیشه های رنگی ملایمی تزیین شده بود به صحن مسجد راه پیدا می کرد. این شبستان با آن ستونهای ضخیم و نیرومند بکلی در زلزله شهریور ۱۳۴۷ فرو ریخت و هم اینك از آن مسجد تاریخی تنها ایوانی برجای است با رواقهایی آسیب دیده بر گرداگرد صحن مسجد که پس از مرمت به عنوان مهمترین بنای یادگاری از شهر قدیم فردوس خودنمایی می کند.

۵ - مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، لیدن ۱۹۰۶ م. ص ۳۲۷.

۶ - نوغانی، همان مأخذ، ص ۱۸۵.

صاحب طرائق الحقایق بیت طنز آمیز زیر را در مورد مسجد جامع تون ذکر کرده است.<sup>۷</sup>  
مسجد جامع که اندر تون بود یونسی ماند که اندر نون بود.

### ۵- مدارس قدیمه<sup>۸</sup>

شهرت تون به دارالمؤمنین معروف بوده است و برخاستن علما، فقها و افراد صاحب نام و درس خوانده از این شهر در طول تاریخ، بویژه طی سه چهار سده اخیر، می نماید که تحصیل علوم دینی در این شهر رواج داشته و مدارس سی چند که باهمت و اقبال خیر اندیش اداره می شده است، پرچم علم و دیانت را در این شهر حاشیه نشین کویر برپای می داشته است. در زیر نام و معرفی مختصر چند تا از این مدارس که تاهمین اواخر بر جای بوده است، می آید:

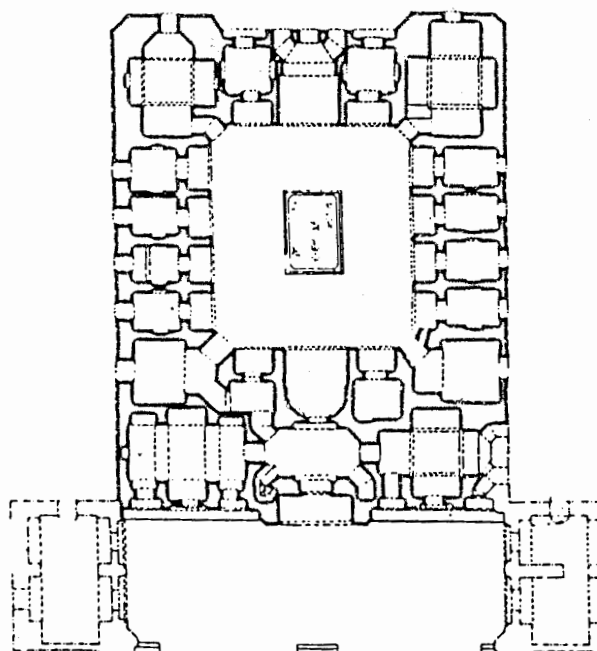
**الف- مدرسه حبیبیه:** بنای این مدرسه را به میرزا حبیب الله امانی پسر علاءالدین تونی نسبت می دهند که به سال ۹۱۱ هجری در آغاز دوره حکومت شیعی صفویان بنا گردیده و از راه درآمد املاک و آسیابهایی که بر آن وقف بوده، اداره می شده است. در بنای این مدرسه صنعتی به کار رفته است که در تمام فصول سال همین که تمام صحن مدرسه را آفتاب فرا گرفت ظهر شرعی است.

**ب- مدرسه شیخ:** در سال ۱۲۱۱ بنا شده و کلمه «تاریخ» ماده تاریخ بناست. ملا محمد شیخ بانی مدرسه ۵۲ فنجان آب بلده بر اولادش وقف کرده به شرط آن که در مدرسه تحصیل کنند و دست کم روزی چند آیه قرآن تلاوت نمایند. این مدرسه در زلزله بکلی ویران شده است.

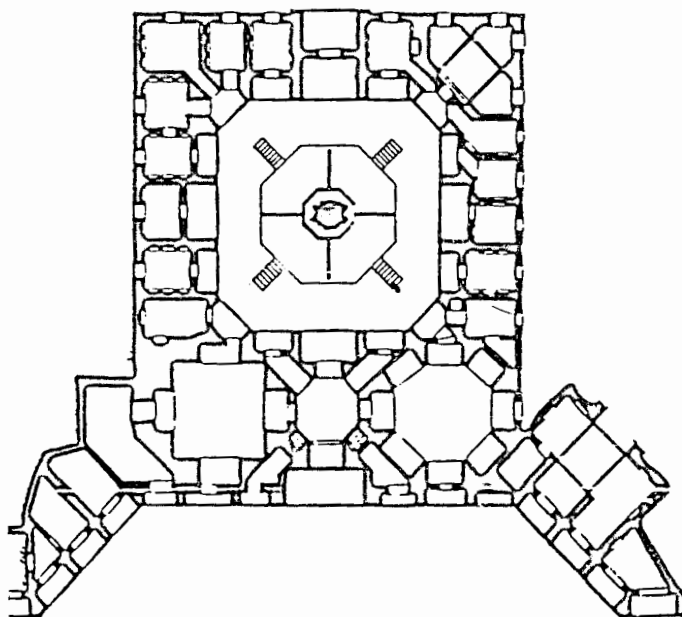
**ج- مدرسه علیا:** بانی این مدرسه میرعلی بیک نامی است که آن را در سال ۱۲۳۵ بنا کرده است و در سالهای پیش از زلزله کتابخانه کوچکی داشته است که مورد استفاده طلاب بوده است. بعدها اراضی میان دو مدرسه علیا و حبیبیه را تسطیح کردند و به صورت باغی مشجر به نام «باغ علمی» در آوردند. بنای همه این مدارس بعد از زلزله به صورت مخروبه درآمده و قسمتهای زیادی از آن تسطیح شده است.

۷- نقوی پاکباز، همان مأخذ، ص ۳۵.

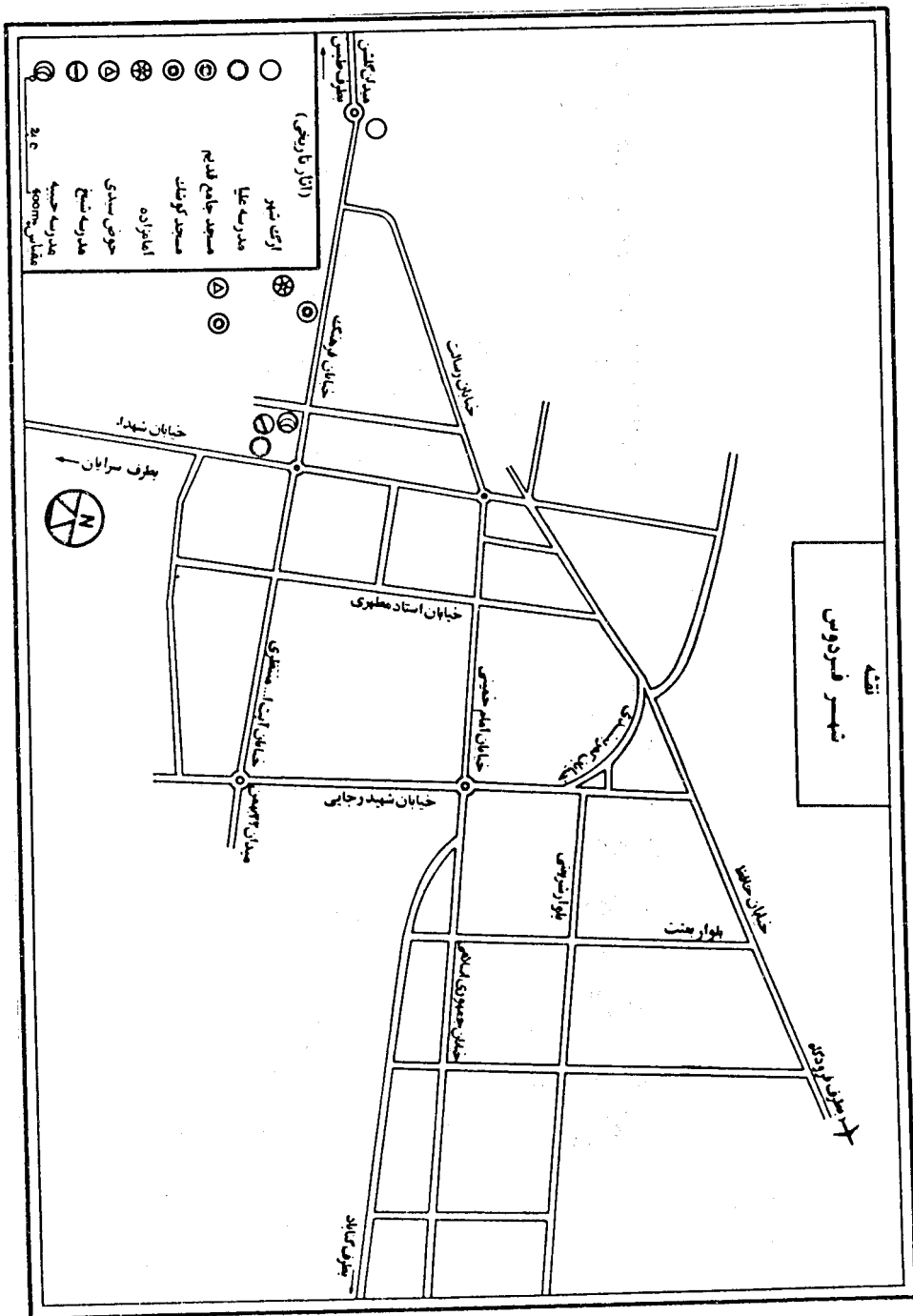
۸- برای تهیه این مطلب از کتاب تاریخچه فردوس، نوشته نقوی پاکباز سود برده ام.



مدرسه حبیبیه (مأخذ: تاریخ مدارس ایران، ص ۳۲۷)



مدرسه علیا (مأخذ: تاریخ مدارس ایران ص ۳۲۶)



## بخش چهارم

### رجال تون

شهری به دیرینگی تون البته که نمی‌بایست از دانایان و دل‌آگاهان و شاعران و عارفان خالی بوده باشد. پس اگر این جا و آن جا به نام تونیانی صاحب شهرت برمی‌خوریم که اغلب آنها به قصد تحصیل کمال راهی دیارهای دیگر شده و در آن جا سکونت گزیده‌اند، جای شگفتی نیست.

نگاهی به کتاب معجم البلدان یا قوت (۶۲/۲) صحت این مدعا را در گذشته‌های بسیار دور تأیید می‌کند. از میان انبوه شاعران و صاحب نامان تونی در این صفحات اندک ترجمه حال دوتن از شاعران سده دهم هجری این شهر را می‌آوریم و پس از آن فهرستی از نام شخصیت‌هایی را که در لابلاي کتابها ذکر جمیلشان رفته است به دست می‌دهیم تا پژوهندگان که بخواهند در این زمینه جستجوی بیشتری بکنند، نقطه آغازی پیش‌رو داشته باشند.

#### ۱- نثاری تونی

نثاری از شاعران شیعه مذهب سده دهم هجری و معاصر شاه تهماسب اول صفوی (جلوس: ۹۳۰، وفات: ۹۸۴) است که نام و یاد او در بسیاری از تذکره‌های شعرا

ضبط شده است، شمار منابعی هم که به شرح حال و آثار وی اشاره کرده اند، اندک نیست<sup>۱</sup>، با این حال از مجموع آنها اطلاع چندانی درباره شخصیت و آثار و جزئیات احوال شاعر به دست نمی آید. نام شعری او را همگان «نثاری» و نسبتش را «تونی» ضبط کرده اند. از نام اصلی او و پدرش در تذکرها ذکر به میان نیامده است. سال ولادت او را که نباید از سالهای آغازین سده دهم هجری نزدیکتر باشد، بدرستی نمی دانیم، اما سال وفاتش در چندین مأخذ ۹۶۸ و تنها در تذکره نفائس المآثر ۹۶۷ ضبط شده است<sup>۲</sup>. در تذکرها وی را به صفات چرب زبانی، شیرین بیانی، وفور فضیلت، لطف طبع، سرعت فهم، حدت طبع، حسن خلق و کثرت تواضع ستوده اند. برخی او را استاد ولی دشت بیاضی شاعر پرآوازه سده دهم هجری دانسته اند<sup>۳</sup>.

---

۱- از آن جمله است:

- سام میرزا، تحفه سامی، تهران، ۱۳۱۴، ص ۲۴-۱۲۳.
- امین احمدرازی، هفت اقلیم، به کوشش جواد فاضل، ج ۲، ص ۳۱۹.
- محمد طاهر نصرآبادی، تذکره شعرا، چاپ وحید دستگردی، تهران، ۱۳۱۷، ص ۵۲۲.
- تقی الدین اوحدی، عرفات العاشقین، نسخه عکسی بانکی پور، برگ ۷۶۴.
- نورالحسن، نگارستان سخن، چاپ هند، ۱۲۹۳، ص ۱۱۸.
- زوزی، ریاض الجنه، خطی (نخجوانی) روضه پنجم، قسم دوم، ص ۹۳۱.
- صبا، روز روشن، بهوپال، ۱۲۹۸، ص ۶۸۲.
- عبدالرسول خیام پور، فرهنگ سخنوران، تهران، ۱۳۴۳، ص ۵۴۹.
- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۹، ص ۱۱۷۰.
- احمد منزوی، فهرست نسخه های خطی فارسی، سوم، ص ۲۵۶۷.
- رحیم علیخان ایمان، تذکره منتخب اللطائف، با مقدمه دکتر تاراچند، به اهتمام محمدرضا جلالی نائینی، چاپ تابان تهران، ۱۳۴۹، ص ۴۰۰.

- بالاخره جامعترین و مفصلترین شرح حال او را می توان در منبع زیر جست:

- محمدجعفر یاحقی، «نثاری کیست؟» سرو و تذر، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۸، ص ۶ تا ۱۸.
- ۲- به نقل از احمد گلچین معانی، تاریخ تذکرها، های فارسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۰، ج ۲،

ص ۳۷۴.

- ۳- احمد گلچین معانی، مکتب وقوع در شعر فارسی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۸، ص ۵۹۰.

تقی‌الدین اوحدی در عرفات العاشقین (نسخه عکسی بانکی‌پور، برگ ۷۶۴) درباره او گفته است:

نثار گوهر پاش طریق ذوفنونی، مولانا نثاری تونی از شعرای مقرر مشتهر  
زمان بود به فضیلت و کمال موصوف و به اخلاق حمیده معروف، گویند در  
ریاضیات زحمت بسیار کشیده بود.

آنگاه چند مطلع و یک قصیده استوار به مطلع زیر از او نقل کرده است:  
رشته گوهر گسست گلرخ سیمین ذقن      برگ تمنا بریخت، شاخ گل نسترن  
نثاری این قصیده را که درستایش حضرت ثامن الائمه (ع) است به اقتضای قصیده  
مشهور ابوالمفاخر فاخری رازی سروده است به مطلع زیر که آن هم در منقبت علی بن  
موسی الرضا (ع) است:

بال مرصع بسوخت مرغ ملمع بدن      اشک زلیخا بریخت یوسف گل پیرهن  
شهرت شاعری نثاری در زمان حیات او بدان پایه بوده است که شاعران زمانه  
مشکلات ادبی خود را پیش او می‌برده‌اند.<sup>۴</sup>

دیوان اشعار و کلیات آثار نثاری تونی که دونسخه از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه  
تهران موجود است مشتمل بر قصاید و غزلیات اوست که به ترتیب قافیه مرتب شده است.<sup>۵</sup>  
چند قصیده از قصاید دیوان نثاری در منقبت حضرت ثامن الائمه و بقیه در مدح چند  
تن از رجال آن عصر است، از جمله: نظام‌الدین شاه‌قلی سلطان استاجلو، خواجه  
جلال‌الدین امیر بیگ وزیر، خواجه شمس‌الدین محمد نور کمال، امیر آغوت بیگ استاجلو.  
با وجود این دیوان پنج‌هزار بیتی، بیشترین آوازه شاعری نثاری را باید برای نظم  
مثنوی معروف سرو و تذر و دانست که در ۲۳۸۵ بیت بر وزن شاه و درویش هلالی

۴ - دکتر قاسم غنی، یادداشت‌های دکتر قاسم غنی در حواشی دیوان حافظ، به کوشش اسماعیل صارمی،  
چاپ دوم، انتشارات علمی، تهران ۱۳۶۶، ص ۷۶.

۵ - این دونسخه را آقای محمد باقر یاحقی با هم مقایسه و در واقع تصحیح کرده و با حواشی لازم آماده  
طبع است.

۶ - مثنوی سرو و تذر و مقدمه و تصحیح و توضیح این جانب در سال ۱۳۶۸ به سرمایه انتشارات  
سروش در تهران چاپ شده است.

جغتایی (مقتول به ۹۳۶ هـ) یعنی «فاعلاتن مفاعلن فعلن» از متفرعات بحر خفیف به سال ۹۴۶ و به نام میرزا آیغوت بیگ سروده شده است.

موضوع داستان به ظاهر حکایت دل باختگی جوانی به نام «تذرو» است به «سرو» غلام شاه یمن، اما در واقع از آن نتایج شبه عرفانی گرفته و در نهایت از عشق مجازی به عشق حقیقی گریز زده است.

ابیاتی از آخر این منظومه و صایای شاعر است به فرزند خردسالش حسین که در زمان سرودن این مثنوی یک ساله بوده است و شاعر از این که پیرانه سر صاحب فرزندى شده، شادمان است. چنان که از این کتاب برمی آید و تذکرها هم بدان اشاره کرده اند، نثاری علاوه بر ریاضیات، موسیقی، نجوم و تا حدودی طب نیز می دانسته است.

## ۲- حیرتی تونی

تقی الدین محمد متخلص به حیرتی یکی دیگر از شاعران عصر شاه تهماسب اول صفوی است که در باب زادگاه و نسبت او میان تذکره نویسان اختلاف نظر بسیار است. از مرو و تون و بخارا و ماوراءالنهر و کاشان به عنوان موطن او نام برده اند و در نتیجه در تذکرها از سه چهار حیرتی با نسبتهای تونی، بخارایی، ماوراءالنهری ذکری به میان آمده که تدریجاً مروی هم بر آن افزوده شده است. در حالی که سام میرزای صفوی برادر شاه تهماسب که حیرتی را می شناخته نوشته است که «مشهور است که مروی است، اما خود می گوید که از تونم»<sup>۷</sup>. بنابراین در نسبت حیرتی به تون تقریباً جای هیچ تردیدی نیست، منتها به نظر می رسد که وی در شهرهای مهم ماوراءالنهر و عمده در بخارا و مرو به تحصیل علم و کمالات پرداخته است و مدتی در آنجا به سربرده و سپس در کاشان سکنی گزیده است و به همین دلیل نزد تذکره نویسان - علی الاختلاف - به تونی، مروی، بخارایی، ماوراءالنهری و سرانجام کاشانی خوانده شده است.

از دوران کودکی و آغاز جوانی او اطلاع چندانی در دست نیست، جز این که در مرو پرورش یافته است و در جوانی به حسن صورت و صاحب جمالی نامبردار بوده است.

۷- سام میرزا، تذکره تحفه سامی، تصحیح و مقدمه از رکن الدین همایون فرخ، تهران [بی تا]، ص ۱۸۲.

از موارد قابل ذکر در زندگی وی که همه تذکره نویسان بر آن اتفاق دارند، این که از همان آغاز از شهر و دیار خود بیرون آمد و تن به سفر داد و در شهرهای مرو، بخارا و همچنین سمرقند به تحصیل علم و کمال پرداخت و سرانجام در قزوین به خدمت شاه تهماسب رسید؛ اما چون بسیار لالایی و بی قید و شرابخوار بود، این حال بر شاه تهماسب که شریعت پناه و پای بند به ضوابط دینی بود، گران آمد و به قول صاحب عرفات «مکرراً او را منع بلیغ نمود و در عدم ارتکاب آن مکابره تهدید عظیم فرمود»، اما ظاهراً سود چندانی نبخشید. حیرتی در آن زمان غزلی سروده بود به مطلع زیر:

از حسد امروز زاهد منع ما از باده کرد  
ورنه کی آن نامسلمان را غم فردای ماست  
سخن چنان این نکته را به عرض شاه رسانیدند و چنین وانمود کردند که منظور شاعر تعریض به پادشاه بوده است. پیش از آن که سخن حسودان کارگرافند حیرتی به گیلان گریخت و مدتی آن جا و همچنین در استرآباد متواری بود. این ایام مصادف بود با طغیان محمد صالح بتکچی و برافراشتن علم استقلال در استرآباد. این بود که حیرتی در مدح او قصیده‌ای پرداخت و به عنوان جایزه هفت خروار ابریشم با هفت استر از وی دریافت کرد.<sup>۸</sup>

بعد از آن که محمد صالح منهزم شد، حیرتی هم به جرم سرودن آن قصیده مدحی بیشتر از پیش مورد تعقیب قرار گرفت، تا این که پس از چندی به عذر تقصیر قصیده‌ای پرداخت در منقبت علی بن ابی طالب خطاب به شاه تهماسب و با اقرار به توبه وی را بر سر مهر آورد. شاه تهماسب وی را طلب کرد و نوازش فرمود و به اکرام و احسان خویش سرافراز ساخت. از این پس شاعر به کاشان رفت و تا پایان عمر برخوردار از انعام شاهی در آن دیار زیست تا این که به تصریح خلاصة التواریخ<sup>۹</sup> در شب چهارشنبه بیست و چهارم، یعنی چهارشنبه آخر ماه صفر سال ۹۶۱ هـ. از بام کاروانسرای که خود او ساخته بود، به زیر افتاد و به عالم باقی شتافت.

به نظر می‌رسد که حیرتی مثل بسیاری از شاعران نام‌آور و اغلب آدمیان بی‌نام و

۸- ایسن واقعه ظاهراً به سال ۹۴۴ یا اندکی پیش از آن مربوط می‌شود، رک: حسن بیک روملو، احسن

التواریخ، به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۷، ص ۳۶۹.

۹- قاضی احمد، خلاصة التواریخ، جلد اول، ص ۳۷۴.

نشان دوره جوانی خود را به مقتضای طبیعت بیشتر به خوشگذرانی و بی‌غمی و نوشخواری و هجاگویی گذرانده اما پس از آن هشدار معروف شاه تهماسب، سالیهای آخر عمر او به عبرت و انتباه و طاعت گذشته است. و در هر دو حال از عرض اخلاص به پیشگاه امامان شیعه و بویژه حضرت علی علیه‌السلام، غافل نبوده است و به قول سام میرزا در همه باب شعر گفته اما در منقبت بسیار کوشیده است.

حیرتی با بسیاری از معاریف و شاعران عصر خود ارتباط داشته است. رابطه او با شاعران همروزگارش از دو گونه بیرون نیست: با عده‌ای حسن رابطه و مراوده دوستانه داشته است که از آن میان به نام محتشم کاشانی شاعر پرآوازه آن دوره باید اشاره کرد که در فقدان حیرتی مراثی مؤثری نیز سروده است. از میان شاعرانی که حیرتی به هجو آنها زبان گشوده است باید از وحیدی قمی (م. ۹۴۲) نام برد.

آثار حیرتی: کمیت زیاد شعر حیرتی در برخی از کتب مورد تأکید قرار گرفته است. نمونه‌های فراوانی هم از اشعار و بویژه غزلیات او در تذکره‌ها نقل شده و اغلب از جانب سخن‌شناسان تحسین گردیده است. استاد احمد گلچین معانی در جواب استفسار این جانب از دیوان حیرتی مرقوم داشته‌اند:

«نسخه‌ای از دیوان غزلیات حیرتی تونی را در مجموعه‌ای متعلق به مرحوم

عبدالحسین بیات منضم به دیوان اهلی ترشیزی، ریاضی زاوه‌ای، نیکی اصفهانی

مورخ ۱۰۸۴ هجری دیده و غزلی چند از آن انتخاب کرده‌ام.»

حاج خلیفه هم از ساقی نامه‌ای به نام حیرتی یاد کرده است (رك: فهرست منزوی،

ج ۴/ ۲۸۶۶) غیر از دیوان اشعار و شاید مهمتر و مشهورتر از آن منظومه بلندی از آثاری

حیرتی در دست است در بحر هزج مسدس مقصور (یا محذوف) یعنی وزن خسرو شیرین

نظامی (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل) که به کتب معجزات یا شاهنامه حیرتی شهرت یافته و

موضوع آن جنگهای پیامبر و سرگذشت و دلاوریهای حضرت علی بن ابی طالب و شرح حال

دیگر امامان شیعه است که شاعریه سال ۹۵۳ به نام شاه تهماسب صفوی به نظم کشیده است.

کتب معجزات حیرتی که در میان منظومه‌های عصر صفویه جایگاهی عمده یافته و

نام ناظم آن را به شاعری و شیعه‌گری بلندآوازه کرده است، اصلاً از روی کتاب

بهجة المباحج تألیف حسن بن حسین معروف به شیعی سبزواری به نظم درآمده که این بهجة المباحج خود تلخیصی است از کتاب مباحج المهج قطب الدین کیدری شارح نهج البلاغه. حیرتی با تمایلات تندشیعی و بالحنی ضدتسنن کتاب را به نظم درآورده و آن را به حکایات و تمثیلهای گاه داستانهای خرافی و بی اعتبار آراسته است، همین مسأله یعنی نقل روایتهای بی پایه و عوامانه و همچنین لحن تند و تعصب آمیز کتاب از ارزش واقعی آن کاسته و تاکنون کتاب را در گوشه کتابخانه‌ها همزانوی غبار فراموشی نگاه داشته است، درحالی که از نظر جوهر شعری کتاب می‌تواند در میان اقران و امثال خود در مرتبه‌ای بالاتر از متوسط قرار گیرد. چند بیت از مقدمه کتاب محض نمونه در این جا می‌آوریم.<sup>۱۰</sup>

|                              |                                |
|------------------------------|--------------------------------|
| ازو چیزی که می‌دانند نام است | به نام آن که حیّ لاینام است    |
| زمین جسم را آب روان داد      | به نام آن که تن را فیض جان داد |
| خردبخش خردمندان عالم         | مکرم ساز فرزندان آدم           |
| هنر فرمای بازار طبایع        | چمن آرای گلزار بدایع           |
| نگهدار خلیل از آتش تیغ       | گروه نوح را سیل بلایغ          |
| همه حیرانش اول عقل اول       | ز درکش فهم دانایان معطل        |
| سزاوار خدایی غیر او نیست     | به ملک کبریایی غیر او نیست     |
| عدم گم گشته در ملک وجودش     | نمی ملک وجود از بحر جودش       |

به منظور رعایت اختصار، از شرح احوال تفصیلی بقیه رجال می‌گذریم و به «فرهنگ سخنوران» این شهر بسنده می‌کنیم.

### فرهنگ سخنوران و دانشوران تون

آفتی تونی (شاعر)

— سیدعلی محمد حسن خان، صبح گلشن، چاپ هند، ۱۲۹۵، ص ۷؛

۱۰ - برای آگاهی از شرح احوال تفصیلی و بحث بیشتر در مورد آثار حیرتی رک: محمدجعفر یاحقی،

«حیرتی تونی شاعر اهل بیت»، مشکوة ش ۲۱، (زمستان ۱۳۶۷)، ص ۱۱۷-۱۰۴.

- خوشگو، سفینه خوشگو، خطی سپهسالار، شماره ۲۷۲۴، حرف الف؛
- امین احمد رازی، هفت اقلیم، خطی سپهسالار، ش ۲۷۳۴، ص ۵۷۷.
- آهی تونی (اهلی تونی) (شاعر)
- آذر، آتشکده، چاپ دکتر شهیدی، ص ۷۰.
- ابراهیم بن اسحاق بن محمد التونی القائی
- یاقوت، معجم البلدان، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹، ۶۲/۲.
- سید ابراهیم التونی / مظهر علیشاه (عارف)
- ابوالحسن تونی (عارف و فقیه کرامی)
- محمد بن منور، اسرار التوحید، چاپ دکتر صفا (تهران ۱۳۳۲)، ص ۱۰۱ و ۱۰۳.
- محمد بن منور، اسرار التوحید، تصحیح دکتر شفیعی کدکنی، آگاه، تهران، ۱۳۶۶،
- بخش دوم، ص ۶۴۹.
- محمد دامادی، ابوسعیدنامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷، ص ۲۱۰.
- عطار، تذکرة الاولیا، چاپ استعلامی، زوار، تهران، ۱۳۵۵، ص ۸۱۲.
- ابوحاتم محمد بن اسحاق بن عمر خطیبی تونی (عارف)
- محمد بن منور، اسرار التوحید، چاپ دکتر شفیعی، بخش دوم، ص ۶۵۰.
- ابوعبدالله اسماعیل بن محمد بن اسحاق الخطیبی
- محمد بن منور، اسرار التوحید، چاپ دکتر شفیعی، بخش دوم، ص ۶۵۰.
- ابو محمد احمد بن محمد بن احمد التونی (راوی و محدث)
- احسنی تونی (شاعر). - یاقوت، معجم البلدان، ۶۲/۲.
- فصیحی خوافی، مجمل فصیحی، چاپ محمود فرخ، ص ۹۱ و ۲۸۲.
- احمد بن العباس التونی (محدث، فقیه، مدرس، متوفی رجب ۴۵۹ در هرات)
- یاقوت، معجم البلدان، ۶۲/۲.
- یاقوت، برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۲،
- امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۴۶.
- آیتی، بهارستان در تاریخ و تراجم و رجال قائنات و قهستان، بی نا، تهران ۱۳۲۷.

احمد بن محمد تونی (فقیه)، صاحب حاشیه بر شرح لمعه و دو رساله در تحریم غنا و رد بر صوفیه

- صنیع الدوله، مطلع الشمس، ج ۲، ص ۴۰۷.

- محمود مرعشی، فهرست نسخ خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، قم ۱۸/ ۱۹۲.

مولانا احمد تونی (شاعر، م. ۹۳۲)

- سام میرزا، تحفه سامی، تصحیح همایون فرخ، ص ۲۰۹.

- خوانساری، روضات الجنات، ترجمه محمد باقر ساعدی، اسلامیه، تهران

۱۳۶۰، ج ۵، ص ۵۷.

مولانا اخی تونی (فقیه)

- فصیحی خوافی، مجمل فصیحی، چاپ فرخ، ص ۹۱.

اسماعیل بن عبدالله بن ابی سعد بن ابی الفضل التونی (محدث و فقیه)

امیر مطیعی (شاعر)

- یاقوت، معجم البلدان، ۲/ ۶۲.

- سام میرزا، تحفه سامی، ص ۶۴.

بدیع تونی (صاحب کتاب لطائف الاخبار در تاریخ عصر اورنگ زیب).

- بهار، سبک شناسی، ج ۳، ص ۲۹۵.

- فکرت، فهرست الفبایی کتب خطی، کتابخانه آستان قدس مشهد، ص ۳۷۲.

- نسخه های خطی انجمن شرقی، ص ۱۹۳.

رشید خان، بدیع تونی، صاحب لطایف الاخبار

- فهرست نسخه های خطی انجمن شرقی، ص ۱۹۳.

خواجه تاج الدین تونی

- خوافی، مجمل فصیحی، ص ۱۵۰.

ثنایی تونی (شاعر)

- قاطعی هروی، مجمع الشعرای جهانگیر شاهی، با تصحیح دکتر محمد سلیم اختر،

کراچی، ۱۹۷۹، ص ۱۸۰.

## حبیب الله تونی طبسی

- احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی، ج ۱، ص ۵۵۵.
- حبیب الله بن نورالدین محمد بن حبیب الله تونی، صاحب کتاب شافی الالوجاع، در طب.
- مرعشی، فهرست نسخ خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ۸۶ / ۱۴.
- حزینی تونی (شاعر)
- عبدالباقی نهاوندی، مآثر رحیمی، چاپ هند، ص ۱۱۹۵.
- تذکره خیرالبیان، نسخه خطی، ص ۳۳۹.
- مولانا حسن تونی (شاعر)
- رازی، هفت اقلیم، ج ۲.
- حسین بن شجاع تونی (صاحب المفید فی علم التجوید).
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات تهران، ص ۴۳۶.
- مرعشی، فهرست کتابخانه مرعشی، ۱۶۷ / ۲۰.
- دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی، دانشگاه، ج ۱۶، ص ۵۱۲.
- حسین خاله تونی (شاعر)
- سام میرزا، تحفه سامی، ص ۳۷۰.
- مرعشی، فهرست کتابخانه مرعشی، ۸۱ / ۷.
- استادی، فهرست کتابخانه مسجد اعظم قم، ص ۵۷۴.
- حیدر تونیایی (شاعر و موسیقی دان)
- خیام پور، فرهنگ سخنوران، ص ۱۷۵.
- سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر ایران، ج ۱، ص ۴۱۱ و ۶۵۰.
- استادی، فهرست کتابخانه مسجد اعظم قم، ص ۵۷۴.
- مولانا خاوری تونی (شاعر)
- سام میرزا، تحفه سامی، ص ۱۷۳.
- خصالی هروی تونی (شاعر)

- احمد گلچین معانی، کاروان هند، آستان قدس، مشهد، ۱۳۶۹، ۱/۳۷۹.
- خضر خراسانی / تونی (شاعر)
- دیوان بیگی، حدیقه الشعراء، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۶۴، جلد اول، ص ۵۷۲.
- هدایت، مجمع الفصحاء، جلد ۴، ص ۲۴۶.
- خواجه شیر احمد تونی (واقف)
- فهرست کتابخانه آستان قدس، ج ۴، ص ۲۱۱.
- ذوقی تونی (شاعر)
- رازی، هفت اقلیم، ج ۲.
- رحیم علی خان ایمان، منتخب اللطائف، ص ۱۸۴.
- نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران، ج ۲، ص ۶۷۶.
- قمر آریان، «ویژگیهای سبک هندی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال نهم (۱۳۵۲)، ص ۲۷۴.
- محمد قاسم ساحری تونی (شاعر)
- رحیم علی خان، منتخب اللطائف، ص ۲۱۲.
- نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران، ۱/۶۷۷ و ۲/۲۷۷.
- خیامپور، فرهنگ سخنوران، ص ۲۵۳.
- صبا، روز روشن، ص ۲۷۹.
- سلیمی تونی (شاعر)
- آذر، آتشکده، چاپ دکتر شهیدی، ص ۶۹.
- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۶۲۴.
- شوتی جیجک تونی (شاعر)
- نفیسی، تاریخ نظم و نثر، ج ۱، ص ۳۰۴.
- خواجه شیر احمد تونی
- روض الجنان و روح الجنان، چاپ بنیاد پژوهشها، مشهد، ۱۳۶۵، ج ۱۶، ص یازده

- فهرست نسخه‌های خطی آستان قدس، ج ۴، ص ۲۱۱.
- صافی تونی (شاعر)
- علامی، آیین اکبری، چاپ هند.
- شبلی نعمانی، شعرالعجم، ترجمه فخرداعی گیلانی، ج ۳، ص ۴.
- ظریفی تونی (شاعر)
- امیر علیشیرنویی، ترجمه مجالس النفائس از فخری هراتی، ص ۱۶۳.
- نفیسی، تاریخ نظم و نثر، ج ۱، ص ۳۴۵.
- امیر عبدالله تونی (همزمان با سلاجقه)
- تابنده، تاریخ و جغرافی گناباد، ص ۱۳۹.
- عباس زمانی «مزار سلطان محمد عابد کاخک گناباد، هنر و مردم، ش ۱۲۴ و ۱۲۵، بهمن و اسفند ۱۳۵۱، ص ۲۳.
- ملا عبدالله تونی (فقیه و عارف، صاحب وافیه الاصول در اصول فقه، متوفی ۱۰۷۱ هـ)
- خوانساری، روضات الجنات، ترجمه محمدباقر ساعدی، ج ۵/۵۵-۵۷.
- محمود فاضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۴، ص ۱۱۷ و ۲۴۳.
- تنکابنی، قصص العلماء، چاپ تبریز، ص ۱۹۵-۶.
- مرعشی، فهرست کتابخانه مرعشی، ۸/ ۲۸۰ و ۲۳۷/۲۰.
- مولانا عبدالعلی تونی (شاعر)
- سام میرزا، تحفه سامی، چاپ همایون فرخ، ص ۸۷.
- ملا عبدالواسع بن علامی تونی، صاحب وسیله النجات فی شرح دعاء السمات و ترجمه رساله ذهبیه در طب
- مرعشی، فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۰/ ۲۹۶ و ۱۶/ ۱۰۳.
- میرزا عبدالقادر تونی (عارف، صاحب رساله ای در تصوف)
- محمد طاهر نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص ۱۰۴.

- لغت نامه، ذیل «چوب».

شرف الدین ابو محمد عبدالمومن بن خلف التونی، صاحب مختصر فی سیرة

سیدالبشر به عربی

عبیر تونی (عارف)

- مرعشی، فهرست نسخه‌های عکسی مرعشی ۴۰۶/۲.

عطار تونی (شاعر، صاحب فتوت نامه و دوازده امام منظوم)

- نفیسی، جستجو در احوال و آثار شیخ، فریدالدین عطار نیشابوری، (فهرست اسامی

رجال) ص ۱۷۸.

- منزوی، فهرست نسخه‌های خطی، ص ۱۲۹۶ و ۴/۲۷۵۰.

- نفیسی، تاریخ نظم و نثر، ج ۱، ص ۳۲۰.

- استادی، فهرست کتابخانه مسجد اعظم، ص ۱۲۴.

علاءالدین ملک علی تونی صاحب ایضاح الاصول فی شرح الفصول

- دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه، ج ۱۶، ص ۲۳.

علاءالملک تونی، مورخ و شاعر، صاحب پادشاه نامه

- دکتر صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۱۱۴۹.

- محمد قهرمان، دیوان ابوطالب کلیم همدانی، مشهد، ۱۳۶۹، ص بیست و شش.

- احمد گلچین معانی، کاروان هند، ۱/ ۷۷۱ و ۲/ ۱۱۱۲.

علی بن نجم الدین تونی (شاعر) صاحب منتخب برهان الکفایه

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات تهران، ج ۱ ص ۴۲۱.

علی اکبر بن عبدالله تونی بشروی، صاحب هدایة المسترشه

محمود فاضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد، ص ۲۴۶.

غیاثی تونی (شاعر)

- سام میرزا، تحفه سامی، چاپ همایون فرخ، ص ۲۹۲.

فاضل خان تونی، صاحب پادشاه نامه

- گلچین معانی، تاریخ تذکره‌ها، ج ۲، ص ۶۸۳.

## فاضل تونی

- مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال نهم شماره ۳  
(فروردین ۱۳۴۷)

درویش قاسم تونی (شاعر و عارف)

- نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران، ۱/ ۳۲۰ و ۲/ ۷۱۱.

قطب الدین بن حسن تونی (نسخه نویس)

- مرعشی، فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۰/ ۳۶۴.

قطب الدین حیدر تونی / زاوه ای (عارف)

- حسین میرجعفری، «حیدری و نعمتی»، آینده، ص ۹ (۱۳۶۲) ص ۷۴۱ تا ۷۵۴

- معصوم علی شاه، طرائق الحقایق، چاپ دکتر محجوب تهران، ۱۳۴۵، ۲/ ۶۴۲.

- زرین کوب، جستجو در تصوف، ص ۲۶۷.

قطبی تونی (شاعر)

- سام میرزا، تحفه سامی، چاپ همایون فرخ، ص ۲۹۳.

- خیام پور، فرهنگ سخنوران، ص ۴۷۳.

سید قنبر تونی

- معصوم علی شاه، طرائق الحقایق، چاپ محجوب، ۳/ ۶۰.

حکیم کاظمای تونی (شاعر)

- محمد طاهر نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص ۳/ ۴۰۲.

ابوالمفاخر محمد باقر بن ملک علی تونی، صاحب روضة الاصول المفاخریه

فی شرح الفصول النصیریہ، - مرعشی، فهرست کتابخانه مرعشی، ۱۷/ ۳۱۸.

محمدرضا بن عزیز الله تونی، صاحب تحفه العشره

- مرعشی، فهرست نسخ خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ۴/ ۳۹۸.

- فاضل مطلق، فهرست نسخه های خطی الهیات مشهد، ص ۲۰۶.

خواجه محمد تونی

- خوانی، مجمل فصیحی، ص ۱۵۰.

- سید علی حسین بخاری، صبح گلشن، هند ۱۲۹۵، ص ۳۷۶.
- شمس الدین سامی، قاموس الاعلام، استانبول، ۱۳۱۶-۱۳۰۶، ۶/۴۱۸۵.
- میرزا محمد تونی، صاحب حاشیه (الروضة البهیة) به عربی که حاشیه ای است  
بر شرح لمعة شهید ثانی
- مرعشی، فهرست کتابخانه مرعشی، ۲۰/۲۲۷.
- محمد علی بن محمدرضا تونی خراسانی، (صاحب علاج الاسقام ودفع  
الآلام به فارسی)
- مرعشی، فهرست کتابخانه مرعشی، ۱۶/۱۹۶.
- فاضل مطلق، فهرست نسخه های خطی الهیات مشهد، ص ۲۰۶.
- دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۶، ص ۸۲.
- محمد نبی التونی
- یاحقی - ناصح، تفسیر روض الجنان، چاپ بنیاد پژوهشها، مشهد، ج ۱۵، مقدمه،  
ص هشت.
- مطهر علی شاه تونی
- دیوان بیگی، حدیقه الشعراء، ۲/۱۰۴۳.
- معین الدین تونی (عالم و عارف)
- خواندمیر، حبیب السیر، چاپ همایی، تهران، ۴/۱۰۳.
- رازی، هفت اقلیم، ج ۲.
- رشحات عین الحیوة، طبع لکهنو، ص ۱۳۳.
- دیوان کامل جامی، ویراسته هاشم رضی، ص ۱۴۴ و ۱۸۵.
- علاء الدین ملک علی بن محمد شفیع تونی، (صاحب شرح الباب الحادی  
عشر)
- مرعشی، فهرست کتابخانه مرعشی، ۱۸/۴۲.
- موالی تونی (شاعر، صاحب ساقی نامه)
- سام میرزا، تحفه سامی، چاپ همایون فرخ، ص ۳۲۱.

- آذر، آتشکده، چاپ سادات ناصری ۱/ ۲۶۴.
- نهانندی، تذکره میخانه، ص ۴-۵۳۱.
- میر علیا الحسینی، معروف به میر تونی
- محمد جعفر یاحقی، «میر تونی و اشعار محلی او»، کتاب پاژ ۱۰، ص ۸۹.
- مولانا میر حاج تونی (شاعر)
- رازی، هفت اقلیم، ۲.
- میرزا قاسم پسر میرزا عبدالقادر تونی (شاعر)
- نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، ص ۱۰۴.
- محمد میرک تونی
- وصالی تونی (شاعر)
- آذر، آتشکده، چاپ بمبئی، ۱۲۷۷، ص ۷۲.
- سید محمد صدیق حسن خان، شمع انجمن، هند ۱۲۹۳، ص ۵۱۹.
- وفایی تونی
- سام میرزا، تحفه سامی، ص ۲۹۰.
- محمد هلال تونی، صاحب کتاب انشای لطیف
- احمد منزوی، فهرست گنج بخش، ۳/ ۱۱۵۸
- مولانا هوایی تونی (شاعر)
- رازی، هفت اقلیم، ج ۲.
- حسین قنوجی، صبح گلشن، ص ۶۱۰.

بهره دوم:

جغرافیای فردوس

خدیجه بوذرجمهری



## بخش نخست

### کلیات جغرافیای طبیعی

موقع و مقر: فردوس یکی از شهرستانهای استان خراسان است که با ۶/۲۱۹۵۶ کیلومتر مربع مساحت، در بخش مرکزی استان واقع شده و مرکز آن شهر فردوس است. علاوه بر فردوس شهرهای اسلامیه و سرایان نیز در محدوده این شهرستان واقع است. این شهرستان دارای سه بخش و مشتمل بر ۱۷ دهستان و مجموعاً دارای ۱۰۰۸ آبادی است.<sup>۱</sup> در سال ۱۳۶۷ در تقسیمات دهستانهای شهرستان فردوس تغییراتی ایجاد گردید و اکنون از سه بخش و ۹ دهستان تشکیل شده است.

شهرستان فردوس از طرف شمال به شهرستان گناباد و کویر نمک، از طرف خاور به دهستان نیمبلوک و دهستان پساکوه از شهرستان قاین، از جنوب به بخش خوسف و دشت لوت، از باختر به شهرستان طبس و کویر نمک محدود است.

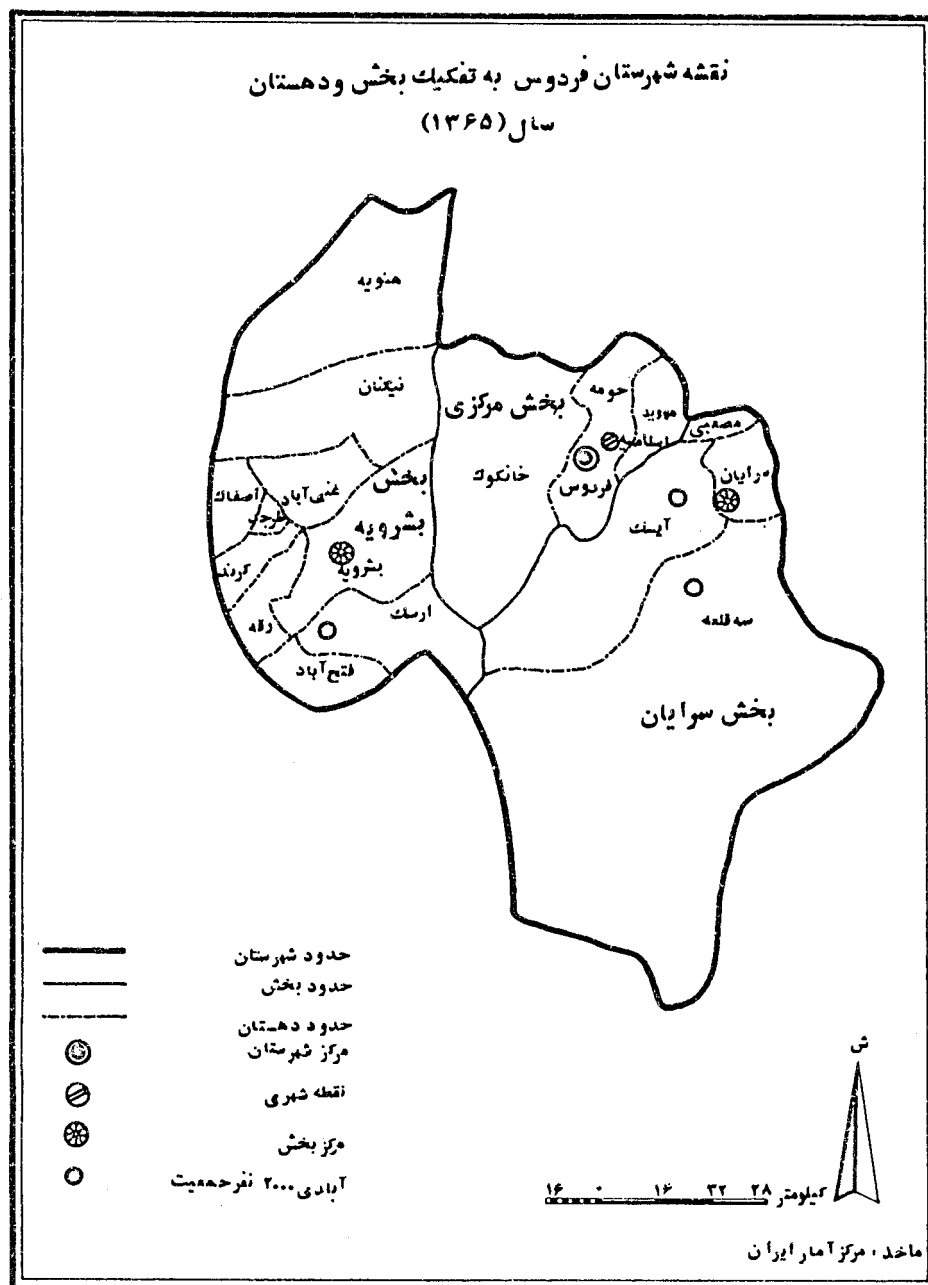
موقع ریاضی: شهر فردوس در طول شرقی ۵۸ درجه و ۹ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه واقع شده است و ارتفاع شهر از سطح دریا ۱۲۷۵ متر است.<sup>۲</sup> نزدیکترین مرکز شهرستان به آن گناباد با فاصله ۷۲ کیلومتر است. و فاصله این شهر تا مرکز استان ۳۴۲ کیلومتر است.

---

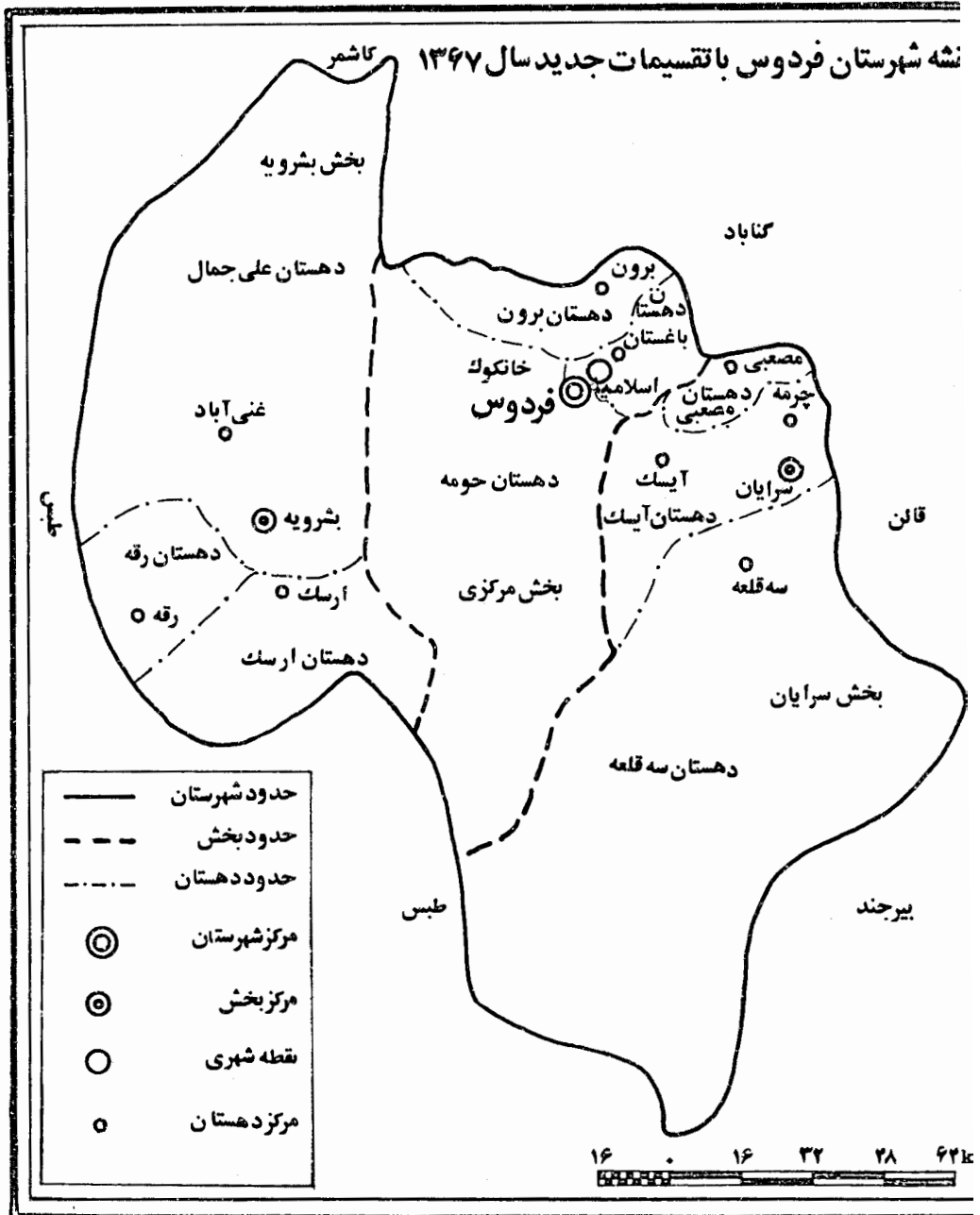
۱- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مهرماه ۱۳۶۵، شهرستان فردوس، ص ۱.

۲- دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان

قدس رضوی، بهمن ۱۳۶۷، ص ۳۸۸.



نقشه شماره (۱)



نقشه شماره (۲)

نقشه استان خراسان به تفکیک شهرستان (سرشماری عمومی همراه سال ۱۳۴۵)



نقشه شماره (۳)

## ژئومورفولوژی و زمین شناسی

کلنل مك گرگر در سال ۱۸۷۵ از تون (فردوس کنونی) دیدن کرده است و اوضاع طبیعی شهرستان را این طور توصیف می کند:

«در اولین نگاه تون زیبایه نظر می آید، زمینه این منظره از کوههای بلند سیاه رنگی که زهکشهای تون و گناباد را از یکدیگر جدای می کند و نیز رشته های موازی قهوه ای رنگی، که کوها تهرند تشکیل شده است، همچنین دشت زرد رنگ پهناوری با قطعه زمینهای سبز تیره در میان آن، و بیشه زارها و درختهایی اینجا و آنجا به طور پراکنده مشاهده می شود.»<sup>۳</sup>

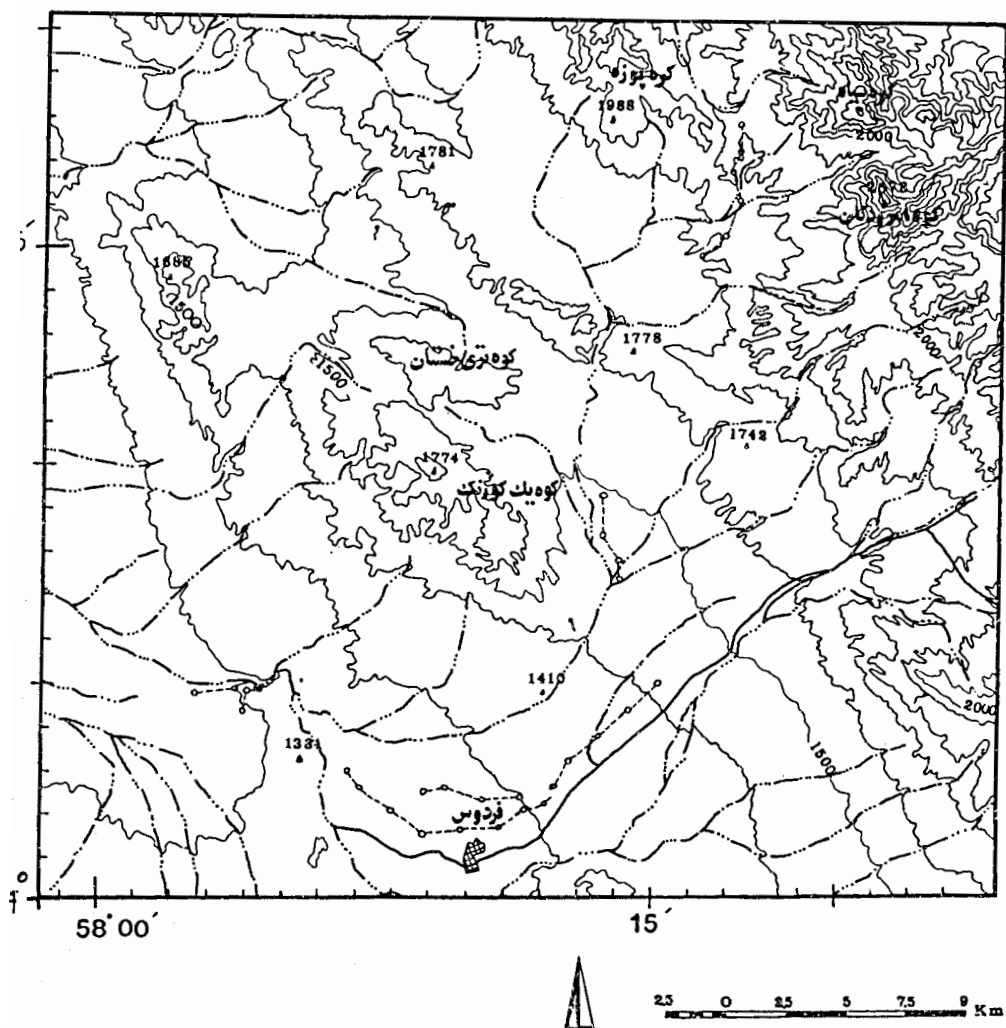
رشته کوهی را که کلنل مك گرگر کوههای تون نامیده از نظر جغرافیای طبیعی ایران دارای اهمیت زیادی است. این کوه از شمال غربی به جنوب شرقی و از آنجا به جنوب بجستان، غرب قاین و گناباد و شرق فردوس کشیده شده است. مهمترین کوههای آن عبارتند از: سفیدکوه، کوه کلات، سیاهکوه، زردکوه، کوه قراول خانه، کوه امرو دکان و تیرماهی و کوههای مصعبی و چرمه (نقشه شماره ۲). بلندترین کوه این رشته سیاه کوه با ۲۸۱۳ متر بلندی است.<sup>۴</sup> از طرف غرب فردوس رشته مزبور امتداد یافته و کوههای بجستان را تشکیل می دهد که بلندترین کوه آن گرگو با ارتفاع ۲۲۵۴ متر است.<sup>۵</sup> این رشته کوه سپس به طرف جنوب غربی متمایل گشته به جانب کویر بشرویه پیش می رود. رشته کوه دیگری تقریباً به موازات رشته قبل در جنوب غربی شهر فردوس قرار دارد. این رشته کم ارتفاع در حدود فردوس به صورت تپه ماهورهای درآمده و به هرنسبت که به طرف جنوب شرقی پیش می رود بر ارتفاعش افزوده می شود و سرانجام به کوههای بیرجند می پیوندد. این رشته کوه در حدود فردوس به نامهای مختلف ظاهر می شود که دو قلّه آن به جهت داشتن دو قلعه تاریخی مربوط به دوره اسماعیلیه معروف است و «کوه قلعه» و «کوه قلعه حسن آباد» نامیده می شود.

۳- کلنل سی. ام. مک گرگر، شرح سفری به ایالت خراسان، جلد اول، ترجمه مجید مهدی زاده، انتشارات آستان قدس، مرداد ۱۳۶۶، ص ۱۴۰.

۴- نقشه توپوگرافی فردوس، سری K551 برگ NI-40-7، مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰، چاپخانه سازمان جغرافیایی کشور، سال ۱۳۵۳.

۵- نقشه بشرویه، سری K551 برگ NI-40-11، مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰، چاپخانه سازمان جغرافیایی کشور، سال ۱۳۵۱.

## ناهمواریهای شمال شهرستان فردوس



در حد فاصل دو رشته کوه یاد شده، جلگه نسبتاً وسیعی در جهت جنوب شرقی شهر فردوس ایجاد شده است که بر اثر آبرفت سیلابهای بهاری استعداد کشاورزی خوبی دارد و بخش سرایان در آن واقع است. در جنوب غربی شهر فردوس دوشاخه و به طور نامنظم یکی به طرف شمال غربی پیش رفته و کوههای قز، سنگ سوراخ، بلندکوه، سه کوه را تشکیل می دهد و سپس به طرف کویر پیش می رود و در حدود نمکزار بین جلگه بشرویه و کویر بتدریج ناپدید می شود. و دومین رشته که ارتفاعش از رشته کوه اول بیشتر است دارای جهت شمال غربی جنوب شرقی است و کوههای شوراب را دربر دارد. این رشته سپس وارد حاشیه کویر لوت شده و در آن حدود به کوههای دیهوک و طبس متصل می شود.

علاوه بر کوههای مذکور رشته کوه دیگری شهرستان فردوس را در قسمت مغرب از شهرستان طبس جدا می کند، این رشته کوه از حدود کاشمر به طرف جنوب پیش آمده در بخش بشرویه به صورت نیم دایره ای از شمال غربی به طرف جنوب شرقی امتداد دارد و در قسمتهای مختلف به نامهای متفاوت زیر خوانده می شود: کوه درونه، یخاب، هنویه، شتران کوه، چاه آهن، کریو، اژدرکوه، ارسک، فتح آباد. این رشته کوه در حدود دیهوک با انحرافی به طرف جنوب پیش می رود. در منطقه بشرویه در حد فاصل شاخه رشته کوه جنوبی فردوس این رشته کوه رو به سمت کویر تا نمکزار نیگنار ادامه پیدا کرده است. می توان گفت این منطقه حدفاصل دو کویر مرکزی و کویر لوت است. و وجود همین کوهها سبب گردیده که در این منطقه تا حدی توسعه کویر متوقف گردد.

بطور کلی کوههای شهرستان فردوس کم ارتفاع است و اغلب آنها با شیب ملایم به دره ها و جلگه های اطراف منتهی می شود. در دامنه های جنوبی رشته شمالی که حدفاصل جلگه گناباد و فردوس است دره های کم عمق و گسترده ای عمود بر رشته اصلی وجود دارد که تا داخل جلگه فردوس امتداد دارد.

آب دره های جنوبی این رشته کوه اغلب در بهاران سیلابی و در بقیه سال خشک است. در داخل این دره ها قنواتی حفر گردیده که روستاهای این منطقه را بر گرد خود پدید آورده است. مهمترین این دره ها از شمال غربی به جنوب شرقی عبارتند از:



۱- دره افقو، ۲- انارستانک و خانیک شاه و امرودکان ۳- خرو و ظهیر ۴- فنود و مهوید ۵- دره شش تو که دره نسبتاً وسیعی است و در بالا به دره‌های کوچکتری تقسیم می‌شود و روستاهای باغستان، فتح‌آباد، حاجی‌آباد، باداموک، گستج دریکی، و شعبات و دهات فریدونی و ترشزوک در دره دیگر آن واقع شده‌است. آبریز این سه دره اخیر وارد جلگه فردوس می‌شود. ۶- دره بیدسکان، ۷- دره نَرم و نوّده، ۸- دره مصعبی که دره نسبتاً وسیعی است و به دوشاخه تقسیم می‌شود: یکی دره نَرم و بُشاد و دیگری مصعبی و کریمو. آبریز این سه دره وارد جلگه آیسک می‌شود و دره آیسک را مشروب می‌کند. ۹- دره خورزاد، نوبهار و چرمه که هر کدام دریک دره واقع است ولی آبریز بهاره آنها به دره مصعبی ختم شده، وارد جلگه آیسک می‌شود.

کوههای جنوب غربی این شهر به علت ارتفاع کم و مجاورت با کویر فاقد آبادی است و جز چند کلاته کوچک به نامهای بزنگر، برجک، کلاته حسین، اسماعیل آباد، آبادی دیگری وجود ندارد و شاخه منشعب از آن نیز چنین وضعی دارد. رشته کوه واقع در حد فاصل بشرویه و طبس چون مرتفع است دارای دره‌های نسبتاً آبادی است که هر کدام سبب ایجاد آبادیهایی شده‌اند که از مشرق به طرف مغرب عبارتند از: فتح‌آباد، ارسک، زیرک، مردستان هنویه، رقه، گُرُند، اسپاک، عشق‌آباد، نیگنان.

از این بلندیا که بگذریم بقیه اراضی منطقه شهرستان فردوس هموار و اغلب سطح زمین از هرگونه گیاهی عاری است. در سالهایی که باران به حد کافی می‌بارد علفهایی که غالباً بیش از چهل روز دوام ندارد سطح زمین را می‌پوشاند و دامداران در این صحاری به تعلیف گوسفندان می‌پردازند.<sup>۶</sup>

### زمین شناسی

این شهر در نیم حلقه زلزله مدیترانه واقع شده و هرچندگاه يك بار زلزله‌های شدیدی آن را می‌لرزاند و خسارات جانی و مالی شدیدی به بار می‌آورد که از آن جمله

۶- احمد نوغانی مقدم، «اوضاع طبیعی شهرستان فردوس»، راهی به روشنیها، سال اول، شماره ۲،

زلزله‌های سال ۱۳۲۰ و ۱۳۴۷ را می‌توان نام برد.

در منطقه مورد مطالعه آثار چین خوردگیها و رواندگیهای شدید مشاهده می‌شود. گسلها و شکستگیهای متعدد در تمام طبقات از جمله طبقات دوران چهارم دیده می‌شود. آتشفشانیها و زلزله‌های فراوان نشان می‌دهند که جنبشهای کوهزایی آلی در این محل هنوز به پایان نرسیده و این منطقه از نظر تکتونیک منطقه‌ای بی‌ثبات شمرده می‌شود.<sup>۷</sup> زمین‌شناسی شهرستان فردوس در سه‌بخش مطالعه گردیده است:<sup>۸</sup>

### الف- زمین‌شناسی دشت فردوس

قدیمیترین سازند زمین‌شناسی منطقه آهک دولومیتی و متعلق به دوره پرمین (دوران اول) است. این سازند گسترش چندانی در منطقه نداشته، فقط در شمال روستای امرو و دکان رخنمون دارد. آهک و دولومیت سیاه‌رنگ دوره تریاس (دوران دوم) در شمال شرق و غرب دشت وجود دارد. ارتفاعات شرقی و شمال شرق منطقه راسازندهایی از نوع شیل، ماسه‌سنگ و آهک ژوراسیک می‌پوشاند. همچنین آهک و آهک مارنی ژوراسیک فوقانی به صورت تپه ماهورهای منفرد در جنوب دشت (کنگره کوه) رخنمون دارد.

بلندیهای شمالی و شمال غرب دشت فردوس از سنگهای آذرین دوران سوم از نوع توف پروکسینیت، آندزیت و داسیت اشغال شده‌است. مارنهای قرمز رنگ نئوژن همراه با ماسه‌سنگ، کنگلومرا و افق‌هایی از گچ، حاشیه ارتفاعات شرقی دشت را می‌پوشاند. این سازندها سنگ کف دشت را نیز تشکیل می‌دهد.

سنگهای ولکانیکی دوران چهارم شامل بازالت و آندزیت در ارتفاعات جنوب غربی منطقه دیده می‌شود. به علاوه رسوبات این دوران تشکیل دهنده آبرفتها، مخروط افکنه‌ها، تراسها، واریزه‌ها و رسوبات جوان رودخانه‌ای می‌باشد. ضخامت رسوبات آبرفتی در نقاط مختلف دشت متفاوت بوده، حداکثر به ۲۰۰ متر

۷- توسعه اقتصادی استان خراسان، منطقه ۴ فردوس، گناباد، جلد اول، گزارش ستکوپ همکاری

مهندسين مشاور پارتيا، خرداد ۱۳۵۱، ص ۹.

۸- خلاصه‌ای از منابع و مسائل آب استان خراسان، وزارت نیرو، سال ۱۳۶۵- ص ۲۰۸.

در حوالی باغستان می‌رسد.

### ب- زمین‌شناسی دشت بشرویه

دشت بشرویه در حد فاصل ارتفاعات توده لوت در شرق و کوه‌های شتری (منطقه طبس) در غرب واقع شده است. قدیمیترین سازندهای شناخته شده در این حوضه آهک و دولومیت پرمین و آهک و دولومیت تریاس است که در شمال شرق در دامنه ارتفاعات جنوبی و داخل کویر رخنمون دارد. ارتفاعات غرب دشت اغلب از نهشته‌های شیل و ماسه سنگ و آهک مارنی و آهک ریفی ژوراسیک پوشیده شده است. آهک‌های ریفی به دلیل داشتن خلل و فرج از نظر ذخیره آب حائز اهمیت است. آهک‌های اریتولین دار خاکستری رنگ و کنگلومرای کرتاسه فوقانی به طور محدود در ارتفاعات غربی دیده می‌شود. بلندیه‌های شرق و جنوب دشت از سنگ‌های آذرین دوران سوم یعنی از توف آندزیت و ریولیت و پیروکسینیت تشکیل شده است. به علاوه سنگ کف بشرویه نیز از این تشکیلات درست شده است. همچنین ولگانیت‌های دوران سوم زمین‌شناسی در حاشیه ارتفاعات غربی و در داخل کویر دیده می‌شود.

رسوبات دوران چهارم زمین‌شناسی شامل تراسها، آبرفتها، واریزه‌ها، شنهای روان و رسوبات کویری است که مناطق پست و سطح دشت را می‌پوشاند. ضخامت رسوبات آبرفتی بیش از ۱۵۰ متر است.

### ج- زمین‌شناسی دشت سرایان

ارتفاعات شرق و کوه‌های منفرد داخل دشت از شیست، ماسه سنگ سبز ژوراسیک و آهک‌های خاکستری رنگ کرتاسه درست شده است. این تشکیلات در تغذیه دشت نقش مؤثر دارند. در دامنه بلندیه‌های منطقه نهشته‌های مارنی، کنگلومرائی نئوژن و پلیستوسن گسترش داشته و سنگ کف دشت را نیز تشکیل می‌دهد. در حاشیه ارتفاعات شرقی، خصوصاً در شرق بُستاق و سرایان سنگ‌های آذرین ائوسن (دوران سوم) دیده می‌شود. در بلندیه‌های غرب سنگ‌های آندزیتی و بازالتی دوران چهارم رخنمون دارد که

سنگ کف این قسمت از دشت را نیز تشکیل می‌دهد. به علاوه ولگانیهایی که از نوع توف و آندزیت ائوسن ولگانیهایی دوران چهارم در ارتفاعات جنوبی منطقه دیده می‌شود.

رسوبات دوران چهارم تشکیل دهنده تراسها، مخروط افکنه‌ها، شنهای روان و رسوبات کویری و واریزه‌ها می‌باشد که مناطق کم ارتفاع و سطح دشت را می‌پوشاند. ضخامت آبرفت در حاشیه شرقی دشت بیش از ۳۰۰ متر است.<sup>۹</sup>

## آب و هوا

شهرستان فردوس بین دو رشته کم ارتفاع کوه کلات و کوه سیاه و کوه زول در مشرق و کوه شتری طبس در مغرب واقع شده است. این ناحیه به علت مجاورت با کویر مرکزی و لوت دارای آب و هوایی صحرایی و خشک است و به دو بخش آب و هوایی کوهستانی (شمالی) و دشت (جنوبی) تفکیک می‌شود:

بخش کوهستانی: این ناحیه در شمال و شمال شرقی شهرستان فردوس قرار دارد و دارای تابستانهای نسبتاً معتدل با متوسط درجه حرارت روزانه در تیرماه بین ۲۰-۲۵ درجه سانتیگراد است.<sup>۱۰</sup> زمستانهای آن سرد با درجه حرارت متوسط روزانه در دی ماه بین ۵-۱۰ درجه سانتیگراد است<sup>۱۱</sup> که در نواحی مرتفعتر به کمتر از ۵ درجه سانتیگراد می‌رسد. بارندگی در نواحی کوهستانی شهرستان بیش از دشت است و بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیمتر بارندگی سالیانه دارد.<sup>۱۲</sup> اکثر ریزشها در زمستان و بهار انجام می‌گیرد. شهر فردوس چون در دامنه کوههای کلات واقع شده دارای آب و هوایی نسبتاً معتدلی است. در تابستان شبها به علت جریان هوای سرد کوهستان به طرف کویر به نسبت خنک می‌شود.

۹- مأخذ پیشین، ص ۲۸۷.

۱۰- اطلس اقلیمی ایران، دانشگاه تهران، مؤسسه جغرافیا، ص ۲۲.

۱۱- همان منبع، ص ۲۵.

۱۲- همان منبع، ص ۱.

بخش جنوبی: شامل دشتهای کم ارتفاع و نواحی حاشیه کسیر است. این بخش دارای تابستانهای فوق العاده گرم است. متوسط درجه حرارت روزانه در تیرماه ۲۵ تا ۳۰ درجه سانتیگراد است<sup>۱۳</sup>. اما حداکثر مطلق حرارت گاهی تا ۴۷ درجه سانتیگراد می رسد<sup>۱۴</sup>. اختلاف درجه حرارت بین شب و روز بسیار زیاد است. بنابراین دارای آب و هوای خشک و بری است. میزان بارندگی در دشت کمتر از بخش کوهستانی است. متوسط بارندگی سالانه آن ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیمتر است<sup>۱۵</sup> و اکثر ریزشها در فصل زمستان انجام می گیرد و تابستانها خشک است.

در شهرستان فردوس چهار ایستگاه هواشناسی وجود دارد. این ایستگاهها در فردوس، بشرویه، فتح آباد و ارسک قرار دارند. از بین آمار این ایستگاهها آمار هواشناسی ایستگاه فردوس و بشرویه به علت قدمت بیشتر انتخاب گردیده است و عناصر آب و هوایی با استفاده از آمار ایستگاههای فوق مورد مطالعه و مقایسه قرار گرفته است.

## ۱- عناصر آب و هوایی

الف- دما: برای شناخت و بررسی شرایط دمایی و پراکندگی آن میانگین آمار ۱۲ ساله ایستگاه فردوس و بشرویه سالهای (۱۹۸۵ - ۱۹۷۴) محاسبه و نتایج به صورت جدول شماره ۱ تهیه شده است<sup>۱۶</sup>.

به طوری که جدول شماره ۱ نشان می دهد میانگین دمای سالانه ایستگاه فردوس ۱۵/۹ و بشرویه ۱۷/۵ درجه سانتیگراد است. متوسط دمای سردترین ماه (دی ماه) در فردوس ۲/۷ و در بشرویه ۳/۷ درجه سانتیگراد و متوسط دمای گرمترین ماه (تیر ماه) در فردوس ۲۸/۶ و در بشرویه ۳۱ درجه سانتیگراد محاسبه شده است.

۱۳- مأخذ پیشین، ص ۲۲.

۱۴- سالنامه هواشناسی کل کشور، سال ۱۹۸۳، ایستگاه بشرویه.

۱۵- اطلس اقلیمی ایران، صفحه ۱.

۱۶- سالنامه های هواشناسی کل کشور، سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۵، ایستگاههای فردوس و بشرویه.

جدول شماره ۱- میانگین دمای سالانه و ماهانه فردوس و بشرویه به سانتیگراد (۸۵-۱۹۷۴)

| ماهها<br>ایستگاهها | فروردین | اردیبهشت | خرداد | تیر  | مهر  | آبان | آذر  | دی   | بهمن | اسفند | مهر  | شهریور | مهر  |
|--------------------|---------|----------|-------|------|------|------|------|------|------|-------|------|--------|------|
| فردوس              | ۲/۷     | ۵/۳      | ۱۰/۸  | ۱۶   | ۲۱/۵ | ۲۶/۸ | ۲۸/۶ | ۲۶   | ۲۲   | ۱۶    | ۱۰   | ۵/۳    | ۱۵/۹ |
| بشرویه             | ۳/۷     | ۶        | ۱۱/۷  | ۲۰/۶ | ۲۴/۳ | ۲۷/۲ | ۳۱   | ۲۸/۶ | ۲۴   | ۱۷/۳  | ۱۰/۶ | ۵      | ۱۷/۵ |

بنابراین مشخص می شود که هوای فردوس به علت ارتفاع بیشتر و نزدیکی به کوهستان و عرض جغرافیایی بالاتر نسبت به بشرویه خنکتر است و این امر از تفاوت دمای سالانه نیز به خوبی استنباط می گردد.

ب- معدل حداکثر و حداقل دما: به موازات بررسی میانگین درجه حرارت، شناخت در میزان حداقل و حداکثر درجه حرارت نیز از ارزش علمی فراوانی برخوردار است. جدول شماره ۲ معدل حداکثر و حداقل دما را در ایستگاههای فردوس و بشرویه نشان می دهد.

جدول شماره ۲- معدل حداکثر و حداقل دما سالهای (۸۵-۱۹۷۴)

| ماهها<br>ایستگاهها | فروردین     | اردیبهشت | خرداد | تیر  | مهر  | آبان | آذر  | دی   | بهمن | اسفند | مهر  | شهریور | مهر  |
|--------------------|-------------|----------|-------|------|------|------|------|------|------|-------|------|--------|------|
| فردوس              | معدل حداکثر | ۹/۷      | ۱۱/۹  | ۱۷/۴ | ۲۴/۵ | ۳۰   | ۳۴/۹ | ۳۶/۷ | ۳۵   | ۳۲    | ۲۵/۲ | ۱۸/۴   | ۱۱/۹ |
|                    | معدل حداقل  | -۲/۴     | -۱/۴  | ۳/۲  | ۹/۱  | ۱۳/۳ | ۱۷/۹ | ۲۰/۴ | ۱۶/۹ | ۱۲    | ۶/۷  | ۱/۵    | -۱/۴ |
| بشرویه             | معدل حداکثر | ۹/۹      | ۱۳/۱  | ۱۹/۵ | ۲۷/۴ | ۳۳   | ۳۸/۷ | ۴۰/۲ | ۳۸   | ۳۴/۲  | ۲۷   | ۱۹/۷   | ۱۱/۸ |
|                    | معدل حداقل  | -۲/۴     | -۱/۲  | ۳/۹  | ۱۰/۴ | ۱۵/۵ | ۲۰/۱ | ۲۲/۱ | ۱۹/۱ | ۱۳/۷  | ۷/۶  | ۱/۳    | -۲/۲ |

بیشترین میزان معدل حداکثرها در هر دو ایستگاه متعلق به تیرماه و کمترین میزان حداقلها در دی ماه است. تفاوت معدل حداکثر و حداقل در گرمترین ماه برای فردوس

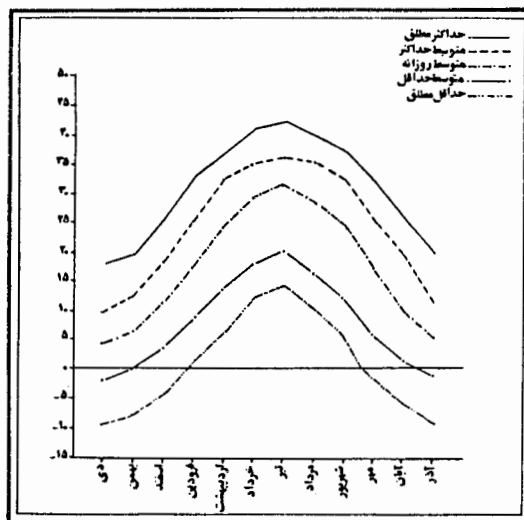
۱۵/۹ درجه و برای بشرویه ۱۷ درجه و در سردترین ماه برای فردوس ۱۱/۴ و بشرویه ۱۲/۳ درجه سانتیگراد است. بطوری که ارقام فوق نشان می‌دهد تفاوت درجه حرارت روز و شب در ماههای گرم خیلی بیشتر از ماههای سرد است. و این امر علاوه بر حاکمیت بری بودن ماههای گرم، خنکی قابل ملاحظه هوارا در شبهای تابستان اثبات می‌کند.

ج- حداکثر و حداقل مطلق دما: برای مطالعه حداکثر و حداقل مطلق دما جدول شماره ۳ تهیه شده است. براساس این جدول میانگین حداکثر مطلق دمای فردوس در تیرماه ۴۱/۴ درجه سانتیگراد به دست آمده ولی بالاترین حداکثر مطلق تا ۴۴/۴ درجه سانتیگراد<sup>۱۷</sup> و پایین‌ترین حداقل مطلق در دی ماه (۱۴/۸-) درجه سانتیگراد<sup>۱۸</sup> ثبت شده است. بالاترین حداکثر مطلق بشرویه در تیرماه ۴۶/۵ درجه سانتیگراد<sup>۱۹</sup> و پایین‌ترین حداقل مطلق در دی ماه (۱۲/۵-) درجه سانتیگراد<sup>۲۰</sup> گزارش شده است.

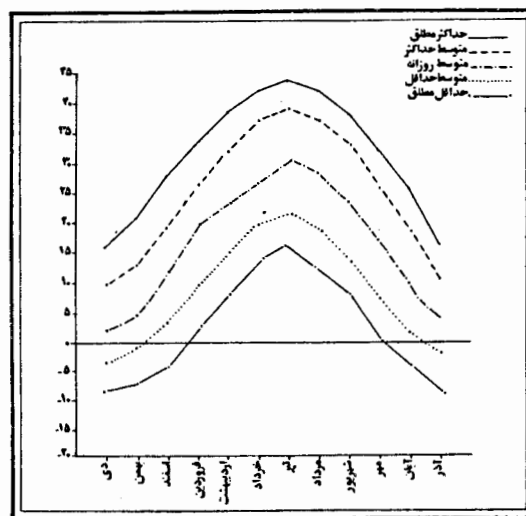
جدول شماره ۳- میانگین حداکثر و حداقل مطلق دما سالهای (۱۹۸۵-۱۹۷۴)

| ماهها<br>ایستگاهها |             | آذر  | آبان | مهر  | شهریور | مرداد | تیر  | خرداد | اردیبهشت | فروردین | اسفند | بهمن | دی   |      |
|--------------------|-------------|------|------|------|--------|-------|------|-------|----------|---------|-------|------|------|------|
|                    |             | ۱۹/۱ | ۲۵   | ۳۱/۵ | ۳۶/۵   | ۳۹/۲  | ۴۱/۴ | ۴۰    | ۳۵/۸     | ۳۲      | ۲۵/۳  | ۱۹/۸ | ۱۷/۱ |      |
| فردوس              | حداکثر مطلق | ۴۱   | ۱۹/۱ | ۲۵   | ۳۱/۵   | ۳۶/۵  | ۳۹/۲ | ۴۱/۴  | ۴۰       | ۳۵/۸    | ۳۲    | ۲۵/۳ | ۱۹/۸ | ۱۷/۱ |
|                    | حداقل مطلق  | -۹   | -۸/۲ | -۴/۹ | -۰/۰۶  | ۶/۲   | ۱۰/۷ | ۱۴/۸  | ۱۱/۹     | ۶/۱     | ۱/۳   | -۴/۱ | -۸/۲ | -۹/۵ |
| بشرویه             | حداکثر مطلق | ۴۴   | ۱۷/۵ | ۲۶/۸ | ۳۳/۸   | ۳۹/۲  | ۴۲/۴ | ۴۴/۴  | ۴۳/۲     | ۳۹/۲    | ۳۵    | ۲۸/۲ | ۲۱   | ۱۵/۶ |
|                    | حداقل مطلق  | -۹   | -۹/۲ | -۴   | ۰/۸    | ۷/۹   | ۱۲/۸ | ۱۷    | ۱۴/۵     | ۸/۸     | ۳۲    | -۴/۱ | -۷/۲ | -۸۱  |

د- روزهای یخبندان: به عقیده بسیاری از اقلیم شناسان روزهای یخبندان عبارت از روزهایی است که میزان دما زیر صفر درجه سانتیگراد است.



نمودار شماره ۱- منحنی های درجه حرارت ایستگاه فردوس میانگین ۱۲ ساله (۱۹۷۴-۸۵)



نمودار شماره ۲- منحنی های درجه حرارت ایستگاه بشرویه میانگین ۱۲ سال (۱۹۷۴-۱۹۸۵)

جدول شماره ۴- میانگین تعداد روزهای یخبندان سالهای (۱۹۸۵-۱۹۷۴)

| سال \ ماهها | مهر | آبان | آذر | دی | بهمن | اسفند | سال |
|-------------|-----|------|-----|----|------|-------|-----|
| ایستگاهها   |     |      |     |    |      |       |     |
| فردوس       | ۲   | ۱۱   | ۲۳  | ۲۴ | ۱۸   | ۹     | ۸۵  |
| بشرویہ      | ۱   | ۱۱   | ۲۳  | ۲۴ | ۱۷   | ۹     | ۸۷  |

بطوری که از جدول شماره ۴ استنباط می‌گردد، در فردوس و بشرویہ در طول شش ماه از سال یعنی ماههای مهر تا اسفند یخبندان مشاهده می‌شود. اما حداکثر یخبندانها در دی ماه است.

## ۲- فشار و بادهای

**فشار:** فشار اتمسفر در عرض جغرافیایی ۴۵ درجه و در هوای صفر درجه سانتیگراد و در ارتفاع سطح دریا فشار بهنجار نامیده می‌شود و میزان آن برابر ۱۰۱۳ میلی بار است. فشارهای بیشتر از این میزان را فشار زیاد و فشارهای کمتر را فشار کم می‌گویند<sup>۲۱</sup>.

بر اساس اطلاعات اطلس اقلیمی ایران<sup>۲۲</sup> حداکثر فشار هوا در شهرستان فردوس در آذر ماه است و منحنی ۱۰۲۶ میلی بار دقیقاً از شهر فردوس می‌گذرد. با گرم شدن هوا فشار هوا کاهش می‌یابد، بطوری که در فروردین منحنی ۱۰۱۴ میلی بار از فردوس می‌گذرد. و فشار هوا تا حداقل ۱۰۰۲ میلی بار در تیرماه کاهش می‌یابد.

**بادهای:** آب و هوای خراسان متأثر از جریانهای هوایی است که کشور ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سه مرکز فشار به شرح زیر سرچشمه می‌گیرند. شهرستان فردوس نیز کم و بیش تحت تأثیر این سه مرکز پرفشار قرار می‌گیرد:

۱- جریان مرکز پرفشار سیبری و آسیای مرکزی در زمستان که اثرات سرمای آن تا

نواحی جنوبی خراسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲۱- ابراهیم جعفرپور، اقلیم شناسی، ص ۵۸.

۲۲- اطلس اقلیمی ایران، ص ۹۵.

۲- جریان غربی اقیانوس اطلس که در زمستان و بهار سبب ایجاد بادهای مرطوب و باران‌زا شده و با پیشروی به طرف شرق از شدت و رطوبت آن کاسته می‌شود.

۳- جریان مرکز فشار اقیانوس هند و جریان شمال غربی در تابستان، با توجه به این سه جریان عمده دونوع باد در فردوس دیده می‌شود.

الف- بادهای دائمی: شمال سیه‌باد (سیاه‌باد) و کوه‌باد.

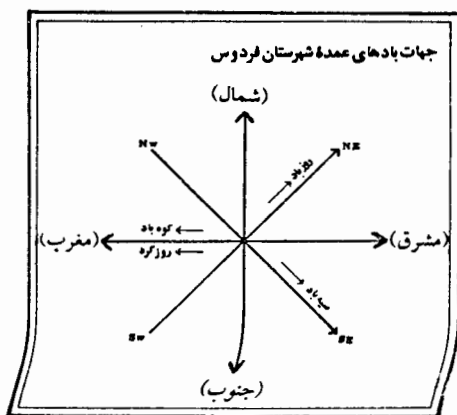
- سیه‌باد از سمت شمال غربی می‌وزد و در زمستان و اوایل بهار موجب سرما می‌گردد.

- کوه‌باد در زمستان و بهار و اوایل تابستان از مشرق به طرف مغرب می‌وزد و گاهی سبب سرما زدگی درختان و سایر محصولات می‌شود. زارعین برای باد دادن و پاک نمودن خرمنهای خود در تابستان از این باد استفاده می‌کنند.

ب- بادهای موسمی که شامل دو باد است به نامهای روزباد و روزگرد.

- روزباد در بهار از جنوب غربی به سمت شمال شرقی می‌وزد و باران‌زاست. منشأ این باد جریانهای غربی اقیانوس اطلس از طریق مدیترانه است. این باد در خردادماه توأم با گرمای زیادی است و به همین علت در اصطلاح محلی «تَف‌باد» نیز نامیده می‌شود.

- روزگرد از اسفند تا اردیبهشت می‌وزد. شروع وزش آن از مشرق بوده و زمان آن اول صبح است. با تغییر محل ظاهری خورشید جهت وزش آن تغییر می‌کند و نزدیکیهای غروب از مغرب به مشرق می‌وزد.



### ۳- نم نسبی

نم نسبی در ارتباط با میزان رطوبت هوا و از طرف دیگر در رابطه با درجه حرارت تغییر می کند. یعنی به موازات افزایش حرارت میزان قابلیت جذب رطوبت نیز فزونی می گیرد. برای مطالعه نم نسبی شهرستان فردوس جدول شماره ۵ تهیه شده است.

جدول شماره ۵- پراکندگی متوسط نم نسبی ماهانه، میانگین ۱۲ سال (۱۹۸۵-۱۹۷۴)

| ایستگاهها \ ماهها | م  | م  | م  | م  | م  | م  | م  | م  | م  | م  | م  | م  | م  |
|-------------------|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|
| فردوس             | ۶۶ | ۵۶ | ۵۱ | ۴۸ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۲ | ۲۲ | ۲۱ | ۳۲ | ۴۱ | ۵۷ | ۳۹ |
| بشرویه            | ۷۱ | ۶۰ | ۵۷ | ۴۵ | ۳۲ | ۲۷ | ۲۴ | ۲۵ | ۲۶ | ۳۷ | ۵۰ | ۶۵ | ۴۳ |

طبق جدول فوق بیشترین میزان نم نسبی در هر دو ایستگاه به ماههای سرد و کمترین میزان به ماههای گرم تعلق دارد. این میزان در بشرویه بیش از فردوس است. زیرا هرچه بر میزان حرارت هوا افزوده شود از میزان نم نسبی کاسته می شود.

### ۴- تبخیر و تعرق

مقدار تبخیر و تعرق پتانسیل به میلیمتر برای فردوس با استفاده از فرمول تورک محاسبه شده که در جدول شماره ۶ آمده است<sup>۲۳</sup>.

جدول شماره ۶- تبخیر و تعرق پتانسیل (ETP) به میلیمتر ایستگاه فردوس

| جمع  | م | م  | م  | م  | م   | م   | م   | م   | م   | م   | م  | م | م |
|------|---|----|----|----|-----|-----|-----|-----|-----|-----|----|---|---|
| ۱۲۳۴ | ۰ | ۲۷ | ۶۳ | ۹۶ | ۱۵۴ | ۲۰۲ | ۲۱۲ | ۱۷۹ | ۱۵۰ | ۱۰۳ | ۳۹ | ۹ |   |

آب و هوای این منطقه را خشکی شدید مشخص می‌سازد. میزان بارندگی فردوس در حدود ۱۷۰ میلیمتر و تبخیر و تعرق بالغ بر ۱۳۰۰ تا ۱۸۰۰ میلیمتر در سال است. آبیاری برای اغلب کشته‌ها تقریباً ضرورت دارد.

### ۵- بارندگی

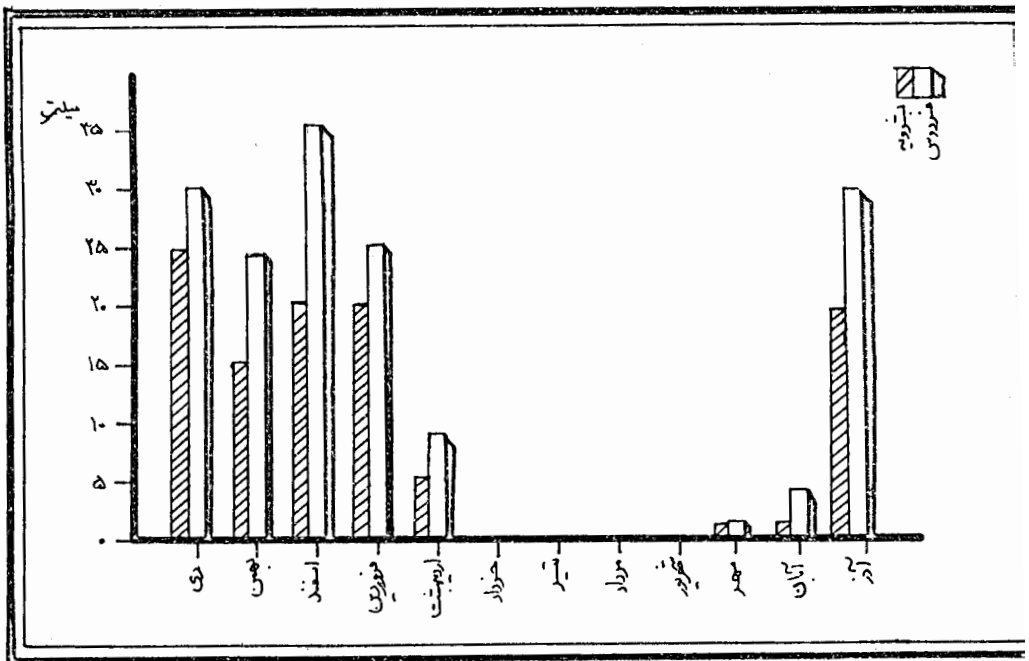
بارندگی‌های خراسان هم چون سایر نقاط ایران تحت تأثیر دو جریان مهم است:  
۱- جریان مرکز پرفشار سبیری و آسیای مرکزی در زمستان و تماس با ابرهای مرطوب که از غرب می‌آیند و ریزش‌های برفی زمستانه را موجب می‌شوند.  
۲- جریان‌های غربی اقیانوس اطلس که موجب ریزش برف و باران در زمستان و بهار می‌شوند.

بارانهای بهاره در شهرستان فردوس نظیر اغلب نقاط خراسان تحت نام «شیشه»<sup>۲۴</sup> و مترادف باروزهای ۶، ۱۶، ۲۶ فروردین و اردیبهشت و خرداد به فواصل ۱۰ روزه بارش دارند، از این جبهه هستند و دیم‌کاری استان خراسان به این بارانها بستگی دارد. سالیانی که بارانهای «شیشه» و به موقع و کافی بیایند وضع غله خراسان خوب است.  
الف- پراکندگی و میزان بارندگی: مهمترین عنصر اقلیمی میزان بارندگی است. برای بررسی پراکندگی آن جدول شماره ۷ و نمودار شماره ۳ ترسیم گردیده که بیانگر پراکندگی باران در ماههای مختلف سال است.

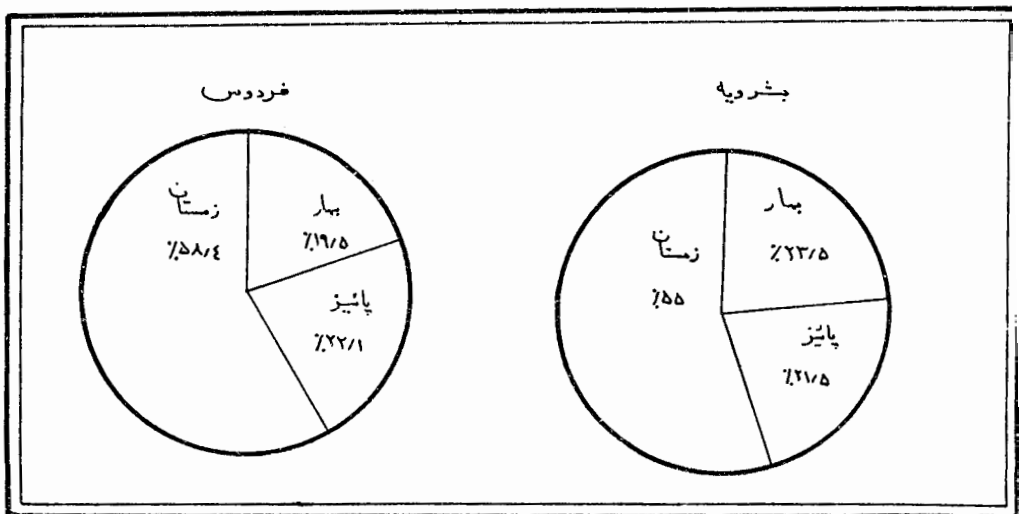
جدول شماره ۷- پراکندگی ماهانه و سالانه بارندگی به میلیمتر، میانگین ۱۲ سال (۱۹۸۵-۱۹۷۴)

| سال       | ۱۳۸۵    | ۱۳۸۶     | ۱۳۸۷  | ۱۳۸۸ | ۱۳۸۹ | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۴ | ۱۳۹۵  | ۱۳۹۶    | ۱۳۹۷     | ۱۳۹۸  | ۱۳۹۹ | میانگین | ماهها  |
|-----------|---------|----------|-------|------|------|------|------|------|------|------|-------|---------|----------|-------|------|---------|--------|
| ایستگاهها | فروردین | اردیبهشت | خرداد | تیر  | مهر  | مهر  | آبان | آذر  | دی   | بهمن | اسفند | فروردین | اردیبهشت | خرداد | تیر  | مهر     | مهر    |
| فردوس     | ۱۶۹/۵   | ۳۰/۴     | ۵/۱   | ۲    | ۰    | ۰    | ۰    | ۰    | ۰    | ۰    | ۰/۲   | ۸       | ۲۴/۹     | ۳۵/۵  | ۲۳/۸ | ۲۹/۶    | فردوس  |
| بشرویه    | ۱۰۹     | ۱۹       | ۲/۲   | ۲/۳  | ۰    | ۰    | ۰    | ۰    | ۰    | ۰    | ۰/۱   | ۶       | ۱۹/۵     | ۲۰/۵  | ۱۵   | ۲۴/۶    | بشرویه |

۲۴- روزهایی از ماههای فروردین و اردیبهشت که به عدد ۶ ختم می‌شوند مانند ۶، ۱۶، ۲۶....



نمودار شماره ۳- نمودار بارندگی ماهانه در ایستگاه فردوس و بشرویه میانگین ۱۲ سال (۱۹۷۴-۱۹۸۵)



نمودار شماره ۴- درصد پراکنندگی بارندگی در فصول سال میانگین ۱۲ سال (۱۹۷۴-۱۹۸۵)

براساس جدول شماره ۷ میزان بارندگی سالانه در فردوس ۱۶۹/۵ میلیمتر و در بشرویه ۱۰۹ میلیمتر است. میزان بارندگی با عامل ارتفاع از سطح زمین ارتباط مستقیم دارد. لذا در نواحی کوهستانی شمال و شمال شرقی فردوس میزان بارندگی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیمتر است ولی در دشتها و نواحی جنوب و غرب شهرستان این میزان بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلی متر متغیر است<sup>۲۵</sup>. براساس نقشه منحنی همباران استان خراسان فردوس بین دو منحنی همباران ۱۵۰-۲۰۰ میلی متر واقع شده است.

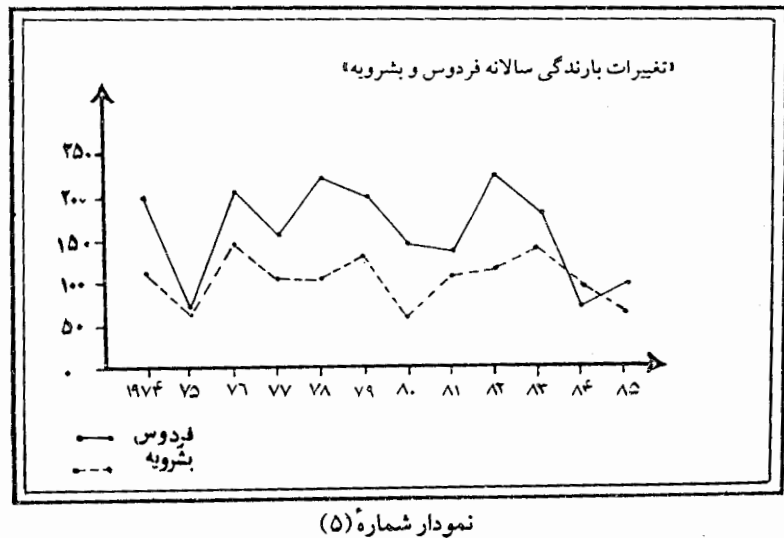
ب- رژیم بارندگی: برای مطالعه رژیم بارندگی و درصد پراکندگی بارندگی فردوس جدول شماره ۸ و نمودار شماره ۴ تهیه گردیده است. بیشترین میزان بارندگی فردوس در ماه اسفند و در بشرویه در دی ماه است. کمترین میزان بارندگی برای هر دو ایستگاه متعلق به ماههای گرم است.

جدول شماره ۸- میزان و درصد فصلی بارندگی سالهای (۱۹۷۴-۱۹۸۵)

| ایستگاهها \ فصول | زمستان  |      | بهار    |      | تابستان |      | پاییز   |      |
|------------------|---------|------|---------|------|---------|------|---------|------|
|                  | بارندگی | درصد | بارندگی | درصد | بارندگی | درصد | بارندگی | درصد |
| فردوس            | ۹۸/۹    | ۵۸/۴ | ۳۳/۱    | ۱۹/۵ | ۰       | ۰    | ۳۷/۵    | ۲۲/۱ |
| بشرویه           | ۶۰      | ۵۵   | ۲۵/۵    | ۲۳/۵ | ۰       | ۰    | ۲۳/۵    | ۲۱/۵ |

براساس جدول شماره ۸ در هر دو ایستگاه بیش از ۵۰ درصد بارندگی سالانه در فصل زمستان است. سپس فصلهای بهار و پاییز قرار دارند. در تابستان میزان بارندگی به صفر می رسد و بندرت بارندگی اتفاق می افتد.

از مسائل دیگر مهم بارندگی متغیر بودن بارندگی از سال به سالی است. تغییرات بارندگی ایستگاههای فردوس و بشرویه که بیانگر نوسان بارندگی سالانه است در نمودار شماره ۵ نشان داده شده است.



براساس این نمودار حداقل بارندگی سالانه فردوس بین ۷۴/۲ میلیمتر و حداکثر ۲۳۲/۱ میلیمتر در نوسان بوده است.

ج- محاسبه احتمال وقوع بارندگی: احتمال وقوع بارندگی سالانه در فردوس ۱ فرمول تجربی ویبول محاسبه شده است.<sup>۲۶</sup> طبق این فرمول احتمال وقوع بارندگی ۲۳۱/۱ میلیمتر سالانه ۷ درصد و احتمال بارندگی ۱۸۴/۹ میلیمتر سالانه ۵۴ درصد است. ولی احتمال بارندگی ۷۴ میلیمتر در هر سال ۹۳ درصد است. به عبارت دیگر هر سال ن مقدار بارندگی وجود دارد.

### ۶- ضریب خشکی

برای تعیین ضریب خشکی آب و هوای فردوس و بشرویه از فرمول دومارتن استفاده شده است.<sup>۲۷</sup>

۲۶- دکتر امین علیزاده - اصول هیدرولوژی کاربردی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۷، ص ۳۸۴.

۲۷- فرمول دو مارتن  $I = \frac{P}{T+10}$  در این فرمول I ضریب خشکی، T متوسط درجه حرارت سالانه به

انتیگراد و P متوسط بارندگی سالانه به میلیمتر است.

مأخذ: اصول هیدرولوژی کاربردی، ص ۷۵.

$$\text{ضریب خشکی فردوس} = \frac{۱۶۵/۹}{۱۵/۹ + ۱۰} = ۶/۴$$

$$\text{ضریب خشکی بشرویه} = \frac{۱۰۹}{۱۷/۵} = ۴$$

بنابراین شهرستان فردوس دارای اقلیم خشک است. زیرا ضریب خشکی هر دواستگاه کمتر از ۱۰ است.

### ۷- منحنی آمبروترمیک

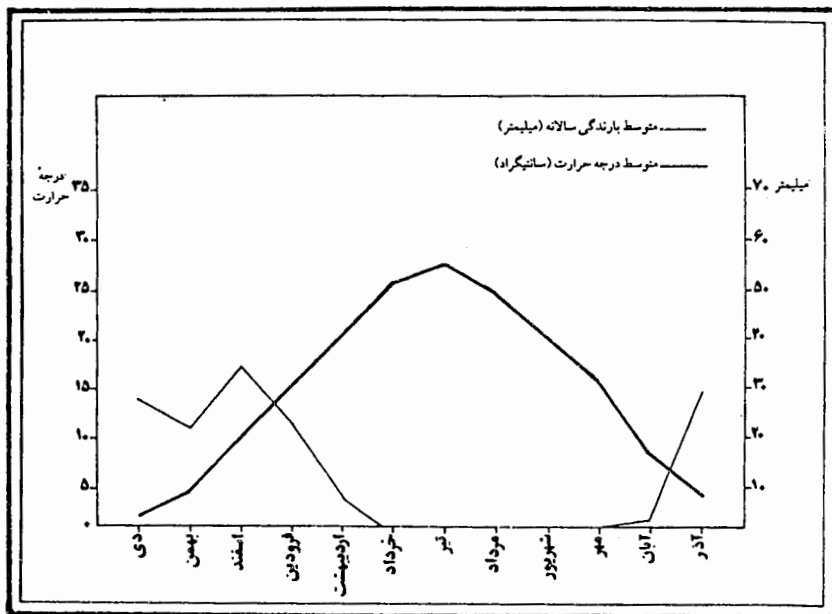
استفاده از نمودارها به منظور مشخص کردن خصوصیات اقلیمی هر ناحیه بسیار مرسوم است. با این روشها می توان موقعیت آب و هوایی يك منطقه را مشخص کرد. از معروفترین نمودارها منحنیهای آمبروترمیک است.

نمودار شماره ۷۶- منحنی آمبروترمیک فردوس و بشرویه، در این منحنی دوره خشک زمانی است که منحنی درجه حرارت بالای منحنی بارندگی قرار می گیرد. در فردوس و بشرویه دوره خشک از فروردین تا آبان است. دوره مرطوب زمانی است که منحنی بارندگی در بالای منحنی درجه حرارت یعنی در ماههای دی و بهمن و اسفند است.

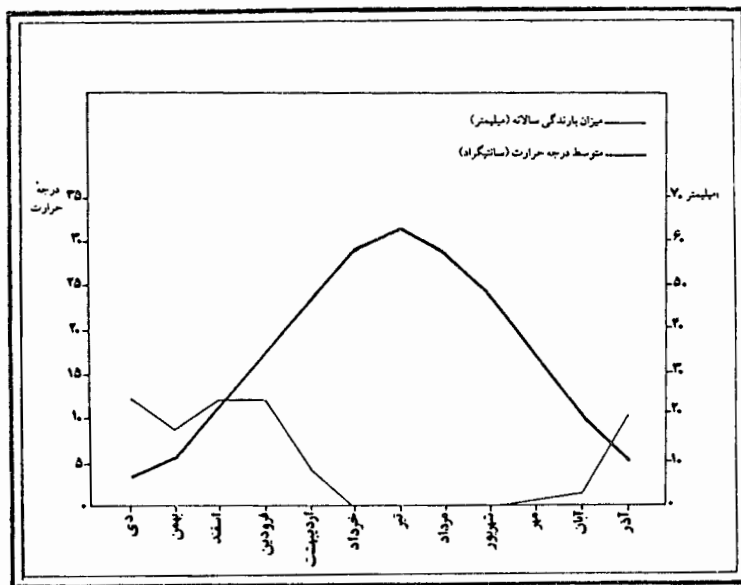
### ۸- اقلیم فردوس بر اساس طبقه بندی کوپن

اساس طبقه بندی کوپن بر میانگین ماهانه و سالانه دما و بارندگی و رژیم بارندگی و ارتباط بین رویشهای طبیعی و شرایط دما و بارندگی پایه گذاری شده است<sup>۲۸</sup>. در سیستم طبقه بندی کوپن سه نوع آب و هوا از هم متمایز می شوند: بیابانی، استپی و مرطوب. مرز مربوط به هر يك از این اقلیمها به مقدار بارندگی سالانه، درجه حرارت سالانه و زمان وقوع بارندگی بستگی دارد.

طبق جدول کوپن آب و هوای فردوس بیابانی است. بارندگی سالانه آن ۱۶/۹۵ سانتیمتر و متوسط درجه حرارت سالانه ۱۵/۵ درجه سانتیگراد است. بنابراین بارندگی سالانه کمی بیشتر از متوسط درجه حرارت سالانه و بارندگی آن زمستانی است.



نمودار شماره ۶- منحنی آمبروترمیک ایستگاه فردوس (۱۹۸۵-۱۹۷۴)



نمودار شماره ۷- منحنی آمبروترمیک ایستگاه بشرویه (۱۹۸۵-۱۹۷۴)

### آبها (منابع و مسائل آب)

در شهرستان فردوس اصولاً غلبه با خشکی است و هیچ گونه رودخانه‌ای وجود ندارد. فقط سیلابهای بهاری به علت برهنه بودن زمین تند و خطرناکند، که بعد از چند ساعت بارندگی متوقف می‌گردند. این سیلابها اغلب به منطقه گودی از حاشیه کویر که بین بشرویه، نیگنان و بجستان واقع گردیده ختم می‌شوند. مقدار بارندگی در شهرستان فردوس کم است و قناتهای این منطقه کم آب هستند. به همین جهت کشاورزان با ایجاد بندهای خاکی در مسیر سیلابهای بهاری مقدار زیادی از این آبها را در بندسارها ذخیره می‌کنند با نفوذ آب در زمین در حوضه رسوبی آن می‌توانند زراعت کنند. معمولاً در این گونه بندسارها خربزه و هندوانه می‌کارند. معروفترین این مسیلهای یکی مسیل «چین چه»<sup>۲۹</sup> است که حدود ۹۰ کیلومتر طول دارد و از کنار شهر فردوس می‌گذرد. مسیل برون و سرخ‌آبی از دیگر مسیلهای نسبتاً مهم فردوس است که در حدود ۱۵۰ کیلومتر طول دارد و دارای حوضه آبرگیر وسیعی است.

منابع آب شهرستان فردوس در دو دشت فردوس و بشرویه مورد مطالعه قرار گرفته است<sup>۳۰</sup>:

### الف - دشت فردوس

حوضه آبریز دشت فردوس در غرب شهرستان گناباد، در طول جغرافیایی ۵۸°-۵۸' تا ۵۸°-۳۱' و عرض جغرافیایی ۴۹°-۳۳' تا ۲۰°-۳۴' واقع شده است. این حوضه محدود است از شمال به خط الرأس ارتفاعات کوه پوزه راست و کوه تریخستان، از شرق به ارتفاعات شش تو و قراولخانه، از جنوب به کنگره کوه و خال کوه و از غرب به بلندیهای قلعه دختر و حسین آباد. وسعت حوضه آبریز بالغ بر ۱۳۶۰ کیلومتر مربع است

۲۹- احمد نوغانی مقدم، «شهرستان فردوس»، راهی به روشنایها ص ۱۲۸.

۳۰- سعدالله ولایتی و مهندس سعید توسلی، منابع و مسائل آب استان خراسان، انتشارات آستان قدس

رضوی، سال ۱۳۷۰، ص ۱۸۵.

که ۵۰۰ کیلومتر مربع آن دشت و بقیه را ارتفاعات تشکیل می‌دهد. بلندترین نقطه در قله سیاه کوه واقع است و از سطح دریا ۲۸۱۳ متر ارتفاع دارد. پایینترین نقطه در محل خروجی دشت قرار دارد و از سطح دریا ۱۱۰۰ متر بلندتر است.

### ۱- منابع آب سطحی

در حوضه آبریز دشت فردوس جریان سطحی قابل توجهی وجود ندارد. ولی تعدادی مسیل از ارتفاعات شرق حوضه شروع می‌شوند و سیلابشان را به دشت هدایت می‌کنند. بخشی از سیلاب این مسیله‌ها، بویژه در بندسارهایی که توسط کشاورزان در ابتدای دشت احداث شده، نفوذ کرده و سفره آب زیرزمینی را تقویت می‌نماید (مانند کال مصعبی، بلده و برون).

### ۲- منابع آب زیرزمینی

اولین آمار از حوضه آبریز دشت فردوس در سال ۱۳۴۵ در چارچوب طرح شناسایی تهیه شده و در جدول شماره ۹ انعکاس یافته است. پس از سال ۱۳۴۵ چندین نوبت از منابع آب حوضه آمار گرفته شده و میزان تخلیه آب زیرزمینی محاسبه شده و در این جدول آمده است.

جدول شماره ۹- تعداد تخلیه منابع آب زیرزمینی حوضه آب زیرزمینی دشت فردوس  
(تخلیه به میلیون متر مکعب)

| منابع آب<br>سال | چاه   |       | قنات  |       | چشمه  |       | مجموع<br>تخلیه سالانه |
|-----------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-----------------------|
|                 | تعداد | تخلیه | تعداد | تخلیه | تعداد | تخلیه |                       |
| ۱۳۴۵            | ۱۴    | ۷     | ۴۰    | ۱۱    | —     | —     | ۱۸                    |
| ۱۳۴۸            | ۲۵    | ۷     | ۴۵    | ۱۶    | —     | —     | ۲۳                    |
| ۱۳۵۹            | ۵۹    | ۱۸    | ۹۰    | ۳۸    | ۱     | ۱     | ۵۷                    |
| ۱۳۶۲            | ۶۵    | ۲۱    | ۱۳۳   | ۳۳    | ۷     | ۲     | ۵۶                    |
| ۱۳۶۴            | ۷۶    | ۲۵    | ۱۳۳   | ۳۳    | ۷     | ۲     | ۶۰                    |
| ۱۳۶۷            | ۸۲    | ۲۶    | ۱۳۳   | ۳۳    | ۷     | ۲     | ۶۱                    |
| ۱۳۶۸            | ۸۲    | ۲۵/۷  | ۱۳۳   | ۳۳    | ۷     | ۲/۲   | ۶۰/۹                  |

در جدول ۹ دیده می شود که تعداد چاههای دشت از سال ۴۵ به بعد بتدریج افزایش یافته است، ولی میزان بهره دمی چاهها از ۲۶ میلیون متر مکعب در سال فراتر نرفته است. تعداد قناتها نیز گرچه رقم قابل توجهی را نشان می دهد ولی میزان استحصال آب توسط آنها، زیاد نیست. این امر نشان می دهد که وسعت و نزولات جوئی منطقه مورد مطالعه کم است و در نتیجه پروانه های زیادی هم برای حفر چاه با دبی کم صادر نشده است.

حداکثر عمق چاهها ۲۰۷ متر، متوسط عمق ۱۵۰ متر، حداکثر دبی لحظه ای ۴۸ و متوسط دبی لحظه ای چاهها ۱۵ لیتر در ثانیه گزارش شده است. حداکثر دبی لحظه ای قناتها ۸۵ و متوسط دبی لحظه ای ۸ لیتر در ثانیه می باشد. حداکثر دبی لحظه ای چشمه ها ۳۵ و متوسط دبی لحظه ای ۱۰ لیتر در ثانیه گزارش شده است.

مجموعاً ۱۹ حلقه چاه پیزومتری و مشاهده ای برای اندازه گیری سطح آب زیرزمینی در دشت وجود دارد. به علاوه، یک حلقه چاه اکتشافی (۲۶۰ متر) در دشت حفر شده و تعداد ۴۲ سونداژ ژئوالکتریک در چارچوب مطالعات ژئوفیزیک در دشت انجام شده است.

نتایج مطالعات نشان می دهد که ضخامت آبرفت به دلیل ناهمواری سنگ کف، در نقاط مختلف متفاوت است و حداکثر به ۲۵۰ متر (دامنه ارتفاعات شش تو) می رسد. بالا آمدگی سنگ کف در حواشی باغستان و جنوب شرقی دشت، سبب شده که سفره آب زیرزمینی به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شود.

قابلیت انتقال سفره آب زیرزمینی از ۵۶۹ تا ۹۴۸ متر مربع در روز تغییر می کند، ضریب ذخیره سفره آب زیرزمینی از ۰/۲ تا ۰/۷ درصد گزارش شده است. بهترین سفره آب در محدوده فرورفتگی سنگ کف شمال شرق، در مسیر جاده باغستان - بجستان، گزارش شده است. جهت جریان آب زیرزمینی از شرق به غرب بوده و عمق برخورد به سطح آب زیرزمینی از ۱۰ متر (محل خروجی دشت) تا ۱۶۰ متر (باغستان) تغییر می کند. در زمینه آبهای سطحی توسعه بهره برداری بسیار محدود است. در زمینه منابع آبهای زیرزمینی نیز به دلیل متعادل بودن سفره آب (میزان ورودی برای میزان خروجی) امکان توسعه بهره برداری بیشتر میسر نیست.

### ب- دشت بشرویه

حوضه آبریز دشت بشرویه در شمال غرب شهرستان فردوس، در طول جغرافیایی  $۵۷^{\circ}۳'$  تا  $۵۸^{\circ}۱۰'$  و عرض جغرافیایی  $۳۴^{\circ}۲۴'$  تا  $۳۵^{\circ}۴۰'$  قرار گرفته است. این حوضه محدود است از شمال به کویر نمک، از شرق به خط الرأس کوه خال و کوه قاسم آباد، از جنوب به تپه ماهورهای حدفاصل بین دشت دیهوک و بشرویه و از غرب به کوههای شتری، گوش کمر و سیاه کوه.

وسعت حوضه آبریز ۹۵۲۵ کیلومتر مربع است که ۶۵۲۰ کیلومتر مربع آن دشت و بقیه را ارتفاعات تشکیل می دهد. بلندترین نقطه حوضه روی قله جمال (جنوب غرب حوضه) واقع است و از سطح دریا ۲۴۴۵ متر ارتفاع دارد. پایین ترین نقطه درحاشیه کویر قرار دارد و از سطح دریا ۸۰۰ متر بلندتر است.

### ۱- منابع آب سطحی

رودخانه قلعه وامقی: این رودخانه از ارتفاعات جنوب شرقی منطقه شروع می شود و پس از عبور از شرق شهر بشرویه به سمت شمال جریان می یابد و به کویر نمک می ریزد. این رودخانه در بعضی از مناطق مسیر نقش زهکش را به عهده دارد.

رودخانه ریسو: رودخانه ریسو از ارتفاعات جنوب دشت سرچشمه می گیرد و به سمت شمال جریان می یابد. سیلاب آن در نزدیکی بشرویه به کال وامقی می ریزد. این دو رود سرانجام کال نمک را به وجود می آورند.

رودخانه فتح آباد: این رودخانه از ارتفاعات کوه جمال شروع و درحواشی روستای فتح آباد وارد دشت بشرویه می شود. رودخانه فتح آباد در مناطق کوهستانی مسیر خود دارای جریان پایه است که مقدار آن بطور متوسط ۷۰ لیتر درثانیه گزارش شده است. کال اصفافک: کال اصفافک از بلندیهای قرانجیری واقع در غرب منطقه شروع می شود و در نزدیکی روستای اصفافک به کال نمک می پیوندند. سیلاب این کال در تغذیه سفره آب زیرزمینی نقش دارد.

کال شور فردوس: این کال که زهکش دشت فردوس است، از شرق وارد دشت

بشرویه می شود و پس از عبور از شرق روستای نیگنان، به کویر نمک می ریزد. کال شور فردوس نقش زهکشی دشت را نیز به عهده دارد.

## ۲- منابع آب زیرزمینی

اولین آمار از حوضه آبریز دشت بشرویه در سال ۱۳۵۴ در قالب طرح مطالعه شناسایی منطقه تهیه و در جدول شماره ۱۰ انعکاس یافته است.

جدول ۱۰- تعداد و تخلیه منابع آب زیرزمینی حوضه آبریز دشت بشرویه<sup>۳۱</sup> (تخلیه به میلیون مترمکعب)

| منابع آب<br>سال | چاه   |       | قنات  |       | چشمه  |       | مجموع<br>تخلیه سالانه |
|-----------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-----------------------|
|                 | تعداد | تخلیه | تعداد | تخلیه | تعداد | تخلیه |                       |
| ۱۳۵۴            | ۶۵    | ۲۴    | ۹۷    | ۱۹    | ۲۷    | ۹     | ۵۲                    |
| ۱۳۵۹            | ۸۲    | ۳۲    | ۱۰۴   | ۳۱    | ۲۹    | ۹     | ۷۲                    |
| ۱۳۶۷            | ۱۲۹   | ۶۲    | ۱۸۲   | ۳۸    | ۵۴    | ۸     | ۱۰۸                   |
| ۱۳۶۸            | ۱۲۹   | ۶۱    | ۱۸۲   | ۳۸/۳  | ۵۴    | ۸/۵   | ۱۰۷/۸                 |

در جدول ۱۰ رشد چاههای منطقه قابل مشاهده است. طی ۱۳ سال از تاریخ اولین آماربرداری تعداد چاهها حدود دوبرابر و میزان تخلیه نزدیک به سه برابر افزایش داشته است. سالانه نزدیک به ۵ حلقه چاه در این دشت حفر شده است. حداکثر عمق چاه ۱۶۰ متر، متوسط عمق ۳۳ متر، حداکثر دبی لحظه ای ۷۵ و متوسط دبی لحظه ای ۳۴ لیتر در ثانیه گزارش شده است. حداکثر دبی لحظه ای قناتها ۴۶ و متوسط دبی لحظه ای ۷ لیتر در ثانیه می باشد. حداکثر دبی لحظه ای چشمه های منطقه ۶۳ و متوسط دبی لحظه ای ۵ لیتر در ثانیه گزارش شده است.

مجموعاً ۲۱ حلقه چاه مشاهده ای و پیژومتری در دشت بشرویه جهت اندازه گیری نوسانهای سطح آب زیرزمینی وجود دارد. به علاوه ۲۸ سونداژ ژئوالکتریک در قالب مطالعه ژئوفیزیک دشت انجام شده است. توسعه بهره برداری از آبهای سطحی با احداث

۳۱- به آمار سال ۶۷ و ۶۸ بشرویه، آمار منابع آب قاسم آباد (بخش شرقی دشت) اضافه شده است.

بندروی کالها و سیلها و رودخانه‌های مزبور، بطور محدود امکان پذیر است که باید مطالع شود. در زمینه منابع آب زیرزمینی، به دلیل پایین رفتن سطح آب زیرزمینی و در نتیجه کسری مخزن بطور کلی امکان توسعه وجود ندارد. مع هذا در حاشیه کویر، چون سطح آب زیرزمینی هنوز پایین نرفته است، امکان توسعه بهره برداری از منابع آبهای زیرزمینی با حفر چاه بطور محدود میسر است.

### خاکها

منطقه کشاورزی فردوس بر کوهپایه‌ای به مساحت تقریبی ۱۲۰۰۰۰ هکتار گسترش دارد. اراضی تحت آبیاری ۲۰۴۰۰ هکتار را دربر می گیرد که شامل خاکهای زیر است ۳۲:

الف - خاکهای عمیق دارای بافت لیمونی، ماسه‌ای و لیمونی، رسی (۶۱۰۰ هکتار) که بیشتر در اطراف فردوس، آیسک و سرایان گسترده شده‌اند. بافتی که نسبتاً یکنواخت باشد جهت آبیاری مناسب است ولی خطر شور کردن اراضی زیاد است (آیسک و فردوس). همه کشتهای منطبق با شرایط محلی امکان دارد نظیر پنبه، غلات، زیره. ب - خاکهای عمیق با بافتهای متغیر. این خاکها بر اثر تراکم طبیعی یا مصنوعی لیمون به دنبال سیلابها به وجود آمده‌اند. تغییرات بافت موجب می شود که این خاکها مصرف کننده عمده آب باشند و بدین جهت بهتر است که در مناطق زیر تحت کشت و آبیاری قرار گیرند: در دامنه کوهها در ابتدای ظهور سیلابها، باغستان، برون، سرند دیده می شود و اغلب برای کشت یونجه و زعفران و همچنین درختکاری مناسب است.

ج - خاکهای سنگ ریزه دار کوهپایه‌ها - این نوع خاکها بیشتر در قسمتهای شمال شرقی فردوس و در نواحی کوهپایه‌ها مشاهده می شوند، که می توان آنها را با پراکندن لیمونهای سیلابها اصلاح کرد. مساحت این اراضی ۱۶۸۰۰ هکتار است. ولی این رقم بیش از حد امکانات اصلاح به شیوه فوق الذکر می باشد.

د - خاکهای دره‌های کوهستانی - به وسعت ۲۸۰۰ هکتار به بافت و عمق متغیر شناخته می شوند. شرایط نسبی و بلندی ایجاد تراسها را ضروری می گرداند. ارزش فلاحی این اراضی بستگی به وجود آب مرغوب دارد. استعداد آنها در کشت درختان میوه و یونجه است.



جنوب دشت از خاکهای شور تشکیل شده است. پدیده‌های فرسایش و حرکت ماسه‌های بادی باعث ایجاد رشته‌ای از تپه‌های ماسه‌ای در جهت شمالی - جنوبی در منطقه‌ای به مساحت ۱۸۶۰۰ هکتار شده است. این خاکها از لحاظ کشاورزی دارای اهمیت فرعی می‌باشند و به خاکهای لیمونی شور (۴۳۰۰ هکتار که قسمتی از آن در اطراف فردوس است) و خاکهای پوشیده از ماسه‌بادی (۹۲۰۰ هکتار) تقسیم می‌شوند. اراضی زیرکشت اطراف بغداد و سه قلعه بر اثر پیشروی تپه‌های ماسه‌ای پیوسته رو به کاهش است و تثبیت ماسه‌های بادی بی شک مستلزم هزینه‌های زیاد است. اراضی سنگ ریزه دار دامنه‌های کوهستان طبعاً چراگاههای خوبی هستند که اینک بویژه در نیمه شمالی محدوده در حال نابودی است.

### پوشش نباتی

باتوجه به خشکی هوا و مساعد نبودن جنس خاک (در جلگه کویری و درکوهها گچی و آهکی) امکان رویش درختان موجود نیست و آنچه هم وجود داشته بر اثر عدم توجه اهالی و پی نبردن به اهمیت آنها از بین رفته و سبب گسترش شنزارها و کویرها گردیده است. در استان خراسان حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد شنزارها و مناطق کویری تشکیل شده‌اند که سهم شنزارها در حدود ۳ میلیون هکتار است. ۳۳ شنزارها غالباً در نواحی جنوبی استان قرار داشته و میزان فعالیت آنها به لحاظ شدت و ضعف متفاوت است. اراضی مزروعی و روستایی و جاده‌های ارتباطی بین شهری و دیگر ابنیه و تأسیسات جنوب خراسان همواره مورد تهدید حرکت شنهای روان بوده است. و مجریان و کارشناسان منابع طبیعی استان برای کاهش این خطرات تلاش فراوان کرده‌اند. از جمله نهالکاری، بذرپاشی، جمع‌آوری بذر و خزانه‌زینی، آبیاری و جدول بندی بوده است، که کلاً مربوط می‌شود به طرح ملی تثبیت شن و کویرزدایی و طرح احیای مراتع، جمع‌کل اعتبارات این طرحها بالغ بر ۱۸۷۷۵۰۰۰۰ ریال است.

مهمترین درختچه‌های سازگار با محیط شهرستان عبارتند از: قیج، اسکمیل، تاغ گز و اغلب بوته‌های تریخ، اسپند، شور و کده. در دامنه کوههای بشرویه سابقاً درختان بنه و بادامشک طبیعی بطور انبوه وجود داشته است که متأسفانه برای تأمین سوخت اهالی اغلب تبدیل به زغال گردیده است<sup>۳۴</sup>. ولی از زمانی که این اراضی تحت نظارت جنگلبانی و اداره منابع طبیعی قرار گرفته سبب شده است که اغلب بنه (پسته کوهی) و بادامشک طبیعی بطور پراکنده و به ارتفاع نیم متر تا سه متر برآید که در صورت تکثیر و قرق کردن و حتی پیوند زدن می‌توان بر تعداد و میزان محصول این گونه درختان افزود.

در اطراف روستاهای کوهپایه نظیر مصعبی و کریمو درختان بادام دیم به عمل می‌آید که اگر جنگلبانی به این امر توجه نماید می‌توان در این نواحی جنگلهای مصنوعی از این نوع درختان به وجود آورد. در سالهایی که بارندگی به حد کافی باشد نباتات صمغی نظیر کتیرا و انگوزه در این نواحی به دست می‌آید. جهت آشنایی بیشتر با پوشش گیاهی شهرستان فردوس نقشه گسترش گیاهی این ناحیه ترسیم گردیده است<sup>۳۵</sup>. براساس این نقشه در ناحیه فردوس پنج جامعه گیاهی وجود دارد:

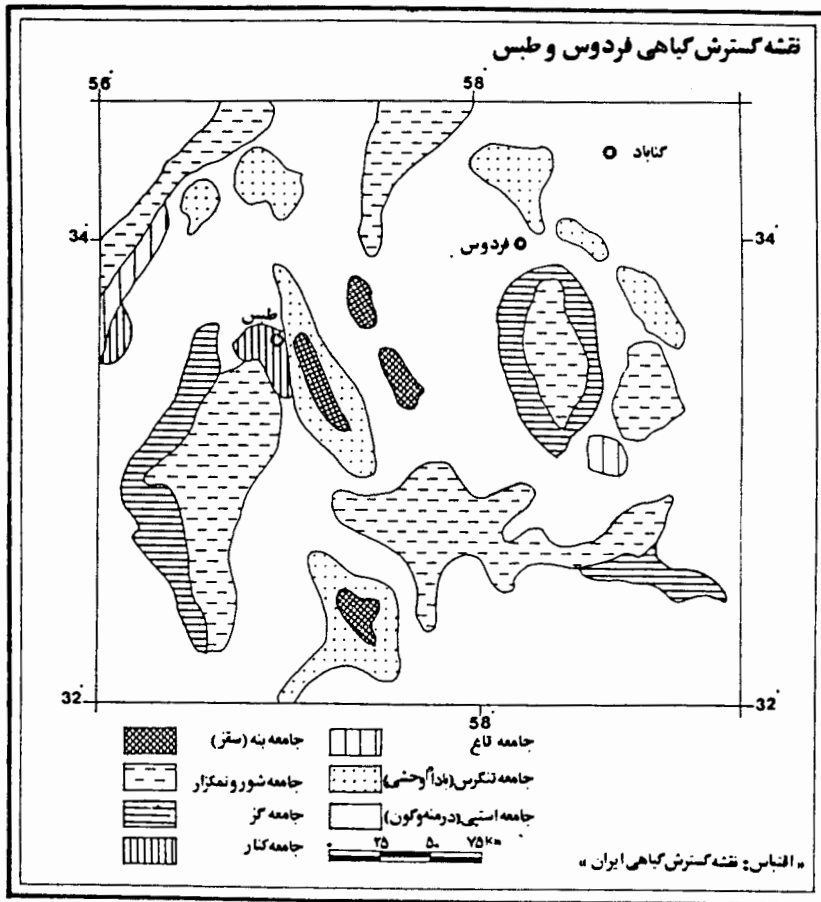
۱ - جامعه استپی درمنه و گون - این جامعه قسمت اعظم ناحیه را می‌پوشاند.

۲ - جامعه تنگرس یا بادام وحشی - این جامعه در نواحی کوهستانی شمال و شرق شهرستان فردوس و در ارتفاعات ۱۷۰۰ تا ۲۴۰۰ فوتی می‌رویند.

۳ - جامعه شور و نمکزار - این جامعه در نواحی جنوبی شهرستان فردوس و بخشهای کویری ناحیه می‌رویند. این گیاهان سازگار با شوری (هالوفیتی) هستند. ویژگی عمده این ناحیه تنک بودن فوق‌العاده پوشش گیاهی است.

۳۴ - احمد نوغانی، «شهرستان فردوس»، راهی به روشناییها، دوره اول، ش ۲، ص ۱۲۹.

۳۵ - مأخذ: نقشه پوشش گیاهی ایران، مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰، طراحی و ترسیم از و. ترگوبو و صادق



- ۴- جامعه گز - این گونه گیاهی در کویرهای کم ارتفاع جنوب شهرستان و در اطراف جامعه شور و نمکزار وجود دارد. گزها و تاغها مهمترین درختانی هستند که در نواحی بیابانی و کویر نمکزار می رویند و در برابر خشکی بردبار هستند و در شوره زارها برای تثبیت شنهای روان کشت می شوند.
- ۵- جامعه بنه - جامعه بنه یا پسته وحشی در غرب فردوس و در اطراف کوهپایه های بشرویه و شرق طبس وجود دارد.

## بخش دوم

### جغرافیای انسانی

#### ۱- جغرافیای شهری

علت وجودی: از عوامل اساسی سکونت و رشد جمعیت در شهر فردوس یکی واقع شدن آن در حوضه آبرگیر جلگه است که احداث قناتهای بزرگ را امکان پذیر ساخته است. چنان که اصطخری به این موضوع اشاره کرده است. «در همه کوهستان رود آب نیست، جز چاه و کاریز نباشد.»<sup>۱</sup> آب شهر در طول تاریخ از طریق قناتهایی تأمین می شده که از ۲۰ کیلومتری شهر از کوههای شرقی سرچشمه می گرفته است. موقعیت فردوس از نظر طبیعی برای احداث قنات مساعد بوده و به همین مناسبت در طول تاریخ جزء شهرهای معتبر قهستان یا خراسان جنوبی به شمار می آمده است.

از عوامل دیگر سکونت و رشد شهر قرار گرفتن آن در مسیر راههای کاروانرو از شرق تا غرب و از شمال به جنوب بوده است. فردوس (تون) از شهرهای قدیمی ایران است که حداقل از اوایل دوره اسلامی رونقی داشته و در زمان مغول ویران شده است. از آن پس در ردیف شهرهای کوچک خراسان جنوبی به حیات خود ادامه داده است ولی چنان که در بخش تاریخی این کتاب دیدیم به اقتضای سابقه طولانی خود حوادث بی شماری را پشت سر نهاده است.

---

۱- اصطخری، مسالك و ممالك، ص ۲۱۵. به نقل از مجله هنر و مردم، مرداد ۱۳۵۰، صفحه ۴۲.

این شهر ثروتی نداشته و از نظر تجارت نیز فاقد اهمیت بوده است و در نتیجه طمع جهانگشایان را بر نمی‌انگیخته است اما چنان که در بخش تاریخی این کتاب دیدیم به علت قرار گرفتن در مسیر نزدیکترین راههای خراسان به شهرهای مرکزی ایران محل عبور لشکریان فراوانی بوده و از این جهت صدمات زیادی متحمل شده است.

«... کرمان و کوهستان (قهستان) را که در قسمت جنوبی خراسان ولایتی است کوهستانی چند راه به هم متصل می‌کند. مخصوصاً اغلب راهی را ذکر می‌کنند که از طریق راور و واحه نهبند به خور می‌رفته و راهی که از طریق خبیص به خوسپ (خوسف) ممتد می‌شده.

ولایت کوهستان (قهستان) در تاریخ ایران اهمیت بزرگی نداشت در همان قرن دهم قراء این ولایت را اراضی وسیعه از هم جدا کرده بود که فقط ایلات کوچ‌نشین می‌توانستند در آن جازندگی کنند. در این ولایت زودخانه نبود و فقط چاهها و قنوات زیرزمینی وجود داشت. در قسمت جنوبی کوهستان نخل می‌روید. بقیه قسمت ولایت را جزو نقاط «سردسیر» محسوب می‌کردند. در بین بلاد این ولایت قاین و تون دارای اهمیت عمده بودند. بدین جهت مارکوپولو هم تمام ولایت را به اسم «تون و قاین» نامیده است. اهمیت تجارتی را فقط شهر قاین داشت و مقدسی این شهر را «فرضه خراسان و خزانه کرمان» می‌نامد. علاوه بر آن در این ولایت قلاع کوهستانی زیادی ساخته بودند و به این جهت کوهستان در قرن یازدهم یکی از مراکز اقتدار فرقه اسمعیلیه شد....»<sup>۲</sup>

مارکوپولو جهانگرد معروف و نیز هی هنگام عبور از ایران از ولایت قهستان گذشته و راه دشوار کویری این ناحیه را در نور دیده است. وی در این خصوص می‌نویسد:

«راه کرمان به خراسان خیلی خسته کننده و ملال‌آور است..... از شهر کوهبنان که خارج می‌شوید به بیابانی می‌رسید که هشت روز راهست و هیچ میوه و

۲- بار تولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور (طالبی‌زاده)، ص ۱۹۳.

درخت ندارد و آب هم بندرت در آن جا یافت می شود و اگر هم پیدا شود خیلی تلخ و بدطعم است. این بیابان به خاک تونوکین [تون و قاین] منتهی می شود.»

راهی که مارکوپولو پیموده است بعلت خطراتی که دربرداشته است کمتر مورد توجه و عنایت جهانگردان و سیاحان بوده است. آلفونس گابریل در کتاب خود موسوم به تحقیقات جغرافیایی در ایران درباره راههایی که از داخل کویر ایران می گذرد و از طریق فردوس به مشهد می رسد مطالبی آورده است، از آن جمله می نویسد:

«گووا<sup>۳</sup> که در سال ۱۶۰۲ میلادی با عده ای به ایران آمده بود از مسیر جاده طبس (گلشن) عبور کرده و امکان زیاد دارد که فردوس را دیده باشد، او درباره این منطقه می نویسد: «سرزمینی بود بی آبادی به طوری که ما در طول ۶۰ مایل حتی يك درخت سبز ندیدیم، تمام این منطقه غیر مسکون است. فقط در فواصل ۱۵ تا ۲۰ مایلی قلاعی به چشم می خورد که ما برای استراحت و تهیه کردن مقدار کمی آب بدمزه به آن جاها مراجعه می کردیم. این قلعه ها برای پاسداری راهها در قبال دستبرد راهزنان ساخته شده است.»

بنابر این مهمترین عامل تعیین کننده برای الگوی سکونت در منطقه خراسان جنوبی که شهرستان فردوس از مناطق آن به شمار می آید، اوضاع و احوال طبیعی و بخصوص آبیاری مصنوعی به عنوان مهمترین وسیله تأمین آب است. بدیهی است که تحولات تاریخی و شیوه خاص بهره‌وری از اراضی و نظام اداری جامعه ایرانی و بخصوص مسأله ارتباطات و قرار داشتن در مسیر جاده‌های کاروان رو نیز در شکل دادن به الگوی سکونت در این ناحیه مؤثر بوده است. در سالهای اخیر در مناطق جلگه‌ای از چاههای عمیق و نیمه عمیق نیز برای آبیاری مصنوعی استفاده شده است. بدین ترتیب تمام نقاط مسکونی و پرجمعیت در منطقه خراسان جنوبی و فردوس با يك یا چند رشته قنات آبیاری می شدند. از این رو قاعده کلی در تمام مناطقی که باید از آب قنات مشروب شوند در مورد این منطقه نیز صدق می کند.

نظریه این که جریان آب در قنات بطور طبیعی در سراشیب صورت می گیرد. هر چقدر که ارتفاع محل سکونت پایین تر و حوضه آبرگیر آن بزرگتر باشد، میزان آب حاصله در مظهر قنات

۳ - Anronio Gouvea سفیر اسپانیا مأمور فیلیپ سوم در دربار شاه عباس کبیر.

بیشتر بود، و اراضی بیشتری قابل زراعت شده، در نتیجه جمعیت بیشتری را در خود جای می‌دهد. «شیوه آبیاری به وسیله قنات به دو صورت است: اول احداث قنات در حوضه‌های وسیع جلگه‌ای که چند رشته کوه در اطراف آن قرار گرفته‌اند و به وسیله چند رشته قنات طویل آبیاری می‌شوند و دیگر آبادیهای کوهستانی که بوسیله قناتهای کم طول آبیاری می‌شوند. غالب آبادیهای منطقه فردوس از قناتهای نوع دوم استفاده می‌برند و از همین رو نیز جمعیت آنها بسیار کم است. تمام نقاط پر جمعیت منطقه مانند شهر فردوس و سرایان و بشرویه و آيسك در حوضه‌های آبیگر کم ارتفاع که امکان احداث قناتهای بزرگ در آنها وجود داشته است قرار گرفته‌اند.»<sup>۴</sup>

### دوره‌های رشد و افول شهر

چنان که در بخش اول کتاب گذشت، بنابر مدارك تاریخی موجود در دوره‌های گذشته تون اهمیت زیادی داشته، اما در سده پنجم هجری که ناصر خسرو از آن دیدار کرده رونق پیشین خود را از دست داده بوده است، همزمان با قدرت اسماعیلیان در خراسان جنوبی یکی از دو مرکز قدرت این طایفه به شمار می‌آمده است. مغولان این شهر را قتل عام کرده‌اند، اما در دوره‌های بعد مجدداً پا گرفته و روبه رشد نهاده است. در واپسین دوره حکومت صفویان مرکز قدرت جنوب خراسان و پایتخت ملك محمود سیستانی بوده است. کاروانسراها، مساجد و آب انبارهای متعددی که در آن روزگار در این شهر وجود داشته نشان می‌دهد که دوره‌های رونق شهر تا مدتها برجای بوده است. قلعه، برج و بارو، خندق و استحکامات شهر اهمیت آن را از نظر نظامی و سوق الجیشی خاطر نشان می‌کند.

### عناصر شهری قدیمی

الف - آب انبارها: در سفرنامه خراسان و کرمان که در سال ۱۳۲۱ هـ.ق تحریر

یافته در مورد آب انبارهای شهر فردوس چنین آمده است:

۴ - احمد اشرف، جامعه و اقتصاد در سکونتگاه فردوس، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، بهمن

۱۳۴۷، ص ۱۴ و ۱۵.

«.... در اکثر کوچه ها آب روان جاری است. چند آب شیرین از قنات دارد با وجود

این آبها باز اهالی محض خیرات در سر کوچه ها و گذرها به قدر هفتصد آب انبار ساخته اند که هر آب انبار بسی عمیق است. نزدیک تکیه آب انباری دیدم که چهل زینه می خورد و از پاشیر آن آب برداشته می شد. در این شهر که در زمستان برای یخ، چال یخ فراهم نمی آید و در کوچه های اطراف هم در تابستان برف نیست که به شهر بیاورند، لهذا چنین آب انبارهای وسیع بسیار عمیق خیرات در سرگذر می سازند و در فصل قوس و جدی آب در آن می بندند، در تابستان که آب از آن جا بر می دارند مثل تگرگ سرد است و از برودت دندان افسرده می شود. این آب انبارها به حال اهل شهر مفید است»<sup>۵</sup>.

در مورد تعداد آب انبارهای شهر فردوس قولهای مختلفی نقل شده است. چنان که در فرهنگ جغرافیایی ایران درباره آثار تاریخی شهر فردوس چنین آمده است:

«.... مطلعین اظهار می دارند شهر فردوس در زمان شاه طهماسب دارای

۳۰۰ مسجد و ۳۰۰ آب انبار بوده که امروز آثار آنها باقی است. من جمله آب انباری است که دارای ۴۰ پله است. وقتی این آب انبار پر شود کفاف ۶ ماه یک محله آن شهر را می دهد. آب مشروب شهر از قنات تأمین و ۱۸۷ آب انبار ساخته شده که ۷ تای آن بزرگ بوده وقتی که در زمستان پرمی شود کفاف یکسال اهالی را می دهد»<sup>۶</sup>.

یکی از آب انبارهای مشهور فردوس «حوض سیدی» است که نزدیک دروازه طبس سر راه کاروانی عراق به خراسان واقع شده. اکثر سیاحان و مورخان که از آن حدود گذشته اند در مورد این حوض مطالبی نوشته اند. در بالای آن کتیبه ای است که چنین خوانده می شود.

«اتفاق افتاد این حوض پاک در تاریخ ماه رجب سال ۸۹۰ در زمان شاه اسلام

سلطان بهادر خان به سمی سید بن طاهر بن یحیی و وقف گردید مقدار پنج فتنجان آب از کاریز بلده تون اللهم اغفر غفران الخیرات»<sup>۷</sup>.

به دلیل محروم بودن منطقه از وجود چشمه ها و آب روان مردم زحمتکش این

۵ - غلامحسین خان افضل الملک، سفرنامه خراسان و کرمان، به اهتمام قدرت الله روشنی (زعفرانلو)،

سال ۱۳۲۱ هـ. ق، ص ۱۴۴.

۶ - فرهنگ جغرافیایی ایران، جلد نهم، انتشارات دایره جغرافیایی، سال ۱۳۳۶، ص ۲۸۳.

۷ - به نقل از علی اصغر مهاجر، زیر آسمان کویر، سال ۱۳۴۰، ص ۱۹۷.

منطقه از گذشته‌های دور با حفر قنات طویل، آب شهر و روستا را تأمین می‌کردند، چنان که تا قبل از زلزله شهر یور ماه ۱۳۴۷ در شهر فردوس نزدیک به ۵ قنات جاری بوده است و تقریباً حدود ۵۰٪ خانه‌ها دارای پایاب یا حوض و آب انبار بوده‌اند، آب این پایابها با توجه به این که در طول مسیر از داخل منازل بین راه عبور می‌کرد، تمیز و قابل شرب نبوده است و بیشتر از این آب برای شستشوی لباس و ظروف و غیره استفاده می‌شده است و آب شرب منطقه از حوضهای خانه و یا از آب انبارهایی که در هر محله وجود داشته تأمین می‌شده است.

اکنون در شهر فردوس حدود ۱۵ آب انبار وجود دارد که پس از شیرین شدن آب شرب شهر به سال ۱۳۶۴، آب این آب انبارها کمتر مورد استفاده واقع می‌شود. در حال حاضر از این تعداد حدود ۱۰ آب انبار (حوض) قابل استفاده است که اسامی بعضی از آنها عبارتند از: آب انبار حاجی، آب انبار سادات، آب انبار پایین شهر، آب انبار سردشت، آب انبار ابوالفضل، آب انبار استاد عبدالله، آب انبار جوگی، آب انبار فاطمیه و آب انبار انقلاب اسلامی که آب انبار اخیر در سالهای بعد از انقلاب ساخته شده و مجهز به پمپ برقی است.

ب - کاروانسراها: شهر فردوس به دلیل قرار گرفتن بر سر راههای خراسان و

کرمان دارای کاروانسراهای متعددی بوده است. در کتاب مرآت البلدان آمده است:

«بازار و مسجد و کاروانسراهای معتبر که از آجر ساخته شده در تون موجود است.<sup>۸</sup>»

در شهر فردوس دو کاروانسرای بسیار قدیمی وجود داشت که در اثر زلزله سال

۱۳۴۷ منهدم گردید:

۱ - کاروانسرای میدان که دور تادور آن اتاقهایی جهت استراحت مسافران ساخته

بودند و جلو اتاقها تختگاهی سراسری وجود داشت. در وسط کاروانسرا فضایی برای نگهداری حیوانات ساخته شده بود.

۲ - کاروانسرای جواد که تقریباً به شکل همان کاروانسرای میدان بود. این

دو کاروانسرا در گذشته بخصوص مورد استفاده شترداران قرار می‌گرفته. ولی در سالهای اخیر و قبل از انهدام اغلب تجار و دکانداران شهر فردوس به عنوان انبار و مغازه مورد استفاده قرار می‌دادند.

۸ - محمد حسن خان صنیع الدوله. مرآت البلدان، سال ۱۲۹۴ هـ. ق، ص ۵۰۳.



یکی از آب انبارهای شهر فردوس

### عناصر شهری جدید

**الف- راه آهن:** شهرستان فردوس مثل سایر شهرهای جنوب خراسان فاقد راه آهن است. اما طرح مطالعاتی<sup>۹</sup> توسعه راه آهن خراسان که در سال ۱۳۶۷ انجام گرفته، نشان می دهد که یکی از محورهای پنجگانه راه آهن خراسان یعنی محور مشهد- بافق.. بندرعباس از طریق فردوس عبور خواهد کرد.

این محور با طول ۹۴۰ کیلومتر مشهد را از طریق شهرهای تربت حیدریه، گناباد، فردوس، بشرویه، طبس، بافق به بندرعباس متصل خواهد کرد. مسیر این محور دارای

۹- طرح مطالعاتی توسعه راه آهن در استان خراسان، معاونت برنامه ریزی و هماهنگی امور اجرایی استانداری خراسان، دفتر هماهنگی امور طرحها، برنامه ها، گروه تقسیمات کشوری، تیرماه ۱۳۶۷، ص ۲۲.

منابع بسیار غنی زغال سنگ، سنگ آهن، سرب، کرمیت و سایر مواد معدنی است.

با توجه به میزان تولیدات میوه در خراسان و بازارهای مصرف در کشورهای جنوبی خلیج فارس این راه آهن ضمن این که در توسعه فعالیت های صنعتی و معدنی منطقه اثر خواهد گذاشت، از این طریق بندر عباس به عنوان يك مركز صادراتی کالاهای خراسان در خواهد آمد. برای احداث این راه آهن ۱۵ سال وقت لازم است.

با احداث راه آهن بندر عباس - بافق و ارتباط آن با مشهد مناطق شمال شرق کشور با مسافتی به طول ۱۵۹۰ کیلومتر به نواحی جنوبی کشور متصل خواهد شد. فاصله بافق بندر عباس ۶۵۰ کیلومتر محاسبه شده است و از این مقدار ۳۵۰ کیلومتر طول مسیر از سال ۱۳۶۷ مورد بهره برداری قرار گرفته است.

جدول ۱۱ - مسیر و میزان جمعیت مراکز شهری و فاصله این مراکز براساس آمار سال ۱۳۶۵

| مسیر ش ۱    | مراکز جمعیتی |             |          |        |       |       |                   |
|-------------|--------------|-------------|----------|--------|-------|-------|-------------------|
|             | مشهد         | تربت حیدریه | گناباد   | فردوس  | بشروی | طیس   | خط مرز استان بافق |
| میزان جمعیت | ۲۰۳۸۳۸۸      | ۳۷۴۵۵۹      | ۹۳۴۲۲    | ۷۵۴۴۷  | ۱۸۳۱۴ | ۴۷۹۳۱ | —                 |
| فاصله       | صفر          | ۱۴۲         | ۲۷۶      | ۳۴۸    | ۴۳۷   | ۵۳۰   | ۷۳۰               |
| ۹۴۰         |              |             |          |        |       |       |                   |
| مسیر ش ۲    | مراکز جمعیتی |             |          |        |       |       |                   |
|             | مشهد         | تربت حیدریه | فیض آباد | بجستان | بشروی | طیس   | خط مرز استان بافق |
| میزان جمعیت | ۲۰۳۸۳۸۸      | ۳۷۴۵۵۹      | ۳۶۰۸۳    | ۲۴۲۶۱  | ۱۸۳۱۴ | ۴۷۹۳۱ | —                 |
| فاصله       | صفر          | ۱۴۲         | ۱۹۶      | ۳۱۳    | ۴۳۷   | ۵۵۴   | ۷۳۰               |
| ۹۴۰         |              |             |          |        |       |       |                   |

ب - مراکز نیروگاه: تنها نیروگاه فردوس که در گذشته در قسمت جنوبی شهر قرار داشته، در سال ۱۳۵۴ به ۹ کیلومتری شمال فردوس (در شمال شهر اسلامی) انتقال داده شده و در زمینی به وسعت ۳۰۰۰۰ متر مربع احداث گردیده است. این نیروگاه در حال حاضر دارای چهار مولد است که دو مولد آن، از نوع «ماک» به قدرت هریک ۱۵۰۰ کیلووات ساعت و مولد دیگر از نوع «میس» به قدرت ۳۰۰۰

کیلووات ساعت و همچنین یک مولد «مان» به قدرت ۵۰۰۰ کیلووات ساعت که جمعاً یازده هزار کیلووات برق در ساعت بازدهی دارد. قابل ذکر است که این مقدار در ابتدای کار نصب مولدها بوده و در حال حاضر نیروگاه ۱۰۲۰۰ کیلووات ساعت بیشتر بازدهی ندارد.

در سال ۱۳۶۹ میزان مصرف برق در محدوده شهر فردوس در هر شبانه روز ۸۲۰۰ کیلووات ساعت بوده است که از این مقدار ۵۰۰۰ کیلووات آن بوسیله نیروگاه گازی قاین و ۳۲۰۰ کیلووات توسط خود نیروگاه فردوس تأمین می گردید.

تا سال ۱۳۶۹ تعداد ۱۹ روستا از ۶۵ روستای دارای سکنه بخش مرکزی فردوس از نعمت برق برخوردار گردیدند. به علت اتصال برق این منطقه به برق سراسری و در جهت افزایش نیرو، برق منطقه خراسان در جاده فردوس - سرایان (جنوب شهر فردوس) احداث پست ۱۳۲ هزار کیلوواتی را آغاز کرده که در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد عملیات ساختمانی آن انجام گرفته است. با افتتاح این پست نیروگاه فردوس به حالت نیمه تعطیل در خواهد آمد و تنها در مواقع ضروری از مولدهای این نیروگاه استفاده خواهد شد.<sup>۱۰</sup>

### عناصر فرهنگی و مذهبی

شهر فردوس از گذشته های دور مرکزی برای علم و دانش بوده و مردم شهر طبق نوشته سفرنامه ها و به گفته سیاحان اهل فضل و علم بوده اند. چنان که مثلاً در کتاب روضات الجنات آمده است:

«قهستان ولایتی است وسیع با توابع بسیار و منافع بی شمار، و اهل آن جا مردم کافی و با تربیت باشند. و مردم «تون» اکثر به رفض منسوبند. حاصل الامر مردم نیک آن ولایت بغایت نیک اند و بدان ایشان بسیار بد.»<sup>۱۱</sup>

۱۰ - مأخذ: فرمانداری فردوس.

۱۱ - معین الدین محمد زمجی اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات، با تصحیح و حواشی

سید محمد کاظم امام، ۱۳۳۸، ص ۳۰۷.

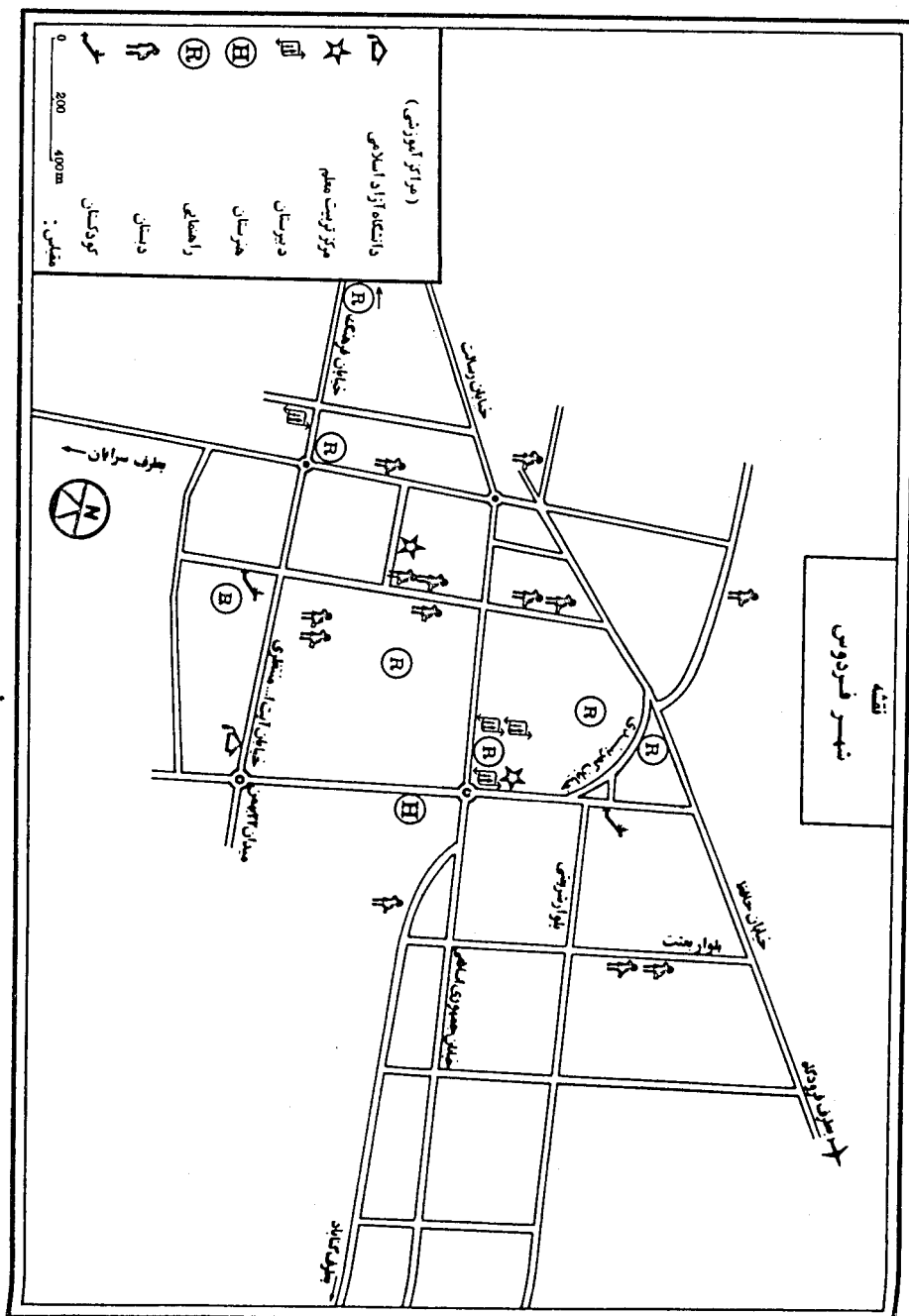
شهر فردوس از قدیم دارای مدارس علمیه بوده است که آثار بعضی از آنها اکنون به صورت خرابه موجود است که در بخش تاریخی کتاب هنگام بحث از آثار باستانی فردوس از بعضی از آنها یاد کردیم. مدارس علمیه دایر در فردوس به ترتیب قدمت عبارتند از:

۱- مدرسه علمیه حبیبیه: واقع در ضلع جنوبی خیابان فرهنگ، این مدرسه چنان که دیدیم در سال ۹۱۱ هجری قمری در دوران صفویه ساخته شده و بانی آن حاج میرزا حبیب الله پسر علاء الدین تونی بوده است این مدرسه در سال ۱۳۴۷ بر اثر زلزله صدمه فراوانی دید. سپس سازمان حفظ آثار باستانی با همکاری اداره اوقاف از محل درآمد موقوفات و کمک دفتر امام، آن را بازسازی کرد و از سال ۱۳۶۴ مورد بهره برداری قرار گرفت. این مدرسه در سال ۱۳۶۷، ۳۴ نفر طلبه و ۵ مدرّس داشته است.

۲- مدرسه علمیه مجتمع فرهنگی امام: این مجتمع در قسمت شمال غربی شهر در خیابان کمربندی در حال احداث است. و شامل يك مسجد و يك مدرسه است. مساحت کل این مجموعه ۱۴ هزار متر مربع است.

۳- مدارس جدید فردوس: در اوایل دوران مشروطه اولین مدرسه وابسته به وزارت معارف به نام «سالاریه» در این شهر شروع به کار نمود. و نیز مدرسه تون به همت اهالی و مخصوصاً حجة الاسلام نجفی در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی تأسیس گردید<sup>۱۲</sup>، و اداره آموزش و پرورش فردوس از سال ۱۳۱۰ شروع به کار کرد. در این شهر در سال ۱۳۷۰ دو کودکستان، سیزده دبستان، هفت مدرسه راهنمایی تحصیلی، چهار دبیرستان، يك هنرستان، دو مرکز تربیت معلّم و دانشگاه آزاد اسلامی وجود داشته است. در نقشه شماره (۸) موقعیت مراکز آموزشی شهر فردوس مشخص گردیده است.

۴- مساجد فردوس: در شهر فردوس قبل از زلزله سال ۱۳۴۷ خورشیدی، ۲۴ مسجد وجود داشته است که همگی هر روز و شب محل تجمع نمازگزاران بوده است. دو مسجد معروف این شهر یعنی مسجد کوشك و مسجد جامع از نظر تاریخی اهمیت داشته است که ما آنها را در بخش پیشین همین کتاب، فصل «بناهای تاریخی» معرفی کرده ایم.





نمای بیرونی مدرسه علمیه مجتمع فرهنگی امام

غیر از این دو مسجد ۲۲ مسجد دیگر در شهر فردوس تا قبل از زلزله ۱۳۴۷ وجود داشته که به ذکر اسامی آنها می پردازیم:

- ۱- مسجد سرخرمنان، ۲- مسجد ارگ، ۳- مسجد شیرعلی، ۴- مسجد ملا زمان، ۵- مسجد تالار، ۶- مسجد میرزا، ۷- مسجد حمام، ۸- مسجد پای سنگ، ۹- مسجد طاقتی، ۱۰- مسجد شیرعلی، ۱۱- مسجد داشگری، ۱۲- مسجد در انبار استاد عبدالله، ۱۳- مسجد ملاجعفر محله میدان، ۱۴- مسجد جلیل آقا، کوچه میدان، ۱۵- مسجد سیدی، در حوض سیدی، ۱۶- مسجد گله گی محله سادات، ۱۷- مسجد وصل به تکیه عنبری، ۱۸- مسجد اول کوچه عنبری، ۱۹- مسجد جهانیار، ۲۰- مسجد حوض خانقاه، ۲۱- مسجد گودخمیری، ۲۲- مسجد حوض شربت حسینی.

اکثر این مساجد بر اثر زلزله ویران شد و بعلت این که بعد از زلزله شهر در قسمت شمال شهر قدیم ساخته شد این مساجد هم به صورت دورافتاده و خارج از محدوده شهر

قرار گرفتند و تاکنون اقدامی جدی جهت بازسازی آنها صورت نگرفته است. سیاههٔ مساجد مخروبه و مساجد و حسینیه‌های دایر شهر در جداول ۱۲ و ۱۳ و موقعیت آنها در نقشهٔ مدارس علمیه و مساجد فردوس نشان داده شده است.

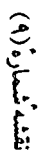
جدول ۱۲ - مساجد مخروبه فردوس بر اثر زلزله سال ۱۳۴۷

| ردیف | نام مسجد             | نام محله  | ردیف | نام مسجد             | نام محله              |
|------|----------------------|-----------|------|----------------------|-----------------------|
| ۱    | مسجد تالار           | تالار     | ۱۰   | مسجد کربلانی حسین    | تالار                 |
| ۲    | مسجد سردشت (پای سنگ) | سردشت     | ۱۱   | مسجد میرزا شریف      | میدان                 |
| ۳    | مسجد قدمگاه          | سردشت     | ۱۲   | مسجد خلیلا           | میدان                 |
| ۴    | مسجد کوشک            | سردشت     | ۱۳   | مسجد داشگری          | سردشت                 |
| ۵    | مسجد گله‌گی          | پایین شهر | ۱۴   | مسجد خوجه            | سردشت                 |
| ۶    | مسجد خیروز           | پایین شهر | ۱۵   | مسجد میرزا محمد حسین | سردشت                 |
| ۷    | مسجد میر مهدی        | سردشت     | ۱۶   | مسجد حاج حسن رضا     | سردشت                 |
| ۸    | مسجد پوخی            | سردشت     | ۱۷   | مسجد ارگ             | بین سردشت و پایین شهر |
| ۹    | مسجد شیر علی         | تالار     |      |                      |                       |

در شهر جدید فردوس ۱۳ مسجد و حسینیه دایر وجود دارد. فهرست این مساجد به ترتیب وسعت در جدول ۱۳ آمده است.

جدول ۱۳ - مساجد و حسینیه‌های (هیأت) شهر فردوس سال ۱۳۶۸

| ردیف | نام مسجد            | نام خیابان  | ردیف | نام هیأت             | نام خیابان      |
|------|---------------------|-------------|------|----------------------|-----------------|
| ۱    | جامع امام           | مدرس        | ۸    | موسی بن جعفر (ع)     | شهدا            |
| ۲    | جامع قدیم           | فرهنگ       | ۹    | فاطمیه (تالار)       | امام خمینی      |
| ۳    | حجۃ بن الحسن        | انقلاب      | ۱۰   | ابوالفضل             | آیت الله منتظری |
| ۴    | میرزا               | امام خمینی  | ۱۱   | سادات (حسینی)        | حافظ            |
| ۵    | جواد الائمه         | جواد الائمه | ۱۲   | صاحب الزمانی (مهدیه) | قائم            |
| ۶    | ملایوسف             | شهدا        | ۱۳   | جواد الائمه          | امام خمینی      |
| ۷    | زمانی (صاحب الزمان) | قدس         |      |                      |                 |



(9)  $\circ, \wedge, \vee, \neg$



### جایگزینی ادارات و مؤسسات مختلف:

ادارات و مؤسسات مختلف مالی و نهادهای نظامی و انتظامی و بنیادهای اسلامی و مراکز بهداشتی فردوس در سطح شهر پراکنده هستند. موقعیت آنها در روی نقشه‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ مشخص شده است. سیاهه و مقدار زیربنای هریک از آنها در جداول شماره ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ آمده است.

جدول ۱۴ - مساحت و زیربنای مؤسسات و ادارات دولتی شهر فردوس<sup>۱۳</sup>، سال ۱۳۶۹

| ردیف | نام موسسه                 | عرصه     | اعیان   | ردیف | نام ادارات دولتی        | عرصه    | اعیان  |
|------|---------------------------|----------|---------|------|-------------------------|---------|--------|
| ۱    | ارشاد اسلامی              | ۲۳۳۹     | ۱۲۴۸/۶۱ | ۱    | اداره ثبت و احوال       | ۲۲۰/۲۰  | ۱۹۰    |
| ۲    | بهداری                    | ۳۱۵۰     | ۲۹۸۴    | ۲    | اداره ثبت اسناد و املاک | —       | —      |
| ۳    | زمین شهری                 | ۱۵۵۰     | ۳۵۵     | ۳    | اداره دارایی            | ۷۸۹/۷۵  | ۴۸۶    |
| ۴    | صدا و سیماي جمهوری اسلامی | ۲۰۰۰     | ۸۷/۵    | ۴    | تعاون روستایی           | ۱۹۵۰    | ۸۳۴    |
| ۵    | دخانیات                   | ۲۲۵      | ۱۶۰     | ۵    | اداره جنگلبانی          | ۱۴۴۴/۱۴ | ۱۰۳۶   |
| ۶    | بهزیستی                   | ۲۰۵/۵    | ۱۲۵/۵   | ۶    | اداره راه و ترابری      | ۳۵۸۰    | ۱۰۳۶   |
| ۷    | کانون پرورش فکری کودکان   | ۲۵۲۵     | ۲۶۷     | ۷    | سازمان مسکن             | ۲۰۵۰    | ۱۱۴/۸۹ |
| ۸    | انبار جهاد سازندگی        | ۳۹۵۵۶    | ۲۲۳۲    | ۸    | اداره پست و تلگراف      | ۴۴۱/۱۶  | ۳۳۱/۱۶ |
| ۹    | تأمین اجتماعی             | ۱۶۸      | ۱۷۱     | ۹    | اداره مخابرات           | ۲۱۳/۹۰  | ۱۵۰    |
| ۱۰   | هواشناسی                  | ۱۰۰۷/۷۲  | ۱۶۲/۷۲  | ۱۰   | اداره قند و شکر         | ۷۲۰۰    | ۹۴۷/۴۴ |
| ۱۱   | برق منطقه                 | ۱۸۲۱     | ۴۹۵     | ۱۱   | اداره اوقاف             | ۱۶۵۳    | ۱۱۹۶   |
| ۱۲   | نهیض سوادآموزی            | ۴۲۶/۴۳   | ۱۸۶/۴۸  | ۱۲   | اداره دامپزشکی          | ۲۲۵     | ۱۱۱    |
| ۱۳   | تربیت بدنی (استادیوم)     | ۵۴۳۳۳    | ۱۹۹/۹۲  |      | جمع کل                  | ۱۹۷۶۵/۹ | ۶۴۳۲/۴ |
|      | جمع کل                    | ۱۱۹۳۰۶/۵ | ۸۶۶۴/۶  |      |                         |         |        |

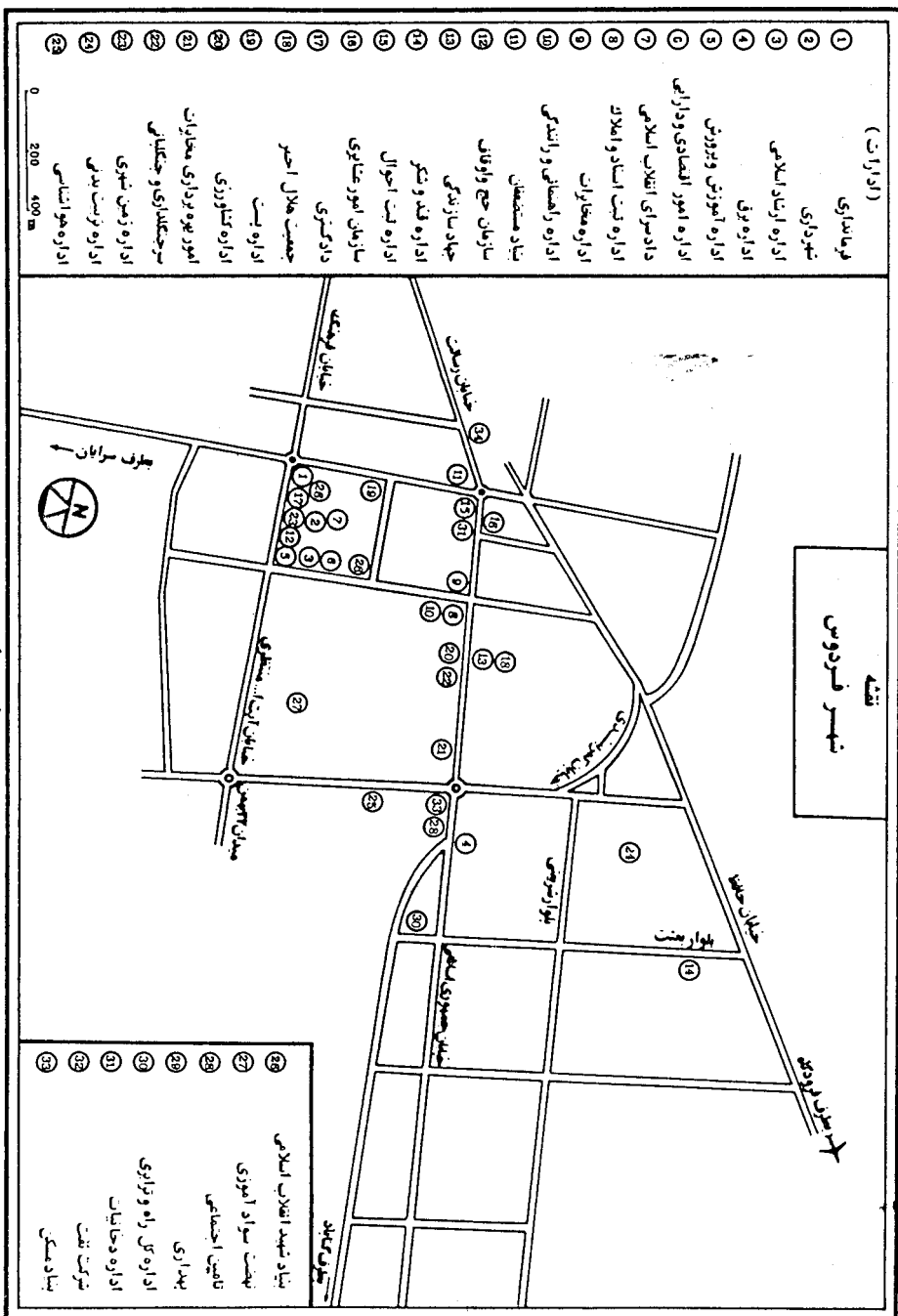
۱۳ - مأخذ: شهرداری فردوس.

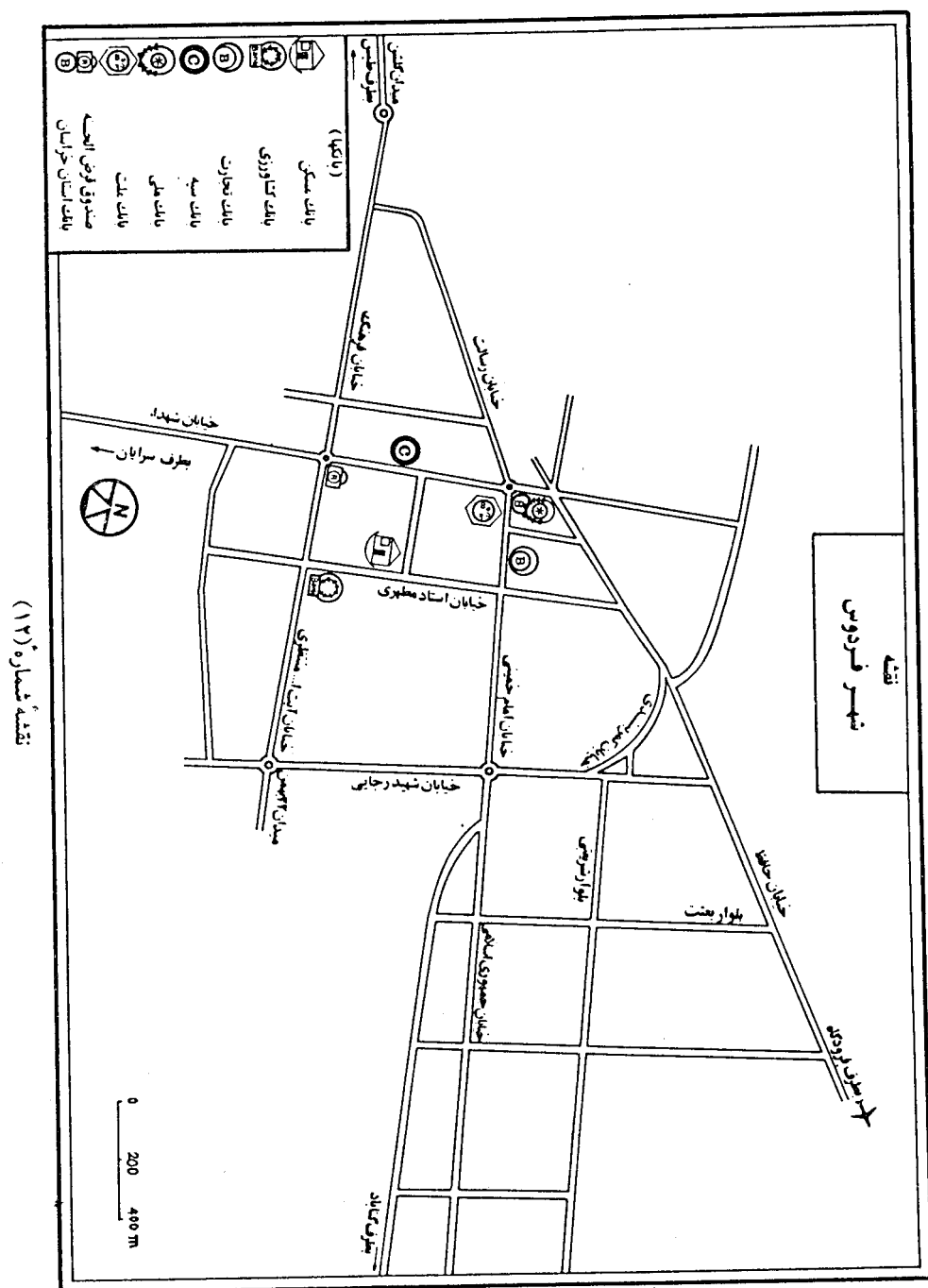
جدول ۱۵ - مساحت و زیربنای نهادهای نظامی و بنیادهای اسلامی شهر فردوس

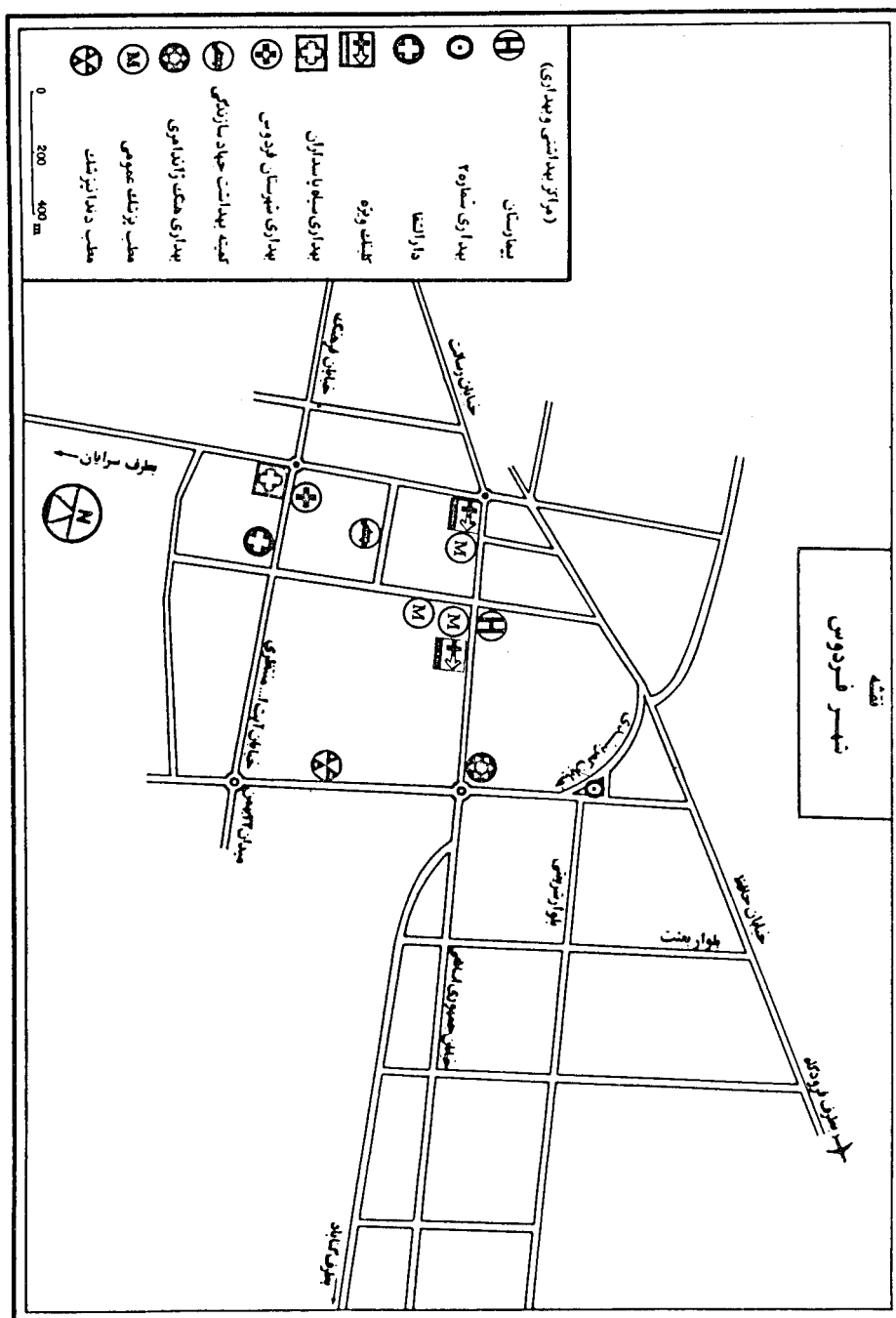
| ردیف | نام نهاد            | عرصه  | اعیان   | ردیف   | نام بنیادهای اسلامی       | عرصه | اعیان |
|------|---------------------|-------|---------|--------|---------------------------|------|-------|
| ۱    | فرمانداری           | ۱۰۹۸۲ | ۱۵۲۵/۱۲ | ۱      | بنیاد شهید انقلاب اسلامی  | ۲۱۰  | ۲۱۰   |
| ۲    | گروهان ژاندارمری    | ۱۰۰۴۱ | ۱۱۳۵/۸۳ | ۲      | بنیاد مسکن انقلاب اسلامی  | ۲۶۱۸ | ۶۳۶   |
| ۳    | شهربانی             | ۳۸۰۰  | ۴۶۰     | ۳      | بنیاد ۱۵ خرداد            | ۱۳۷۲ | ۳۳۶   |
| ۴    | زندان شهربانی       | ۹۵۰   | ۶۱۳     | ۴      | بنیاد مستضعفان و جانبازان | ۱۵۰  | ۱۵۰   |
| ۵    | دادسرای انقلاب      | ۲۰۴۰  | ۱۱۸۱    | ۵      | کمیته امداد امام خمینی    | ۹۷۳  | ۲۲۲   |
| ۶    | دادگاه حقوقی        | ۸۵۱   | ۴۲۵/۸۷  | جمع کل |                           |      |       |
| ۷    | کمیته انقلاب اسلامی | ۶۴۰۰  | ۶۶۸/۸۰  |        |                           |      |       |
|      | جمع کل              | ۳۵۰۶۳ | ۶۰۰۹/۵  |        |                           |      |       |

جدول شماره ۱۶ - مساحت و زیربنای مؤسسات مالی شهر فردوس بر حسب متر مربع ۱۴

| ردیف | نام مؤسسه        | مساحت عرصه | مساحت اعیان |
|------|------------------|------------|-------------|
| ۱    | بانک ملی         | ۱۵۱۰/۵     | ۹۶۶         |
| ۲    | بانک ملت         | ۳۸۲/۸۰     | ۳۷۵         |
| ۳    | بانک صادرات      | ۱۱۸/۵      | ۲۴۰         |
| ۴    | بانک مسکن        | ۲۹۵        | ۴۱۲         |
| ۵    | بانک سپه         | ۵۴۲        | ۱۳۲۲        |
| ۶    | بانک کشاورزی     | ۲۰۵۴       | ۸۳۶/۵       |
| ۷    | صندوق قرض الحسنه | ۱۱۶/۴      | ۱۷۷         |
|      | جمع کل           | ۵۰۲۰       | ۴۳۲۸/۵      |







### چگونگی نقشه شهر، رشد شهر

چنانکه در بخش تاریخی دیدیم نام قدیم فردوس تا سال ۱۳۰۸ خورشیدی «تون» بوده است و در متون قدیم اغلب به نام «بلده طیه تون» نامیده می شده است. و در اسناد و مکاتبات دوره صفویه و قاجاریه به نام «دارالمؤمنین تون» و در مکاتبات اداری به نام «سرکارتون» نامیده می شده است<sup>۱۵</sup>. از تغییرات دوره اخیر (قبل از زلزله ۴۷) یکی تبدیل نام شهر از تون به فردوس است. و از تغییرات دیگر می توان به ایجاد چند خیابان مستقیم و عمود بر یکدیگر و ایجاد چند میدان و یک بنای فرمانداری و شهرداری و چهار دبستان و یک دبیرستان و همچنین ایجاد یک درمانگاه و یک بیمارستان و شهربانی و گروهان ژاندارمری و بانک و اداره فرهنگ و دارایی و جنگلداری اشاره نمود.

بنای فرمانداری به جای ارگ سابق مرکز حکومت شهر شد و دو خیابان خراسان و پهلوی (انقلاب و فرهنگ) ایجاد گردید ولی دریافت محلات شهر و ریخت شناسی آن تغییری داده نشد. خیابان پهلوی (فرهنگ) مرکز اداری و داد و ستد بوده است. اطراف شهر را مانند گذشته اراضی مزروعی فرا می گرفته است.

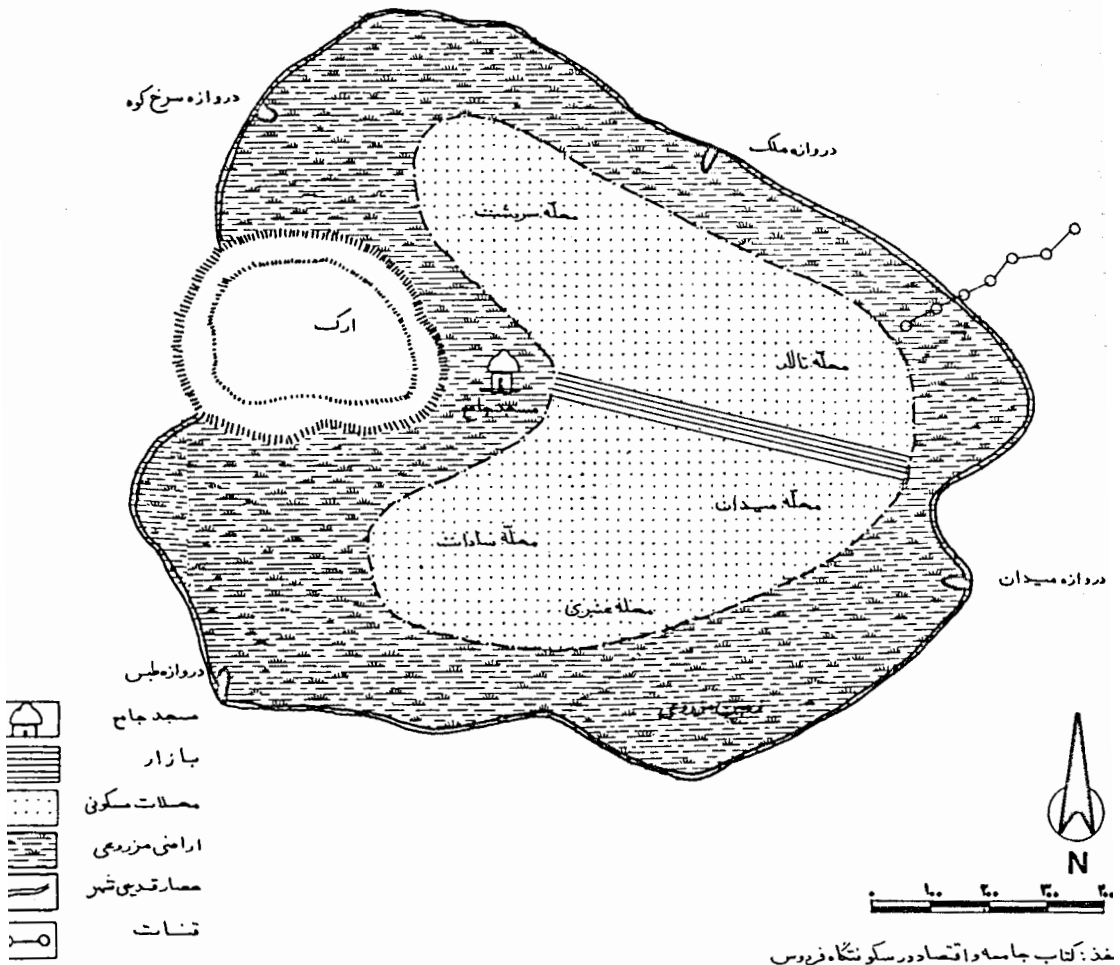
قبل از زلزله ۱۳۴۷ محیط شهر فردوس حدود ۸ کیلومتر بوده است که از غرب و جنوب غربی به فلکه پایین خیابان (طبس گلشن) و از شرق به میدان پهلوی (صاحب الزمان) و خیابان شرقی آن محدود می شده است. از سمت شمال شرقی به ساختمان جدید گروهان ژاندارمری و از سمت جنوب حداکثر محدود به کوچه سعیدی و گورستان خاموشی بود. بنابراین توسعه شهر فردوس بین سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳۴۷ نسبتاً کند بوده و شهر رشد و گسترش چندانی نداشته است.

### ۱ - محلات شهر فردوس (قبل از زلزله شهریور ماه ۱۳۴۷)

در شهر فردوس از زمان قدیم پنج محله وجود داشته است به نامهای سادات، عنبری، میدان، تالار و سردشت، که به شرح مختصری از آنها می پردازیم.

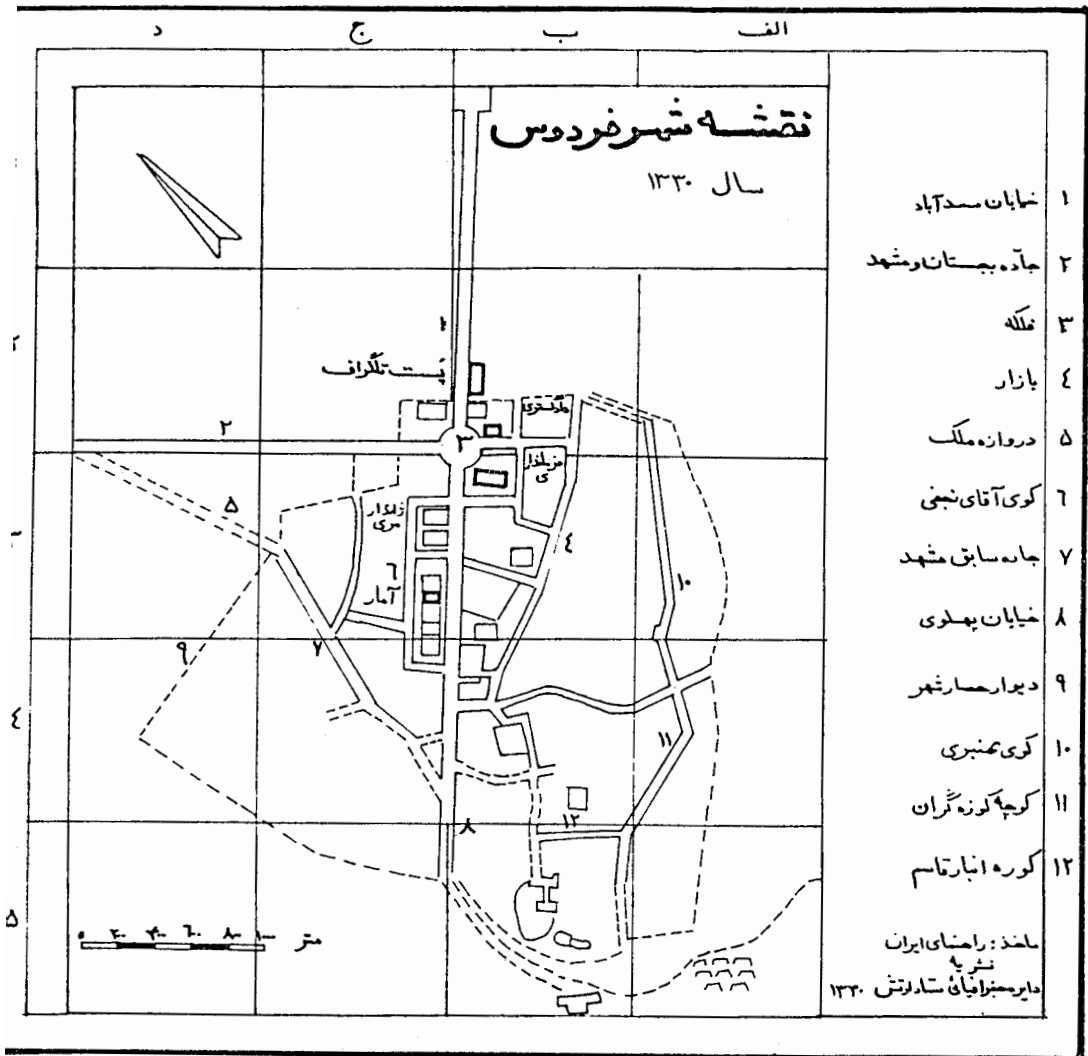
۱۵ - احمد اشرف، جامعه و اقتصاد در سکونتگاه فردوس، ص ۱۱۵.

سیمای شهر تون در عهد قاجاریه



نقشه شماره (۱۴)

محله میدان: در قسمت جنوبی خیابان پهلوی (فرهنگ) قرار داشته و از شمال به محله تالار و از شرق به محله عنبری و از مغرب به محله سادات محدود بوده است. این محله از قدیمترین و اصیلترین محله های شهر بوده است. مسجد جامع شهر که تنها اثر تاریخی قابل توجه شهر بوده است و بازار شهر در قلب همین محله قرار داشته است. چند



نقشه شماره (۱۵)

مسجد دیگر و یک حسینیه بزرگ و یک مدرسه و کتابخانه کوچک آن در این محله وجود داشته است به علت واقع بودن بازار قدیمی شهر در این محل و انتقال مراکز

اداری و تجاری به خیابان پهلوی (فرهنگ) که در مرز شمالی این محله قرار داشته تعداد خانوارهای کسبه و پیشه‌وران در این محله بیش از سایر محله‌ها بوده‌است و حدود ۱۸/۳ درصد از کل خانواده‌های شهری در این محله زندگی می‌کردند.

**محله تالار:** در شمال محله میدان قرار داشته و در گذشته نسبت به آن محله دارای تقارن بوده و هر دو در برابر ارگ شهر گسترش یافته بودند. این محله نیز از محله‌های قدیمی شهر بوده‌است. خیابان پهلوی (فرهنگ) مرز این محله با محله میدان، و خیابان فردوس مرز آن با محله سردشت بوده‌است. ۲۰/۷ درصد از ساکنان شهر در این محله زندگی می‌کردند.

**محله عنبری:** این محله در شرق محله میدان و بازار شهر گسترش داشته‌است. و در گذشته طبقه بالای شهر در آن سکونت داشتند. ۲۰ درصد از خانوارهای شهر در این محله زندگی می‌کردند. محله عنبری از مغرب به محله میدان و از شمال به محله تالار و از جنوب و مشرق به زمینهای زراعتی محدود بوده‌است.

**محله سردشت:** در شمال غربی شهر واقع بوده‌است. محله تالار در مشرق آن قرار داشته و چنان‌که گفتیم خیابان فردوس مرز این دو محله بوده‌است. جمعیت این محله نسبتاً کمتر از سایر محله‌ها بوده و اکثر اهالی آن به کار زراعت و نخ‌ریسی و قالی‌بافی اشتغال داشته‌اند. حدود ۱۵ درصد خانوارهای شهر در این محله به سر می‌بردند.

**محله سادات:** این محله در جنوب غربی شهر و قرینه محله سردشت واقع بوده‌است. اهالی آن در گذشته اغلب از سادات بوده و بیشتر به زراعت و مالداري اشتغال داشته‌اند. جمعیت این محله بیش از محله‌های دیگر بوده‌است و حدود ۲۶ درصد خانوارهای شهر در آن جا زندگی می‌کردند.

توسعه شهر قبل از ۱۳۴۷ بیشتر در جهت شرقی به سمت باغستان و در مسیر مظهر قناتها بوده‌است. مرز این توسعه خیابان خراسان بوده‌است. و بیشتر طبقه اعیان و کارمندان از محله‌های خورد به قسمت شرق شهر نقل مکان کرده و در دوسوی خیابان سعدآباد خانه‌هایی ساخته بودند.





منظره‌ای از خرابه‌های شهر کهنه

بعد از زلزلهٔ ۱۳۴۷ و ویرانیهایی که به بار آورد تا فاصلهٔ سال ۱۳۵۰ حدود ۱۵۶۴ واحد مسکونی اعم از خانه و مغازه و ساختمانهای دولتی و اردوگاههای سکونت جمعی وزاغه و کپر و چادر در شرق و شمال شرق شهر کهنه ساخته شد که نسبت به واحدهای مسکونی قبل از زلزله خیلی کمتر بوده است. در این مدّت شهر از نظر توسعه و گسترش سیر نزولی داشته و از وسعت آن کاسته شده است.

## ۲- توسعه، شهر از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۹

توسعهٔ شهر در این دوران بیشتر در جهت شرق و شمال شرقی بوده است که علت آن را می‌توان عمدهٔ احداث واحدهای مسکونی توسط دولت دانست. بطوری که پس از سال ۱۳۵۰ ابتدا ۲۷۰ واحد مسکونی در قسمت شمال شرقی ساخته شد و به افراد واجد شرایط واگذار گردید. در سالهای انقلاب نیز تعداد ۲۷۲ واحد دیگر در قسمت شرق و

شمال شرقی واحدهای قبلی ساخته شد و در سال ۱۳۵۸ به مردم مستضعف واگذار گردید. علاوه بر اینها در این دوره ساختمانها و خانه‌های شخصی هم توسط مردم ساخته شد که عمده در قسمت شرق و شمال و شمال شرق شهر ایجاد شده است.

از عوامل مهم توسعه شهر در این بخشها می‌توان از احداث خیابان کمربندی و پارک و استادیوم و ساختمان بهداری شماره ۲ و همچنین کوی شهربانی یاد کرد. بعلاوه وجود ساختمانهای مخروبه بخشی از شهر قدیم فردوس در غرب و جنوب غربی و همچنین وجود گورستان در جنوب شهر از عوامل محدود کننده و مانعی جهت گسترش شهر در این قسمت‌ها به شمار می‌آیند.

بطور کلی رشد شهر در این دوره بیش از سایر دوره‌ها بوده است. ولی از نظر جهات گسترش، شهر بیشتر به صورت يك جانبه گسترش یافته و شکلی ناموزون و نامتناسب پیدا کرده است که مشکلات زیادی هم در امر خدمات رسانی و احداث تأسیسات و تجهیزات شهری به دنبال داشته است.

### ۳- توسعه شهر از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۷

در این دوره با توجه به مسائلی نظیر وجود جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی و کمبود مصالح ساختمانی، رشد ساختمان سازی در این شهر تا حدودی کاهش یافته، ولی با وجود این باز هم به میزان نسبتاً زیادی بر وسعت شهر افزوده شده است.

از عوامل عمده‌ای که در این دوره موجب توسعه و گسترش شهر شده‌اند، می‌توان از بالا بودن مهاجران روستایی نام برد. این مهاجران عمده به مرکز شهرستان هجوم آورده و گرانی زمین و کمبود مصالح ساختمانی و غیره را سبب گردیده‌اند. توسعه شهر در مدت این هشت سال بیشتر در قسمت‌های شرقی و بخصوص شمال شرقی بوده است. در سایر جهات عوامل محدود کننده‌ای وجود داشته است. چنان که هم‌اکنون شهر در قسمت شمال شرقی به باغ فرمانداری و مزارع و باغات توکل منتهی شده و حال آن‌که در جهت غرب و جنوب غربی به علت وجود شهرکهنه و گورستان عمومی شهر گسترش چندانی نداشته است. از عمده‌ترین علل گسترش يك جانبه شهر به جانب شرق و شمال شرقی، تقسیم زمینهای این



شهر نوساز فردوس با خیابانهای منظم و مشجر



یکی از میدانهای گلکاری شده و مشجر فردوس



منطقه توسط سازمان زمین شهری است. احداث ادارات قند و شکر، راه و ترابری، انبارهای جهادسازندگی، انبار اداره تعاون روستایی، مجتمع فرهنگی امام و مرکز صدا و سیما هم در این توسعه يك جنبه نقش داشته اند. هم اکنون وسعت شهر در حدودشش کیلومتر مربع است.

### طرح هادی شهر فردوس

برای شهر فردوس تاکنون دو طرح در زمینه شهرسازی ارائه شده است: یکی از این طرحها را پس از زلزله سال ۱۳۴۷ و تخریب شهر برای بازسازی مجدد این شهر دکتر مجید محکمی ارائه داده بود که مبنای ساخت کنونی شهر قرار گرفته است. علاوه بر آن طرح هادی دیگری نیز برای شهر ارائه شده بود که مورد تصویب قرار نگرفت و اجرا نشد. بعد از زلزله سال ۱۳۴۷ که شهر صاحب آب لوله کشی و برق و سایر خدمات گردید، روبه توسعه گذاشت و جمعیت آن از ۱۰۸۳۴ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۱۶۲۵۷ نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یافت. از آنجا که شهر برای مقابله با عوارض ناشی از رشد شتاب آمیز و توسعه ناگهانی بعد از زلزله فاقد برنامه سنجیده بود لذا در چهار چوب سیاستهای مربوط به طرحهای توسعه شهری قرارداد تهیه طرح هادی بین شهرداری فردوس و مشاور منعقد گردید.

برآورد جمعیت در دوره های برنامه های پنجساله و دهساله و تعیین تراکمها و سطوح و توسعه شهر با در دست داشتن آمار سرشماری شهر فردوس چندین دوره مختلف جمعیت شهر به شرح زیر در جدول شماره ۱۷ و نرخ رشد سالانه برابر ۴/۷ برآورد گردید. که با توجه به نتایج بررسیها در وضعیت اراضی اطراف شهر سطوح توسعه شهر تعیین گردید.

جدول شماره ۱۷ - جدول مقایسه سطوح شهری و برآورد جمعیت طی دو برنامه

| سال       | ۱۳۶۹    | ۱۳۷۴    | افزایش | ۱۳۷۴    | ۱۳۷۹    | افزایش | افزایش کل |
|-----------|---------|---------|--------|---------|---------|--------|-----------|
| جمعیت شهر | ۱۹۰۲۴   | ۲۳۹۳۵   | ۴۹۱۱   | ۲۳۹۳۵   | ۳۰۱۱۴   | ۶۱۷۹   | ۱۱۰۹۰     |
| مساحت شهر |         |         |        |         |         |        |           |
| (مترمربع) | ۳۲۷۳۷۶۷ | ۳۴۹۹۹۹۶ | ۲۲۶۲۲۹ | ۳۴۹۹۹۹۶ | ۴۱۶۵۲۱۹ | ۶۶۵۲۲۳ | ۸۹۱۴۵۲    |

بررسی وضع مسکن: با استفاده از آمار پروانه‌های ساختمانی صادر شده از طرف شهرداری و ساختمانهای ساخته شده و نمونه‌گیریها در سال ۱۳۶۵، در شهر فردوس حدود ۳۳۸۷ واحد مسکونی وجود داشته و با توجه به جمعیت شهر فردوس و بُعد ۴/۲ برای هر خانوار حدود ۳۶۳ خانوار بدون مسکن و یا فاقد مسکن مناسب بودند. بنابراین در سال ۶۵ به ۳۷۵۰ واحد مسکن معمولی نیاز بوده است.

چنانچه برای هر خانوار يك واحد مسکونی در نظر گرفته شود و با احتساب بُعد خانوار ۴/۲، واحدهای مسکونی مورد نیاز شهر فردوس تا سال ۱۳۷۹ بدین شرح خواهد بود.

| سال  | تعداد واحد مسکونی |
|------|-------------------|
| ۱۳۶۹ | ۴۵۲۹              |
| ۱۳۷۴ | ۵۶۹۹              |
| ۱۳۷۹ | ۷۱۷۰              |

با توجه به ارقام فوق طی ده سال برنامه‌پروژه (از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹) تعداد ۲۶۴۱ واحد مسکونی مورد نیاز است.

جدول شماره ۱۸- وضع موجود سطوح مختلف شهر فردوس، سال ۱۳۶۹

| کاربری                 | مساحت هکتار | در صد سطح اشغال | سرانه  |
|------------------------|-------------|-----------------|--------|
| مسکونی                 | ۱۵۴/۸۷      | ۴۷/۳۱           | ۸۱/۴۱  |
| فضای باز و خدمات عمومی | ۱۱۱/۲۴      | ۳۳/۹۷           | ۵۸/۴۷  |
| شبکه معابر و خیابانها  | ۶۱/۲۷       | ۱۸/۷۲           | ۳۲/۲۱  |
| جمع                    | ۳۲۷/۳۸      | ٪۱۰۰            | ۱۷۲/۱۰ |

در محاسبه فوق حدود ۵/۳۲ هکتار اراضی بایر شهر منظور گردیده که بتدریج طی دو برنامه به ۵/۱۴ هکتار تقلیل می یابد و درصد سطح اشغال ناخالص تعیین می شود. سرانه فوق بیشتر در سرانه فضای باز و خدمات عمومی منظور گردیده است. در جدول شماره ۱۹ سطوح مختلف حوزه های استفاده از اراضی شهر طی دو برنامه پنج ساله تعیین شده است.

جدول شماره ۱۹ - سطوح مختلف حوزه های استفاده از اراضی شهر فردوس طی دو برنامه پنج ساله

| کاربری            | سال ۱۳۷۴ با جمعیت ۲۳۹۳۵ |                |        | سال ۱۳۷۹ با جمعیت ۳۰۱۱۴ |                |        |
|-------------------|-------------------------|----------------|--------|-------------------------|----------------|--------|
|                   | مساحت هکتار             | سطح اشغال درصد | سرانه  | مساحت هکتار             | سطح اشغال درصد | سرانه  |
| مسکونی            | ۱۶۱/۳۳                  | ۴۶/۰۹          | ۶۷/۴   | ۲۰۱/۷۶                  | ۴۸/۴۴          | ۶۷     |
| فضای باز          | ۱۲۴/۰۴                  | ۳۵/۴۵          | ۵۱/۸۳  | ۱۴۲/۴۹                  | ۳۴/۲۱          | ۴۷/۳۲  |
| حمل و نقل و معابر | ۶۴/۶۳                   | ۱۸/۴۶          | ۲۷     | ۷۳/۲۸                   | ۱۷/۳۵          | ۲۴     |
| جمع               | ۳۵۰                     | ٪۱۰۰           | ۱۴۶/۲۳ | ۴۱۶/۵۳                  | ٪۱۰۰           | ۱۳۸/۳۲ |

مجموعه کاربریها و وضعیت شهری فردوس طی برنامه ده ساله (۷۹-۱۳۶۹) در جدول شماره ۲۰ آمده است. براساس جدول فوق بعضی از کاربریها را اجمالاً مورد مطالعه قرار می دهیم.

فضای آموزشی: توزیع مراکز آموزشی در سطح شهر فردوس نسبتاً مطلوب است. زیرا پس از زلزله سال ۱۳۴۷ و بازسازی شهر بنا به الگوهای شهرسازی جدید به این کار اقدام شده است. در سال ۱۳۶۹ فضای آموزشی ۱۶۱۹۳۸ متر مربع با سرانه ۵۱/۸ بوده است که تا پایان برنامه دوم به ۲۲۵/۸۵۵ متر مربع و سرانه ۵/۷ خواهد رسید که از میزان سرانه های متداول طرحهای شهری ایران (۵-۳) بیشتر است.

فضای بهداشتی و درمانی: شهر فردوس در سال ۶۹ دارای ۲۶۸۳۸ متر مربع و سرانه ۴۱/۱ فضای بهداشتی و درمانی بوده است که پیشنهاد شده تا سال ۱۳۷۹ به

جدول شماره ۲۰ - مقایسه وضعیت شهری فردوس در آغاز و انجام برنامه دهساله (۷۹-۶۹)

| ردیف | نوع کاربری                 | (۱۳۶۹) (فروردین) |             |            |        | (سال ۱۳۷۹)  |            |       |             | سرانه‌های معمولی در طرحهای شهری ایران |
|------|----------------------------|------------------|-------------|------------|--------|-------------|------------|-------|-------------|---------------------------------------|
|      |                            | سرانه            | سطح تیربربع | درصد به کل | سرانه  | سطح تیربربع | درصد به کل | سرانه | سطح تیربربع |                                       |
| ۱    | جمع کل                     | ۱۷۲/۱۰           | ۳۲۷۳۷۶۷     | ۱۰۰        | ۱۳۸/۳۲ | ۴۱۶۵۲۱۹     | ۱۰۰        | ۴۸/۴۴ | ۷۹-۱۰۷/۵    |                                       |
| ۲    | مسکونی                     | ۸۱/۴۱            | ۱۵۴۸۶۵۶     | ۴۷/۳۱      | ۶۷     | ۲۰۱۷۶۳۸     | ۴۷/۳۱      | ۶۷    | ۴۸/۴۴       | ۴۰-۵۰                                 |
| ۳    | آموزشی                     | ۸/۵۱             | ۱۶۱۹۳۸      | ۴/۹۵       | ۷/۵    | ۲۲۵۸۵۵      | ۴/۹۵       | ۷/۵   | ۵/۴۲        | ۳-۵                                   |
| ۴    | بهداشتی و درمانی           | ۱/۴۱             | ۲۶۸۳۸       | ۰/۸۲       | ۲/۰۰   | ۶۰۲۲۸       | ۰/۸۲       | ۲/۰۰  | ۱/۴۵        | ۰/۷۵-۱/۵                              |
| ۵    | صنایع و کارگاهها           | ۲/۸۷             | ۵۴۵۲۵       | ۱/۶۷       | ۲/۰۰   | ۶۰۲۲۸       | ۱/۶۷       | ۲/۰۰  | ۱/۴۵        | ۲-۳/۵                                 |
| ۶    | تأسیسات و تجهیزات شهری     | ۰/۱۲             | ۲۲۵۰        | ۰/۰۷       | ۷/۰۰   | ۳۱۰۷۹۸      | ۰/۰۶       | ۵/۰۶  | ۵/۰۶        | —                                     |
| ۷    | تجاری (عمده و خرده فروشی)  | ۲/۰۸             | ۳۹۴۸۳       | ۱/۲۱       | ۱/۸    | ۵۴۲۰۵       | ۱/۳۰       | ۱/۳۰  | ۱/۳۰        | ۲-۴                                   |
| ۸    | ورزشی و تفریحی             | ۳/۸۴             | ۷۳۰۰        | ۲/۲۳       | ۳/۵    | ۱۰۵۳۹۹      | ۲/۵۳       | ۲/۵۳  | ۲/۵۳        | ۲-۲/۵                                 |
| ۹    | فضای سبز                   | ۳/۵۴             | ۶۷۴۱۰       | ۲/۰۶       | ۵/۰۰   | ۱۵۰۵۷۰      | ۳/۶۱       | ۳/۶۱  | ۳/۶۱        | ۷-۱۲                                  |
| ۱۰   | اداری                      | ۷/۱۵             | ۱۳۶۰۴۰      | ۴/۱۶       | ۵/۰۰   | ۱۵۰۵۷۰      | ۳/۶۱       | ۳/۶۱  | ۳/۶۱        | ۱/۵-۲/۵                               |
| ۱۱   | انتظامی                    | ۵/۱۶             | ۹۸۱۶۴       | ۳/۰۰       | ۳/۸    | ۱۱۴۴۳۳      | ۲/۷۵       | ۲/۷۵  | ۲/۷۵        | —                                     |
| ۱۲   | مذهبی، تاریخی، فرهنگی      | ۶/۷۱             | ۱۲۷۶۵۱      | ۳/۹۰       | ۴/۷    | ۱۴۱۵۳۶      | ۳/۴۰       | ۳/۴۰  | ۳/۴۰        | ۰/۷۵-۱/۵                              |
| ۱۳   | حمل و نقل و انبارداری      | ۳۲/۲۱            | ۶۱۲۷۶۳      | ۱۸/۷۲      | ۲۴     | ۷۲۷۳۶       | ۱۷/۳۵      | ۱۷/۳۵ | ۱۷/۳۵       | ۲۰-۲۵                                 |
| ۱۴   | جهاانگردی و پذیرایی        | ۰/۰۳             | ۵۰۰         | ۰/۰۲       | ۰/۲۳   | ۶۰۲۳        | ۰/۱۴       | ۰/۱۴  | ۰/۱۴        | —                                     |
|      | اراضی بایر شهری و کناره‌ها | ۱۷/۰۶            | ۳۲۴۵۴۹      | ۹/۹۱       | ۴/۸۲   | ۱۴۵۰۰۰      | ۳/۴۸       | ۳/۴۸  | ۳/۴۸        |                                       |

مأخذ: طرح هادی فردوس، استانداری خراسان، دفتر کل فنی، ناصر احمدی

۶۰۲۲۸ مترمربع و سرانه<sup>۲</sup> برسد این میزان از استاندارد سرانه شهرها مختصری بیشتر است. این امر نیز به علت استفاده حوزه نفوذ از مراکز درمانی شهر فردوس می باشد. فضای مذهبی، تاریخی، فرهنگی: سرانه فضاهای مذکور در سال ۶۹، ۶/۷۱ بوده که در سال ۷۹ به سرانه<sup>۴</sup> ۷/۴ کاهش می یابد، اما نسبت به سرانه متعارف شهرهای ایران زیاد است و علل آن عبارت است از:

- وجود مجتمع فرهنگی امام با مساحت ۲۰۰۰ متر مربع در خیابان مدرس که سطح زیادی از شهر را به خود اختصاص داده است.

- مدارس علمیه قدیمی که در شهر به صورت آثار تاریخی برجای مانده است.

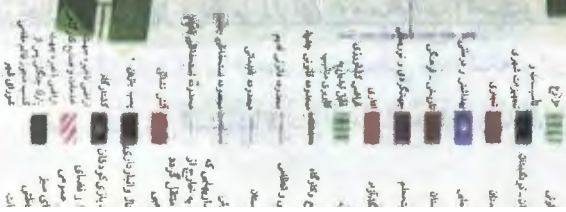
- مراکز فرهنگی شهر فردوس میزان کمی را به خود اختصاص داده اما بعلت قرار گرفتن در يك گروه با فضاهای مذهبی و تاریخی است که میزان این فضا را بالا نشان داده است.

فضای تجاری: فضای تجاری با مساحت ۳۹۴۸۳ متر مربع و سرانه<sup>۸</sup> ۲/۰۸ به میزان سرانه<sup>۸</sup> ۱/۸ و مساحت ۵۴۲۰۵ مترمربع پیشنهاد شده است. این پیشنهاد از حداقل سرانه های معمولی طرحهای شهری ایران هم کمتر است زیرا اولاً در طرح شهر بازار روز و بازار مرکزی وجود ندارد و ثانیاً شهر فاقد میدان تره بار است که بایستی در آینده نسبت به احداث آن اقدام لازم به عمل آید.

فضای سبز: فضای سبز موجود با مساحت ۶۷۴۱۰ متر مربع و سرانه<sup>۴</sup> ۳/۵۴ به پیشنهاد مهندس مشاور به سرانه<sup>۵</sup> ۵ و مساحت ۱۵۰۵۷۰ مترمربع افزایش خواهد یافت. اما هنوز هم از سرانه متعارف دیگر شهرهای ایران کمتر است و کمبود خاص فضای سبز درون محله ای مسأله ای است که در طرحهای آینده باید اقداماتی در مورد آن صورت گیرد.

جهانگردی و پذیرایی: وضع موجود شهر از نظر مراکز جهانگردی در شرایط نامناسبی است. مساحت این مراکز ۵۰۰ متر مربع است که برای سال ۷۹ مساحت ۶۰۲۳ مترمربع پیشنهاد شده است. در حال حاضر شهر فردوس دارای دو مسافر خانه است و مهمانسرای شهر در اختیار سپاه پاسداران قرار دارد که با ایجاد ساختمانی جداگانه برای سپاه، مجدداً می توان از مهمانسرا به صورت قبلی استفاده کرد و به میزان مراکز جهانگردی شهر افزود.

تفہہ شمارہ ۱۸  
مہوری اسلامی ایران  
وزارت کشور  
تهران



### رابطه شهر و روستا

موضوعی که در این منطقه حائز اهمیت است روابط نقاط مسکونی با یکدیگر است. بطور کلی نمی‌توان شهرستان فردوس را به عنوان يك نظام واحد منطقه‌ای که گرداگرد شهر فردوس استقرار یافته باشد در نظر آورد، بدین معنی که نقاط پراکنده و متعدد مسکونی به چند گروه تقسیم شده و هر دسته گرداگرد یکی از نقاط پرجمعیت شهرستان مستقر شده‌اند. این مراکز عمده روابط اقتصادی عبارتند، از: شهرهای فردوس و بشرویه و سرایان که مرکز بخشهای سه‌گانه شهرستان نیز به شمار می‌آیند. به جای آن که بشرویه و سرایان روابط خود را بوسیله شهر فردوس با مشهد که قلب اقتصادی و بازرگانی خراسان است، برقرار کنند مستقیماً با مشهد ارتباط دارند. این عامل نقش شهر فردوس را به عنوان مرکز يك منطقه منسجم و به هم پیوسته که دارای نظامی تام و واحد باشد محل تردید و تأمل قرار می‌دهد. حتی بخشهای سه‌گانه نیز دارای چنین نظام به هم پیوسته‌ای نیستند و تنها امور اداری و دولتی است که يك چنین واحدی را که مبتنی بر سلسله مراتب روابط واحدهای اداری کوچکتر است، به وجود می‌آورد. بخش مرکزی فردوس از دهستانهای حومه و خانکوک و مهویند تشکیل می‌شود. شهر فردوس مرکز غالب فعالیتها و روابط قسمت جنوبی دهستان حومه و در درجه دوم دهستانهای مهویند و خانکوک است، حال آن که سرایان با جمعیت ۷۴۷۷ نفر در سال ۱۳۶۵ که مرکز بخش سرایان است روابط برخی از آبادیهای دهستانهای چرمه را که در غرب سیاه‌کوه قرار دارند تنظیم می‌کند، ولی روابط آبادیهای شرق سیاه‌کوه با کاخک است. در حالی که امور دهستان آیسک، در آبادی آیسک که ۶۷۲۷ نفر جمعیت داشته متمرکز شده و غالباً مستقیماً با مشهد ارتباط دارد. دهستان سه‌قلعه به خاطر وسعت زیاد و دوری از مرکز بخش سرایان و مرکز شهرستان تشکیل واحدی فرعی در بخش مذکور داده‌است. در این منطقه که حدود يك سوم تمام شهرستان فردوس وسعت دارد و آب و هوای کویری و موقعیتی جلگه‌ای دارد ۳۵ آبادی برپا شده‌است و طبق آمار سال ۱۳۶۵ تنها ۷ آبادی آن بیش از صد نفر جمعیت داشته و مرکز آن سه‌قلعه دارای ۴۷۹۰ نفر جمعیت می‌باشد.

بخش بشرویه تقریباً تشکیل واحد به هم پیوسته‌ای را می‌دهد. ده دهستان از ۱۷ دهستان شهرستان فردوس در این بخش قرار دارند. شهر بشرویه با جمعیت ۹۱۸۹ نفر در سال ۱۳۶۵ بعد از فردوس پرجمعیت‌ترین شهرستان می‌باشد و روابط آبادیهای این منطقه فرعی را تنظیم می‌کند و از نظر روابط اقتصادی مستقیماً با مشهد ارتباط دارد.

### حوزه نفوذ مستقیم شهر فردوس

بنابه موقعیت ویژه شهر فردوس بعنوان مرکز شهرستان اکثر قریب به اتفاق آبادیهای دور و نزدیک این شهرستان با این شهر ارتباط نزدیک و رفت و آمدهای روزانه دارند. اکثریت مراجعه کنندگان به شهر پس از اتمام کار روزانه خود که عموماً مراجعات و فعالیتهای اداری و خدماتی و درمانی است شهر را ترك می‌گویند و به روستاهای خود باز می‌گردند. بررسی و مطالعات انجام شده<sup>۱۶</sup> نشان می‌دهد که حوزه نفوذ مستقیم و بی‌واسطه شهر فردوس، به دلیل آن که اکثر شهرها و روستاهای این شهرستان فاقد امکانات لازم در زمینه‌های مختلف هستند، وسیع است ولی در این گزارش فقط روستاها و آبادیهایی که در فاصله ۲۵ کیلومتری شهر قرار دارند و بیشترین رفت و آمد اهالی آن به شهر فردوس بوده است، مورد مطالعه قرار گرفته است:

### آبادیهای واقع در شعاع ۱۰ کیلومتری

در این فاصله ۱۲ آبادی قرار دارد. از این تعداد ۷ آبادی غیرمسکونی و ۵ آبادی مسکونی است. براساس آمار سال ۱۳۶۵ مجموعه این آبادیها ۱۰۷۰ نفر جمعیت داشته است. و روستای خانکوک پرجمعیت‌ترین آبادی این حوزه به شمار می‌آید. رشد جمعیت این محدوده در طول يك فاصله زمانی ۲۰ ساله (۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵)، ۲/۳ درصد بوده است. با این نرخ رشد جمعیت آن از سال ۱۳۴۵ که حدود ۷۳۳ نفر بوده در سال ۱۳۶۵ به ۱۰۷۰ نفر افزایش یافته است.

۱۶ - ناصر احمدی، خلاصه گزارش مربوط به حوزه نفوذ و طرح هادی شهر فردوس، استانداری خراسان،

چون اکثر این روستاها فاقد امکانات رفاهی و حتی مغازه‌های خرده‌فروشی و کارگاه‌های تعمیرات لوازم کشاورزی و امکانات آموزشی و درمانی هستند، لذا بطور مستمر باشهر فردوس در ارتباط مستقیم روزانه هستند و برای دسترسی به این خدمات از اتوبوس، مینی‌بوس، وانت و موتور سیکلت استفاده می‌کنند. تمامی روستاهای مسکونی در این فاصله فاقد مدرسه راهنمایی، دبیرستان و مرکز بهداشتی - درمانی هستند. حتی روستای حسین‌آباد فاقد پزشک، خانه بهداشت، بهیار و مامای روستایی و صندوق پست است. روستاهای کمتر از ۱۰ نفر سکنه و خالی از سکنه این حوزه عبارتند از: برجک، تلمبه خالقی، تلمبه شیراز، منور آباد، شرکت توکل، شریف‌آباد، کشمان خداوندی، کشمان نوقاب.

#### آبادیهای واقع در فاصله ۱۰ تا ۲۵ کیلومتری

در این فاصله ۲۱ آبادی قرار گرفته است، این آبادیها نیز به دلیل کمبود مایحتاج عمومی و عدم دسترسی کافی در زمینه‌های درمانی، خدماتی، فرهنگی، آموزشی با وسایل نقلیه عمومی روزانه به شهر فردوس در رفت و آمد هستند.

کل جمعیت این آبادیها در سال ۱۳۶۵ بالغ بر ۶۱۱۱ نفر و ۱۴۹۶ خانوار بوده است. رشد جمعیت آنها در فاصله زمانی ۲۰ سال (۴۵-۶۵) معادل ۲/۴ درصد بوده است. از مجموعه این آبادیها ۹ آبادی خالی از سکنه و بقیه مسکونی بودند. روستای باغستان علیا با ۱۹۶۱ نفر پرجمعیت‌ترین و آبادی کوران با ۴ نفر کم جمعیت‌ترین آبادیهای این حوزه به شمار می‌آیند.

#### تصویری کلی از فعالیتهای اقتصادی حوزه نفوذ

چهره غالب بر اقتصاد منطقه، کشاورزی و دامپروری است. علاوه بر آن فعالیتهایی از قبیل صنایع دستی روستایی و پرورش کرم ابریشم در تعدادی از آبادیهای حوزه نفوذ رایج است و نقش تکمیلی در اقتصاد خانوارهای روستایی ایفا می‌کند. در کل ۳۳ آبادی واقع در حوزه نفوذ (در فاصله ۲۵ کیلومتری) تعداد ۴۸ رشته قنات دایر و ۱۶ رشته قنات بایر و ۲۶ حلقه چاه عمیق و ۴ حلقه چاه نیمه عمیق در اختیار کشاورزان قرار داشته است. به علاوه

تعداد ۱۸ دستگاه موتور پمپ، ۴۹ دستگاه تراکتور و یک دستگاه کمباین وجود داشته است.

### اراضی کشاورزی حوزه نفوذ

در کل این آبادیها حدود ۱۹۲۰۲ هکتار زیر کشت محصولات آبی و دیمی بوده که ۳۹۵۵ هکتار به کشت آبی و ۱۵۲۴۷ هکتار آن به کشت دیم اختصاص داشته است. در حوزه ۱۰ کیلومتری آبادی، خانکوک با ۲۸۳ هکتار اراضی کشت آبی و ۶۰۰ هکتار کشت دیم بیشترین، و آبادی برجک با ۱۳ هکتار کشت آبی و ۱۱ هکتار کشت دیم کمترین سطح اراضی کشاورزی را دارا بوده است.

در حوزه ۲۵ کیلومتری، مهران کوشک با ۹۷۰۲ هکتار اراضی زیر کشت دیم و ۸۴ هکتار اراضی آبی بیشترین اراضی کشاورزی، و روستای سرنند با ۹۶۱ هکتار کشت آبی و ۵۳ هکتار دیم بالاترین مقدار اراضی کشت آبی را در این محدوده در اختیار داشته است. از نظر دام، در کل ۳۳ آبادی حوزه نفوذ، تعداد ۴۳۳۰۳ رأس از انواع دام وجود داشته است. از این تعداد ۸۹۹۳ رأس دام متعلق به آبادیهای شعاع ۱۰ کیلومتری و بقیه مربوط به شعاع ۲۵ کیلومتری است. روستای خانکوک و روستای برون بیشترین تعداد دام حوزه را در اختیار داشته اند.

### امکانات آموزشی حوزه نفوذ

از آبادیهایی که در فاصله ۱۰ کیلومتری شهر فردوس قرار دارند، تنها دو روستای حسین آباد و خانکوک دارای دبستان بوده و بقیه فاقد امکانات آموزشی هستند. اما در مجموعه روستاهای شعاع ۲۵ کیلومتری به لحاظ جمعیت بیشتر آنها امکانات آموزشی نسبتاً بهتری وجود دارد. به طوری که ۹ روستا دارای دبستان و ۲ روستا صاحب مدرسه راهنمایی و ۸ روستا دارای نهضت سوادآموزی بوده است.

### امکانات بهداشتی - درمانی حوزه نفوذ

در تمامی آبادیهای مسکونی حوزه، در سال ۱۳۶۵ حمام وجود داشته است. از

نظر امکانات درمانی در شعاع ۱۰ کیلومتری فقط روستای خانکوک دارای پزشک و خانه بهداشت بوده است. و از مجموع روستاهای واقع در فاصله ۲۵ کیلومتری، ۴ روستا دارای پزشک و ۳ روستا دارای بهیار و مامای روستایی بودند. روستای سرند بیشترین امکانات را دارا بوده است.

در جدول شماره ۲۱ امکانات آموزشی و فرهنگی، بهداشتی و درمانی و مخابرات و برق و آب لوله کشی، بازرگانی و خدماتی برای روستاهای دارای سکنه هر دو حوزه درج شده است.

جدول شماره ۲۱- وضعیت امکانات و تسهیلات مختلف در آبادیهای دارای سکنه حوزه نفوذ شهر

فردوس سال ۱۳۶۵

| نام آبادی      | جمعیت<br>۱۳۶۵ | آموزشی و فرهنگی |                |          |          | آب لوله -<br>کشی و برق |     | مخابرات و<br>ارتباطات |           | بهداشتی و درمانی |                      |      |                     |          |             |      |       |
|----------------|---------------|-----------------|----------------|----------|----------|------------------------|-----|-----------------------|-----------|------------------|----------------------|------|---------------------|----------|-------------|------|-------|
|                |               | دبستان          | مدرسه راهنمایی | دبیرستان | کتابخانه | آموزشگاه               | برق | آب لوله کشی           | صندوق پست | نمایندگی پادفرست | دسترس به وسیله نقلیه | حمام | مرکز بهداشتی درمانی | داروخانه | خانه بهداشت | پزشک | بیمار |
| سرند           | ۶۰۹           | ×               |                |          |          | ×                      | ×   | ×                     | ×         |                  | ×                    | ×    |                     |          | ×           | ×    | ×     |
| باغستان سفلی   | ۶۳۳           | ×               |                |          |          | ×                      | ×   | ×                     |           |                  | ×                    |      |                     |          |             |      | ×     |
| باغستان علیا   | ۱۹۶۱          | ×               | ×              |          |          | ×                      | ×   | ×                     | ×         | ×                | ×                    | ×    | ×                   | ×        | ×           | ×    |       |
| برون           | ۱۱۶۱          | ×               | ×              |          | ×        |                        | ×   | ×                     | ×         | ×                | ×                    | ×    | ×                   | ×        |             |      |       |
| مهران کوشک     | ۶۰۷           | ×               |                |          | ×        |                        | ×   | ×                     | ×         |                  | ×                    |      |                     | ×        |             |      |       |
| ابراهیم آباد   | ۱۵۶           | ×               |                |          | ×        |                        |     |                       | ×         |                  |                      |      |                     |          |             |      |       |
| حسن آباد       | ۸۶            | ×               |                |          |          |                        | ×   |                       |           |                  | ×                    |      |                     |          |             |      |       |
| طاهر آباد      | ۱۰۹           | ×               |                |          | ×        |                        |     |                       |           |                  | ×                    |      |                     |          |             |      |       |
| رحمت آباد      | ۴۴            |                 |                |          |          |                        | ×   | ×                     |           | ×                |                      |      |                     |          |             |      |       |
| فتح آباد       | ۷۳۶           | ×               |                |          | ×        | ×                      | ×   | ×                     | ×         |                  | ×                    |      |                     | ×        | ×           | ×    |       |
| کانون کارآموزی | ۲۱            |                 |                |          |          |                        | ×   | ×                     |           |                  | ×                    |      |                     |          |             |      |       |
| حسین آباد      | ۲۷۴           | ×               |                |          |          | ×                      | ×   | ×                     |           |                  | ×                    |      |                     |          |             |      |       |
| خانکوک         | ۸۷۴           | ×               | ×              |          | ×        |                        | ×   | ×                     | ×         |                  | ×                    | ×    |                     |          | ×           | ×    | ×     |

### نتایج مربوط به حوزه نفوذ

با توجه به کمبودهای اساسی حوزه نفوذ در زمینه تأسیسات زیربنایی و تجهیزات رفاهی، ساکنان این حوزه، علاوه بر انگیزه‌های اقتصادی ناگزیرند درباره‌ای از موارد هفتگی و یا گاهی روزانه به شهر فردوس مراجعه نمایند.

نبودن آب آشامیدنی، برق، حمام، مغازه‌های خرده‌فروشی، تعمیرات ماشین آلات، دفاتر پستی و مخابرات، درمانگاه و مراکز بهداشتی و حتی نبودن پاسگاه ژاندارمری موجب می‌گردد که روستائیان به شهر مهاجرت یا مراجعه نمایند.

### تعیین روستاهایی به عنوان مرکز منظومه در منطقه

اجتماعات پراکنده انسانی در تمام و یا قسمتی از منطقه معیارهای مخصوصی را می‌طلبند. براین اساس چند تا از مراکز جمعیتی که از نظر تعداد جمعیت و امکانات زیربنایی مانند جاده و سایر امکانات اداری و رفاهی قابلیت پذیرش نقشهای بیشتری را دارند، انتخاب شده است.

نخست سه مرکز عمده شهری این شهرستان یعنی شهر سرایان، اسلامیه و بشرویه به عنوان مراکز درجه یک در نظر گرفته شده است. در این مراکز افزایش امکانات موجود و ایجاد امکانات جدید مانند بیمارستان، مراکز دندانپزشکی، بانک کشاورزی، مرکز تربیت معلم و هنرستان کشاورزی و افزایش تعداد وسایل نقلیه عمومی بین روستاها و بهبود وضع جاده‌های روستایی، می‌تواند در جلوگیری از رفت و آمدهای بین روستاها و شهر فردوس نقش مهمی داشته باشد. هم‌چنین برای جلوگیری از رشد بی‌رویه مشکلات این سه شهر در آینده نیز مراکز درجه دوم در نظر گرفته شده است، این سه مرکز با توجه به امکانات بهتر در آنها و موقعیت بهتر ارتباطی با سایر آبادیها انتخاب شدند. این روستاها عبارتند از: آیسک از بخش سرایان، ارسک از بخش بشرویه و باغستان علیا از بخش مرکزی.

در روستای آیسک با ایجاد مرکز بهداشتی درمانی و بهبود جاده‌های روستایی کمبودهای اولیه روستاها برطرف خواهد شد. ولی در دو روستای دیگر امکانات خدماتی رفاهی در سطح پایین تری قرار دارد. لذا در دو روستای آرسک و باغستان علیا با ایجاد مرکز خدمات روستایی، مرکز بهداشتی- درمانی، تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی، احداث پست، دامپزشکی و تأسیس دبیرستان و برطرف نمودن سایر نیازهای اولیه کشاورزان و دامداران تا حدودی از بار مشکلات شهر فردوس و همچنین سایر روستاها کاسته خواهد شد.

## ۲- جغرافیای جمعیت

### رشد و تحولات جمعیتی

شهر فردوس در اوایل دوره اسلامی رونق داشته و دومین شهر پرجمعیت ولایت قهستان (بعد از قاین) محسوب می شده است. مقدسی تون را شهری پرجمعیت ذکر کرده و افزوده است «از قاین کوچکتر است و قلعه‌ای و مسجدی نیکو دارد و بیشتر اهل آن بافندگانند.»<sup>۱۷</sup> محمدحسن خان صنیع الدوله که در سال ۱۲۹۴ هجری قمری شهر تون را دیده است در مورد جمعیت آن می گوید: «دو هزار و پانصد خانوار در شهر تون ساکن اند.... عدد نفوس سابقاً زیاده بوده اینک تقریباً پنج، شش هزار است...»<sup>۱۸</sup> ژنرال سرپرسی سایکس مأمور دولت انگلستان که در اواخر دوره قاجار چندسالی را با مشاغل مختلف در ایران گذرانیده درباره جمعیت شهر تون می نویسد: «شهر تون در حدود چهار هزار جمعیت دارد....»<sup>۱۹</sup> و در سفرنامه خراسان و کرمان که در سال ۱۳۲۰ هجری قمری تألیف شده است چنین آمده است: «در محوطه شهر هشت هزار خانوار کمتر است...»<sup>۲۰</sup> در فاصله ۶۰ سال از دیدار سرپرسی سایکس و تخمین وی و نخستین سرشماری

۱۷- لسترنج، سرزمینهای خلافت شرقی، ص ۳۷۸.

۱۸- محمدحسن خان صنیع الدوله، مرآت البلدان، سال ۱۲۹۴ ه.ق. ص ۵۰۳.

۱۹- ترجمه حسین سعادت نوری، سفرنامه سرپرسی سایکس، جلد ۲، ص ۳۸۳۹.

۲۰- غلامحسین خان افضل الملك، سفرنامه خراسان و کرمان، سال ۱۳۲۱ ه.ق. ص ۱۴۵.

عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ اطلاعی از جمعیت فردوس و تغییرات آن نداریم. جمعیت شهر فردوس قبل از سال ۱۳۳۵ به علت مرگ و میر فراوان - برغم باروری زیاد - رشد تقریباً ثابتی داشته است. ولی از دهه قبل از سرشماری ۱۳۳۵ بر سرعت رشد آن افزوده شده و جمعیت حدوداً چهار تا پنج هزار نفری ثابت آن در قرن گذشته به حدود ۶۸۳۴ نفر در سال ۱۳۳۵ افزایش یافته است و سپس آهنگ رشد جمعیت به سرعت افزایش یافته و جمعیت شهر، طی ده سال میان دوسرشماری از ۶۸۳۴ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۰۸۳۴ نفر در سال ۱۳۴۵ رسیده است که متوسط افزایش سالانه جمعیت ۴۰۰ نفر بوده است. نسبت رشد جمعیت در طی ده سال ۵۸/۵ درصد بوده که متوسط رشد سالانه آن ۷/۴ درصد بوده است. در ده ساله بعد جمعیت شهر سیر نزولی داشته، چنان که در سال ۱۳۵۵ از ۱۰۸۳۴ نفر به ۱۰۲۲۶ نفر کاهش یافته است. مهمترین عامل این کاهش وجود زلزله سال ۱۳۴۷ بوده که اولاً مرگ و میر زیادی را سبب گردیده و ثانیاً به دلیل بی خانمانی و نداشتن کار و شغل موجب مهاجرت جمعیت آن به شهرهای دیگر بخصوص مرکز استان خراسان گردیده است. علاوه بر این مهاجران، نزدیک به نیمی از ساکنان شهر به آبادی جدید اسلامی<sup>۲۱</sup> که در کنار روستاهای قبلی بهشت آباد و مقصود آباد ایجاد شده بود رفتند. در دهه بعد مجدداً جمعیت شهر از رشد بالایی برخوردار گردید و جمعیت شهر فردوس در سال ۱۳۶۵ به ۱۵۷۸۳ نفر رسید<sup>۲۲</sup>. نسبت رشد جمعیت در طی این ده سال ۵۹ درصد بوده است. عمده ترین علت رشد زیاد جمعیت در دهه اخیر را می توان مهاجرت بیش از حد روستاییان حومه این شهرستان دانست. نمودار شماره (۸) تغییرات و تحولات جمعیت شهر فردوس را طی سالهای ۱۲۵۵ تا ۱۳۶۵ نشان می دهد.

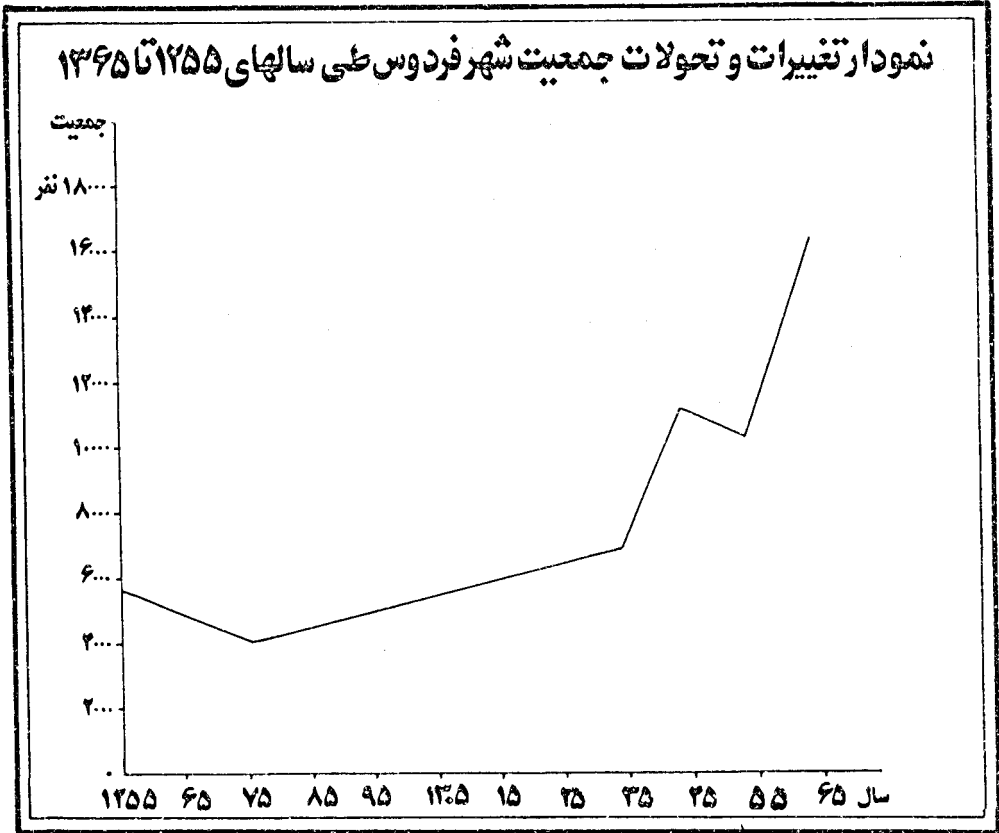
### توزیع و تراکم جمعیت

در سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵ شهرستان فردوس ۷۵۳۴۵ نفر جمعیت داشته است که از این تعداد ۴۹/۵ درصد در نقاط شهری و ۵۰/۴ درصد در نقاط

۲۱ - اسلامی در سرشماری سال ۱۳۶۵ با جمعیت ۴۴۶۷ نفر به شهر تبدیل شد.

۲۲ - سرشماری نفوس و مسکن شهرستان فردوس، سال ۱۳۶۵، ص ۲۱.

روستایی سکونت داشته اند و کمتر از ۱/۰ درصد غیر ساکن بوده اند. جدول شماره ۲۲ جمعیت شهرستان فردوس را به تفکیک جنس و شهری و روستایی در چهار دوره سرشماری نشان می دهد.



نمودار شماره (۸)

از نظر توزیع جمعیت بیشترین تعداد یعنی ۳۲۵۱۲ نفر (۴۳ درصد) در بخش مرکزی متمرکز هستند. در بخش سرایان ۲۴۵۱۸ نفر یا ۳۲٪ جمعیت و در بخش بشرویه ۱۸۲۸۵ نفر یا حدود ۲۴٪ جمعیت شهرستان ساکن هستند.

عوامل مهم جمعیت زیاد بخش مرکزی عبارتند از: ۱) موقعیت خوب طبیعی این بخش در مقایسه با دو بخش دیگر (۲) وجود نقاط شهری اسلامی و فردوس که خود عمده ترین علت رشد جمعیت شهر و مهاجرت بیش از حد روستاییان حومه به این

شهرستان است. چنان که این روستاها طبق آمار نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ با حدود ۳۱٪ مهاجرت، بالاترین میزان مهاجرت را در استان خراسان و حتی در سطح کشور داشته‌اند.

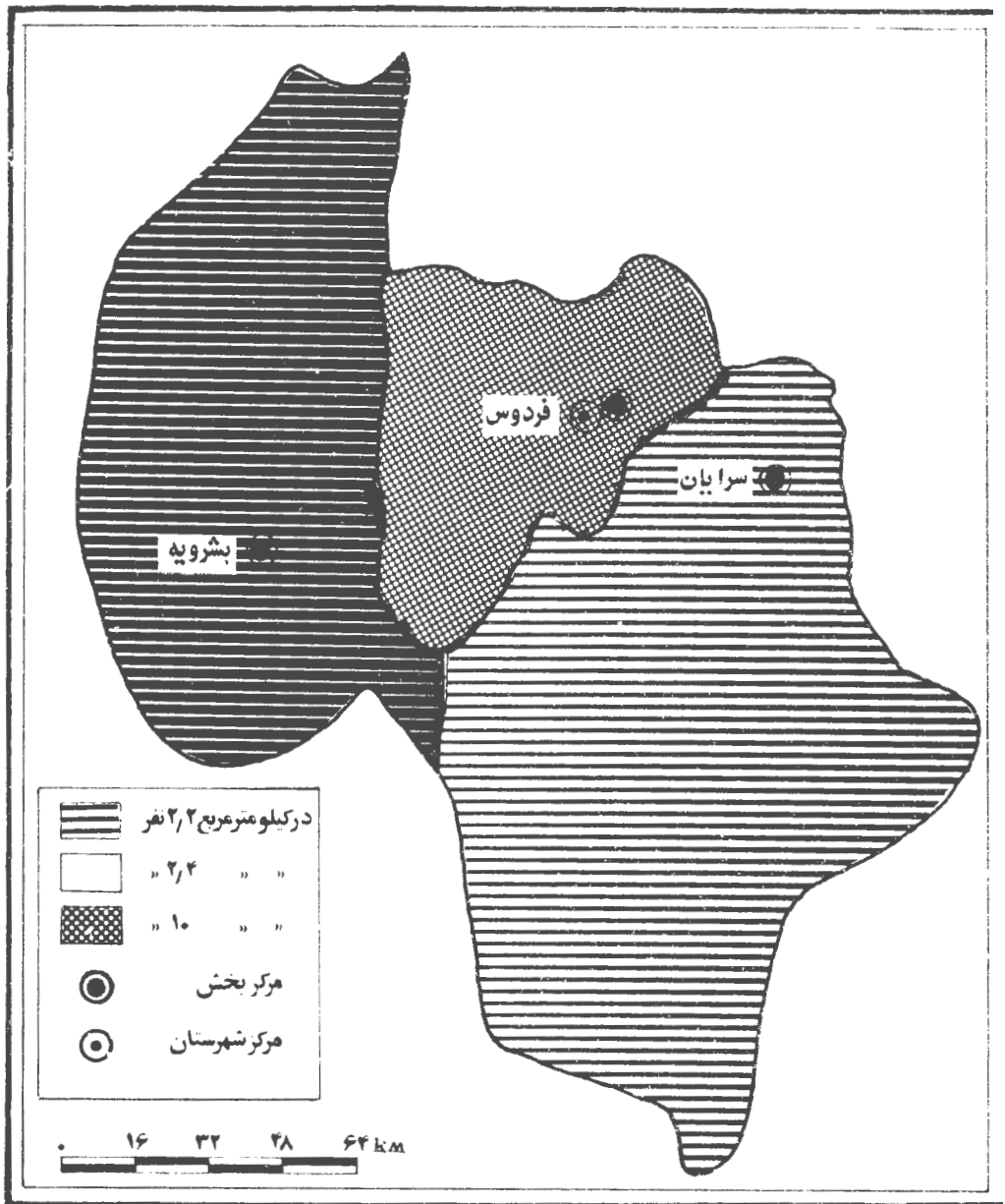
جدول ۲۲ - جمعیت شهرستان فردوس در طول سالهای ۱۳۳۵ - ۱۳۶۵

| سال<br>جمعیت | ۱۳۳۵  | ۱۳۴۵  | ۱۳۵۵  | ۱۳۶۵  |
|--------------|-------|-------|-------|-------|
| شهری         | ۶۸۳۴  | ۱۵۸۹۳ | ۱۶۷۹۶ | ۳۷۳۱۷ |
| روستایی      | ۲۰۲۸۸ | ۳۱۶۳۹ | ۴۰۳۸۷ | ۳۸۰۲۸ |
| مرد          | ۱۳۳۲۱ | ۲۳۴۹۱ | ۲۸۳۴۸ | ۳۷۴۲۰ |
| زن           | ۱۳۸۰۱ | ۲۴۰۴۱ | ۲۸۸۳۵ | ۳۷۹۲۵ |
| کل شهرستان   | ۲۷۱۲۲ | ۴۷۵۳۲ | ۵۷۱۸۳ | ۷۵۳۴۵ |

### تراکم نسبی جمعیت

مطالعه توزیع جمعیت بدون بیان نحوه تراکم آن ناقص است. درحقیقت مفهوم تراکم جمعیت روشنگر مقیاس کمی درجه تمرکز جمعیت در هر محل است. تراکم نسبی شهرستان فردوس در سال ۱۳۶۵ حدود ۳/۴ نفر در هر کیلومتر مربع بوده است که نسبت به سالهای قبل افزایش داشته مقایسه تراکم جمعیت شهرستان فردوس در چهار دوره سرشماری در جدول شماره ۲۳ آمده است. تراکم نسبی براساس میزان جمعیت بخشها و مساحت آنها تغییر می‌کند. برای نشان دادن وضعیت تراکم جمعیت در این شهرستان نقشه شماره (۱۹) تهیه گردیده است. براساس نقشه مذکور حداکثر تراکم نسبی در بخش مرکزی با حدود ۱۰ نفر در کیلومتر مربع است. این بخش از دهستانهای پرجمعیت مهوید و حومه (برون) و دهستان خانکوک تشکیل شده است و دو شهر اسلامی و فردوس نیز در این بخش قرار دارند.

نقشه تراکم نسبی جمعیت شهرستان فردوس به تفکیک بخش (مهرماه ۱۳۶۵)



بخش بشرویه از نظر تراکم نسبی بعد از بخش مرکزی مقام دوم را داراست. یعنی حدود ۲/۴ نفر جمعیت در کیلومتر مربع زندگی می‌کنند. بخش سرایان در شرق شهرستان، با ۲/۲ نفر در کیلومتر مربع از نظر تراکم نسبی در مقام سوم قرار می‌گیرد. بخش سرایان اگر چه نسبت به بخش بشرویه جمعیت بیشتری دارد ولی به سبب وسعت، تراکم نسبی آن کاهش می‌یابد. از عوامل مهم کمی جمعیت در بخشهای بشرویه و سرایان نامساعد بودن وضع طبیعی یعنی کمبود آب، هوای گرم بیابانی و توسعه کویر و زمینهای نامساعد برای کشاورزی و همچنین عدم پاره‌ای امکانات و خدمات لازم را می‌توان ذکر کرد.

جدول ۲۳- میزان تراکم نسبی و جمعیت شهرستان فردوس در چهار دوره سرشماری

| سال        | ۱۳۳۵  | ۱۳۴۵  | ۱۳۵۵  | ۱۳۶۵  |
|------------|-------|-------|-------|-------|
| جمعیت      | ۲۷۱۲۲ | ۴۷۵۳۲ | ۵۷۱۸۳ | ۷۵۳۴۵ |
| تراکم نسبی | ۵*    | ۲/۲   | ۲/۶   | ۳/۴   |

نسبت جنسی: نسبت جنسی عبارت است از نسبت مردان به زنان ضرب در صد، یعنی تعداد مردانی که در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن قرار می‌گیرند. در مهرماه ۱۳۶۵ از ۷۵۳۴۵ نفر جمعیت شهرستان فردوس ۳۷۴۲۰ نفر مرد و ۳۷۹۲۵ نفر زن بوده‌اند که در نتیجه نسبت جنسی برابر ۹۹ به دست می‌آید. به عبارت دیگر در این شهرستان، در مقابل هر ۱۰۰ زن، ۹۹ مرد وجود داشته است. این نسبت در بین اطفال کمتر از یک ساله برابر ۱۰۰ و در بین بزرگسالان (۶۵ ساله و بیشتر) معادل ۹۹ بوده است. نسبت جنسی شهرستان فردوس در چهار دوره سرشماری محاسبه شده است و در جدول شماره ۲۴ آمده است.

\*- حدود حوزه سرشماری فردوس در سال ۱۳۳۵ با حدود شهرستان مطابقت نداشته و شامل دهستانهای سرایان و فردوس بوده است. لذا تراکم نسبی آن زیاد به نظر می‌رسد.

جدول ۲۴- توزیع نسبت جنسی جمعیت شهرستان فردوس در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵

| ۱۳۳۵  |           | ۱۳۴۵  |           | ۱۳۵۵  |           | ۱۳۶۵  |           |
|-------|-----------|-------|-----------|-------|-----------|-------|-----------|
| جمعیت | نسبت جنسی | جمعیت | نسبت جنسی | جمعیت | نسبت جنسی | جمعیت | نسبت جنسی |
| ۱۲۳۲۱ | ۸۹/۲      | ۲۳۴۹۱ | ۹۷/۷      | ۲۸۳۴۸ | ۹۸/۳      | ۳۷۴۲۰ | ۹۹        |
| ۱۳۸۰۱ | ۱۰۰       | ۲۴۱۴۱ | ۱۰۰       | ۲۸۸۳۵ | ۱۰۰       | ۳۷۹۲۵ | ۱۰۰       |

چنان که از جدول شماره ۲۴ استنباط می شود در طول سالهای سرشماری همواره تعداد مردان نسبت به زنان در شهرستان فردوس کاهش داشته اما این نسبت از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ خود افزایش داشته بطوری که نسبت جنسی در سال ۱۳۳۵ حدود ۸۹/۲ بوده ولی در سال ۱۳۶۵ به ۹۹ رسیده است. نسبت جنسی در شهرها همواره بیشتر از روستاهاست. و این امر مبین مهاجرت بیشتر مردان از روستا به شهرها است. نسبت جنسی شهر فردوس در چهار دوره سرشماری محاسبه و در جدول شماره ۲۵ درج شده است.

جدول ۲۵- مقایسه نسبت جنسی جمعیت شهرستان فردوس و شهر فردوس

| سال           | ۱۳۳۵ | ۱۳۴۵ | ۱۳۵۵  | ۱۳۶۵  |
|---------------|------|------|-------|-------|
| شهرستان فردوس | ۸۹/۲ | ۹۷/۷ | ۹۸/۳  | ۹۹    |
| شهر فردوس     | ۹۱/۳ | ۹۸/۹ | ۱۱۳/۵ | ۱۰۷/۴ |

تجزیه و تحلیل نسبت جنسی در گروههای مختلف سنی نتایج جالب توجهی را آشکار می سازد. نسبت جنسی در سه گروه عمده سنی در چهار دوره سرشماری برای شهرستان فردوس محاسبه شده است که در جدول شماره ۲۶ آمده است.

جدول ۲۶- نسبت جنسی جمعیت شهرستان فردوس به تفکیک گروههای عمده سنی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵

| گروههای عمده سنی | ۱۳۳۵  | ۱۳۴۵  | ۱۳۵۵  | ۱۳۶۵ |
|------------------|-------|-------|-------|------|
| ۱۴-۰             | ۱۰۱/۳ | ۱۰۰/۴ | ۱۰۳/۳ | ۱۰۴  |
| ۱۵-۶۴            | ۹۳/۵  | ۹۴/۷  | ۹۳/۶  | ۹۴/۴ |
| ۶۵ به بالا       | ۹۹/۱  | ۱۰۸/۸ | ۱۱۴/۱ | ۹۹   |

از مطالعه جدول شماره ۲۶ استنباط می شود که نسبت جنسی در گروه سنی ۱۴-۰ ساله در تمام سالهای سرشماری بیش از ۱۰۰ است. یعنی تعداد پسران بیش از دختران است. در این خصوص باید علاوه بر مرگ و میر زیاد بخاطر کمبود امکانات بهداشتی و درمانی و عدم توجه و مراقبت والدین بخصوص طبقات فقیر و کم درآمد نسبت به این جنس، ازدواجهای زودرس و تلفات ناشی از آن را مورد توجه دقیق قرار داد. اما در گروه سنی ۱۵-۶۴ ساله نسبت جنسی کاهش می یابد یعنی تعداد مردان نسبت به زنان کم می شود. مهمترین عوامل عبارتند از تلفات ناشی از حوادث گوناگون نظیر وقوع تصادفات رانندگی، مرگ و میرهای ناشی از مسائل طبیعی و غیر طبیعی و بالاخره حوادث جاری و معمول در مراکز صنعتی و خدماتی که برای مردان پیش می آید.

ترکیب سنی: تجزیه و تحلیل ترکیب سنی دارای اهمیت زیادی در مطالعه جمعیت هر منطقه می باشد. زیرا اطلاع و آگاهی از ترکیب سنی اساس برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی است، و هر طرح و برنامه ای باید با نیازهای تغذیه ای، آموزشی، بهداشتی و استخدامی کسانی که در سنین مختلف هستند هماهنگ گردد.

آمارهای جمعیتی، گروههای سنی را با يك فاصله ۵ ساله طبقه بندی می نماید. گروههای عمده سنی عبارتند از گروه سنی ۱۴-۰ سال بچه ها، ۱۵-۳۴ سال جوانان، ۳۵-۵۹ سال بزرگسالان و ۶۰ سال و بالاتر شامل پیران می شود. طبق آمار ۱۳۶۵ از جمعیت شهرستان فردوس ۴۳ درصد در گروه سنی کمتر از ۱۵ ساله، ۵۱/۹ درصد در گروه سنی ۱۵-۶۴ ساله و ۵/۱ درصد در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر قرار داشته اند. اولین و آخرین گروه سنی معمولاً غیرتولیدی بوده، حالت باروری نیز ندارد. دومین

گروه تولید کننده هستند و نیروی کار از این گروه سنی ناشی می شود. درصد ترکیب سنی در سالهای مختلف سرشماری به تفکیک گروههای بزرگ سنی محاسبه شده است که در جدول شماره ۲۷ آمده است.

جدول ۲۷- توزیع درصد سنی جمعیت شهرستان فردوس به تفکیک گروههای بزرگ سنی در سالهای مختلف

| ۱۳۶۵ |       | ۱۳۵۵ |       | ۱۳۴۵ |       | ۱۳۳۵ |       |                 |
|------|-------|------|-------|------|-------|------|-------|-----------------|
| درصد | جمعیت | درصد | جمعیت | درصد | جمعیت | درصد | جمعیت |                 |
| ۴۳   | ۳۲۳۹۸ | ۴۱/۷ | ۲۳۸۴۷ | ۴۲   | ۱۹۹۷۰ | ۴۳/۴ | ۱۳۴۴۳ | ۱۴-۰ ساله       |
| ۵۱/۹ | ۳۹۰۹۵ | ۵۴/۲ | ۳۰۹۸۳ | ۵۳/۳ | ۲۵۳۲۱ | ۵۲/۱ | ۱۶۱۷۳ | ۱۵-۶۴ ساله      |
| ۵/۱  | ۳۸۴۳  | ۴/۱  | ۲۳۵۳  | ۴/۷  | ۲۲۴۱  | ۴/۵  | ۱۴۰۴  | ۶۵ ساله و بیشتر |
| ۱۰۰  | ۷۵۳۴۵ | ۱۰۰  | ۵۷۱۸۳ | ۱۰۰  | ۴۷۵۳۲ | ۱۰۰  | ۳۱۰۲۰ | جمع             |

ترکیب سنی جمعیت در نقاط شهری و روستایی شهرستان فردوس مثل دیگر شهرستانهای ایران متغیر است و این امر تحت تأثیر تحولات جمعیت در اثر مهاجرت دائمی یا موقت می باشد. به منظور بررسی بهتر ترکیب سنی جمعیت، جدول شماره ۲۸ مربوط به توزیع جمعیت شهرستان فردوس براساس محل سکونت طبق آمار سرشماری ۱۳۶۵ با توجه به گروههای سنی بزرگ تهیه شده است.

جدول ۲۸- توزیع جمعیت شهرستان فردوس براساس محل سکونت سال ۱۳۶۵ (درصد)

| روستائین |      | شهرنشین |      |            |
|----------|------|---------|------|------------|
| زن       | مرد  | زن      | مرد  |            |
| ۴۰/۹     | ۴۳/۵ | ۴۳      | ۴۴/۸ | ۱۴-۰       |
| ۵۳/۶     | ۵۰/۵ | ۵۲/۴    | ۵۱   | ۱۵-۶۴      |
| ۵/۵      | ۶    | ۴/۶     | ۴/۲  | ۶۵ و بیشتر |
| ۱۰۰      | ۱۰۰  | ۱۰۰     | ۱۰۰  | جمع        |

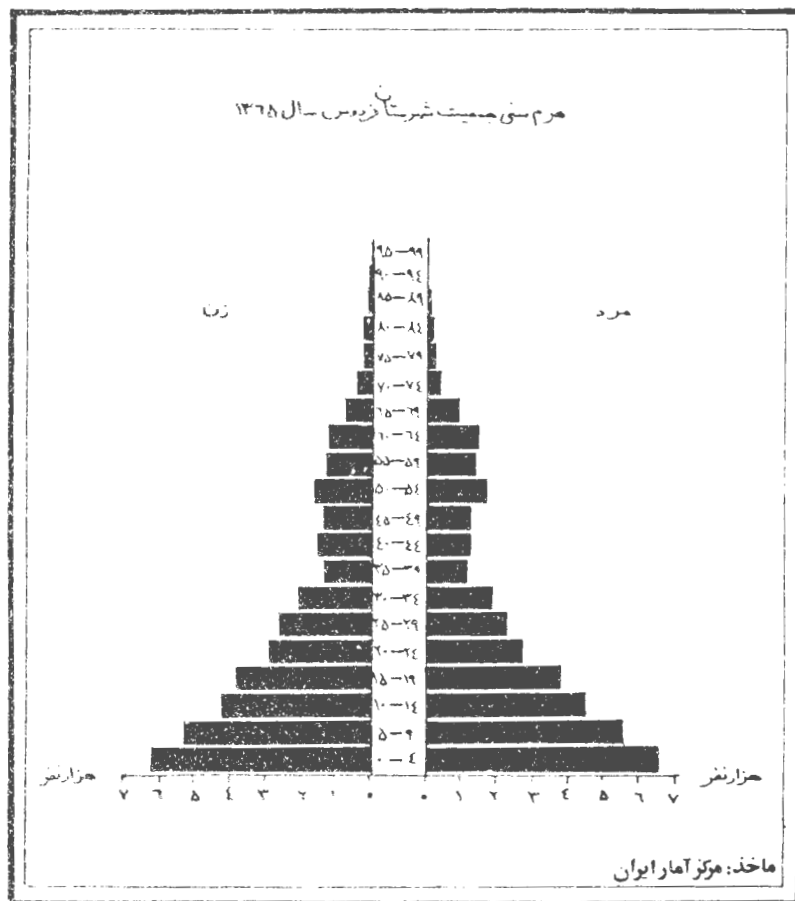
باتوجه به جدول ۲۸، استنباط می‌شود که درصد مردان در گروه سنی ۱۵-۶۴ ساله در مناطق شهرنشین فردوس بیش از نقاط روستانشین است. علت اصلی آن عامل مهاجرت بیشتر مردان از مناطق روستایی به نقاط شهری است که شرایط اقتصادی و فرهنگی و خدماتی مناطق شهری محرك اصلی این وضع هستند.

هرم سنی: از بین مسائل مربوط به جغرافیای جمعیت شمای هرم سنی منعکس کننده مرحله انتقال دموگرافیکی است که جامعه بدان نایل آمده‌است. به منظور بررسی بهتر مطلب و مشاهده تحولات جمعیت شهرستان فردوس و تعیین آن از لحاظ جوانی جمعیت و گسترش دادن آن در بین گروههای سنی مبادرت به ترسیم هرم سنی براساس آمار سال ۱۳۶۵ شده‌است. با توجه به نمودار شماره (۹) مربوط به هرم سنی شهرستان فردوس در می‌یابیم که قاعده هرم وسیع است که نشانه جوانی جمعیت است و هرچه به طرف رأس هرم بالا می‌رویم مقدار جمعیت گروههای سنی کم می‌شود. موضوعی که در هرم سنی شهرستان فردوس قابل اهمیت است کاهش افراد فعال یعنی گروههای سنی ۳۵-۴۹ ساله است. این امر مبین مسأله مهاجرت این گروههای سنی از شهرستان فردوس به مناطقی است که فعالیت عمرانی و خدماتی و آموزشی دارند.

### ساختمان شغلی

در این مبحث ویژگیهای اقتصادی جمعیت شهرستان فردوس مطالعه می‌شود. در ساختمان شغلی مسائل نیروی کار شرکت جنسی جمعیت در فعالیتهای اقتصادی، تقسیم نیروی کار به گروههای مختلف شغلی، اختلاف نیروی کار شهری و روستایی در ساختمان شغلی جمعیت بیش از سایر موارد اهمیت دارند. به این لحاظ کل جمعیت شهرستان به دو طبقه تقسیم می‌شود: (۱) جمعیت کمتر از ۱۰ سال و (۲) جمعیت بالاتر از ۱۰ سال. جمعیت بالاتر از ده سال نیز به دو گروه جمعیت فعال اقتصادی و جمعیت غیر فعال اقتصادی منقسم می‌گردد. جمعیت فعال اقتصادی مرکب از شاغلانی است که در يك نوع فعالیت سرگرم بوده و نیز جمعیت غیر فعال اقتصادی آنهایی هستند که قادر به انجام کار می‌باشند ولی در موقع آمارگیری بدون شغل و در جستجوی کار بوده‌اند.

جمعیت غیر فعال اقتصادی شامل کلیه کسانی می شود که دارای ۱۰ سال سن یا بیشترند و در هیچ گونه فعالیت اقتصادی شرکت ندارند. این طبقه شامل خانه داران (افراد فامیل که در خانه کار می کنند) محصلان، پیران و از کار افتادگان می باشند. جمعیت فعال دربرگیرنده تمام کسانی می شود که در هفته حداقل ۸ ساعت کار عملی انجام داده و در مقابل کاری که انجام می دهند مزد دریافت می دارند<sup>۲۳</sup>.



نمودار شماره (۹)

۲۳ - علی اصغر نظری، جغرافیای جمعیت ایران، آذر ماه ۱۳۶۸، ص ۹۹.

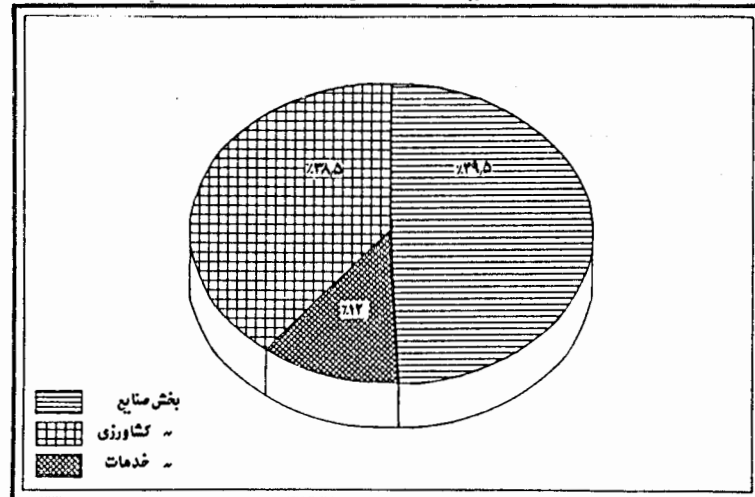
در سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵، از شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر شهرستان فردوس ۸/۴۲ درصد در گروه عمده کشاورزی، دامپروری، شکار، جنگلداری و ماهیگیری، ۲/۲۲ درصد در گروه عمده خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی، ۸/۳ درصد در گروه عمده خرده فروشی، عمده فروشی، رستوران و هتلداری، ۴/۹ درصد در گروه عمده ساختمان و بقیه در سایر گروههای عمده فعالیتهای اقتصادی به کار اشتغال داشته‌اند. این نسبتها در نقاط شهری به ترتیب ۴/۲۴ درصد، ۳۵ درصد، ۵/۶ درصد و ۳/۱۲ درصد و در نقاط روستایی به ترتیب ۷/۵۸ درصد، ۳/۱۱ درصد، ۵/۱ درصد و ۹/۶ درصد بوده است<sup>۲۴</sup>. توزیع نسبی جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر برحسب گروههای عمده شغلی براساس آمار ۱۳۶۵ در جدول شماره ۲۹ آمده است.

جدول ۲۹- توزیع نسبی جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر شهرستان فردوس برحسب گروههای عمده شغلی سال ۱۳۶۵

| غیر ساکن |       | ساکن         |       |           |       | شهرستان فردوس | گروه‌های عمده شغلی                                 |
|----------|-------|--------------|-------|-----------|-------|---------------|----------------------------------------------------|
|          |       | نقاط روستایی |       | نقاط شهری |       |               |                                                    |
|          |       |              |       |           |       |               |                                                    |
| زن       | مرد   | زن           | مرد   | زن        | مرد   |               |                                                    |
| ۰/۰۰     | ۰/۰۰  | ۴/۸۰         | ۳/۴۳  | ۲۷/۰۵     | ۱۳/۱۴ | ۸/۹۴          | کارکنان مشاغل علمی، فنی، تخصصی                     |
| ۰/۰۰     | ۰/۰۰  | ۰/۰۰         | ۰/۰۴  | ۰/۰۰      | ۰/۲۲  | ۰/۱۱          | مدیران و کارمندان عالی‌رتبه اداری                  |
| ۰/۰۰     | ۰/۰۰  | ۰/۰۵         | ۰/۵۰  | ۱/۳۰      | ۵/۲۱  | ۲/۳۸          | کارکنان امور دفتری و اداری                         |
| ۰/۰۰     | ۰/۰۰  | ۰/۱۰         | ۱/۶۲  | ۰/۶۹      | ۶/۷۹  | ۳/۴۷          | کارکنان اموربازرگانی وفروشندگان                    |
| ۰/۰۰     | ۰/۰۰  | ۰/۳۸         | ۱/۲۱  | ۴/۵۲      | ۳/۹۶  | ۲/۴۳          | کارکنان امور خدماتی                                |
|          |       |              |       |           |       |               | کشاورزان، دامداران، جنگلداران، ماهیگیران وشکارچیان |
| ۰/۰۰     | ۷۵/۰۰ | ۱۱/۳۲        | ۶۹/۵۱ | ۲/۹۹      | ۲۷/۸۸ | ۴۲/۷۷         | کارگران مشاغل تولیدی وامور حمل ونقل                |
| ۰/۰۰     | ۲۵/۰۰ | ۸۲/۴         | ۱۶/۵۲ | ۶۱/۵۳     | ۳۲/۸۴ | ۳۲/۵۸         | کارکنان مشاغل طبقه بندی نشده                       |
| ۰/۰۰     | ۰/۰۰  | ۰/۰۵         | ۰/۰۴  | ۰/۰۰      | ۰/۰۶  | ۰/۰۵          | کارکنان مشاغل نامشخص و اظهارنشده                   |
| ۰/۰۰     | ۰/۰۰  | ۰/۹۱         | ۷/۱۳  | ۱/۹۲      | ۹/۹   | ۷/۲۷          |                                                    |

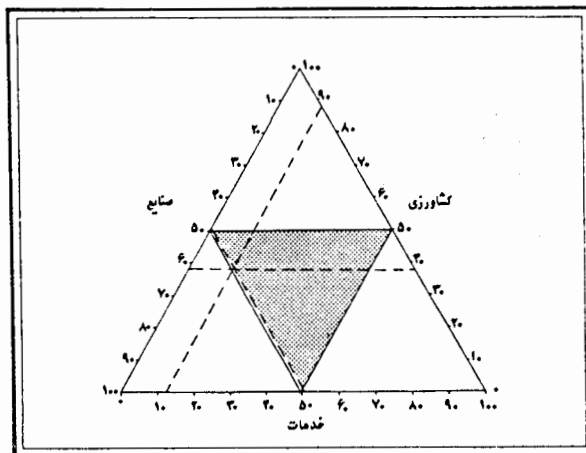
بطور کلی در شهرستان فردوس طبق آمار سال ۱۳۶۵، افراد شاغل ۴۹/۵ درصد در بخش صنایع، ۱۲ درصد در بخش خدمات و ۳۸/۵ درصد در بخش کشاورزی به کار اشتغال داشتند نمودار شماره ۱۰ (دیاگرام سه گوش) درصد افراد شاغل در هر یک از گروههای عمده فعالیت را نشان می دهد.

نمودار درصد افراد شاغل در هر یک از گروههای عمده فعالیت در شهرستان فردوس (۱۳۶۵)



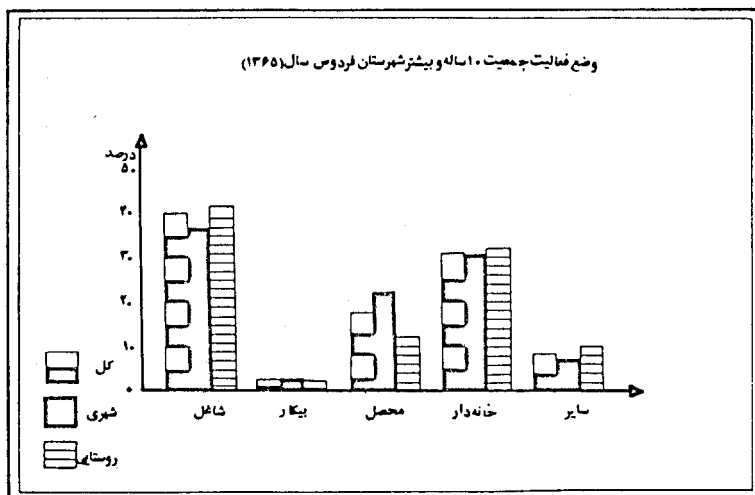
نمودار شماره (۱۰)

دیاگرام سه گوش برای گروههای عمده فعالیت در شهرستان فردوس در سال ۱۳۶۵



### وضعیت شغلی

طبق آمار سال ۱۳۶۵، در شهرستان فردوس از جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر ۷۵/۸ درصد را کارفرمایان، کارکنان مستقل، مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی و کارکنان فامیلی بدون مزد و ۲۰/۷ درصد را مزد و حقوق بگیران بخش عمومی تشکیل می‌داده و ۳/۵ درصد نیز وضع شغلی خود را اظهار نکرده‌اند، این نسبتها برای نقاط شهری به ترتیب ۶۳/۰ درصد، ۳۲/۷ درصد و ۴/۳ درصد و برای نقاط روستایی به ترتیب ۸۶/۸ درصد، ۱۰/۴ درصد و ۲/۸ درصد بوده‌است. بطور کلی در شهرستان فردوس در سال ۱۳۶۵ در حدود ۳۹/۷۹ درصد شاغل بودند و ۲/۷۷ درصد بیکار و محصلان در حدود ۱۷/۶۲ درصد. نمودار شماره (۱۱) وضع فعالیت را در شهرستان فردوس به تفکیک شهری و روستایی نشان می‌دهد.



نمودار شماره (۱۱)

### وضع سواد

شهر فردوس از گذشته‌های دور مرکز علم و دانش بوده است. مردم شهر طبق گفته سیاحان اهل فضل و علم بوده اند. چنان که مثلاً در کتاب روضات الجنات آمده است. «قهستان ولایتی است وسیع با توابع بسیار و منافع بی شمار، و اهل آنجا مردم کافی و با تربیت باشند... و مردم «تون» اکثر به رفض منسوبند. حاصل الامر مردم نیک آن ولایت بغایت نیک اند و بدان ایشان بسیار بد»<sup>۲۵</sup>.

طبق آمار عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵، از کل ۶۰۰۶۵ نفر جمعیت بالای شش ساله شهرستان فردوس ۳۶۱۲۳ نفر (۶۰ درصد) باسواد و ۲۲۹۴۲ نفر (۴۰ درصد) بی سواد بودند. این نسبت در نقاط شهری بیش از نقاط روستایی بوده است و همچنین نسبت با سوادان مرد هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی بیش از زنان بوده است. جدول شماره (۳۰) درصد باسوادان گروههای عمده سنی را به تفکیک نقاط شهری و روستایی شهرستان نشان می دهد.

جدول شماره ۳۰ - درصد باسوادان شهرستان فردوس بر حسب گروههای عمده سنی سال ۱۳۶۵

| گروههای عمده سنی            | شهرستان فردوس | نقاط شهری |       | نقاط روستایی |       |
|-----------------------------|---------------|-----------|-------|--------------|-------|
|                             |               | مرد       | زن    | مرد          | زن    |
| جمعیت ۶ ساله و بیشتر        | ۵۹/۹۹         | ۷۹/۱۱     | ۵۶/۲۶ | ۶۱/۸۳        | ۴۳/۷۷ |
| کودکان (۶-۱۰ ساله)          | ۹۳/۹۴         | ۹۶/۵۷     | ۹۴/۹۹ | ۹۵/۵۹        | ۸۹/۰۳ |
| نوجوانان (۱۱-۱۴ ساله)       | ۹۱/۹۶         | ۹۶/۹۰     | ۹۲/۳۶ | ۹۲/۲۶        | ۸۵/۵۷ |
| جوانان (۱۵-۲۴ ساله)         | ۸۰/۸۲         | ۹۲/۸۴     | ۷۶/۰۵ | ۸۴/۹۸        | ۶۹/۳۲ |
| میانسالان (۲۵-۶۴ ساله)      | ۳۴/۴۳         | ۶۴/۲۶     | ۲۸/۹۷ | ۳۸/۷۴        | ۹/۷۱  |
| بزرگسالان (۶۵ ساله و بیشتر) | ۱۰/۷۲         | ۲۷/۸۱     | ۳/۴۴  | ۱۲/۷۷        | ۱/۷۴  |

۲۵ - معین الدین محمد زمچی اسفرازی، روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات، ص ۳۰۷.

تا سال ۱۳۷۱ در شهرستان فردوس ۳ مدرسه استثنایی، ۶ کودکستان، ۱۴۶ دبستان، ۴۵ مدرسه راهنمایی و ۱۸ دبیرستان وجود داشته است و مجموعاً ۲۳۰۷۷ دانش آموز در این واحدهای آموزشی به تحصیل اشتغال داشته اند در جدول شماره (۳۱) تعداد واحدهای آموزشی شهرستان و تعداد دانش آموزان به تفکیک بخش آورده شده است.<sup>۲۶</sup>

جدول شماره ۳۱- تعداد مدارس و دانش آموزان شهرستان فردوس سال تحصیلی ۷۱-۷۲

| بخش    | مدارس استثنایی |           | کودکستان |           | دبستان |           | مدرسه راهنمایی |           | دبیرستان |           |
|--------|----------------|-----------|----------|-----------|--------|-----------|----------------|-----------|----------|-----------|
|        | تعداد          | دانش آموز | تعداد    | دانش آموز | تعداد  | دانش آموز | تعداد          | دانش آموز | تعداد    | دانش آموز |
| سرایان | ۱              | ۶         | ۱        | ۷۷        | ۳۷     | ۳۵۰۳      | ۱۵             | ۱۶۸۸      | ۶        | ۹۶۹       |
| فردوس  | ۱              | ۸۳        | ۴        | ۲۷۵       | ۵۴     | ۵۶۵۹      | ۱۹             | ۲۹۵۸      | ۸        | ۲۳۲۹      |
| بشرویه | ۱              | ۱۵        | ۱        | ۳۲        | ۵۵     | ۳۳۶۶      | ۱۱             | ۱۳۱۲      | ۴        | ۸۰۵       |
| جمع    | ۳              | ۱۰۴       | ۶        | ۳۸۴       | ۱۴۶    | ۱۲۵۲۸     | ۴۵             | ۵۹۵۸      | ۱۸       | ۴۱۰۳      |

چنان که از جدول فوق استنباط می گردد، از کل دانش آموزان شهرستان ۵۴/۲٪ در مقطع دبستان تحصیل می کنند. اما در دوره راهنمایی تعداد دانش آموزان به ۲۵/۸ درصد کاهش یافته است. در اغلب نقاط روستایی دختران تا کلاس پنجم ابتدایی تحصیل می کنند و نبودن مدرسه راهنمایی مانع ادامه تحصیل آنان می گردد. تعداد دانش آموزان دبیرستانی نسبت به کل دانش آموزان شهرستان ۱۷/۸ درصد است. این کاهش به دلایل مختلف از جمله کمبود دبیرستان در نواحی روستایی، جذب در بازار کار، کمک به نیروی کار خانوار (قالی بافی، کشاورزی) و قید و بندهای سنتی است.

### ۳- جغرافیای مسکن

در شهر فردوس پیش از زلزله، الگوی مسکن از الگوی معیشت محلی تبعیت می کرد. فضای داخلی خانه ها فضایی بود که هر جزء آن به تبع عوامل اقلیمی، اقتصادی و

۲۶- کارشناسی آمار، اداره کل آموزش و پرورش خراسان.

فرهنگی برای منظوری خاص و نقش مؤثر سازمان یافته بود.

مصالح ساختمانی، کلفتی و ضخامت دیوارهای بنا و پوشش اندودی پشت بامها و سطوح جانبی بناها، انتخاب جبهه بنا و یا حتی الامکان دو سمتی بودن اتاقهای مسکونی (رو به قبله و پشت به قبله) متناسب با حرکت خورشید از عواملی بودند که به اقتضای محیط خشک و سوزان تابستانی یا اقلیم سرد و پُر سوز زمستانی منطقه پاسخگوی نیازهای حیاتی به شمار می رفتند، وجود ساختها و فضاهایی چون حیاط، زیرزمین و بادگیر نیز کارآمدی عناصر ساختمانی و شکل معماری را در مقابله با تغییرات و آسیبهای محیط زیست بیشتر می کرده، علاوه بر اینها فضای خانه فضایی فقط مصرفی نبود بلکه به نیازهای تولیدی خانوار نیز پاسخ می داد. صقه یا ایوان برای قالی بافی، انبار و مشابه آنها برای ذخیره فرآورده ها و یا لوازم کشاورزی، طویله و آخور برای نگهداری حیوانات مفید اهلی، آشپزخانه هایی متناسب با مواد سوختی موجود در دسترس جامعه محلی همه از تناسب ساختمان با وضعیت زیستی منطقه حکایت دارد.

به عبارت دیگر ساختمان خانه ها تنها یک چهاردیواری برای زیستن نبود، بلکه عبارت بود از پی افکندن فضایی کارآمد و متناسب از لحاظ زندگی داخلی، و بهنجار و آراسته از لحاظ ارتباط خارجی<sup>۲۷</sup>.

### الف - مسکن شهر فردوس قبل از زلزله شهریور ۱۳۴۷

براساس سرشماری سال ۱۳۴۵، در شهر فردوس ۲۳۴۰ واحد مسکونی وجود داشته است. نوع مصالح به کار رفته در ساختمان خانه ها عموماً خشت خام و گل بوده است. به طوری که از کل واحدهای مسکونی ۲۳۱۰ واحد یا ۹۸/۷ درصد از خشت و گل بوده است و تنها ۲۱ واحد مسکونی یعنی حدود یک درصد از آجر و آهن ساخته شده بوده و هفت واحد از خشت و چوب و یک واحد از آجر و چوب و یک واحد از چوب بنا شده بود<sup>۲۸</sup>.

۲۷ - احمد اشرف، جامعه و اقتصاد در سکونتگاه فردوس، ص ۱۱۱.

۲۸ - سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۴۵، جلد ۱۱۱ شهرستان فردوس، ص ۹۱.

الگوی معیشت و زندگی شهر ایجاب می‌کرد که مساحت خانه‌ها نسبتاً زیاد و هرخانه دارای اتاقهای متعددی باشد. ولی این اتاقها غالباً کوچک و دارای وضع نامناسبی بود.

علاقه به مالکیت واحد مسکونی در شهر فردوس به شدت وجود داشته است. این امر مربوط می‌شده است به الگوی معیشت مردم و وضع اقتصادی آنان و نوع مصالح ساختمانی و ارزانی آن و فن ساختمان سازی. نسبت مالکیت در میان کارکنان مستقل که شامل بازرگانان و کسبه و پیشه‌وران و زارعان نسق دار می‌شد از دیگران بیشتر بوده و به ۸۸/۲ درصد می‌رسیده است. بعد به ترتیب کارفرمایان با ۸۴/۴ درصد مزدبگیران با ۸۱/۲ درصد بوده است. در میان شاغلان کارمندان دولت ۵۸/۶ درصد از همه کمتر مالک واحدهای مسکونی بوده‌اند، کارمندان غیرمالک شامل تمام کارمندان غیر محلی بودند. از تمام خانه‌ها فقط ۳۳۴ خانه اجاره‌ای و ۹۳ خانه مجانی و بلاعوض و ۱۵ خانه موقوفه بوده‌اند.<sup>۲۹</sup>

### ب- آثار و نتایج زلزله در وضعیت مسکن در شهر فردوس

هنگام بحث درباره مسکن و مصالح ساختمانی قبل از سال ۱۳۴۷ گفتیم که حدود ۹۸ درصد واحدهای ساختمانی در شهر فردوس از گل و خشت خام بوده و خانه‌های دیگر فقط نمای آجری داشتند. حتی چند ساختمان متعلق به ژاندارمری و یک ساختمان نیمه تمام بیمارستان (شیر و خورشید) که از آجر و آهن بود نیز در اثر زلزله آسیب دید. مهمترین خسارت وارده بر اهالی فردوس از میان رفتن همه واحدهای مسکونی در شهر بود. این ویرانی به شکلی بود که کار دوباره سازی شهر را در محل کنونی هم از نظر دشواری کار و طول مدت و هم از نظر هزینه با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌کرد.

برای تجدید بنا و نوسازی و انتخاب محل جدید شهر، مطالعات زیادی به عمل آمد و در نهایت تصمیم بر آن شد که شهر در نزدیکی محل قدیم خود بنا شود. کارهای

ساختمانی برای نوسازی فردوس در همان محل، حدود شش ماه پس از وقوع زلزله آغاز گردید. در این میان عده‌ای از مردم که معتقد بودند شهر جدید باید به سمت باغستانها ایجاد شود، محل قدیم فردوس را رها کردند و فعالیت خانه‌سازی و ایجاد آبادی تازه‌ای را در محل مابین بهشت آباد و مقصودآباد<sup>۳۰</sup> آغاز نمودند. این امر سبب شد که شهر فردوس نزدیک به نصف جمعیتش را از دست داد و ضربه بزرگی بر توسعه و گسترش آن وارد آمد.

انواع و تعداد ساختمانهایی که در پایان آخرین مرحله نوسازی (پاییز ۱۳۵۰) در شهر فردوس ساخته شده است در جدول شماره ۳۲ نشان داده شده است.

جدول شماره ۳۲- انواع ساختمانها و مساکن در شهر فردوس بعد از نوسازی در سال ۱۳۵۰

| ساختمانهای دولتی      | تعداد واحد | درصد | سوله‌های دولتی (بخش حاشیه نشینی) | تعداد واحد | درصد |
|-----------------------|------------|------|----------------------------------|------------|------|
| ادارات و مؤسسات عمومی | ۳۸         | ۵/۱  | اتاقهای جمعی در سوله‌های دولتی   | ۲۹۶        | ۵۷/۶ |
| مغازه و دکان          | ۱۲         | ۱/۶  | کلبه‌های گلی                     | ۴۹         | ۹/۵  |
| خانه‌های مسکونی       | ۷۰۱        | ۹۳/۳ | چادر                             | ۹۰         | ۱۷/۵ |
| جمع                   | ۵۷۱        | ۱۰۰  | زاغه‌زیرزمینی                    | ۸۰         | ۱۵/۵ |
|                       |            |      | جمع                              | ۵۱۵        | ۱۰۰  |

جمع کل واحدها پس از نوسازی در شهر فردوس ۱۵۶۴ بوده است که از این تعداد ۲۹۸ واحد را خانه‌های خصوصی تشکیل می‌دادند. جدول شماره ۳۲ نشان می‌دهد که شهر جدید فردوس در واقع از سه بخش متمایز شکل می‌شده که عبارتند از:

- ۱- ساختمانهای دولتی (هسته مرکزی شهر فردوس)
- ۲- خانه‌های خصوصی (بخش پیرامونی شهر)
- ۳- سوله‌های دولتی (اردوگاههای سکونت جمعی) زاغه‌ها و کپرها و چادرها (بخش حاشیه‌نشین)

۳۰- شهر جدید التأسیس اسلامیه.

فردوس پیش از زلزله، دارای حدود ۲۳۵۰ واحد مسکونی بود. ولی سه سال پس از زلزله مجریان نوسازی فقط حدود ۷۰۰ خانه در اختیار مردم قرار دادند، بنابراین بخشی از ساکنان بازمانده شهر که استطاعتی داشتند، با استفاده از اعتبارات دولتی، خانه‌هایی برای خود ساختند و بقیه خانوارها یا افراد بی‌خانمان نیز به اردوگاه‌های سکونت جمعی (هراتاق چند نفر و غالباً ناخوشاوند) کشیده شدند و یا به زاغه‌ها و کپرها و کلبه‌هایی که خود با امکانات ناچیزی می‌توانستند برپا کنند پناه بردند.

بنابراین نخستین نتیجه نوسازی ایجاد گسیختگی کامل دریافت شهری و سیمای خارجی شهر بوده است. هسته مرکزی شهر از بازمانده عناصر قدیمی آن (مسجد جامع و چند بنای مذهبی و آب انبار و...) کاملاً جدا شده است. و تنها قسمتی از شهر که با عناصر قدیم فضای اجتماعی و فرهنگی شهر رابطه نسبتاً نزدیک و منسجم دارد، همانا بخش خانه‌های خصوصی است که خود مردم بنا کرده‌اند. از سوی دیگر بخشهای سه‌گانه شهر جدید فردوس نیز نسبت بهم از همبستگی و یکپارچگی شهری برخوردار نبوده‌اند. بخش خانه‌های خصوصی را قسمتی از ساکنان شهر که دارای استطاعت کافی بوده و توانسته‌اند از اعتبارات دولتی استفاده کنند به تناسب ذوق و سلیقه خود و با توجه به شرایط زندگی محلی بنا کرده‌اند، در بخش مرکزی، دولت خانه‌هایی یکسان و یک شکل با ساخت و بافتی کاملاً متمایز از شرایط محلی و اقلیمی ایجاد کرده و در اختیار کارمندان، بخشی از تجار و بازرگانان، کسبه و خرده مالکان قرار داده است، و بالاخره در بخشهای حاشیه‌ای سیمای خارجی شهر پوشیده از اردوگاه‌های سکونت جمعی، چادرها، کپرها، زاغه‌ها و کلبه‌های گلی و تخته‌پاره‌ای مربوط به مردمان فقیر و درمانده یا پیرزان و اشخاص بی‌خانمان است که از زلزله فقط جان سالم بدر برده‌اند.

واحدهای مسکونی معمولی شهرستان فردوس در سال ۱۳۶۵ جمعاً ۲۴۸۵۷ واحد بوده است که از این تعداد ۱۶۳۴۱ واحد یا ۶۶ درصد مربوط به نقاط شهری و ۸۵۱۶ واحد یا ۳۴ درصد مربوط به نقاط روستایی است.<sup>۳۱</sup> مسکن مورد نیاز شهر فردوس طی برنامه پنج ساله و ده ساله طرح هادی پیش‌بینی شده است که در بخش طرح هادی فردوس مورد بررسی قرار گرفت.

۳۱- نتایج آمار نفوس و مسکن شهرستان فردوس سال ۱۳۶۵، ص ۱۵۹.

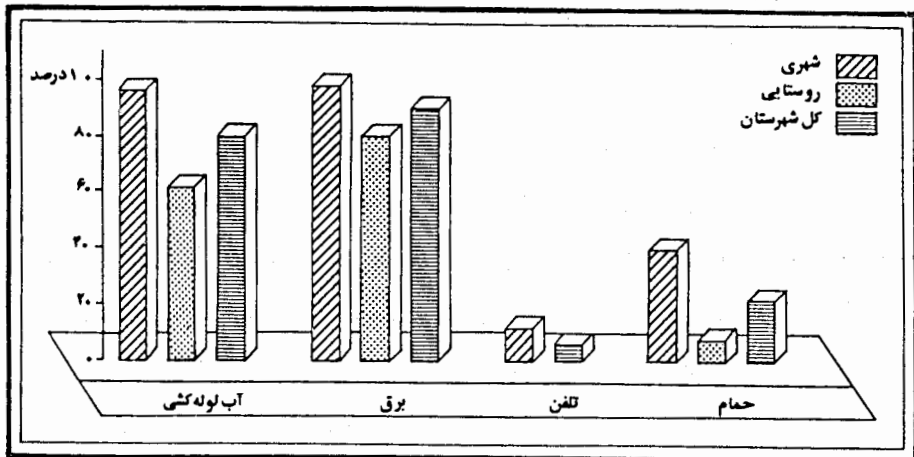
### ج- بررسی وضعیت مالکیت مساکن و تسهیلات خانوار

در سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵، در شهرستان فردوس ۸۴/۴ درصد از خانوارهای معمولی ساکن، مالک عرصه و اعیان، ۱/۶ درصد مالک اعیانی محل سکونت خود و ۷/۸ درصد اجاره‌نشین بوده‌اند.<sup>۳۲</sup>

این نسبتها در نقاط شهری و روستایی کمی تغییر می‌کند. بطور کلی نسبت مالکیت در نقاط روستایی بیش از نقاط شهری است. و اماکن اجاره‌ای نقاط شهری بیش از نقاط روستایی می‌باشد.

از ۱۷۳۹۴ خانوار ساکن در شهرستان فردوس در سال ۱۳۶۵ در حدود ۸۸/۸ درصد از برق و ۷۹/۹ درصد از آب لوله‌کشی و ۲۳/۸ درصد از حمام در محل سکونت خود استفاده می‌کردند. چنان‌که نمودار (۱۲) نشان می‌دهد تسهیلات زندگی در نقاط شهری بیش از نقاط روستایی می‌باشد.

درصد خانوارهای استفاده‌کننده از برخی تسهیلات در شهرستان فردوس سال ۱۳۶۵



نمودار شماره (۱۲)

رایج‌ترین سوخت مصرفی برای پخت و پز در نقاط شهری شهرستان فردوس گاز است.

طبق آمار سال ۱۳۶۵، ۱/۷ درصد از خانوارهای شهری از گاز استفاده می‌کردند، ولی در نقاط روستایی بیشتر از نفت سفید استفاده می‌شده است. بطوری که در بین ۸۹۵۴ خانوار معمولی ساکن در نقاط روستایی ۷/۶۰ درصد نفت سفید را برای پخت و پز به کار می‌بردند. در این شهرستان سوخت عمده برای ایجاد گرما هم در بین خانوارهای شهری (۵/۹۰ درصد) و هم در بین خانوارهای روستایی (۹/۶۷ درصد) نفت سفید بوده است. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۴۵ در شهرستان فردوس تنها ۱/۴ درصد از خانوارها برای پخت و پز و تولید گرما از نفت و ۷/۸۹ درصد از نفت و هیزم یا نفت و زغال استفاده می‌کردند. در نقاط شهری این نسبت به ترتیب عبارت بود از: نفت تنها ۸/۶ درصد و نفت توأم با زغال ۱/۹۲ درصد<sup>۳۳</sup> بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در گذشته جنگلها و بوته‌زارهای فراوانی در ناحیه وجود داشته و توسط آنها سوخت مورد نیاز تأمین می‌گردید. این امر باعث تخریب و از بین رفتن جنگلها و پوشش گیاهی منطقه گشته است.

#### ۴ - جغرافیای روستایی

##### پراکندگی روستا

شهرستان فردوس دارای ۲۵۶ آبادی است. این آبادیها در بخشهای سه گانه به این ترتیب توزیع شده است: در بخش بشرویه ۱۲۱ آبادی، بخش مرکزی ۴۳ آبادی و بخش سرایان ۹۲ آبادی<sup>۳۴</sup>. با وجود این که در بخش بشرویه تعداد آبادیها بیشتر است اما جمعیت آن کمتر از دو بخش دیگر است. بطوری که طبق آمار سرشماری سال ۱۳۶۵ در بخش بشرویه تنها ۱۶ آبادی جمعیت بیش از ۱۰۰ نفر داشته‌اند و بقیه آبادیها یعنی ۷/۸۶ درصد روستاها زیر ۱۰۰ نفر جمعیت دارند.

در بخش سرایان از ۹۲ آبادی ۲۲ آبادی جمعیتی بیش از ۱۰۰ نفر را دارند و ۷۶ درصد آبادیها جمعیت زیر ۱۰۰ نفر دارند. اما در بخش مرکزی به دلیل نفوذ

۳۳ - سرشماری عمومی نفوس و معکن، آبان ماه ۱۳۴۵، شهرستان فردوس، صفحه (س).

۳۴ - فردوس در آیین آمار، سال ۶۹.

شهر فردوس و وجود آب و هوای خوب، آبادیهای پرجمعیت بیشتر است. در این بخش از ۴۳ آبادی ۲۱ آبادی بیش از ۱۰۰ نفر جمعیت دارند. غالب آبادیهایی که کمتر از ۱۰۰ نفر جمعیت دارند در مناطقی قرار گرفته‌اند که یگانه وسیله برای آبیاری احداث قناتهای کوچک و کم طول است. برعکس غالب نقاطی که دارای جمعیتی بیشتر از ۱۰۰ نفر است در حوضه‌های آبگیر و وسیعتری که مناسب با احداث قناتهای بزرگ و متعدد بوده است قرار دارند، و غالباً میزان جمعیت نقاط با وسعت حوضه آبگیر و ارتفاع آن و امکان ایجاد قناتهای بزرگ، دارای همبستگی مستقیم است.

ریخت‌شناسی آبادیها و نقاط مسکونی در منطقه نیز تحت تأثیر شیوه بهره‌برداری از قناتها قرار داشته است. غالب آبادیهایی که از قنات یا چشمه استفاده می‌برند دارای گسترش خطی در مسیر قنات و چشمه بوده‌اند، ولی نقاطی که در ارتفاع مناسب و در حوضه وسیع آبگیر قنات قرار داشته و از چندین رشته قنات آبیاری می‌شده‌اند و جمعیت بیشتری را در خود مکان داده‌اند، توسعه شعاعی پیدا کرده‌اند. کم‌آبی در شهرستان فردوس سبب شده است که حدود ۷۸ درصد مناطق مسکونی دارای جمعیتی کمتر از ۱۰۰ نفر باشد. براساس اطلاعات آماری سال ۱۳۶۵ در مورد مساحت و جمعیت و تعداد آبادیهای دارای سکنه و وضعیت راههای ارتباطی شهرستان فردوس به تفکیک بخش و دهستان در جدول شماره ۳۳ جمع‌آوری شده است.

چنان‌که از جدول شماره (۳۳) پیداست، بخش سرایان از نظر مساحت و جمعیت بیشتر از دو بخش دیگر شهرستان است. ولی بخش بشرویه از نظر تعداد آبادیها مقام اول را در شهرستان دارد. در حدود ۴۷ درصد کل آبادیهای دارای سکنه شهرستان فردوس در بخش بشرویه قرار دارند، سپس بخش سرایان اهمیت دارد. بطوری‌که ۳۶ درصد آبادیهای دارای سکنه در این بخش واقع هستند و تنها ۱۷ درصد آبادیها در بخش مرکزی واقعند.

قسمت اعظم جمعیت هر دهستان در مرکز دهستان متمرکز شده است. چنان‌که از جدول شماره (۳۳) پیداست. در بخش مرکزی ۵/۳۴ درصد جمعیت فقط در سه مرکز دهستان تجمع یافته‌اند. در بخش بشرویه با وجود ۱۲۱ آبادی دارای سکنه ۴/۴۵ درصد

جدول ۳۳- اطلاعات آماری دهستانهای فردوس براساس آمار سال ۱۳۶۵

| بخشهای فردوس                    |         |      |        | بخش مرکزی |      |      |          | بخش بشرویه |      |         |       | بخش سرایان |  |  |  |
|---------------------------------|---------|------|--------|-----------|------|------|----------|------------|------|---------|-------|------------|--|--|--|
| دهستانهای فردوس                 | باغستان | برون | خانکوک | جمع       | ارسک | رقه  | علی جمال | جمع        | آیسک | سه قلعه | مصعبی | ۳          |  |  |  |
| مساحت (کیلومتر مربع)            | ۳۶۷     | ۷۶۱  | ۳۷۵۵   | ۴۸۸۳      | ۱۴۴۲ | ۶۱۲  | ۵۷۹۶     | ۷۸۵۰       | ۱۳۹۵ | ۷۴۵۳    | ۲۸۴   | ۲          |  |  |  |
| جمعیت                           | ۵۸۷۹    | ۴۰۶۸ | ۱۹۱۳   | ۱۱۸۶۰     | ۳۲۷۲ | ۳۱۹۸ | ۲۶۲۶     | ۹۰۹۶       | ۸۲۲۷ | ۴۷۹۰    | ۴۰۲۴  | ۱          |  |  |  |
| تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع  | ۱۶      | ۵/۳  | ۰/۵    | ۷/۲       | ۲/۳  | ۵/۲  | ۰/۵      | ۲/۶        | ۵/۹  | ۰/۶     | ۱۴/۲  | ۱۱         |  |  |  |
| تعداد آبادیهای دارای سکنه       | ۱۱      | ۲۰   | ۱۲     | ۴۳        | ۲۲   | ۳۷   | ۶۲       | ۱۲۱        | ۴۳   | ۳۵      | ۱۴    | ۲          |  |  |  |
| جمعیت مرکز دهستان               | ۱۹۶۱    | ۱۲۶۲ | ۸۷۴    | ۴۰۹۷      | ۲۶۸۱ | ۱۰۹۸ | ۳۵۴      | ۴۱۳۳       | ۳۶۹۵ | ۲۹۸۷    | ۹۶۸   | ۵۰         |  |  |  |
| فاصله مرکز دهستان تا فردوس      |         |      |        |           |      |      |          |            |      |         |       |            |  |  |  |
| به کیلومتر                      | ۱۵      | ۲۴   | ۶      | -         | ۱۰۱  | ۱۰۲  | ۹۸       | -          | ۲۵   | ۶۱      | ۴۳    |            |  |  |  |
| طول کل راههای ارتباطی (کیلومتر) | ۲۰۳     | ۳۳۲  | ۵۸۷    | ۱۱۲۲      | ۳۰۹  | ۳۱۴  | ۶۲۶      | ۱۲۴۹       | ۴۹۱  | ۴۶۴     | ۱۱۹   | ۴          |  |  |  |
| طول راههای شوسه و آسفالت        | ۴۸      | ۲۷   | ۹۷     | ۱۷۲       | ۷۵   | -    | ۶۷       | ۱۴۲        | ۶۲   | -       | -     | ۲          |  |  |  |
| طول راههای شنی و خاکی           | ۱۳۴     | ۲۴۷  | ۲۳۵    | ۶۱۶       | ۱۰۴  | ۱۵۶  | ۲۱۵      | ۴۷۵        | ۱۹۰  | ۲۰۶     | ۸۳    | ۹          |  |  |  |
| راههای تراکتور و مالرو          | ۲۱      | ۵۸   | ۲۵۵    | ۳۳۴       | ۱۳۰  | ۱۵۸  | ۳۴۴      | ۶۳۲        | ۲۳۹  | ۲۵۸     | ۳۶    | ۳          |  |  |  |

کل جمعیت روستایی در مراکز دهستانها تمرکز یافته‌اند. در بخش سرایان نیز چنین است. اگر چه ۹۲ آبادی دارد ولی ۴۴/۹ درصد کل جمعیت روستایی آن در مراکز دهستانها قرار دارند و ۵۵/۱ درصد بقیه جمعیت در ۸۹ آبادی این بخش پراکنده هستند.

### راههای ارتباطی شهرستان فردوس

با توجه به آمار جدول (۳۳) طول کل راههای ارتباطی در شهرستان فردوس ۳۴۴۵ کیلومتر است. راههای ارتباطی در بخش مرکزی نسبت به دوی بخش دیگر توسعه بیشتری پیدا کرده است. هر چند که خود بخش مرکزی نیاز به توسعه دارد تا به حد سرانه معمولی شهرهای ایران برسد. در این بخش اکثر راههای ارتباطی شنی و خاکی هستند یعنی ۵۴/۹ درصد از کل راههای ارتباطی از این نوع هستند و تنها ۱۵/۳ درصد از راهها

شوسه و اسفالت هستند و بقیه راههای تراکتوری و مالرو. دربخش بشرویه مقدار راههای اسفالتی و شوسه کمتر از بخش مرکزی است و  $11/4$  درصد را تشکیل می‌دهد و اکثر راههای بشرویه از نوع تراکتوری و مالرو هستند یعنی قریب به  $50$  درصد و بقیه راهها شنی و خاکی هستند. دربخش سرایان نیز تقریباً چنین وضعی است. باتوجه به این که دراین بخش مقدار راههای شوسه و اسفالتی بازهم کمتر شده و تنها  $5/8$  درصد را تشکیل می‌دهد، و بقیه راهها تقریباً از نوع خاکی و شنی و مالرو هستند.

### شیوه آبیاری و قنوات فردوس

در شهرستان فردوس کشاورزان به سه دسته مالک، زارع و مستأجر تقسیم می‌شدند. سهم مالک و زارع درنواحی مختلف فرق می‌کند و بستگی به قرارداد فی مابین دارد. پنج عامل مؤثر در کشاورزی عبارت است از: آب و زمین و بذر و گاو و کارگر. معمولاً چهار قسمت آن یعنی آب و زمین و بذر و گاو متعلق به مالک است. فقط زارع زمین را آبیاری می‌کند و یک دهم محصول سهم او می‌شود. اگر گاو یا یکی از این عوامل متعلق به زارع باشد، سهم زارع و مالک تفاوت می‌کند و مخارج به عهده مالک است. زمینهای زراعتی را «کشان» می‌گویند و هرکشمانی از آب قناتی مشروب می‌شود. مقادیری نیز بوسیله موتورهای چاه عمیق و نیمه عمیق آبیاری می‌شود. یک نوع روش آبیاری قدیمی در بعضی از روستاها معمول است که بیشتر برای آبیاری زمینهای کوچک است، دراین شیوه از گاو استفاده می‌شود، بدین ترتیب که کنار چاه آب یک راه سرایشیب به نام «پای آب» درست می‌کنند، بالا و جلو چاه دو چرخ مستقر می‌شود و دلولی به وسیله دو ریسمان به گردن گاو وصل است، با آمدن گاو به سرایشیبی آب از چاه به سطح زمین می‌آید و در استخری ذخیره می‌شود، به محض پرشدن استخر آب آنرا به داخل کشتزار می‌برند. استفاده از این روش اکنون خیلی کم شده است. مهمترین قنوات فردوس عبارتند از:

۱- آب بلده: مهمترین قنات فردوس قنات بلده است<sup>۳۶</sup>. این قنات شامل ۱۴

۳۶- علی رضا میداندار، اقتصاد کشاورزی اسلامی، سال ۱۳۶۹، ص ۱۴۶.

قنات ۲ چشمه می‌باشد که از زمانهای گذشته در دل کوههای شمالی فردوس حفر گردیده و از قدیم آب کشاورزی و حتی آب شرب منطقه را تأمین می‌کرده است. این آب متعلق به مردم فردوس، اسلامیه و باغستان است. البته قبل از احداث موتورهای آب و چاههای عمیق حدود ۶ قنات کمکی نیز در آبیاری زمینهای زراعتی فردوس سهم داشته‌اند، که از این ۶ قنات تنها ۲ رشته آن باقی مانده است. ولی آب بلده همچنان خروشان از دامنه کوهها سرازیر می‌شود. مقدار آب آن بستگی به مقدار بارندگی مخصوصاً بارش برف دارد. دبی این آب در سالهای خشک به حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ لیتر و در سالهای پر بارش تا حدود ۱۳۰۰ لیتر در ثانیه می‌رسد، که متوسط آن ۸۰۰ لیتر می‌شود.

این آب از طریق دونهر به پایین هدایت می‌شود. این نهرها خاکی و ساخته دست انسان است. و از قدیم الایام از همین نهرها به صورت فعلی از آنها استفاده می‌شده و در نتیجه مقدار زیادی آب به هدر می‌رود، که با توجه به کمبود آب در منطقه ضرر جبران ناپذیری به منطقه وارد می‌آید. البته برای هدر رفتن کمتر آب از قدیم در مسیرهای شنی این آب را گل‌آلود می‌کرده‌اند تا هم نفوذ آب را کاهش دهند و هم این که آب دارای سرعتی بیشتر شود و زودتر به پایین دشت برسد.

کل آب بلده ۱۶ شبانه‌روزی یا ۳۲ طاقه<sup>۳۷</sup> است و هر شبانه‌روز به ۴۵۰ فنجان<sup>۳۸</sup> تقسیم شده و کل آب دونهر ۷۲۰۰ فنجان می‌شود.

۲ - قنات سعدآباد: قنات سعدآباد طولانی‌ترین قنات فردوس است. طول آن از مبدأ تا مظهر قنات تقریباً ۱۸ کیلومتر و اولین چاه آن در دامنه کنگره کوه حفر شده است.

۳۷ - شاه عباس هفت طاقه و ۳۲ فنجان آب که جمعاً ۲۰۵۷ فنجان باشد وقف سادات و علماء و صلحاء و فقراء فردوس کرد مشروط بر آنکه در شهرتون سکونت داشته باشند و قید نمود که اگر احدی از حوزه خارج شود متولی موقوفه سهم او را بگیرد و به دیگری واگذار نماید.

به نقل از جغرافیای تاریخی و محلی فردوس، رساله تحصیلی لطف‌الله یزدانی، سال ۱۳۵۰.

۳۸ - اگر سه لیتر آب در ثانیه مقدار ۱۰۰۰ متر مربع زمین دوشیاره را در مدت ۲۴ ساعت مشروب کند يك زوج نامیده می‌شود. يك فنجان آب بلده برابر  $\frac{40 \times 3}{450}$  یا مساوی ۰/۲۶۶ لیتر در ثانیه است.

عمق این چاهها به ۷۰ متر می‌رسد. فواصل چاهها از یکدیگر در مبدأ نزدیک به ۶۰ متر و در نزدیکیهای مظهر قنات در حدود ۲۰ متر است. مدار آن ۱۲ شبانه‌روز و هر شبانه‌روز ۴۵۰ فنجان و کل آب آن ۵۴۰۰ فنجان است. هر ۳۰ فنجان آب سعدآباد يك جریب زمین شیار شده را که معادل ۱۶۰۰ متر مربع است مشروب می‌کند. سایر قناتهای مهم دیگر عبارتند از: محمدآباد، خداوندی، شادکی، نوقاب و علی‌آباد، که آب برخی از آنها بسیار کم یا بکلی خشک شده‌است.

## بخش سوم

### جغرافیای اقتصادی

#### کشاورزی

اساس تولید اقتصادی در شهرستان فردوس مبتنی بر زراعت و باغداری و قالی‌بافی است. دامداری در تولید سهم کوچکی دارد.

از گذشته‌های بسیار دور مردم قهستان یا خراسان جنوبی در طول چند هزار سال با توسل به آبیاری مصنوعی و احداث قنات‌ها، و بندسارها مناطق متعدد و پراکنده‌ای را که برای کشت مناسب بوده است، آباد کرده‌اند. بنابراین به علت خشکی هوا بیشتر تولیدات کشاورزی از طریق کشت آبی است و کاشت دیم سهم اندکی در تولید دارد. هم‌اکنون نیز مهمترین منبع تأمین کننده آب کشاورزی شهرستان قنات و چشمه‌هاست. اما آبیاری در فردوس هنوز به صورت سنتی یعنی غرقابی و جوی و پشته است، و آب در نه‌های خاکی و بدون پوشش جریان می‌یابد و روش‌های آن بر اصول صحیح علمی استوار نیست. منابع آب کشاورزی شهرستان فردوس در سال ۱۳۶۸ براساس جدول شماره (۳۴) شامل ۷۶ حلقه چاه و ۱۳۳ رشته قنات و ۷ چشمه بوده است، که مجموعاً ۶۰۲۲۷۰۰۰ متر مکعب آبدهی سالانه داشته‌اند.

مساحت کل اراضی شهرستان ۲۲۰۰۰۰۰ هکتار است که ۵۳ درصد اراضی بیابانی و ۲۲/۷ درصد اراضی مرتعی است. چنان که جدول شماره (۳۵) نشان می‌دهد

جدول شماره ۳۴- منابع آب کشاورزی شهرستان فردوس سال ۱۳۶۸\*.

| منابع آبی | تعداد | آبدهی سالانه مترمکعب |
|-----------|-------|----------------------|
| چاه       | ۷۶    | ۲۵۰۶۴۰۰۰             |
| قنات      | ۱۳۳   | ۳۲۹۲۴۰۰۰             |
| چشمه      | ۷     | ۲۲۳۹۰۰۰              |

تنها ۲/۷ درصد اراضی زراعی هستند. از کل ۶۰۰۰۰ هکتار اراضی زراعی تقریباً نیمی به صورت آیش است. بطوری که آمار کشاورزی\*\* سال زراعی ۶۸-۶۹ نشان می دهد. مقدار ۳۶۰۷۵ هکتار از اراضی شهرستان زیرکشت و ۲۷۷۵۲ هکتار آیش بوده است. از کل اراضی زیرکشت در حدود ۵/۲۸۷۰۶ هکتار آبی و ۵/۷۳۶۸ هکتار به صورت دیم کاشت می شده است و به عبارتی ۷۵٪ اراضی آبی و ۲۵٪ دیم است.

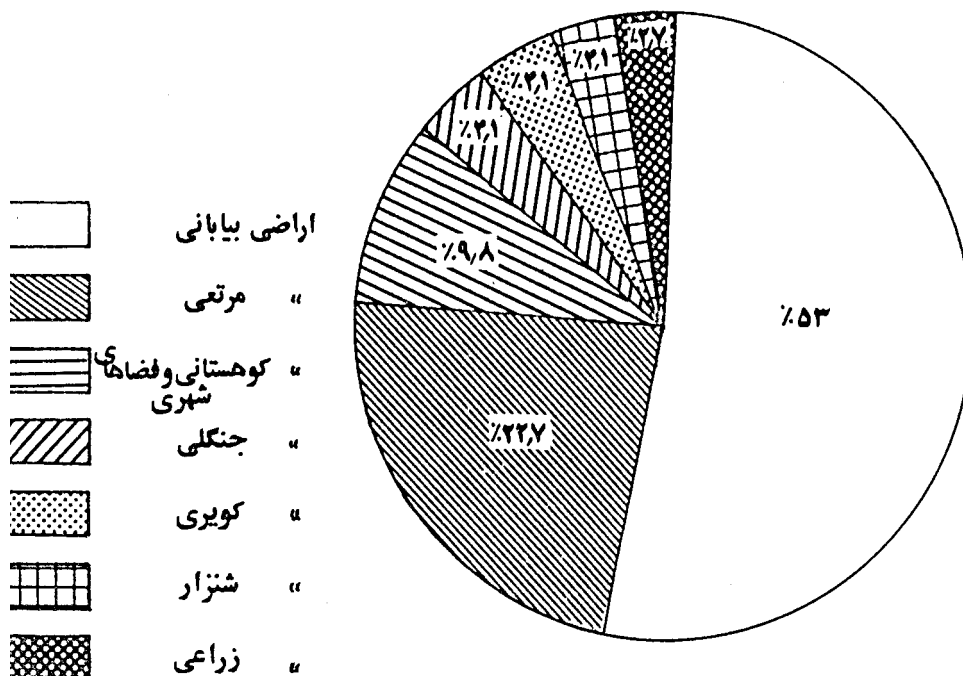
جدول شماره ۳۵- مقدار اراضی شهرستان فردوس بر حسب نوع آن ۱۳۶۷

| مساحت اراضی |      | نوع اراضی                    |
|-------------|------|------------------------------|
| هکتار       | درصد |                              |
| ۱۱۶۵۰۰۰     | ۵۳   | اراضی بیابانی                |
| ۵۰۰۰۰       | ۲۲/۷ | اراضی مرتعی                  |
| ۲۱۵۰۰۰      | ۹/۸  | اراضی کوهستانی و فضاهاى شهری |
| ۹۰۰۰۰       | ۴/۱  | اراضی جنگلی (غالباً مصنوعی)  |
| ۹۰۰۰۰       | ۴/۱  | اراضی کویری                  |
| ۸۰۰۰۰       | ۳/۶  | اراضی شتزار                  |
| ۶۰۰۰۰       | ۲/۷  | اراضی زراعی                  |
| ۲۲۰۰۰۰۰     | ۱۰۰  | مساحت کل اراضی شهرستان       |

\*- گزارش کشاورزی استان خراسان، فروردین ۶۸.

\*\*- اداره کشاورزی استان خراسان، شهرستان فردوس.

### نمودار دایره‌ای درصد و مقدار اراضی شهرستان فردوس بر حسب نوع آن (در سال ۱۳۶۷)



نمودار شماره (۱۳)

### محصولات کشاورزی

مهمترین محصول کشاورزی فردوس گندم و جو است و بعد از آن پنبه و زعفران که هر ساله مقدار زیادی به خارج صادر می‌گردد. کشت چغندر قند و چغندر معمولی نیز مرسوم است. علاوه بر این پیاز و سیب زمینی و نخود و لوبیا و انواع سبزیجات و صیفی‌جات نیز در فردوس کشت می‌گردد. در گذشته کشت تنباکو و خشخاش و مرکبات نیز اهمیت داشته است. چنان که در

مرآت البلدان آمده است:

«ترياك و ابريشم و تنباکوی تون در صفحات خراسان معروف است...»<sup>۱</sup> و نیز در سفرنامه خراسان و کرمان راجع به کشت تنباکوی فردوس آمده است:

«تنباکوی خوب در تون به عمل می آید که از تنباکوی طبس و کاشان بهتر است.»<sup>۲</sup> و «در گذشته توتون و ترياك زياد بوده است و جنبه صادراتی داشته است.»<sup>۳</sup>

راجع به میزان صادرات غلات و ترياك فردوس در کتاب جغرافیای نظامی خراسان جنوبی چنین آمده است:

«جلگه فردوس در هر سال بالغ بر ۳۵۰۰ خروار غلات اضافه محصول دارد. ترياك در عرض سال در حدود ۷۵۰۰ کیلو به علاوه محصول خشکبار که صادراتی داشته و مطابق اصول جدید خشک و باربندی و به خارج حمل می شود...»<sup>۴</sup>

محصولات مهم کشاورزی شهرستان فردوس در سال ۱۳۶۶ از نظر مقدار تولید به ترتیب عبارت بوده است از: غلات، محصولات جالیزی، زراعتهای صنعتی و علوفه و مجموعاً ۱۲۲۹۲۴ تن محصول تولید گردیده است. مجموع سطح زیرکشت این محصولات بالغ بر ۳۰۰۵۲ هکتار بوده است. از نظر سطح زیرکشت، غلات بیشترین مقدار را شامل می شود. به عبارتی در حدود ۵۷ درصد زمینها به کشت غلات اختصاص دارد. در درجه دوم زراعتهای صنعتی است که در حدود ۲۸ درصد زمینهای کشاورزی را شامل می گردد. سطح زیرکشت محصولات عمده شهرستان و مقدار تولید آنها در جدول شماره (۳۶) آمده است. به علاوه جهت مقایسه مقدار تولید و نسبت زیرکشت محصولات نمودار دایره ای (شماره ۱۴) رسم گردیده است.

۱ - مرآت البلدان، جلد ۱، ص ۵۸۷.

۲ - سفرنامه خراسان و کرمان، ص ۱۴۶.

۳ - شرح سفری به ایالت خراسان، جلد اول، ص ۱۴۰.

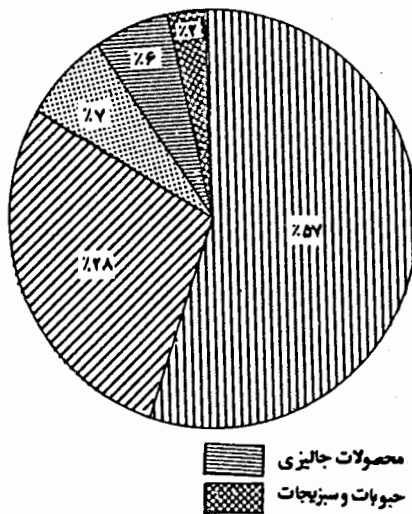
۴ - علی رزم آرا، جغرافیای نظامی خراسان جنوبی، سال ۱۳۳۵، صفحه ۱۰۵.

جدول شماره ۳۶- سطح زیر کشت و میزان تولید محصولات کشاورزی شهرستان فردوس در سال ۶۶

| نام محصول           | غلات  | زراعت‌های صنعتی | علوفه | حیوانات و سبزیجات | محصولات جالیزی | جمع کل |
|---------------------|-------|-----------------|-------|-------------------|----------------|--------|
| سطح زیر کشت (هکتار) | ۱۷۱۲۰ | ۸۳۵۵            | ۲۰۶۰  | ۶۵۱               | ۱۸۶۶           | ۳۰۰۵۲  |
| میزان تولید (تن)    | ۴۹۴۰۹ | ۲۳۸۲۰           | ۲۳۲۸۰ | ۲۴۵۵              | ۲۳۹۶۰          | ۱۲۲۹۲۴ |

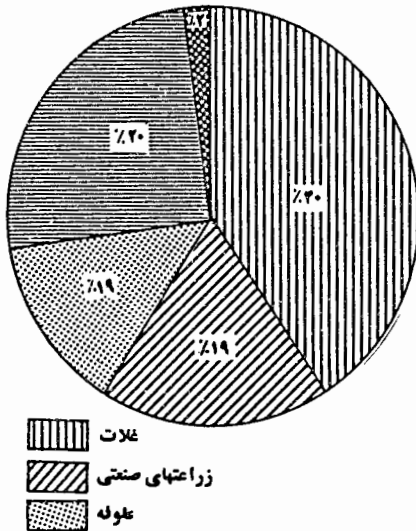
درصد سطح زیر کشت زراعت‌های سالانه شهرستان

فردوس (در سال ۱۳۶۶)



درصد میزان تولید زراعت‌های سالانه شهرستان

فردوس (در سال ۱۳۶۶)



نمودار شماره (۱۴)

در سال زراعی ۶۹-۶۸ سطح زیر کشت محصولات کشاورزی شهرستان نسبت به سال ۶۶ افزایش یافته و به مقدار ۳۵۷۷۶/۵ هکتار رسیده است این افزایش بیشتر شامل کشت غلات بوده است. در مقایسه با سال ۶۶ سطح زیر کشت زراعت‌های صنعتی مثل پنبه و چغندر قند که به آب زیاد نیاز دارد، کاهش یافته است.

### بررسی سطح زیر کشت در بخشهای شهرستان

در شهرستان فردوس در هر سه بخش مرکزی و بشرویه و سرایان کشاورزی رایج است. طبق آمار اداره کشاورزی خراسان در سال زراعی ۶۹-۶۸، در ۱۲۲ آبادی بخش بشرویه مجموعاً ۹۹۳۷ هکتار از اراضی کشت شده و مهمترین محصول گندم و جو بوده است که بالغ بر ۶۸٪ از کل اراضی کشاورزی را شامل می شده است. در این بخش به علت خشکی هوا و کمی نزولات جوی کشت غلات دیم وجود ندارد و کلیه کشتها از طریق آبیاری میسر است. در درجه دوم کشت پنبه اهمیت می یابد و در حدود ۲۷۹۱ هکتار یا ۲۸ درصد از زمینهای کشاورزی را شامل می گردد. سایر محصولات یعنی دانه های روغنی، نباتات علوفه ای و محصولات جالیزی رقم ناچیزی را تشکیل می دهند و در ۳۶۰ هکتار زمین باقیمانده این بخش کشت می شوند.

در بخش مرکزی، کشاورزی در سه دهستان باغستان، خانکوک و برون و حومه فردوس و اسلامیه یعنی مجموعاً در ۳۴ آبادی فعالیت کشاورزی انجام می گیرد. در این بخش نیز غلبه با غلات است. ۶۲۶۲ هکتار از اراضی کشاورزی این بخش به کشت گندم و جو اختصاص دارد، زمینهای گندم در حدود ۵۱۳۳ هکتار و به دو صورت آبی و دیم است. آبی ۳۶ درصد و دیم ۶۴ درصد را شامل می شود. البته کشت جو تنها از طریق آبی امکان پذیر است. بنابراین در بخش مرکزی به علت وجود کوهپایه های شمال غرب این شهرستان و نزولات جوی امکان کشت دیم بیشتر از سایر بخشهای موجود است. کشت زراعت های صنعتی در بخش مرکزی کمتر از بشرویه است، ولی کشت علوفه و محصولات جالیزی بیشتر است. کشت محصولات جالیزی به دو صورت آبی و دیم رایج است. و مجموعاً ۳۰۹ هکتار از اراضی این بخش به این کشت اختصاص یافته است. در حدود ۲۰ درصد زمینها از طریق آبی و ۸۰ درصد به صورت دیم محصول می دهند.

در بخش سرایان، در سه دهستان مصعبی، آیسک و سه قلعه و حومه سرایان و مجموعاً در ۳۶ آبادی فعالیت کشاورزی وجود دارد. ۱۸۴۲۹/۵ هکتار از کل اراضی

کشاورزی این بخش به کشت محصولات غلات (۶۷ درصد زمینها) اختصاص یافته است. زراعتهای صنعتی ۲۴/۵ درصد، محصولات جالیزی ۳/۴ درصد و علوفه و حبوبات مجموعاً ۳ درصد از زمینهای کشاورزی این بخش را اشغال کرده‌اند. در بخش سرایان نیز کشت غلات به دو صورت آبی و دیم امکان‌پذیر است. از ۶۹۰۷ هکتار اراضی گندمی این بخش در ۷۳/۸ درصد گندم آبی و ۲۶/۲ درصد دیم به عمل می‌آید و از ۲۹۸۱ هکتار اراضی زیر کشت جو ۸۵ درصد به صورت آبی و ۱۵ درصد دیمی هستند.

بعد از غلات کشت زراعتهای صنعتی بخصوص پنبه اهمیت می‌یابد. بالغ بر ۴۵۱۱/۵ هکتار از اراضی کشاورزی بخش سرایان یا در حدود ۲۴/۵ درصد به این کشت اختصاص دارد. کلیه ارقام مربوط به زمینهای زیر کشت بخشهای سه‌گانه فردوس به تفکیک نوع محصولات در جدول شماره (۳۷) تنظیم شده‌است و همچنین نمودار دایره‌ای درصد سطح زیر کشت این محصولات به صورت تفکیکی برای هر بخش ترسیم گردیده‌است.

جدول شماره ۳۷- سطح زیر کشت محصولات سالانه شهرستان فردوس به تفکیک بخشها در سال زراعی ۶۹-۶۸ (واحد هکتار)

| محصولات<br>بخشها | غلات  | زراعتهای صنعتی | علوفه | حبوبات و سبزیجات | محصولات جالیزی | آبش   |
|------------------|-------|----------------|-------|------------------|----------------|-------|
| پشویه            | ۶۷۸۶  | ۲۷۹۱           | ۱۲۹/۵ | ۱۳               | ۲۱۷/۵          | ۲۶۲۴  |
| مرکزی            | ۶۲۶۲  | ۳۵۹            | ۳۱۱   | ۱۶۹              | ۳۰۹            | ۱۰۵۵  |
| سرایان           | ۱۲۳۴۲ | ۴۵۱۱/۵         | ۵۵۶   | ۳۹۹/۵            | ۶۲۰/۵          | ۲۴۰۷۳ |
| کل شهرستان       | ۲۵۳۹۰ | ۷۶۶۶/۵         | ۹۹۶/۵ | ۵۸۱/۵            | ۱۱۴۷           | ۲۷۷۵۲ |

یکی از محصولات مهم و با ارزش شهرستان فردوس زعفران است. و چون این محصول ارزش اقتصادی زیادی برای مردم این ناحیه و اقتصاد کشور دارد به طور جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

[illegible]

نقشه شماره (۲۰)

### زعفران یا طلای سرخ

زعفران از گیاهان بسیار با ارزش خراسان جنوبی است. مقدار تولید و سطح زیرکشت زعفران در گذشته‌های دور خیلی زیاد بوده و در اکثر نقاط کشور بخصوص در نواحی غرب و مرکز کشت آن معمول بوده است ولی با گذشت زمان جابه‌جایی در نقاط کشت آن ایجاد گردیده است. در حال حاضر بیش از ۹۸ درصد تولید زعفران ایران متعلق به استان خراسان بخصوص مناطق جنوبی آن است.

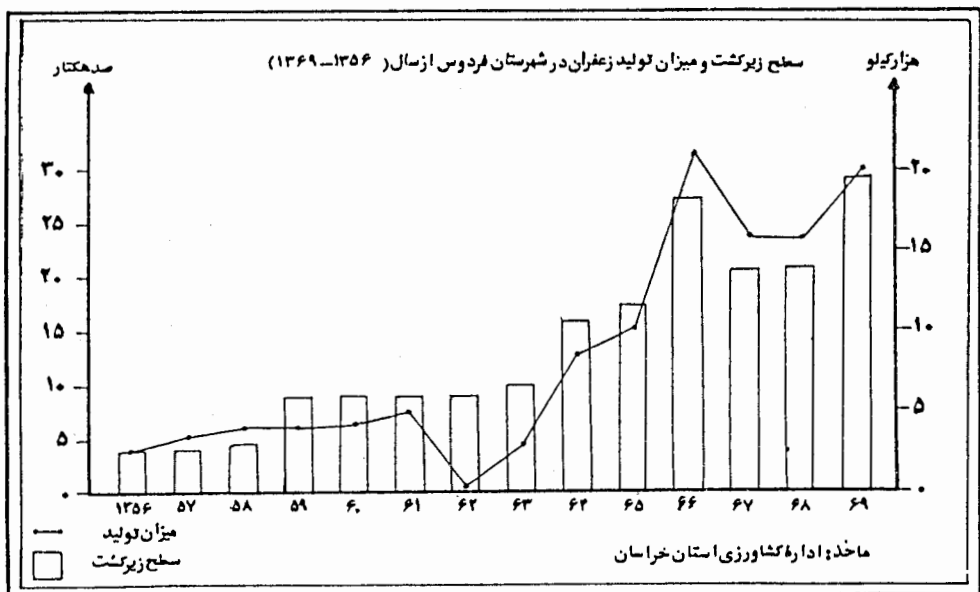
زعفران بیشتر با نواحی و مناطق نیمه صحرایی با ۱۵۰ الی ۲۰۰ میلیمتر باران سالانه سازش دارد. مناطقی برای کشت این گیاه مناسبند که حداکثر درجه حرارت هوا حدود ۴۰ درجه سانتیگراد و حداقل دمای زمستانه حدود ۶ الی ۷ درجه سانتیگراد زیر صفر باشد. در سرمای بیش از این حد پیاز گیاه یخ می‌زند و رشد گیاه متوقف می‌گردد.

بوته زعفران در همه زمینهای کشاورزی می‌تواند بروید اما در خاکهای «هوموس دار» و «رسی ماسه‌ای» بیشتر محصول می‌دهد. از آن جاکه پیاز زعفران پس از کاشت اولیه مدت ۷ تا ۱۰ سال متوالی محصول می‌دهد، بنابراین پیاز آن مدت مدیدی در زمین می‌ماند لذا خاک زمین باید سبک و ترکیبی از رس و شن باشد که پیاز بتواند در طول این مدت در دل زمین زندگی کند و مواد حیاتی گیاه و مواد تأمین کننده رنگ و عطر کلالة (قسمت خوراکی) را تهیه نماید و در مقابل آفات و ناملايمات جوی و عوارض زمین مقاوم باشد.

### ارزش اقتصادی زعفران

زعفران یا طلای سرخ یکی از استثنای شگفت‌انگیز کشاورزی است. بدین معنی که نه تنها درآمد خالص سالانه آن زیاد است. بلکه نیاز آبی اندک این گیاه و همچنین زمان احتیاج به آبیاری آن (مهر تا اردیبهشت) باتوجه به مسأله کمبود آب در نواحی جنوبی خراسان از نظر اقتصادی محصولی کاملاً با صرفه است. علاوه بر این باتوجه به سهولت حمل و نقل خشك شده آن به سبب حجم کم، در عین گرانی قیمت و عدم نیاز به ماشین آلات سنگین و گران قیمت کشاورزی و امکان بهره‌برداری به مدت ۷ تا ۱۰ سال متوالی پس از یک بار کاشت،

ارز قابل توجهی به داخل کشور جذب می‌کند و می‌تواند با کمتر کردن شکاف عمیق سطح درآمد سرانه کشاورزان، عامل مؤثری برای ماندگار شدن روستاییان در روستا به شمار آید. همچنین از طریق تزریق درآمد حاصل از فروش زعفران، می‌توان موجبات توسعه بخشهای دیگر اقتصادی و در نتیجه اشتغال‌زایی را در منطقه فراهم آورد. علاوه بر این با استفاده از شیوه زراعت درست می‌توان از علف آن نیز برای تعلیف دامها استفاده کرد. با توجه به آمار سطح زیرکشت زعفران در خراسان اگر عملکرد برگ زعفران در هر هکتار بطور متوسط ۱/۵ تن باشد، جمعاً حدود ۱۰۲۷۵ تن برگ خشک زعفران از زراعت این نبات به دست می‌آید که این مقدار برگ می‌تواند ۲۵۶۸۸ رأس گوسفند را تغذیه کند. با استفاده بهتر و اصولیتر از برگ زعفران می‌توان هم تولید عمومی از واحد کشت زعفران را افزایش داد و هم قدرت تولید در واحد دامی مناطق زعفرانکاری را بهبود بخشید.<sup>۵</sup>



نمودار شماره (۱۵)

۵- ولی‌زاده - کوچکی، مطالعه برگ زعفران در تغذیه دام، سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران مرکز خراسان، سال ۱۳۶۷، ص ۴.

بنابر تحقیقاتی که در زمینه مصرف کود برای گیاه زعفران به عمل آمده است چنین نتیجه گرفته اند که اگر فرض کنیم در تمام ۹۴۰۰ هکتار مزارع زعفران خراسان کود حیوانی مصرف شود می توان بطور تقریب انتظار تولید ۲۶۰۰۰ تن برگ خشک را از این مزارع داشت و چنانچه قیمت هر کیلوی آن را ۵۰ ریال در نظر بگیریم رقمی حدود ۱۳۰۰۰ ریال درآمد اضافی برای هر هکتار به دست می آید که در حد خود قابل توجه است.<sup>۶</sup>

### سطح زیر کشت و تولید زعفران

چنان که در جدول شماره ۳۸ دیده می شود در شهرستان فردوس در سال ۱۳۶۵ در حدود ۱۷۶۰ هکتار زیر کشت زعفران و مقدار تولید آن نیز ۱۰ تن بوده است که در استان خراسان بعد از گناباد از نظر سطح زیر کشت و میزان تولید مقام دوم را داشته است. درآمد سرانه زعفران شهرستان فردوس ۶۸۷۳۵ ریال بوده است. عایداتی که از طریق کشت زعفران نصیب کشاورزان شده خیلی بیشتر از درآمد کشت گندم آنها بوده است. در شهرستان فردوس درآمد سرانه گندم ۱۷۹۴۶ ریال بوده است.<sup>۷</sup>

جدول ۳۸ - مقایسه کشت زعفران و گندم در منطقه خراسان مرکزی و جنوبی در سال ۱۳۶۵

| نام شهرستان | سطح زیر کشت (هکتار) |        | تولید به تن |        | عملکرد در یک هکتار |                | درآمد سرانه به ریال |        |
|-------------|---------------------|--------|-------------|--------|--------------------|----------------|---------------------|--------|
|             | گندم آبی            | زعفران | گندم آبی    | زعفران | گندم آبی به تن     | زعفران به کیلو | گندم آبی            | زعفران |
| گناباد      | ۱۸۰۰                | ۲۳۰۰   | ۳۶۰۰        | ۱۲/۶۵  | ۲                  | ۵/۵            | ۲۹۲                 | ۵۷۰۲۷  |
| قاین        | ۳۷۵۰                | ۱۸۰۰   | ۶۳۷۵        | ۲/۳    | ۱/۷                | ۱/۳            | ۲۸۱۶                | ۵۷۳۱   |
| فردوس       | ۵۰۶۵                | ۱۷۶۰   | ۱۵۱۹۵       | ۱۰     | ۱/۹                | ۵/۹            | ۱۷۹۴۶               | ۶۸۷۳۵  |
| تربت حیدریه | ۱۸۰۰                | ۶۰۰    | ۳۲۴۰۰       | ۲/۴    | ۱/۸                | ۴              | ۵۲۷۷                | ۲۱۶۶   |
| بیرجند      | ۸۰۰۰                | ۳۵۰    | ۱۲۰۰۰       | ۲/۱    | ۱/۵                | ۶              | ۲۰۱۸                | ۱۹۲۵   |

۶ - بهزاد صادقی، اثر کودهای شیمیایی و حیوانی بر تولید برگ پیاز و وی زعفران، سازمان پژوهشهای

علمی و صنعتی خراسان، سال ۱۳۶۸ - ص ۱۰.

۷ - سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی مرکز خراسان، طرح توجیهی مرکز تحقیقات گیاهان مناطق

خشک، ۱۳۶۸.

به دلیل ارزش اقتصادی و درآمد سرانه بالای زعفران در مقایسه با گندم آبی میزان کشت آن در شهرستان فردوس از سال ۱۳۵۶ تاکنون دائماً رو به افزایش بوده است. در سال ۱۳۵۶ سطح زیرکشت زعفران در این شهرستان ۴۰۰ هکتار و میزان تولید ۲/۸ تن بوده است. در سال ۱۳۶۹ سطح زیرکشت به ۲۹۵۰ هکتار و میزان تولید به ۶۵/۲۰ تن بالغ گردیده است.

### تجارت و صادرات زعفران

زعفران تولید شده در شهرستان فردوس را عموماً تاجران خریداری می کردند ولی در حال حاضر شرکت تعاونی زعفران کاران تشکیل شده که مقداری از محصول را این شرکت خریداری می کند. محصول زعفران عمده صادر می شود. ایران و اسپانیا از مهمترین کشورهای صادرکننده زعفران هستند، بطوری که ۴/۷۰ درصد کل زعفران تولیدی جهان در سال ۱۳۶۵ در اختیار این دو کشور بوده است. از لحاظ صادرات و در دست داشتن بازار، اسپانیا از ایران جلوتر است. مهمترین خریداران زعفران ایران کشورهای اسپانیا، شوروی، ایتالیا، فرانسه و کشورهای حاشیه خلیج فارس می باشند. اسپانیا که خود از تولیدکنندگان عمده زعفران جهانی به شمار می رود از مهمترین خریداران زعفران ایران نیز هست. اسپانیا زعفران ایران را خریداری می کند و پس از یک سری مراحل بسته بندیهای مرغوب و بازارپسند آنرا روانه بازارهای جهانی می نماید. میزان تولید زعفران ایران در سال ۶۵ بالغ بر ۳۰۲۲۵ کیلوگرم بوده در حالی که اسپانیا ۳۵۵۳۷ کیلوگرم تولیدی داشته است. اما صادرات اسپانیا بسیار بالاتر از ایران بوده است. صادرات زعفران اسپانیا در سال ۱۳۶۵ در حدود ۱۱۹ تن<sup>۸</sup> بوده است. ملاحظه می شود که اسپانیا علاوه بر تولیدات داخلی خریدار زعفران کشورهای دیگر از جمله ایران می باشد که بعد از بسته بندی به نام زعفران اسپانیا در بازار جهانی عرضه می گردد.

۸ - گزارش بازدید هیأت اعزامی به اسپانیا جهت بررسی وضعیت زعفران، سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران، مرکز خراسان بخش کشاورزی و صنایع غذایی، ۱۳۶۸.

## باغداری

از نظر تولیدات کشاورزی، باغداری در طول تاریخ اهمیت بیشتری داشته است، چنان که در سفرنامه ناصر خسرو در باره باغهای تون چنین آمده است:

«و بر جانب شرقی باغهای بسیار بود و حصاری محکم داشت.... و در شهر درخت پسته بود و در سرایها. و مردم بلخ و تخارستان پندارند که پسته جز برکوه نروید و نباشد.»

از گذشته‌های دور فنون باغداری برای بهره‌وری بیشتر در سطح مناسبی قرار داشته است. فن تولید خربزه هندوانه دیم یکی از ابتکارات جالبی است که قرن‌ها در این منطقه مورد استفاده بوده است. در کتاب نزهت القلوب راجع به باغها و محصولات تون می‌خوانیم:

«و باغات و تودستانها در گرد خانها و غله‌زار در گرد باغات و در گرد غله‌زارها بندها که آب باران می‌گیرند و آب بدان غله می‌برند و در آن بندها خربزه بی آب زراعت می‌کنند بغایت شیرین می‌باشد...»<sup>۹</sup>

بنابراین باغداری از زمانهای قدیم در این شهرستان رواج داشته است. و قبل از زلزله ۱۳۴۷ یکی از مهمترین محصولات باغداری این شهرستان مرکبات بوده است. چنان که در ۹۶ آبادی لیمو و پرتقال و در ۵۹ آبادی سایر مرکبات به عمل می‌آمده است.<sup>۱۰</sup>

## مهمترین باغات میوه

- انار که مقدار آن زیاد است و بسیار مرغوب و هر ساله مقداری صادر می‌شود.

- انگور که در اکثر باغهای فردوس وجود دارد و به مصرف شیر و کشمش می‌رسد و انواع مختلف دارد.

- سیب بخصوص در باغستان و مصعبی و بشاد فراوان است و انواع آن کلوخی،

۹ - حمدالله مستوفی، نزهت القلوب، ص ۱۸۳.

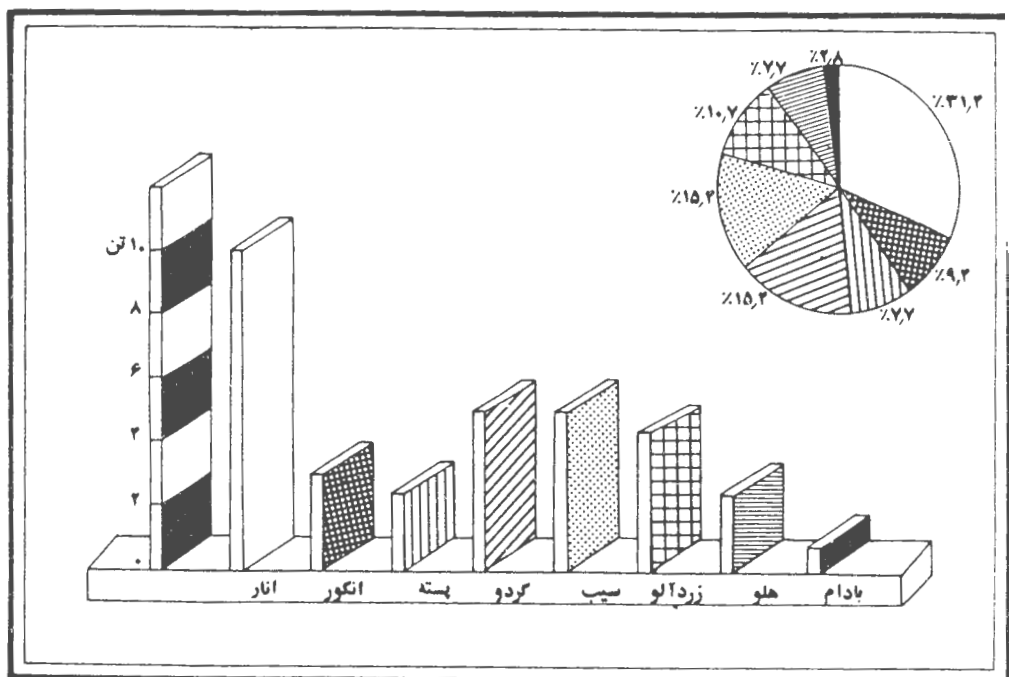
۱۰ - احمد اشرف، جامعه و اقتصاد، ص ۲۳.

قرمز و زمستانی است.

- آلو در انواع میرزایی و بخارایی و زردآلو و اقسام آن شکرپاره و نوری، قیسی، آردی و نارنجی. دیگر میوه‌های این شهرستان عبارتند از: هلو، توت، گلابی، شلیل، به و گیلاس که مقدارش کم است.

در سال ۶۷ کل محصولات باغی شهرستان فردوس ۳۲/۵ تن<sup>۱۱</sup> بوده است و شامل انار، انگور، پسته، گردو، سیب، زردآلو و هلو و بادام است. مقدار تولید این میوه‌ها به تفکیک در نمودار شماره (۱۶) نمایان است.

#### میزان تولید و درصد محصولات عمده باغی شهرستان فردوس سال زراعی ۶۷-۶۸



نمودار شماره (۱۶)

۱۱ - گزارشی راجع به کشاورزی استان خراسان، اعضای هیأت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه مشهد،

فروردین ماه ۱۳۶۸.

### سطح زیر کشت باغات میوه

در ۱۹۳ آبادی شهرستان فردوس باغات میوه وجود دارد. کل مساحت زیر کشت باغات ۳۸۲۱/۵ هکتار است. بیشترین باغات در بخش مرکزی با ۲۴۰۲ هکتار قرار دارد که بیشتر شامل دهستانهای باغستان و برون و اطراف اسلامیه می شود. سپس بخش سرایان از نظر سطح زیر کشت اهمیت می یابد و در حدود ۱۰۹۶/۵ هکتار را شامل است و در درجه سوم بخش بشرویه است که تنها ۳۲۳ هکتار مساحت باغات آن است. در بخش بشرویه انگور و سیب کشت نمی شود. اما در بخش مرکزی و سرایان روی هم ۵۰۰ هکتار از اراضی به کشت انگور و ۱۱۲/۵ هکتار به کشت سیب اختصاص دارد. سطح باغات میوه های دانه دار و هسته دار به تفکیک بخشها در جدول شماره (۳۹) آمده است. به علاوه نمودار و درصد هریک از باغات در بخشهای سه گانه شهرستان ترسیم شده است.

جدول ۳۹ - سطح زیر کشت محصولات دائمی شهرستان فردوس در سال زراعی ۶۹-۶۸ واحد: هکتار

| نام محصولات<br>نام بخش | انگور | سیب   | سایر میوه های<br>دانه دار | میوه های هسته دار | سایر محصولات<br>دائم | جمع کل |
|------------------------|-------|-------|---------------------------|-------------------|----------------------|--------|
| بشرویه                 | -     | -     | ۱۹۳                       | ۲۱                | ۱۰۹                  | ۳۲۳    |
| مرکزی                  | ۲۳۸   | ۵۳    | ۱۴۷۵                      | ۲۳۴               | ۴۰۲                  | ۲۴۰۲   |
| سرایان                 | ۲۶۲   | ۵۹/۵  | ۲۹۲                       | ۳۲                | ۴۵۱                  | ۱۰۹۶/۵ |
| شهرستان                | ۵۰۰   | ۱۱۲/۵ | ۱۹۶۰                      | ۲۸۷               | ۹۶۲                  | ۳۸۲۱/۵ |

### دامداری

اساس تولید اقتصادی در منطقه مبتنی است بر زراعت و باغداری از يك سو و قالی بافی از سوی دیگر، دامداری سهم کوچکی در تولید منطقه دارد. و از قدیم اهمیت گوسفند از سایر دامها بیشتر بوده است، چنان که در کتاب مرآت البلدان آمده است: «شتر و

گوسفند در تون فراوان ولی اسب کم و نادر است...<sup>۱۲</sup> فردوس به علت خشکی هوا و موقعیت کویری دارای پوشش گیاهی طبیعی قابل ملاحظه‌ای نیست. از این رو مراتع منطقه بسیار ناچیز و فقیر و تنها برای تولید و پرورش گوسفند مناسب است.

از مجموع ۲۲۰۰۰۰۰ هکتار کل اراضی شهرستان فردوس حدود ۲۲/۷ درصد یعنی ۵۰۰۰۰۰ هکتار را مراتع تشکیل می‌دهند. مراتع طبیعی بیشتر در دهستانهای سه‌قلعه و آیسک و مهوید واقع است. در اعصار گذشته مراتع بیشتری در منطقه وجود داشته که دامها در آن تعلیف می‌شده‌اند. ولی کم‌کم به دلیل استفاده بی‌رویه از آنها و عوامل دیگر ظرفیت آنها به  $\frac{۱}{۳}$  کاهش یافته است که باید در جهت احیای آنها کوشش لازم صورت گیرد. چون دام وابسته به مرتع است و به دلیل کمبود آب در منطقه نمی‌توان اقدام به کشت گیاهان علوفه‌ای کرد، برای آن که آب موجود باید به مصرف تولید محصولات اولیه مثل گندم برسد.

دلایل ضعیف شدن مراتع در منطقه فردوس به قرار زیر است:

- ۱- چرای مفرط و بیش از حد ظرفیت مراتع به علت افزایش روزافزون تعداد دام.
- ۲- چرای زودرس که باعث عدم تجدید حیات گیاهان می‌شود.
- ۳- فشردگی سطح مراتع نزدیک به آبادیها به علت تردد بیش از حد دام بطوری که در بعضی مناطق حریم شهر، بیش از ۹ ماه بطور مستمر دامها در حال چراند.
- ۴- بوته‌کشی از مراتع جهت مصارف سوختی.
- ۵- تبدیل اراضی مرتعی با امکان علوفه‌دهی بالا به دیم‌زارها که در نتیجه پس از چند سال بهره‌برداری به دلیل کمی بازدهی متروک می‌شود.
- ۶- عدم رسیدگی و مسئولیت‌ناپذیری ادارات ذی‌ربط برای جلوگیری از تخریب مراتع.
- ۷- پایین بودن سطح فرهنگ مرتع‌داری دامداران.

اداره کل منابع طبیعی استان خراسان در جهت احیای مراتع شهرستان فردوس اقداماتی انجام داده است که سیاهه عملیات اجرایی و اعتبارات مربوط به طرح ملی و تثبیت شن و کویر زدایی و طرح استانی و احیای مراتع جنوب خراسان را در جدولهای

شماره ۴۰ و ۴۱ نشان می دهیم<sup>۱۳</sup>:

جدول ۴۰- سیاهه عملیات اجرایی و اعتبارات مربوط به طرح ملی تثبیت شن و کویر زدایی شهرستان فردوس

| نهال کاری |        | بذر پاشی |        | جمع آوری بذر |        | خزانه زمینی |        | آبیاری و<br>جدول بندی | جمع کل اعتبارات<br>به هزار ریال |
|-----------|--------|----------|--------|--------------|--------|-------------|--------|-----------------------|---------------------------------|
| هکتار     | اعتبار | هکتار    | اعتبار | هکتار        | اعتبار | هکتار       | اعتبار | اعتبارات              | ۱۸۷۷۵۰                          |
| ۱۲۵۰      | ۸۱۲۵   | ۵۰۰۰     | ۴۷۵۰   | ۱۰۰          | ۵۰۰۰   | ۲           | ۴۰۰    | ۵۰۰                   |                                 |

جدول ۴۱- سیاهه عملیات اجرایی و اعتبارات مربوط به طرح استانی و احیای مراتع شهرستان فردوس

| نهال کاری |                        | بذر پاشی |                        | جمع آوری بذر |                        | خزانه زمینی    |                        |
|-----------|------------------------|----------|------------------------|--------------|------------------------|----------------|------------------------|
| هکتار     | اعتبار<br>به هزار ریال | هکتار    | اعتبار<br>به هزار ریال | هکتار        | اعتبار<br>به هزار ریال | هکتار          | اعتبار<br>به هزار ریال |
| ۱۰۰۰      | ۱۰۰۰۰                  | ۳۰۰۰     | ۳۰۰۰                   | ۷۵           | ۳۳۷۵                   | $1\frac{1}{2}$ | ۱۸۷۵                   |

برای اصلاح و احیای مراتع شهرستان فردوس سه طرح دیگر علاوه بر طرحهای فوق وجود دارد که عبارتند از<sup>۱۴</sup>:

- ۱- ممیزی و تعیین صلاحیت مراتع به وسعت ۱۰۰۰۰۰ هکتار
  - ۲- تولید نهال آتریپلکس به تعداد ۵۰۰۰۰۰ اصله<sup>۱۵</sup>
  - ۳- احیا و اصلاح مراتع به مساحت ۱۰۰ هکتار
- در شهرستان فردوس در سال زراعی ۶۸-۶۹ حدود ۵/۹۹۶ هکتار از زمینها به کشت نباتات علوفه ای به صورت آبی اختصاص داشته است<sup>۱۶</sup>، که در صورت احیای مراتع طبیعی جهت تعلیف گوسفندان نیازی به کشت نباتات علوفه ای نخواهد بود. جدول

۱۳- عملکرد طرحهای عمرانی سال ۱۳۶۷، مهرماه ۱۳۶۸.

۱۴- همان مأخذ.

۱۵- نهال آتریپلکسی یا اسفناج وحشی که برای جلوگیری از حرکت شنهای روان کشت می شود.

۱۶- اداره آمار و اطلاعات کشاورزی استان خراسان، سال ۶۸-۶۹.

شماره ۴۲ مقدار کشت نباتات علوفه‌ای را در هر دهستان بطور جداگانه نشان می‌دهد.

جدول ۴۲ - سطح زیر کشت نباتات علوفه‌ای آبی شهرستان فردوس به تفکیک دهستان. سال ۶۸-۶۹

(واحد هکتار)

| نه   | ارسک | علی جمال | باغستان | خانکوک | برون | حومه فردوس | شهراسلابه | حومه بشرویه | سرایان | مصعبی | سه قلعه | آیسک | جمع کل |
|------|------|----------|---------|--------|------|------------|-----------|-------------|--------|-------|---------|------|--------|
| ۱۲/۰ | ۳۷   | ۴۰       | ۱۱۲     | ۴۷     | ۶۶   | ۴۱         | ۴۵        | ۴۰          | ۱۶۰    | ۴۴    | ۸۲      | ۲۷۰  | ۹۹۶/۵  |

بر اساس آمارهای موجود در فرهنگ آبادیهای شهرستان فردوس سال ۱۳۴۵ از مجموع ۲۵۶ آبادی دارای سکنه شهرستان فردوس در ۵/۹۴٪ آبادیها دامداری بخصوص گوسفند و بز و گاو و گوساله وجود دارد و این نسبت در صد در بخشهای سه گانه بشرویه و سرایان و بخش مرکزی مورد مطالعه قرار گرفته است. در بخش بشرویه در ۷/۹۶ درصد و در بخش سرایان ۵/۹۳ درصد و در بخش مرکزی نیز ۲/۹۰ درصد آبادیها دامداری وجود دارد.

از مطالعه آمار دام جدول شماره ۴۳ روشن می‌شود که در سطح شهرستان فردوس بخش سرایان از نظر تعداد گوسفند و بز در مقام اول است. بطوری که حدود ۵۴٪ دامهای شهرستان در این دهستان هستند. و مهمترین دهستان بخش سرایان از نظر دارا بودن گوسفند و بز آیسک است. حدود ۴۱٪ گوسفند و بز بخش سرایان در آیسک است. این نسبت در کل شهرستان فردوس حدود ۲۲٪ می‌باشد.

تعداد گاو و گوساله در بخش مرکزی با رقم ۳۲۹۹ رأس بیش از دو بخش دیگر شهرستان فردوس است. در این بخش دهستان حومه با داشتن ۲۰۳۶ رأس گاو و گوساله در بین دهستانهای شهرستان فردوس مقام اول را داراست.

## صنایع روستایی

در روستاهای فردوس به علت کمبود آب و خشکی هوا و قلت زمین زراعی و ناکافی بودن درآمد کشاورزی به ناچار قسمت نسبتاً قابل توجهی از فعالیتهای کشاورزی و روستاییان در بخشهای غیر زراعی مانند صنایع دستی و کارگری متمرکز شده و فعالیت در این بخش وضع

اقتصادی روستاها را از لحاظ اشتغال و درآمد تا اندازه ای بهبود بخشیده است. بنابراین به لحاظ اهمیت موضوع صنعت قالی بافی فردوس را عمیقتر مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم<sup>۱۷</sup>.

جدول ۴۳- آمار دام شهرستان فردوس به تفکیک دهستان سال ۱۳۶۵ (واحد رأس)

| نام بخش       | نام دهستان  | گوسفند و بز | گاو و گوساله |
|---------------|-------------|-------------|--------------|
| بخش بشرویه    | ارسك        | ۶۴۱۲        | ۲۷۳          |
|               | اسفك        | ۱۰۸۵        | ۹۳           |
|               | بشرویه      | ۸۵۲۵        | ۳۸۰          |
|               | غنی آباد    | ۱۰۳۸۸       | ۳۱۷          |
|               | رقه         | ۵۱۶۶        | ۹۷۰          |
|               | طرجد        | ۱۸۷۵        | ۱۰۹          |
|               | فتح آباد    | ۳۹۱۰        | ۷۰           |
|               | کرنده       | ۴۰۲۳        | ۳۴۷          |
|               | نیگنان      | ۴۶۱۰        | ۲۸۵          |
|               | هنویه       | ۱۵۴۶        | ۹۸           |
|               | جمع         | ۴۷۵۴۰       | ۲۹۴۶         |
| نام بخش       | نام دهستان  | گوسفند و بز | گاو و گوساله |
| بخش سرایان    | آیسك        | ۶۱۸۷۰       | ۵۸۷          |
|               | سرایان      | ۲۸۰۵۹       | ۵۴۴          |
|               | سه قلعه     | ۴۹۶۹۰       | ۱۰۴          |
|               | مصعبی       | ۹۹۶۵        | ۱۱۳۴         |
|               | جمع         | ۱۴۹۵۸۴      | ۲۳۶۹         |
| نام بخش       | نام دهستان  | گوسفند و بز | گاو و گوساله |
| بخش مرکزی     | دهستان حومه | ۳۹۴۴۰       | ۲۰۳۶         |
|               | خانكوك      | ۲۸۵۶۰       | ۴۸           |
|               | مهوید       | ۱۲۴۲۰       | ۱۲۱۵         |
|               | جمع         | ۸۰۴۲۰       | ۳۲۹۹         |
| شهرستان فردوس | جمع کل      | ۲۷۷۵۴۴      | ۸۶۱۴         |

۱۷- اداره آمار و اطلاعات کشاورزی استان خراسان، شهرستان فردوس، سال ۱۳۶۹.

- تحقیقات شخصی، اسفندماه ۱۳۷۱.

### صنعت قالی بافی

مهمترین صنعت دستی در منطقه فردوس قالی بافی است که سابقه‌ای تاریخی دارد و از گذشته‌ها یکی از منابع اصلی درآمد و تأمین معیشت مردمی بوده است که با کم‌آبی روبه‌رو بوده و با دشواری زیاد وسایل زندگی خویش را تأمین می‌کرده‌اند.

شیوه متداول و سنتی قالی بافی در شهرستان فردوس تولید قالیچه‌های کوچک دومتري است با دارهای خوابیده یا زمینی. بافندگان طرح قالیچه‌ها را از بردارند و انواع طرحها عبارتند از: بازوبندی، خودرنگ، موسی آبادی، تصویری یا پرده‌ای، پنجه غلط، ماه ریشه، ترنجی و ترکمانی که امروزه طرح ترنجی و ترکمانی و خودرنگ بیشتر متداول است. این قالیچه‌های دومتري به قالیچه ۲۵ ایاقی هم معروف است و تا چند سال پیش بافت آنها رواج داشت، اما کم‌کم با گران شدن مواد اولیه و نبودن بازار فروش و بالا رفتن سطح رفاه خانواده و فرستادن دختران به مدرسه، تولید آن کاهش یافته است.

### برآورد تعداد دارهای قالی بافی

در ۱۲۹ روستای شهرستان فردوس در سال ۱۳۶۰ مجموعاً ۸۲۳۹ دار قالی برپا بوده است<sup>۱۸</sup> و روستای ارسک از بخش بشرویه با ۴۵۰ دار بیشترین تعداد را به خود اختصاص می‌داده است. براساس این آمار دارهای قالی شهرستان در سال ۱۳۶۸ حدود ۱۳۵۰۵ و تعداد کل شاغلان در کارگاههای بافندگی ۲۷۰۱۰ نفر برآورد شده است<sup>۱۹</sup>.

از این تعداد حدود ۱۰ درصد به بافت قالیهای با دار عمودی به سبک بیرجندی (خشتی) و نائینی مشغول بودند که بیشتر جنبه صادراتی دارد و بقیه بافندگان هنوز کمابیش به بافت همان قالیهای ۲۵ ایاقی محلی سرگرمند که ارزش اقتصادی ندارد و برای بافنده‌ها نیز سودآورد نیست. به همین دلیل و نیز به منظور هدایت بافندگان به سوی

۱۸ - جهاد سازندگی، آمارگیری روستایی، آبان ماه ۱۳۶۰.

۱۹ - جهاد سازندگی استان خراسان، فرش دستباف و وضعیت اجتماعی، اقتصادی تولیدکنندگان فرش،

فرشهای صادراتی، شرکت تعاونی فرش دستباف شهرستان در سال ۱۳۶۸ تشکیل گردید.

### مشخصات افراد شاغل در کارگاهها

بر اساس نمونه گیری که از کارگاههای قالی بافی شهرستان به عمل آمده، ۷۸ درصد بافندگان زن و ۲۲ درصد مرد بودند<sup>۲۰</sup>. اما با رواج قالیهای نائینی بخصوص در بخش بشرویه مردان نیز به دلیل درآمدزایی به این حرفه گرایش پیدا کرده اند. سن قالی بافان بین ۱۳ تا ۳۵ با میانگین سنی ۱۹ سال است. در حدود ۵۲/۶ درصد بافنده ها از نظر سنی زیر ۱۵ سال دارند و به عبارت دیگر کودکان سن مدرسه هستند. در حدود ۴۰/۵ درصد بافنده های بی سوادند و ۲۷/۳ درصد، سواد خواندن و نوشتن دارند تنها ۳۲/۲ درصد آنها دارای سواد پنجم ابتدایی هستند. این مسأله قابل توجه است و بایستی در برنامه ریزیهای توسعه فرش مورد توجه قرار گیرد.

### انواع قالیهای عمده

در شهرستان فردوس در حال حاضر چهار نوع قالی بافته می شود:

۱- قالیچه های محلی و سنتی معروف به دومتری

۲- قالیهای سنتی معروف به خود رنگ

۳- قالیهای مشهور به نقشه خشتی

۴- قالیهای نقشه نائینی

۱- قالیچه های محلی و سنتی: در سال ۱۳۶۸ در حدود ۲۰ هزار نفر و به عبارتی ۷۴ درصد بافندگان به بافت این قالیچه ها اشتغال داشتند. نقشه رایج آنها ترنجی و سالارخانی است. این قالیچه ها در اغلب نواحی روستایی فردوس بافته می شود، اما قالیچه های روستای سه قلعه از بخش سرایان بافت نسبتاً بهتری دارند. نقشه های رایج سه قلعه عبارتند از: کماج زرد، ترکمن و نقش پرده ای. اما بطور کلی این قالیچه ها از نظر

نقش و کیفیت مواد اولیه و بافت نامرغوب است و امروزه کمتر خریدار دارد، بنابراین برای بافنده و فروشنده سود چندانی ندارد.

۲- **قالیهای خودرنگ:** فرشهای خودرنگ قالیهایی است که برای بافت آنها از پشمهای رنگی طبیعی استفاده می‌شود. نخهای مصرفی از پنج‌رنگ طبیعی تشکیل می‌شود؛ سفید، شکری، سیاه، بور، طوسی یا خاکستری. نخ سفید معمولاً در خود شهرستان تهیه می‌شود. اما سایر رنگها از مشهد خریداری می‌گردد. دار این قالیها نیز به صورت خوابیده است و طرحها و نقشه‌های آن محلی و سنتی است. روستای آیسک از بخش سرایان از نظر بافت این قالیچه‌ها تخصص و معروفیت یافته است. به این جهت این قالیچه‌ها گاهی به نام «آیسکی» هم نامیده می‌شود. در آیسک که دارای حدود ۹۰۰ خانوار است (سال ۱۳۷۱) ۷۰ درصد خانوارها به بافتن قالیچه مشغولند. که نقش عمده‌ای را در اقتصاد خانوار ایفا می‌کند. این قالیهای خودرنگ گرچه سنتی است اما هنوز خواهان زیاد دارد و غالباً به سایر شهرهای بزرگ مثل تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و زاهدان صادر می‌شود.

۳- **قالیهای خشتی:** نقش این قالیها در اصل از بیرجند گرفته شده اما تغییراتی در نقشها و رنگها داده‌اند. بافت قالی خشتی را شرکت تعاونی فرش جهادسازندگی شهرستان فردوس از سال ۱۳۶۹ رواج داده‌است. این شرکت با ۱۴۰ عضو به ثبت رسیده و تا اسفندماه سال ۱۳۷۱ قریب ۷۰۰ عضو داشته است. حق عضویت براساس متر از فرشی است که بافنده می‌بافد. مثلاً کسانی که فرش ۶ متری تولید می‌کنند معادل ۶۰۰۰۰ ریال حق عضویت می‌پردازند و درمقابل از این خدمات استفاده می‌کنند:

الف- ارائه نخ قالی به قیمت تعاونی، از نوع خوب و مرغوب.

ب- آموزش قالی‌بافی و نقشه خوانی به صورت رایگان.

ج- نصب دارهای عمودی از جنس فلزی با قیمت حدود ۱۲۰۰۰۰ ریال.

د- فروش قالیها با قیمت تضمینی.

فعالیت جهاد در زمینه توسعه و رواج فرشهای خشتی دربخش حومه بیشتر از دربخش دیگر شهرستان چشمگیر بوده‌است. طبق آمار سال ۱۳۷۱ دربخش حومه ۱۸۵

دار قالی از طرف جهاد راه اندازی شده است. در بخش سرایان نیز جهاد فعالیت داشته و نزدیک ۷۰ دار قالی نصب و راه اندازی کرده است که ۸۰ درصد آنها در روستای سه قلعه استقرار دارد. در بخش بشرویه شرکت تعاونی کمتر فعالیت داشته و تنها ۱۸ درصد از دارهای قالی جهاد در این بخش نصب شده است عدم رونق فرشهای خشتی در بشرویه به دلیل رواج قالیهای نائینی است.

فرشهای خشتی در ابعاد گوناگون بافته می شود و در هر خشت یا مربع تصاویری از حیوانات و گیاهان و پرندگان به چشم می خورد. معمولاً چهار ماه طول می کشد تا یک قالی ۶ متری با همکاری ۴ بافنده بافته شود. سهم مواد اولیه آن در حدود ۲۰۰۰۰۰ ریال و قیمت فروش آن نزدیک ۱۲۰۰۰۰۰ ریال است<sup>۲۱</sup>. لذا این درآمدزایی رواج آنها را سرعت داده است. به طوری که اعضای شرکت در سال ۱۳۷۰ در حدود ۱۶۴۵ مترمربع فرش بافته اند که ارزش اقتصادی آن حدود ۳۲۹۰۰۰۰۰ ریال بوده است<sup>۲۲</sup>.

۴ - قالیهای نائینی: قالیهای نقش نائینی از سال ۱۳۵۸ در شهرستان فردوس و در روستای رقه و بشرویه رواج یافته است. با رواج این قالیها کم کم قالیچه های سنتی ترکمانی و ترنجی در این روستا از بین رفته است. قالیهای نائینی به دلیل زیبایی نقش، ظرافت و کیفیت عالی نخ و ابریشم دارای ارزش اقتصادی بالایی است و درآمد نسبتاً زیادی برای بافندگان فراهم می آورد. نخ و نقشه و سایر مواد اولیه مورد نیاز از نائین تهیه می شود. شیوه کار و دستمزد غالباً به صورت نصفه کاری است. یعنی نصف ارزش قالی متعلق به کارفرما یا صاحب مواد اولیه و نصف دیگر دستمزد و متعلق به بافنده است.

قالیهای نائینی را تجار یا واسطه های نائینی و اصفهانی خریداری می کنند. این قالیها جنبه صادراتی دارد و به خارج از کشور صادر می شود.

قالیهای نائینی علاوه بر شهر بشرویه در چند روستای دیگر این بخش مثل ارسک، فتح آباد و نیگنان بافته می شود اما مهمترین روستا از نظر بافت قالی و تعداد دارها،

۲۱ - تحقیقات شخصی، اسفندماه ۱۳۷۱.

۲۲ - نقل از: دفتر تحقیقات و برنامه ریزی، جهاد سازندگی فردوس.

روستای رقه است. در این روستای ۲۵۰ خانواری به جرأت می‌توان گفت دختری وجود ندارد که به کار قالی‌بافی نپردازد. دختران غالباً تنها تا کلاس پنجم ابتدایی درس می‌خوانند و بعد از آن به سوی قالی‌بافی روی می‌آورند. البته نبودن مدرسه راهنمایی در رقه خود مزید بر علت است. پسران روستا برای ادامه تحصیل به شهر بشرویه می‌روند اما قید و بندها و ستهای خانوادگی به دختران اجازه نمی‌دهد تا در شهر و دور از خانواده به تحصیل ادامه دهند. از سوی دیگر سود نسبه چشمگیر قالیهای نائینی برای خانوارها جاذبه ایجاد کرده و مانع از ادامه تحصیل دختران شده است.

بنابراین قالی‌بافی بخصوص قالیهای خشتی و نائینی می‌تواند از نظر اقتصادی برای خانوارها ارزش افزوده ایجاد نماید اما باید در کنار این سود موارد منفی آن هم در نظر گرفته شود و برنامه‌ریزها و طرحهای مناسبی جهت توسعه و رشد این صنعت انجام گیرد. در پایان مشخصات روند تولید و فروش و عایدی انواع قالیهای فردوس در جدول ۴۴ تنظیم و مقایسه می‌شود:

جدول ۴۴- مشخصات روند تولید و فروش و عایدی انواع قالیهای فردوس ۲۳.

| انواع قالی | نوع دار | اندازه<br>(مترمربع) | هزینه مواد<br>اولیه (ریال) | قیمت<br>فروش (ریال) | زمان<br>مصرفی | تعداد<br>بافته | متوسط درآمد<br>بافته در ماه | درآمد سالیانه<br>خانوار بافته |
|------------|---------|---------------------|----------------------------|---------------------|---------------|----------------|-----------------------------|-------------------------------|
| محلی       | زمینی   | ۲                   | ۳۰۰۰۰                      | ۴۰۰۰۰               | یک هفته       | ۲              | ۲۰۰۰۰                       | ۴۸۰۰۰۰                        |
| خود رنگ    | زمینی   | ۶                   | ۵۰۰۰۰                      | ۱۰۰۰۰۰              | دو هفته       | ۳              | ۳۳۰۰۰                       | ۱۲۰۰۰۰۰                       |
| خشتی       | عمودی   | ۶                   | ۲۰۰۰۰۰                     | ۱۱۰۰۰۰۰             | ۴ ماه         | ۴              | ۵۶۰۰۰                       | ۲۷۰۰۰۰۰                       |
| نائینی     | عمودی   | ۶                   | ۳۵۰۰۰۰                     | ۱۲۵۰۰۰۰             | ۶ ماه         | ۳              | ۵۰۰۰۰                       | ۱۸۰۰۰۰۰                       |

چنان که از جدول شماره (۴۳) بر می‌آید با توجه به وضعیت اقلیمی منطقه و نبودن امکانات کشاورزی، چنانچه نظارت و هدایتی از طریق شرکتهای تعاونی برگزار تولید کنندگان این صنعت صورت گیرد و با آموزش نقشه خوانی و دوره‌های کارآموزی

در زمینه بهینه سازی این حرفه اقداماتی صورت گیرد و دست واسطه ها کوتاه شود، به دلیل بالا رفتن درآمد خانوار با آسانی می توان به آینده فرش منطقه و تثبیت وضعیت اقتصادی و جمعیتی منطقه امیدوار بود. بدیهی است در این هدایتها زیانهای فرهنگی و بخصوص محرومیتی که متوجه دختران است، نباید از نظر دور بماند.

## فعالیت های استخراجی و صنعتی

### الف - استخراجی

بر اساس اطلاعات اداره کل معادن و فلزات خراسان<sup>۲۴</sup> در شهرستان فردوس معادن سنگ آهن، سرب، روی، انتیموان، بتونیت، فیروزه، مرمیریت و سنگهای ساختمانی شامل گچ، سنگ آهک و سنگ ساختمانی وجود دارند. موقعیت معادن فوق و مقدار ذخایر و نحوه بهره برداری آنها به این شرح است:

**سنگ آهن در نیگنان:** این معدن در ۴۹ کیلومتری جنوب غربی بردسکن واقع شده است. این کانسار که از نوع هماتیت می باشد دارای ذخیره ای بالغ بر ۳۷۷۰۰۰۰ تن بوده و عیار متوسط هماتیت بیش از ۷۳٪ است.

گواهینامه کشف معدن فوق به نام شرکت تحت پوشش دولتی صادر گردیده است.

**سرب در نیگنان:** این معدن در ۴ کیلومتری آبادی نیگنان قرار دارد و پروانه بهره برداری در سال ۱۳۳۶ به نام شرکت معدنی پرژام گلشن صادر و سپس ابطال گردیده است. ذخیره آن مشخص نیست ولی میزان تولید در زمان بهره برداری ۲۵۰ تن است.

**سرب و روی شوراب فردوس:** این معدن در ۷۲ کیلومتری جنوب شرق شهرستان فردوس قرار دارد. پروانه بهره برداری آن در سال ۱۳۳۸ به نام شرکت ایلکا صادر و سپس ابطال گردیده است. ذخیره این معدن مشخص نیست.

**انتیموان:** این کانی به صورت سولفور (انتیمونیت  $S_2Sb_2$ ) در طبیعت یافت

۲۴ - اداره کل معادن و فلزات خراسان، وزارت معادن و فلزات، تهران ۱۳۶۶.

می‌شود، از آن برای به دست آوردن انتمیوان که در ساختن آلیاژهای مهمی مثل حروف چاپ، مفرغ و غیره به کار می‌رود استفاده می‌شود.

علاوه بر آن ترکیبات انتمیوان در پزشکی (داروسازی) و در رنگسازی و لعابکاری، پارچه‌بافی و بالاخره لاستیک‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این ماده دو معدن در استان خراسان شناخته شده است: یکی در علی‌آباد کاشمر و دیگری در شوراب فردوس. معدن انتمیوان شوراب فردوس در ۶۸ کیلومتری جنوب شرق فردوس واقع شده ولی بیش از ده سال است که معدن تعطیل گردیده و ظاهراً فاقد ذخیره است.

بتونیت: ذخایر شناخته شده بتونیت عموماً در شهرستان گناباد و کاشمر و فردوس و طبس پراکنده است. در حال حاضر به دلیل عدم وجود بازار فروش کلیه این معادن تعطیل است. سه معدن بتونیت در شهرستان فردوس وجود دارد که عبارت است از: ۱- معدن بتونیت در چاه کشمیر در ۸۳ کیلومتری جنوب فردوس، ذخیره آن ۲۰۰۰۰۰ تن است ولی پروانه بهره‌برداری آن ابطال شده و معدن تعطیل است.

۲- معدن بتونیت در گرموغ در ۸۰ کیلومتری جنوب گناباد واقع شده، پروانه بهره‌برداری ابطال و معدن تعطیل است. ذخایر آن رازیداد برآورد کرده‌اند.

۳- معدن بتونیت حسامیه، در ۵۵/۵ کیلومتری جنوب شرقی فردوس واقع گردیده پروانه بهره‌برداری آن ابطال شده و معدن تعطیل است.

فیروزه: از سنگهای قیمتی استان خراسان سنگ معدنی فیروزه است که دو کانسار شناخته شده است. یکی کانسار فیروزه نیشابور و دیگری کانسار فیروزه نیگنان. ذخیره کانسار فیروزه نیگنان ۱۲۵۰ تن اعلام گردیده است. پروانه بهره‌برداری این معدن در سالهای گذشته به نام شرکت سهامی کنسرسیوم فیروزه ایران صادر شده و فقط حدود سه سال اول بهره‌برداری، معدن فعال بوده است. در حال حاضر بیش از ده سال است که معدن تعطیل و متروک است.

مرمریت: این معدن در نوبهار در ۲۹ کیلومتری جنوب بجستان واقع گردیده است. تاریخچه بهره‌برداری آن از سال ۱۳۵۲ آغاز می‌شود. ذخیره آن ۱۸۲۲۵۰۰ تن است، ولی تولید سالانه آن مشخص نیست و بازار مصرف دارد.

**سنگ ساختمانی:** این سنگ ساختمانی (آهك نیمه متبلور و نزدیک به مرمریت) در چاه هوش فردوس واقع در ۱۶ کیلومتری جنوب این شهر وجود دارد. ذخیره آن متجاوز از ۵۰۰۰۰۰ متر مکعب است و بازار مصرف دارد. بطوری که تاکنون مقدار زیادی سنگ قواره و لاشه از این معدن حمل گردیده است.

**گچ:** معدن گچ در زابر سرایان در ۴۶ کیلومتری جنوب شرقی فردوس واقع شده و از سال ۱۳۵۹ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. ذخیره آن ۶۰۰۰۰ تن برآورده شده و بازار مصرف آن در سرایان و مناطق اطراف است.

**معدن گچ دیگری به نام گچ تگ رحیم** در ۲۵ کیلومتری شمال غرب فردوس وجود دارد که از سال ۱۳۵۱ به علت ناخالصی آهك، اجازه بهره‌برداری آن باطل گردیده است. بازار مصرف آن در مقیاس كوچك به صورت سنتی بلامانع است.

**گچ شکسته:** این معدن در بستاق در ۲۸ کیلومتری جنوب سرایان واقع است. سابقه بهره‌برداری رسمی ندارد و در گذشته توسط افراد محلی به طور مختصر استخراج گردیده است. ذخیره آن ۱۰۰۰۰۰ تن برآورد شده و در سرایان بازار مصرف دارد.

**سنگ آهك:** سنگ آهك در چرمه واقع در ۱۶ کیلومتری شمال شرق سرایان استخراج می‌شود. سابقه بهره‌برداری رسمی ندارد. قبلاً توسط اهالی مقداری از ذخیره استخراج شده و به مصرف رسیده است. ذخیره آن را ۵۰۰۰۰۰۰ تن برآورد کرده‌اند و در سرایان بازار مصرف دارد.

### ب - صنعتی

شهرستان فردوس از نظر کشاورزی و صنایع دستی نسبتاً دارای اهمیت ولی از نظر صنایع کارخانه‌ای بسیار ضعیف است. اخیراً برای رشد اقتصادی و تولیدات صنعتی در این شهر اقداماتی صورت گرفته است. از جمله ایجاد شهرک صنعتی<sup>۲۵</sup> به مساحت ۲۰۰ هکتار در نظر گرفته شده است. این شهرک صنعتی در اراضی معروف به باغستانک در محور فردوس - باغستان واقع و صنایع جدید التأسيس در فردوس بتدریج با موافقت

۲۵ - این شهرک در عرض ۳/۳۴ و طول ۱۴/۵۸ واقع است.

اداره منابع طبیعی و محیط زیست به این مجتمع منتقل می گردد. علاوه بر تعداد ۵۶۸ واحد صنفی که در جدول شماره ۴۰ آمده است صنایع موجود در شهر فردوس را می توان به پنج دسته تقسیم کرد<sup>۲۶</sup>:

**الف - صنایع نساجی:** از مهمترین صنایع فردوس نساجی است که شامل چهار واحد تولیدی است:

۱ - صنایع نساجی - که دارای قدیمترین پروانه بهره برداری است و در سال ۱۳۳۸ تأسیس شده و کار آن حلاجی پشم است. این کارخانه در خیابان رسالت قرار دارد.  
۲ - شرکت سهامی کارخانجات اریعه - از سال ۱۳۶۰ بهره برداری از آن آغاز شده و به تولید نخ خامه قالی اختصاص دارد.

۳ - واحد تولیدی شلوار تکی - این واحد به ظرفیت ۹۵۰۰۰ دست و با ۳۰ نفر کارگر از سال ۱۳۶۴ ایجاد گردید. محل این کارگاه در خیابان انقلاب است.

۴ - شرکت مجتمع نساجی جنوب خراسان - کار این شرکت پنبه پاک کنی عبارت از پنبه محلول و تخم پنبه است و در سال ۱۳۶۴ موافقت اصولی آن اخذ شده است. محل این شرکت در ۷۰۰ متری جاده سرایان واقع شده است.

**ب - صنایع غذایی:** صنایع غذایی شهر فردوس عبارتند از تهیه یخ، آرد، ماکارونی و رب انار.

۱ - واحد آردسازی - از قدیمترین واحدهای تولیدی غذایی واحد تولیدی تهیه آرد (آسیاب) است. این واحد تولیدی از سال ۱۳۳۹ پروانه بهره برداری دارد. ظرفیت اسمی آن ۴۰ تن در ماه است. محل آن داخل شهر و در خیابان رسالت واقع شده است.  
۲ - واحد تولیدی نمک ماشینی - دارای پروانه بهره برداری از سال ۱۳۶۴ است. ظرفیت اسمی این واحد ۹۰۰ تن و محل آن روستای مهرانکوشک در ۱۸ کیلومتری شمال شهر فردوس است.

۳ - شرکت انارین - تولید آن آب انار به ظرفیت ۹۰۰ تن و رب انار به ظرفیت ۱۸۰ تن است. موافقت اصولی این شرکت در سال ۱۳۶۴ اخذ شده است. اخیراً ۵۰٪ سهام

۲۶ - سیماي صنایع استان خراسان، اداره کل صنایع خراسان، مهر ۱۳۶۹.

این شرکت توسط شرکت زعفرانکاران فردوس خریداری شده و از سال ۱۳۷۰ شروع به کار کرده است. شرکت انارین در شهرک صنعتی فردوس قرار دارد.

۴- واحد یخسازی صدف (یخسازی شهرداری فردوس<sup>۲۷</sup>) با ظرفیت اسمی ۹۰۰ تن از سال ۱۳۴۷ مشغول کار بوده است. محل آن جنب کارخانه برق فردوس است. با دو واحد یخسازی دیگر نیز در این شهرستان موافقت اصولی به عمل آمده: یکی واحد یخسازی بین فردوس بشرویه به ظرفیت اسمی ۱۵۰۰ تن و دیگری واحد یخسازی سه قلعه به ظرفیت ۱۰ تن در روز.

۵- واحد تولیدی آرد چکشی با ظرفیت اسمی ۳۰۰۰ تن در شهر فردوس با پروانه بهره‌برداری از سال ۱۳۶۶ که هنوز افتتاح نشده است.

۶- شرکت تولید و خدمات فردوس- این کارخانه به تولید ماکارونی اختصاص دارد و به ظرفیت اسمی ۱۵۰۰ تن در سال ۶۷ موافقت اصولی آن اخذ شده است. محل این شرکت در خیابان رسالت و از سال ۱۳۷۰ شروع به کار کرده است.

### ج- صنایع شیمیایی و بهداشتی

شرکت فردوس ناب- این شرکت به تولید شامپو و مایع ظرفشویی اختصاص دارد. ظرفیت اسمی آن ۴۰۰ تن است. در سال ۱۳۶۵ موافقت اصولی آن اخذ شده است. محل این شرکت در شهرک صنعتی فردوس قرار دارد.

### د- صنایع چوب و سلولزی

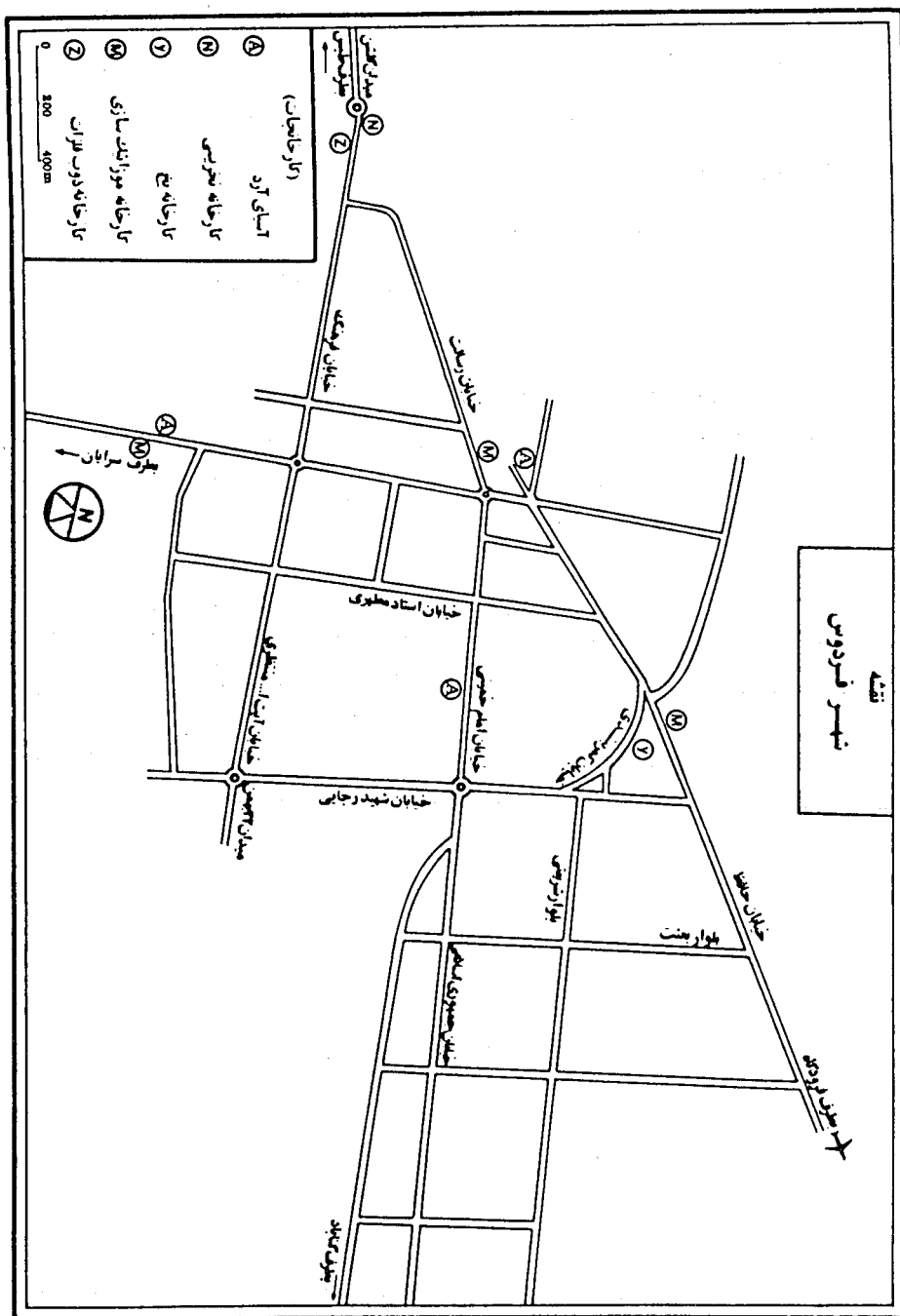
واحد تولیدی دفترچه سازی به ظرفیت اسمی ۲۰۰ تن، در ۲ کیلومتری جاده اسلامی جنب انبار جهاد سازندگی قرار دارد. پروانه تأسیس آن از سال ۱۳۶۷ می باشد.

### ه- صنایع کانی غیر فلزی

۱- واحد تولیدی فردوس بتن- تولید آن تیرچه به ظرفیت اسمی ۶۰۰۰۰ متر و بلوک ۱۸۰۰۰۰ عدد است. پروانه تأسیس از سال ۱۳۶۷ دارد. محل آن خیابان شهدا است.

۲- واحد تولیدی گچ تحریر- ظرفیت اسمی آن ۱۴۰۰۰۰۰۰ قالب و در سال ۱۳۶۶ با تأسیس آن موافقت اصولی شده است. محل کارخانه در شرکت صنعتی است.

۲۷- ظاهراً امتیاز آن همین اواخر به آقای ابوالقاسم خسروی واگذار شده است.



۳- شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان - این شرکت کانال پیش ساخته تولید خواهد کرد. ظرفیت اسمی آن ۱۰۰۰۰۰ متر طول است. با تأسیس آن در سال ۱۳۶۷ موافقت اصولی شده و محل آن در شهرک صنعتی در نظر گرفته شده است.

و- صنایع فلزی: واحد تولیدی قفل و لولای بادبزی جزو صنایع فلزی شهرستان فردوس است که در سال ۱۳۶۵ با تأسیس آن موافقت اصولی شده و محل آن شهرک صنعتی در نظر گرفته شده است. ظرفیت اسمی آن ۱۵۰۰۰۰ عدد می‌باشد.

اطلاعات بیشتری در مورد صنایع فوق الذکر شامل سرمایه‌گذاری و میزان اشتغال و مقدار زمینی که هر یک از این صنایع اشغال کرده است از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ به صورت جدول شماره (۴۵) تنظیم شده است.

جدول شماره ۴۵- توزیع صنایع مختلف در شهرستان فردوس از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸

| موافقت اصولی |                |              |        |      | پروانه تأسیس |              |                |              |        | پروانه بهره‌برداری |      |              |                |              |
|--------------|----------------|--------------|--------|------|--------------|--------------|----------------|--------------|--------|--------------------|------|--------------|----------------|--------------|
| تعداد پروانه | به میلیون ریال | سرمایه گذاری | اشتغال | زمین | زمین         | تعداد پروانه | به میلیون ریال | سرمایه گذاری | اشتغال | زمین               | زمین | تعداد پروانه | به میلیون ریال | سرمایه گذاری |
| ۱            | ۱۰۵/۳          | ۴۹           |        |      |              |              |                |              |        |                    |      | ۱            | ۸۲             | ۲۳           |
| ۳            | ۱۳۷/۳          | ۶۵           | ۴۵۰۰   | ۱۵۰۰ | ۱            | -            | ۴              | ۱۲۰۰         | ۳۰۰    |                    |      |              |                |              |
| ۱            | ۴۵/۷           | ۲۵           | ۲۵۰۰   | ۷۰۰  |              |              |                |              |        |                    |      |              |                |              |
| ۱            | ۴۳/۹۵          | ۱۵           | ۳۰۰۰   | ۶۰۰  |              |              |                |              |        |                    |      |              |                |              |
|              |                |              |        |      |              |              |                |              |        |                    |      |              |                |              |
|              |                |              |        |      |              |              |                |              |        |                    |      |              |                |              |
| ۳            | ۸۰۴/۷          | ۱۰۰          | ۱۰۲۰۰۰ | ۲۹۰۰ | ۱            | ۲۰           | ۱۲             | ۳۰۰۰         | ۱۰۰۰   |                    |      |              |                |              |

مأخذ: سیمای صنایع استان خراسان - مهرماه ۱۳۶۹

مقدار سرمایه‌گذاری در زمینه صنایع شهرستان فردوس و تعداد مجوزهای صنعتی و درجه اشتغالی که این صنایع ایجاد کرده‌اند از ماقبل سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ در جدول شماره ۴۶ آورده شده است:

جدول ۴۶- تعداد مجوزهای صنعتی و اشتغال و مبلغ سرمایه‌گذاری در شهرستان فردوس از ماقبل ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸

| سال              | ۱۳۵۷ | ۱۳۵۸ | ۱۳۵۹ | ۱۳۶۰ | ۱۳۶۱ | ۱۳۶۲ | ۱۳۶۳ | ۱۳۶۴  | ۱۳۶۵  | ۱۳۶۶ | ۱۳۶۷  | ۱۳۶۸ | جمع     | کل استان خراسان |
|------------------|------|------|------|------|------|------|------|-------|-------|------|-------|------|---------|-----------------|
| تعداد            | ۱    | ۰    | ۰    | ۱    | ۰    | ۰    | ۰    | ۲     | ۲     | ۱    | ۵     | ۱    | ۱۳      | ۱۱۶۰            |
| رمایه به یونریال | ۰    | ۰    | ۰    | ۸۲   | ۰    | ۰    | ۰    | ۱۰۵/۳ | ۸۹/۶۵ | ۲۴/۷ | ۵۵۱/۳ | ۴۰۰  | ۱۲۵۲/۹۵ | ۱۸۳۴۶۷/۰۷۷۲     |
| اشتغال           | ۴    | ۰    | ۰    | ۲۳   | ۰    | ۰    | ۰    | ۸۷    | ۴۰    | ۸    | ۸۸    | ۵۰   | ۳۰۰     | ۴۷۱۷۷           |

از مطالعه جدول شماره ۴۶ مشخص می‌گردد که تا قبل از سال ۱۳۶۳ سرمایه‌گذاری در بخش صنایع در شهرستان فردوس از اهمیت بسیار ناچیز برخوردار بوده است ولی بتدریج ما ناظر تأسیس واحدهای تولیدی در زمینه‌های مختلف هستیم. اما در مقایسه با کل استان خراسان و شهرستانهای دیگر استان این شهرستان در زمینه تولیدات صنعتی بسیار ضعیف بوده است. چنان‌که از مجموع ۱۱۶۰ پروانه موافقت اصولی یا تأسیس واحدهای صنعتی در استان خراسان فقط ۱۳ مجوز یعنی ۱/۱٪ شامل شهرستان فردوس می‌شود. در حالی که شهرستان مشهد ۶۸٪ کل مجوزهای صنعتی را شامل می‌گردد<sup>۲۸</sup>. بعد از مشهد شهرستانهای نیشابور و سبزوار و تربت حیدریه از نظر صنعتی دارای اهمیت هستند. و شهرستان فردوس از نظر تأسیس واحدهای صنعتی مقام دوازدهم را در استان دارد. بنابراین لازم است به این شهرستان که دارای استعدادهای بالقوه می‌باشد توجه بیشتری مبذول گردد. بخصوص که ایجاد واحدهای صنعتی عاملی در جهت بالا رفتن میزان اشتغال و موجب تشویق و دلگرمی اهالی و مانع مهاجرت آنان به شهرهای بزرگتر خواهد بود.

## فرجام سخن و چند پیشنهاد

در گذشته‌های دور اگر تون همانند بسیاری از نواحی حاشیه کویر، در چنگال قهر طبیعت عبوس گرفتار بود و مردمان صبور آن چاره‌ای جز تسلیم و رضا و توکل برخدای روزی‌رسان نداشتند. اما امروز بشر، حتی اهالی محروم تون سابق و فردوس کنونی، برغم طبیعت، بی‌آن که تکیه‌گاه توکل را بکلی از دست هشته باشند، بر سرنوشت خویش چیرگی یافته‌اند و می‌توانند شهر و دیار خود را چون نگینی در حاشیه کویر رخشان و آبادان کنند.

بخشی از این امکان البته در دستان توانای مردم این دیار است، که بخواهند و بکوشند هم نظر مسؤولان استان و مملکت را متوجه اهمیت مسأله بکنند و هم خود استوار در این راه گام بردارند که: «تانگرید طفل کی جوشد لب؟» و بخش عمده کار بدون شک می‌ماند بر عهده مقامات استان و مملکت.

مردم چه می‌توانند بکنند؟ خیلی کارها: آنها که فکری و ایده‌ای دارند آن را صمیمانه برای بهبود وضعیت دانش و فرهنگ و اقتصاد منطقه به کار اندازند، با دادن طرح و پیشنهاد و دست‌کم ارائه طریق به مسؤولان محلی و سطوح بالاتر. آنها که سرمایه‌ای دارند روی هم بگذارند و در مسیر تولید و اشتغال‌زایی با تشکیل شرکتهای تولیدی متناسب با احتیاجات محلی و تأسیس کارخانه‌هایی که بتواند از نظر تأمین نیروی انسانی (متخصص و غیرمتخصص) و مواد اولیه کمتر به خارج از منطقه نیازمند باشد، و از آن استفاده کنند و آنها که هیچکدام را ندارند نیروی خدا داد را در خدمت به خلق خدا به کار گیرند و در برنامه‌های توسعه‌ای که از طرف دو گروه قبلی

پیشنهاد و اجرا می‌شود مشارکت ورزند. سنت وقف در فردوس پیشینه‌ای دراز داشته است، به نظر می‌رسد که بعد از زلزله و در ساخت جدید شهر و در برابر فرهنگ نوین، این سنت رو به فراموشی گذاشته است.

در فردوس نسل نیکوکاری، که با این سنت دیرینه الهی انس داشتند و از منافع اجتماعی و انسانی آن برخوردار بودند، هنوز منقرض نشده است. انتظار می‌رود که این نسل نیکوکار بخشی از اموالی را، که خداوند برغم آن همه محرومیت منطقه به آنان ارزانی داشته است، برای کارهای عام‌المنفعه و راه‌اندازی مراکز و نهادهای مردمی وقف کنند.

تأسیس مدرسه، کتابخانه عمومی، بیمارستان، خانه بهداشت روستایی، ایجاد راه، ساختن هتل و مهمانسرا، ایجاد کارخانه و تخصیص عواید آن به ایتام و مساکین و ابن السبیل و حاشیه‌نشینان شهر، راه‌اندازی پارک عمومی و فضای سبز و اختصاص درآمد حاصل از فروش محصولات فلان زمین و آب برای نگهداری و توسعه آن، نمونه‌های اندکی است از موارد استفاده از سنت وقف که می‌تواند موجب رونق حیات فرهنگی و اجتماعی در آن دیار باشد. در دامن يك نظام اسلامی، دیگر مسائل و اقدامات مذهبی به تأسیس مساجد و تکایا و برپایی مجالس سینه‌زنی و روضه‌خوانی - که بجای خود و در حد خود لازم است - منحصر نمی‌ماند، بلکه هر قدمی که نتایج آن عاید مردم بشود و کمکی باشد در رفع مشکلی از مشکلات جامعه و دولت، عین دیانت و در مسیر خواست خداوند است. این کاری است که مردم می‌توانند بکنند و اگر مطمئن باشند که نتایج آن عاید شهر و دیارشان می‌شود، می‌کنند.

در این راه وظیفه اصلی اما همچنان بردوش دولت است و برعهده مسؤولانی که در راه تحقق هدفهای دولت می‌کوشند، چرا که برنامه‌ریزی و هماهنگی و سرمایه‌گذاری کلان در اختیار و در حوزه اقتدار دولت است و مردم اگر قدمی هم بردارند، نمی‌توانند جز با هماهنگی دولت و با هدایت دولتیان صورت پذیرد. با توجه به مطالعات انجام شده در این پژوهش و هماهنگی با مؤولان محلی شهرستان و از آن جمله فرمانداری فردوس، پیشنهاد به دولت و مسؤولان اجرایی استان را در چند مورد زیر می‌توان خلاصه کرد:

## الف - در زمینه کشاورزی

کشاورزی هنوز هم در شهرستان فردوس در حکم اقتصاد پایه است و باید بیشترین توجه را به این امر معطوف داشت. عمده‌ترین مانع بر سر راه توسعه کشاورزی مسأله کمبود آب است که به شرایط طبیعی منطقه باز می‌گردد. با گسترش استفاده از موتور آب اکثر قناتهای منطقه خشکیده و یا آب‌دهی آن به حداقل رسیده است. اگر بتوان برای احیای قنات، که قرن‌ها بر سینه خشک کویر سرسبزی و حیات جاری کرده است، چاره‌ای اندیشید، البته که استمرار ستهای آبرسانی کویری را هم به دنبال خواهد داشت، اما اگر احیای قنات مقرون به صرفه نباشد مهمترین پیشنهاد برای استفاده بهینه از منابع آب تحت الارضی، ایجاد سد های خاکی و احیای سنت بندسارهاست که آب حاصل از بارانهای سیلابی بهاره را به این ترتیب مهار کنند تا ضمن استفاده موقت از این بندسارها در فصل بهار و تابستان تزریقی باشد برای منابع آب زیرزمینی.

دامپروری منطقه هم به لحاظ کمبود مراتع، به نسبت دام موجود، با مشکل مواجه است<sup>۱</sup>. بنابراین امکان گسترش کمی دام در حال حاضر بکلی متفی است. کاری که می‌شود کرد گسترش کیفی وضعیت دامداری فردوس است از طریق اقداماتی نظیر اصلاح نژاد، بهبود روشهای پرورش و نگهداری و بهداشت دام.

در زمینه زنبورداری و پرورش زنبور عسل شهرستان فردوس امکاناتی دارد که با نظارت و توجه و هدایت لازم می‌توان از این امکانات بوجه احسن استفاده کرد. نوغان‌داری از گذشته‌های دور در این شهرستان رواج داشته و خوشبختانه در سالهای اخیر رو به پیشرفت و گسترش بوده است<sup>۲</sup>، با این حال هنوز هم امکان گسترش توتستانها و بسط و توسعه آن موجود

۱ - مطابق آخرین آمار، حدود ۴۰۰ هزار رأس دام در شهرستان فردوس موجود است، و حال آن که وسعت مراتع آن حدود ۳۴۰ هزار هکتار است، که اکثر جزء مراتع درجه سه است، بنابراین تعداد دام تقریباً دو برابر گنجایش واقعی این مراتع است.

۲ - در شهرستان فردوس در سال ۱۳۷۱ تعداد ۱۳۵۰ خانوار در ۴۰ هکتار توتستان به نوغان داری اشتغال داشته‌اند و مقدار ۱۳۰۹ جعبه تخم نوغان میان آنها توزیع شده است. ابریشم حاصله از پيله‌های این منطقه بنابر نظر کارشناسان ژاپنی جزو بهترین و مرغوبترین نوع ابریشم جهان است.

است که با هدایت و سرمایه‌گذاری لازم می‌توان به آن نزدیک شد.

### ب- صنعت و معدن

منطقه فردوس به لحاظ پاره‌ای تولیدات کشاورزی و نیروی کار نسبتاً ارزان، از لحاظ گسترش و توسعه واحدهای صنعتی استعداد خاصی دارد، اما متأسفانه از مجموع ۱۱۶۰ پروانه موافقت اصولی یا تأسیس واحدهای صنعتی استان خراسان تنها ۱۳ مجوز یعنی در حدود یک درصد (۱٪) آن به شهرستان فردوس تعلق داشته است.

موافقت با تأسیس واحدهای صنعتی کوچک در زمینه نساجی، صنایع غذایی و غیره، می‌تواند میزان اشتغال منطقه را بالا ببرد و موجبات دلگرمی و اسکان اهالی را، که آماده مهاجرت به مراکز صنعتی و شهرهای بزرگترند، فراهم آورد.

در ناحیه فردوس معادن گچ و بخصوص بتونیت موجود و میزان آن چشمگیر است. بسیار بجاست که دولت در مورد شناسایی بیشتر و اکتشاف و بهره‌برداری از این معادن اقدامات لازم را به عمل آورد.

توسعه صنایع دستی محلی بویژه قالی و گلیم که در منطقه سابقه‌ای دیرینه دارد تحت حمایت دولت و ارگانهای رسمی، توقع دیگری است که برای بالا بردن اقتصاد شهرستان و حتی استان ضرورت دارد. در این مورد بویژه از زیانهای تحصیلی دختران و محرومیت‌های اجتماعی آنان نمی‌توان غافل ماند و لازم است با چاره‌اندیشی این مشکل نیز از سر راه برداشته شود.

### ج- راهها و ارتباطات

فردوس در مسیر جاده اصلی مشهد به شهرها و بنادر جنوبی ایران قرار گرفته است همه ساله صدها هزار زائر و مسافر از شهرهای مرکزی و جنوبی ایران و با استفاده از جاده‌های ارتباطی این شهرستان به مشهد رفت و آمد می‌کنند و میلیون‌ها تن کالا از شهرهای مرکزی و بنادر جنوبی بویژه بندرعباس از همین مسیر به خراسان شمالی منتقل می‌شود. بنابراین جاده کنونی فردوس مخصوصاً مسیر فردوس به گناباد و راه کلات با آن گردنه‌های برفگیر و خطرآفرین برای این ارتباطات دائمی کفایت نمی‌کند.

پیشنهاد می‌شود به عنوان يك راه‌حل موقتی و آنی نسبت به تعریض و اسفالت جاده فردوس - بجستان اقدام لازم و عاجل به عمل آید. البته راه حل اساسی تسریع در تکمیل و راه‌اندازی راه‌آهن مشهد - جنوب از طریق این شهرستان و احداث فرودگاه است، که اهالی منطقه به عنوان توقعی بجا آن را در آینده‌ای نه چندان دور چشم می‌دارند. بدی راه و نبودن ارتباطات لازم در این شهرستان، حتی به جلب پزشک، امکانات بهداشتی، استادان و دانشجویان دانشگاه‌های آزاد و پیام نور، که در این شهرستان افتتاح شده، آسیب رسانیده است. توسعه راه‌های روستایی و ایجاد تسهیلات رفت و آمد و مخابرات در کنار حمایت‌های دیگر از قبیل بهداشت، آموزش و پرورش و ایجاد درآمد، موجبات دلگرمی و اسکان روستاییان را در مناطق روستایی فراهم می‌آورد.

### د- توریسم و امکانات رفاهی

نظر به این که فاصله فردوس تا طبس و بخصوص کرمان بسیار زیاد است، تمام زائران و مسافرانی که از جنوب عازم مشهد هستند در فردوس به امکانات رفاهی از قبیل مهمانخانه، هتل و زائرسرا احتیاج پیدا می‌کنند. ایجاد زائرسرا، هتل و مهمانپذیر، غذاخوری، رستوران و گسترش پمپ‌بنزین می‌تواند موجب جلب رضایت و توقف مسافران و در نتیجه رونق اقتصادی شهر باشد.

وجود چشمه آب معدنی معروف به «آبگرم» در بیست کیلومتری جاده فردوس - بجستان می‌تواند عامل دیگری باشد برای جلب نظر و در نتیجه سکونت موقتی مسافران و همچنین جذب زائران و بیماران جلدی از سایر شهرستانهای کشور، مشروط به این که به وضع بهداشت «آبگرم» بیشتر رسیدگی شود و با ایجاد زائرسرا، غذاخوری، فروشگاه لوازم اولیه و مواد غذایی، ایجاد پارک و زمین بازی و تفریح و حتی سینما موجبات جلب هر چه بیشتر مسافران و زائران فراهم آید.

مشکل سوخت بویژه در زمستانهای سرد کویر همیشه برای این شهر مسأله ساز بوده است. امروز یا فردا باید همه شهرهای کشور از گاز لوله‌کشی استفاده کنند. تسریع در این امر و اختصاص يك خط لوله‌گاز برای شهرهای جنوب خراسان بسیاری از دشواریها را از پیش پای آنان برخواهد داشت.

برای خود شهرستان هم امکانات تفریحی و رفاهی لازم فراهم نیست. بسیار بجاست که مقامات محلی شهرستان برای ایجاد فضای سبز درون محله‌ای، پارکهای تفریحی، سینما، استخرشنا، میدین و کلوپهای ورزشی و تفریحات سالم برای پرکردن اوقات فراغت اهالی و بویژه جوانان بکوشند و تا انحراف و اعتیاد و مفسد ناشی از بیکاری و کمبود وسایل تفریح و سرگرمی سالم به سراغ جوانان نیامده‌است، راه را بر ورود آن ببندند. همین‌گونه امکانات در مقیاس محدودتر برای روستاها ضرورت دارد به اضافه پاره‌ای کوششهای خاص مناطق روستایی از قبیل احیا و ایجاد جنگلهای مصنوعی در اطراف روستاهای مناطق کوهپایه با استفاده از بوته‌ها و درختچه‌های محلی نظیر پسته کوهی (بَنه)، بادامشک و ایجاد جنگلهای مصنوعی تاغ در مناطق کویری دشت برای جلوگیری از گسترش کویر و پیشروی شنهای روان و مراقبت از این‌گونه جنگلها و اعلام مناطق قرق.

لازم است شهرداری به مسأله ایجاد میدان تره‌بار و طرح بازارهای روز و هفتگی برای عرضه مستقیم و بدون واسطه تولیدات و کالاهای محلی بیندیشد. همین کار در مقیاسی محدودتر در مجتمعهای روستایی، یا به صورت نوبتی هر هفته در یک روستا ضرورت دارد و از مراجعه مکرر و بی‌مورد روستاییان به شهر می‌کاهد.

\*\*\*

فردوس شهر خوبی است، نه به این دلیل که زادگاه ماست، به دلیل آن که مردمانش خوبند، فرهنگشان هنوز هم بکر و دست نخورده‌است. زحمت می‌کشند همه فشارها را تحمل می‌کنند، نه از زلزله و قهر طبیعت روی درهم می‌کشند و نه ستم تاریخ می‌تواند پشت آنان را بخماند. روزی خویش را از چنگال طبیعت با کوشش بی‌اندازه، در می‌آورند و خدای خویش را از بن دندان سپاسگزارند، به جایی و کسی آسیب نمی‌رسانند که هیچ، یاور و مددکار حق شناسان و حقگزاران هم تا حد توان خویش هستند. استعدادهای درخشان و بالا در زمینه‌های علمی و فکری در این منطقه کم نیست. آب نمی‌بینند و گر نه همه آنها شناگرند؛ با وجود کمبود یا حتی فقدان امکانات گلیم خویش و دیگران را از آب می‌کشند و آنگاه که توانستند برای مملکت خویش مصدر خدمات ارزنده می‌شوند؛ به راه خویش می‌روند و سر به دیانت و اعتقاد گرم می‌دارند. پس اگر این مقدار امکانات ناچیز - که

شمه‌ای از آن را در همین صفحات دیدیم - از آنها دریغ داشته شود، این نه خشنودی خدای آنان را در پی خواهد داشت و نه رضایت خلق خدای را؛ ما گفتیم و نوشتیم تا دست کم، اگر برآورده نشود، در این صفحات بماند، و ما علی الرسول الالبلاغ المبین.

یا حقی - بوذرجمهری

## کتابنامه

- آذربيگدلي، آتشکده، به کوشش، دکتر سيد حسن سادات ناصري، اميرکبير، تهران ۱۳۳۶، ۳ ج.
- آذربيگدلي، آتشکده، به کوشش دکتر سيد جعفر شهيدی، نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۷.
- آذري دميرچي، علاءالدين، «جغرافياي تاريخي فردوس»، هنر و مردم، مردادماه ۱۳۵۰، ص ۴۲.
- آريان، عليرضا، پژوهشي در شناخت باغهاي ايراني و باغهاي تاريخي شيراز، فرهنگسرا، تهران ۱۳۶۵.
- ابن اثير، الكامل في التاريخ، الجزء الثالث، قاهره، ۱۳۰۱ هـ.
- اداره جغرافيايي ارتش، فرهنگ جغرافيايي ايران، جلد نهم، استان خراسان، تهران ۱۳۲۹.
- اداره کل صنايع خراسان، سيمای صنايع خراسان تا پايان سال ۱۳۶۸، مهرماه ۱۳۶۹.
- اداره کل منابع طبيعي استان خراسان، عملکرد طرحهاي عمراني سال ۱۳۶۷، مهرماه ۱۳۶۸.
- ارمغاني، احمد، فردوس در گذرگاه تاريخ، متن تايپ شده، از انتشارات کتابخانه عمومي فرهنگ و ارشاد اسلامي فردوس، ۱۳۶۶.
- استادي، رضا، فهرست نسخه هاي خطي کتابخانه مسجد اعظم قم (۳۹۵۵) نسخه قم، کتابخانه مسجد اعظم ۱۳۶۵.
- استانداري خراسان، کارنامه خدمات دولت در استان خراسان، سال ۱۳۶۶.
- استرآبادي، ميرزا مهدي خان، تاريخ جهانگشاي نادري، به اهتمام سيد عبدالله انوار، انجمن آثار ملي، تهران ۱۳۴۱.
- اسکندر بيک ترکمان، عالم آرای عباسي، اميرکبير، تهران ۱۳۵۰.
- اشرف، احمد، جامعه و اقتصاد در سکونتگاه فردوس، مؤسسه مطالعات و تحقيقات اجتماعي، ۱۳۴۷.
- (متن تايپ شده).

- «ویژگیهای تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، ش ۴ (تیرماه ۱۳۵۳) ص ۷ به بعد.

اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، به کوشش دکتر محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۴.

اعضای هیأت علمی دانشکده کشاورزی، گزارشی راجع به کشاورزی استان خراسان، دانشگاه مشهد، فروردین ۱۳۶۸.

افضل الملك، غلامحسین خان، سفرنامه خراسان و کرمان، به اهتمام قدرت الله روشنی (زعفرانلو)، انتشارات توس، تهران (بی تا).

افوشته ای نظنری، محمود بن هدایه الله، نقاوة الآثار فی ذکر الاخبار، به اهتمام دکتر احسان اشراقی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۰.

اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، ج ۳، امیرکبیر، تهران ۱۳۴۷.  
اقلیدی، احمد، «محل حوادث داستان فرود»، فرهنگ، کتاب هفتم (پاییز ۱۳۶۹) ص ۳۰۹-۳۰۳.  
اوحدی، تقی الدین، عرفات العاشقین، نسخه عکسی بانکی پور.  
ایران شهر، ش ۱۰، ص ۶۱۸.

ایمان، رحیم علی خان، تذکره منتخب اللطائف، با مقدمه دکتر تاراچند، به اهتمام محمدرضا جلالی نائینی، تابان، تهران ۱۳۴۹.

بارتولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، ج ۲، توس، تهران ۱۳۵۸.  
باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، خاتون هفت قلعه، دهخدا، تهران ۱۳۴۴.

بریون، مارسل، منم تیمور جهانگشا، ترجمه ذبیح الله منصوری، مستوفی، تهران، بی تا.  
بیهقی، ابوالفضل، محمد بن حسین، تاریخ بیهقی، به تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، ج ۲، انتشارات دانشگاه مشهد، مشهد ۱۳۵۶.

پاپلی یزدی، دکتر محمد حسین، فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۷.

بطروشفسکی، ایلیا پولویچ، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، ج ۴، پیام، تهران ۱۳۵۴.

پورداوود، ابراهیم، آنهایتا یا پنجاه گفتار، به کوشش مرتضی گرچی، تهران ۱۳۴۳.

پیرنیا، حسن (مشیرالدوله)، ایران باستان، سازمان کتابهای جیبی، چ سوم، تهران ۱۳۴۲. ده جلد.

- تابنده، سلطان حسین، تاریخ و جغرافی گناباد، تهران ۱۳۴۸.
- تنکابنی، محمود بن سلیمان، قصص العلماء، چاپ تبریز.
- توسعه اقتصادی استان خراسان. منطقه ۴ فردوس، گناباد، ج ۱، گزارش ستکوپ همکاری مهندسين مشاور پارتیا، خرداد ۱۳۵۱.
- تهرانی، محمد شفیع، تاریخ نادرشاهی، نادرنامه، به اهتمام رضاشعبانی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۹.
- ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک، بیتة الذہر فی محاسن اهل العصر، بتحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره [بی تا]، الجزء الرابع.
- جعفرپور، اقلیم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۶۷.
- جوینی، عطاءملک، تاریخ جهانگشای، به سعی و اهتمام محمدقزوینی، لیدن، ۱۹۳۷، ج ۳.
- جهاد سازندگی، آمارگیری روستایی جهاد سازندگی، آبان ۱۳۶۰، استان خراسان، ج ۳، فرهنگ اقتصادی.
- جهانی، بهمن، سیمای شهر فردوس، رساله پایان تحصیلی رشته جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مشهد.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، بهنشر، تهران ۱۳۶۸.
- حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، قسمت ربع خراسان، هرات، به کوشش مایل هروی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۹.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۰.
- حسن خان، سید محمد صدیق، شمع انجمن، هند ۱۲۹۳.
- خاکهای بخش فردوس، گزارش ستکوپ، منطقه شماره ۴، فردوس، گناباد، خرداد ۱۳۵۱.
- خانلر خان، سفرنامه میرزا خانلر خان اعتصام الملک، به کوشش منوچهر محمودی، تهران، بی تا.
- خدابنده لو، محمد ابراهیم، «روزنامه سفر خراسان و سیستان»، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۲، ص ۱۲۷.
- خلف تبریزی، محمد حسین، برهان قاطع، با حواشی و تعلیقات دکتر محمد معین، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۱، ج ۵.

خوافی، احمد بن جلال الدین محمد، مُجْمَل فصیحی، به تصحیح محمود فرّخ، کتابفروشی باستان، مشهد ۱۳۳۹.

خوانساری، روضات الجنات، ترجمه محمد باقر ساعدی، اسلامیه، تهران ۱۳۶۰.

خواوندشاه، میر محمد سید برهان الدین، تاریخ روضه الصفا، کتابفروشی خیام، تهران ۱۳۳۹، ۱۰ ج.

خیام پور، عبدالرسول، فرهنگ سخنوان، تهران ۱۳۴۳.

دانشگاه تهران، اطلس اقلیمی ایران، مؤسسه جغرافیا.

دایره جغرافیایی ارتش، فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۹، ۱۳۳۶.

دیوان بیگی، حدیقه الشعراء، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات زرین، تهران ۱۳۶۴، ۳ ج.

رازی، امین احمد، هفت اقلیم، به کوشش جواد فاضل، انتشارات علمی، تهران ۱۳۴۰.

رزم آرا، علی، جغرافیای نظامی خراسان جنوبی، ۱۳۳۵.

روملو، حسن بیک، احسن التواریخ، به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات بابک، تهران ۱۳۵۷.

زمجی اسفزاری، معین الدین محمد، روضات الجنات فی اوصاف مدینه الهرات، با تصحیح و حواشی سید محمد کاظم امام، تهران ۱۳۳۸.

سازمان برنامه و بودجه استان خراسان، گزارش وضع موجود استان خراسان.

سالنامه هواشناسی کل کشور، ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۵.

سالنامه هواشناسی کل کشور، ۱۹۸۳.

سام میرزا، تذکره تحفه سامی، به تصحیح و مقدمه رکن الدین همایون فرّخ، تهران (بی تا).

سامی، شمس الدین، قاموس الاعلام، استانبول ۱۳۱۶-۱۳۰۶.

سایکس، سرپرسی، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس، یا ده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، ج ۲، تهران ۱۳۳۶.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ۱۳۴۵، شهرستان فردوس، ج ۱۱۱.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مهرماه ۱۳۶۵، شهرستان فردوس.

صبا، روز روشن، بهوپال ۱۲۹۸.

صنیع الدوله، محمد حسن خان، مرآت البلدان، به کوشش پرتونوری، علاء و محمد علی سپانلو، ج ۱، نشر اسناد، تهران ۱۳۶۴.

- صنیع الدوله، مطلع الشمس، تهران ۱۳۰۳ - ۱۳۰۱ ق.
- علیزاده، دکتر اسین، اصول هیدرولوژی کاربردی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۷.
- فردوس در آینه آمار، سال ۱۳۶۹.
- فرمانداری فردوس، شناسنامه فردوس.
- فلور، ویلم، برافادن صفویان، برآمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سرّی، ج ۱، توس، تهران ۱۳۶۵.
- قاطعی هروی، مجمع الشعرای جهانگیرشاهی، به تصحیح دکتر محمد سلیم اختر، کراچی ۱۹۷۹.
- گزارش کشاورزی استان خراسان، فروردین ۱۳۶۸.
- گلچین معانی، احمد، تاریخ نذکره‌های فارسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۰، ج ۲.
- گلچین معانی، احمد، مکتب وقوع در شعر فارسی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۸.
- گنجی، دکتر محمدحسن، نقشه تقسیمات اقلیمی ایران.
- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۳۷.
- لویس، برنارد، فدائیان اسماعیلی، ترجمه فریدون بدره‌ای، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۸.
- محمدبن منور، اسرارالتوحید، به تصحیح دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، آگاه، تهران ۱۳۶۶، دوبخش.
- محمدحسن خان، سیدعلی، صبح گلشن، چاپ هند، ۱۲۹۵.
- محمدکاظم، نامه عالم آرای نادری، چاپ عکسی، مسکو ۱۹۶۶.
- محیط طباطبایی، محمد، «در پیرامون تون و طبس»، مشکوة، ش ۲۱، (پاییز ۱۳۶۷) ص ۱۳۴.
- محمدبن نجیب بکران، جهان نامه، به کوشش دکتر محمدامین ریاحی، کتابخانه ابن سینا، تهران ۱۳۴۲.
- مدرس رضوی، محمدتقی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۴.
- مرعشی، محمود مرعشی، فهرست نسخه‌های خطی حضرت آیدالله مرعشی نجفی، نگارش احمد حسینی، قم ۱۳۵۴.
- مستوفی، حمداله، نزهة القلوب، به اهتمام محمد دبیرسیاقی، کتابخانه طهوری، تهران ۱۳۳۶.
- مستوفی، محمد مفید، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، کتابفروشی اسلامی، تهران ۱۳۴۰.
- معاونت برنامه‌ریزی و هماهنگی امور اجرایی استانداری خراسان، طرح مطالعاتی توسعه راه‌آهن در استان خراسان، دفتر هماهنگی امور طرحها، برنامه‌ها، گروه تقسیمات کشوری، ۱۳۶۷.

- معصوم علی شاه، طرائق الحقایق، به کوشش دکتر محمد جعفر محبوب، تهران ۱۳۴۵.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه دکتر علی نقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران ۱۳۶۱، دوبخش.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، لیدن ۱۹۰۶ م.
- مهاجر، علی اصغر، زیر آسمان کویر، سازمان کتابهای جیبی، تهران ۱۳۴۰.
- میداندار، علیرضا، اقتصاد کشاورزی اسلامی، رساله پایان تحصیلی رشته جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۱۳۶۹.
- ناصر خسرو، سفرنامه، به کوشش دکتر نادر وزین پور، ج ۸، کتابهای جیبی، تهران ۱۳۷۰.
- نتایج آمار نفوس و مسکن شهرستان فردوس، سال ۱۳۶۵.
- نثاری تونی، سرو و تدری، با مقدمه و تصحیح و تعلیق، دکتر محمد جعفر یاحقی، سروش، تهران ۱۳۶۸.
- نصرآبادی، محمد طاهر، تذکره شعرا، به کوشش وحید دستگردی، تهران ۱۳۱۷.
- نظری، علی اصغر، جغرافیای جمعیت ایران، آذرماه ۱۳۶۸.
- نفیسی، سعید، تاریخ نظام و نشر در ایران، فروغی تهران ۱۳۴۴.
- نقوی پاکباز، تاریخچه فردوس، مشهد، بی تا.
- نورالحسن، نگارستان سخن، چاپ هند ۱۲۹۳.
- نوغانی مقدم، احمد، «آثار تاریخی شهر فردوس»، مشکوة، ش ۱۷، (زمستان ۱۳۶۶) ص ۱۹۳-۱۸۵.
- «شهرستان فردوس»، راهی به روشنیها، سال اول، ش ۲، ص ۱۲۵-۱۳۵.
- «منابع آب و کشاورزی فردوس» راهی به روشنیها، ش ۱، ص ۱۲۸.
- نهاوندی، عبدالباقی، مآثر رحیمی، چاپ هند ۱۹۳۱-۱۹۲۴ م، ج ۳.
- وزارت معادن و فلزات، اداره کل معادن و فلزات استان خراسان، تهران ۱۳۶۶.
- وزارت نیرو، خلاصه ای از منابع و مسائل آب استان خراسان، ۱۳۶۵.
- ولایتی، دکتر سعدالله و توسلی، مهندس سعید، منابع و مسائل آب استان خراسان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۰.
- هاجسن، فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۳.

- هدایت، صادق، «شهرستانهای ایران»، مجله مهر، س ۷ (۱۳۲۱)، ش ۱-۳.
- هدین، سوین، کویرهای ایران، ترجمه پرویز رجبی، انتشارات توکا، تهران ۱۳۵۶.
- یاحقی، محمدجعفر، «حیرتی تونی شاعر اهل بیت»، مشکوة، ش ۲۱ (زمستان ۱۳۶۷) ص ۱۱۷-۱۰۴.
- ، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، سروش و مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۹.
- یاقوت حموی، معجم البلدان، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹.
- برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمدپروین گنابادی، ج ۲، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۲.
- یحیی بن عبداللطیف، لب التواریخ، تهران ۱۳۱۴.
- یزدانی، لطف الله، جغرافیای تاریخی و محلی فردوس، رساله پایان تحصیل رشته جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، ۱۳۵۰.
- یشتها، گزارش ابراهیم پورداوود، به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی، ج سوم، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۶، ج ۲.



## فهرست راهنما

(نامها، جایها، کتابها، دودمانها و ...)

|                                                    |                               |
|----------------------------------------------------|-------------------------------|
| آسیای مرکزی ۱۱۴                                    | آب انبار ابوالفضل ۱۳۵         |
| آغامحمدخان ۶۴                                      | آب انبار استادعبدالله ۱۳۵     |
| آفتی تونی ۸۳                                       | آب انبار انقلاب اسلامی ۱۳۵    |
| آقابزرگ تهرانی ۷۸                                  | آب انبار پایین شهر ۱۳۵        |
| آلمانی ۶۷                                          | آب انبار جوگی ۱۳۵             |
| آمارگیری روستایی ۲۱۷                               | آب انبار حاجی ۱۳۵             |
| آناهیتا یا پنجاه گفتار ۱۶                          | آب انبار سادات ۱۳۵            |
| آویز ۶۱                                            | آب انبار سردشت ۱۳۵            |
| آهی تونی ۸۴                                        | آب انبار فاطمیه ۱۳۵           |
| آیتی ۸۴                                            | آبگرم ۲۳۴                     |
| آیسک ۳۳، ۵۹، ۶۴، ۱۰۳، ۱۳۳، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۹۴، ۲۰۳ | آتشکده (تذکره) ۸۴، ۸۷، ۹۲، ۹۲ |
| ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۹                                 | آخوند ملاکبر تونی ۳۳، ۷۳      |
| آینده ۹۰                                           | آذر (بیگدلی) ۸۴، ۸۷، ۹۲       |
| آیین اکبری ۸۸                                      | آذری دمیرچی، علاءالدین ۳۱     |
| آیین مهری ۲۱                                       | آریان، علیرضا ۱۶              |
| ابراهیم آباد ۱۶۹                                   | آریان، قمر ۸۷                 |
| ابراهیم التونی ۸۴                                  | آستان قدس رضوی ۶۴، ۸۷، ۹۵     |
|                                                    | آسیا ۱۷                       |

- ابراهیم بن اسحاق بن محمد التونی ۸۴  
 ابریشمی، رحمت الله ۹  
 ابن اثیر ۲۳  
 ابوالحسن تونی ۸۴  
 ابوالحسن سیمجور ۳۵  
 ابوسعیدنامه ۸۴  
 ابوطالب خان ۶۳  
 اثرکودهای شیمیایی و حیوانی بر تولید  
 برگ پیاز و وی زعفران ۲۰۸  
 احسن التقاسیم ۲۵، ۷۳  
 احسن التواریخ ۸۱  
 احسنی تونی ۸۴  
 احمد بن العباس التونی ۸۴  
 احمد بن جلال الدین محمد خوافی ۵۵  
 احمد بن محمد بن احمد التونی، ابو محمد  
 ۸۴  
 احمد بن محمد تونی ۸۵  
 احمد تونی ۸۵  
 احمد علی نوشتکین ۵۰  
 احمدی، ناصر ۱۶۶  
 احنف بن قیس ۲۳  
 احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی  
 ۵۳  
 اخگری، مهدی ۹  
 اخلاق ناصری ۵۳  
 اخی تونی ۸۵  
 ارسک ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۷۰، ۱۹۴، ۲۱۶،  
 ۲۱۷  
 اُرسها ۶۷  
 ارغون شاه ۵۵  
 ارمغانی، احمد ۵۳، ۵۵، ۶۴  
 اریحا ۳۴  
 ازغند ۶۱  
 اژدرکوه ۱۰۱  
 اساس اشتقاق فارسی ۱۵  
 اساگارتی به ۲۲  
 اسپاک ۱۰۳ ← اسفاک، اصفاک  
 اسپانیا ۱۳۲، ۲۰۹  
 استاجلو ۵۹، ۶۰، ۷۹  
 استادی، رضا ۸۶، ۸۹  
 استانبول ۹۱  
 استرآباد ۸۱  
 استعلامی ۸۴  
 اسرارالتوحید ۸۴  
 اسفاک ۲۱۶ ← اسپاک، اصفاک  
 اسکندر ۱۷، ۵۶  
 اسکندر بیک ترکمان ۵۸، ۵۹، ۶۱  
 اسلام ۱۵، ۲۲، ۴۹، ۵۵  
 اسلام در ایران ۲۸  
 اسلامی ۳۳، ۱۳۰  
 اسلامیه ۹۵، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۹،  
 ۱۹۶

- اسماعیل آباد ۱۰۳  
اسماعیل بن عبداللہ بن ابی سعد بن  
ابی الفضل التونی ۸۵  
اسماعیل بن محمد بن اسحاق الخطیبی، ابو  
عبداللہ ۸۴  
اسماعیل خان ۵۹، ۶۲  
اسماعیلی، اسماعیلیان ۱۴، ۵۱، ۵۲،  
۵۳، ۷۳، ۱۳۳  
اسماعیلیہ ۲۸، ۵۴، ۹۵، ۱۳۱  
اشراقی، احسان ۵۸  
اشرف، احمد ۱۷، ۲۶، ۱۳۳، ۱۵۰،  
۱۸۷، ۲۱۰  
اشکال العالم ۲۴  
اشکانی ۱۶  
اصطخری ۱۳۰  
اصفاک ۱۲۳ ← اسپاک  
اصفہان ۴۶، ۶۰، ۶۴  
اصول ہیدرولوژی کاربردی ۱۱۷  
اطلس اقلیمی ایران ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۱،  
۱۱۶  
اعتماد السلطنہ ۵۶، ۶۴  
اعراب ۲۲، ۶۴  
افاغنه ۶۳، ۶۲  
افتکین الخازن ۲۵  
افشار (قبیلہ) ۵۹، ۶۰  
افشار، ایرج ۳۵، ۶۲، ۶۶  
افشاریہ ۳۶  
افضل الملک ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰  
افقو ۱۰۳  
افوشته ای نظری، محمود بن ہدایت اللہ  
۵۸، ۶۰  
اقتصاد کشاورزی اسلامیہ ۱۹۵  
اقلید ۲۰  
اقلیدی، احمد ۲۰  
اقلیم شناسی ۱۱۱، ۱۱۸  
اقیانوس ہند ۱۱۲  
اکبر اوقلی، فرخانز ۱۰  
اللہ یاراغلان ۶۱، ۶۲  
الموت ۵۳  
امامزادہ ۲۲، ۴۴، ۷۱، ۷۲  
امام، سید محمد کاظم ۱۳۸  
امیر حمزہ خان استاجلو ۶۰  
امرو دکان ۱۰۳، ۱۰۴  
امیر آیفوت بیگ استاجلو ۷۹  
امیر عبداللہ تونی ۸۸  
امیر علم خان ۶۵  
امیر علی شیر نوایی ۸۸  
امیر قاین ۶۵  
امیر مطیعی ۸۵  
امین احمد رازی ۷۸، ۸۴  
انارستانک ۱۰۳  
انتشارات بابک ۸۱

۱۲۲، ۱۲۵، ۱۵۳، ۱۶۷، ۱۶۹،

۱۷۰، ۱۷۱، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۱۰،

۲۱۲، ۲۲۴

باغستان سفلی ۱۶۹

باغ علمی ۷۴

باقق ۱۳۶، ۱۳۷

الباقر ۶۹، ۷۰

بانکی پور ۷۹، ۳۵، ۹۵، ۱۲۰، ۱۲۲،

۱۳۷، ۲۳۴

بتکچی، محمد صالح ۸۱

البتول ۶۹، ۷۰

بخارا ۸۰، ۸۱

بخاری، سیدعلی حسین ۹۱

بدره‌ای، فریدون ۵۱، ۵۳

بدیع تونی، رشیدخان ۸۵

برافتادن صفویان و برآمدن محمود

افغان ۶۲

برجک ۱۰۳

برگزیده مشترک یاقوت حموی ۵۱،

۸۴

برناردلویس ۵۱

برون ۲۱، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۶۹، ۱۷۴،

۱۹۴، ۲۱۲

بریون، مارسل ۵۵

بزنگر ۱۰۳

بُستاق ۱۰۵

انتشارات توس ۳۷، ۶۲

انتشارات دانشگاه مشهد ۵۰

انتشارات علمی ۷۹

انشای لطیف ۹۲

انگلستان ۱۷۱

انگلیسی ۱۶، ۳۴

انوار، سید عبدالله ۶۳

انوشه، حسن ۵۴

اورنگ زیب ۸۵

اوزبکان ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱

اوزبکیه ۶۰، ۶۲

اوستایی ۱۵

اهلی ترشیزی ۸۲

ایتالیا ۲۰۹

ایران ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۳۴، ۵۴، ۲۰۹

ایران باستان ۱۷

ایرانی ۱۶

ایضاح الاصول فی شرح الفصول ۸۹

ایلخانان ۵۵

بابریان ۵۷

باخرز ۶۲

باداموک ۱۰۳

بارتولد ۱۴، ۱۳۱

باستانی پاریزی، محمدابراهیم ۲۲

باغ خان ۳۹، ۴۰

باغستان ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۴۶، ۱۰۳، ۱۰۵،

## بهارستان در تاریخ و تراجم و رجال

بشاد ۱۰۳، ۲۱۰

قائنات و قهستان ۸۴

بشرویه ۹، ۵۵، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵

بهجة المباحج ۸۳

۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳

بهشت آباد ۱۷۲، ۱۸۹

۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹

بهوپال ۷۸

۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۳

بیات، عبدالحسین ۸۲

۱۳۶، ۱۳۷، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۰

بیدسکان ۱۰۳

۱۷۶، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۰۳

بیرجند ۲۳، ۶۴، ۶۷، ۹۵، ۲۱۹

۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷

بیروت ۲۳، ۸۴

۲۲۰، ۲۲۱

بیهقی، ابوالفضل ۵۰، ۵۱

بخ ۲۱

پاپلی یزدی، دکتر محمدحسین ۹، ۹۵

بغداده ۲۱

پادشاه نامه ۸۹

بلاذری ۲۳

پارت، پارتها ۱۶، ۲۲

بلخ ۲۷، ۵۲

پارس ۲۱

بلده ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۷۱، ۷۴، ۱۲۱، ۱۹۵

پارسی، پارسیها ۱۵، ۲۲

بلوچ ۶۵، ۶۶

پاره تاگن ۱۷

بمبئی ۹۲

پایین شهر ۱۴۲

بند آخوند ۳۳

پروین گنابادی، محمد ۵۱، ۸۴

بندرعباس ۱۳۶، ۱۳۷، ۲۳۳

پژوهشی در شناخت باغهای ایرانی و

بنیاد فرهنگ ایران ۱۵، ۵۱، ۶۳، ۷۸

باغهای تاریخی شیراز ۱۶

بنیاد پژوهشهای اسلامی ۸۷، ۹۱، ۹۵

پساکوه ۹۵

بودایی ۱۷

پطروشفسکی ۲۸

بوذر جمهری، خدیجه ۱۰، ۲۳۶

پورداوود، ابراهیم ۱۶، ۱۷

بوقانونین ۵۳

پوزة راست ۱۲۰

بویل، جی.آ. ۵۴

پی تون ۱۷

بهادرخان ۷۰

پیران ویسه ۲۰

بهار ۸۵

- پیر محمد ۶۳  
 پیرنیا، حسن ۱۷  
 تابنده، سلطان حسین ۸۸، ۲۰  
 تابه آ ۱۵  
 تاتار ۴، ۲۹  
 تاج‌الدین تونی ۸۵  
 تاراجند ۷۸  
 تاریخ اجتماعی ایران ۶۵  
 تاریخ ادبیات در ایران ۸۹، ۸۷  
 تاریخ ایران کمبریج ۵۴  
 تاریخ بیهقی ۵۰  
 تاریخ تذکره‌های فارسی ۷۸، ۸۹  
 تاریخچه فردوس ۷۴، ۶۲، ۱۴  
 تاریخ جهانگشای نادری ۶۳  
 تاریخ روضه‌الصفا ۶۰، ۵۶، ۵۵  
 تاریخ مدارس ایران ۷۵  
 تاریخ مغول ۵۲  
 تاریخ منتظم ناصری ۶۴، ۵۶  
 تاریخ نادرشاهی، نادرنامه ۶۳  
 تاریخ نظم و نشر در ایران ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۸۹  
 تاریخ و جغرافی گناباد ۸۸، ۲۰  
 تالار ۱۴۲، ۴۴، ۴۳  
 تبریز ۸۸  
 تحفه سامی ۸۸، ۸۶، ۸۵، ۷۸، ۹۱  
 ۸۹، ۹۰، ۹۲  
 تحفه‌العشره ۹۰  
 تحقیقات جغرافیایی ۱۳۲  
 تخارستان ۲۷  
 تخت نادر ۶۴  
 تخت هلاکو ۵۴، ۴۳، ۳۶، ۲۹  
 تذرو ۸۰  
 تذکره تحفه سامی ۸۰  
 تذکره جغرافیای تاریخی ایران ۱۳۱  
 تذکره خیرالبیان ۸۶  
 تذکره شعرا ۷۸  
 تذکره منتخب اللطائف ۷۸  
 تذکره میخانه ۹۲  
 تذکره نصرآبادی ۹۲، ۹۰، ۸۸  
 تذکره‌الاولیا ۸۴  
 تربت حیدریه ۶۷، ۶۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۲۲۹  
 ترجمه مجالس‌النفائس ۸۸  
 ترشیز ۶۱، ۶۰، ۲۵، ۲۴  
 ترکان ۵۸، ۵۷  
 ترکمان، ترکمانان ۵۰، ۵۱، ۵۸، ۶۰، ۶۶، ۶۵  
 ترکمانیه ۶۶  
 ترکمن، ترکمنها ۶۵، ۳۴  
 ترگوبو، و. ۱۲۸  
 تسنن ۸۳، ۷۳  
 تفسیر روض الجنان ۹۱

- التقى ۶۹، ۷۰  
تقى الدين اوحدى ۷۸، ۷۹  
تقى الدين محمد ۸۰  
تکيه عنبرى ۱۴۱  
تکيه ميدان ۴۲  
تگ ماديان ۲۱  
تلمبه خالقي ۱۶۷  
تلمبه شيراز ۱۶۷  
تنکابنى ۸۸  
توس ۵۸ ← طوس  
توسعه اقتصادى استان خراسان  
۱۰۴  
توسلى، سعيد ۱۲۰  
تون ۸، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰،  
۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷،  
۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵،  
۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶،  
۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵،  
۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳،  
۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰،  
۷۱، ۷۲، ۷۷، ۸۰، ۸۳، ۹۵، ۱۳۰،  
۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۸،  
۱۵۰، ۱۵۱، ۱۷۱، ۱۸۵، ۱۹۶،  
۲۰۱، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۳۰  
تونق ۳۲  
تونقان ۳۲  
تونک ۳۲  
تونک شان ۳۲  
تونکين ۱۳، ۱۳۲  
تونى ۷۸  
تونى، سيد قنبر ۹۰  
تهران ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰،  
۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۳۷،  
۴۳، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۸،  
۶۲، ۶۳، ۶۵، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱،  
۸۴، ۸۵، ۸۷، ۹۱  
تيرماهى ۹۵  
تيمور ۵۵، ۵۶  
تيمورسلطان کنگرلو ۶۱  
ثامن الاثمه ۷۹  
ثعالبي نيشابورى ۲۵  
ثنائى تونى ۸۵  
جام ۶۳  
جامع مفيدى ۶۲  
جامعه و اقتصاد در سکونتگاه فردوس  
۱۳۳، ۱۵۰، ۱۸۷، ۲۱۰  
جريره ۱۹  
جستجو در احوال و آثار شيخ،  
فريدالدين عطار نيشابورى ۸۹  
جستجو در تصوف ۹۰  
جعفرپور، ابراهيم ۱۱۱  
جعفائى ۸۰

- جغرافیای تاریخی ایران ۱۴  
جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ۱۳  
جغرافیای تاریخی و محلی فردوس ۱۹۶  
جغرافیای جمعیت ایران ۱۸۱  
جغرافیای حافظ ابرو ۳۱  
جغرافیای نظامی خراسان جنوبی ۲۰۱  
جلال الدین امیربیک ۷۹  
جلالی نائینی، محمد رضا ۷۸  
جنابد ۲۵، ۶۵ ← گناباد  
جنگل ۶۵  
جهانگشا ۵۱، ۵۲  
جهان نامه ۱۴  
جیحون ۵۲، ۵۳  
جیهانی، ابوالقاسم بن احمد ۲۴  
چاه آهن ۱۰۱  
چاه هوش ۲۲۴  
چرمه ۹۵، ۱۰۳، ۱۶۵  
چنگیز خان ۵۲  
چین ۱۷، ۳۲، ۳۳  
چین چه ۱۲۰  
چینی ۱۷  
حاج خلفیه ۸۲  
حاجی آباد ۱۰۳  
حاجی علی کاشی ۷۱  
حاشیه بر شرح لمعه ۸۵  
حافظ ابرو ۳۱  
حبیب السیر ۹۱  
حبیب الله بن نورالدین محمد تونی ۸۶  
حبیب الله تونی طبسی ۸۶  
حدود العالم ۲۴  
حدیقه الشعراء ۸۷، ۹۱  
حزینی تونی ۸۶  
حسن آباد ۱۶۹  
حسن بن حسین ۸۳  
حسن بن نظام الدین تونی ۷۰  
حسن بیگ روملو ۸۱  
حسن تونی ۸۶  
حسنی ها ۶۵، ۶۷  
حسین ۸۰  
حسین آباد ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹  
حسین بن شجاع تونی ۸۶  
حسین خاله تونی ۸۶  
حشمة الدّوله ۶۶  
حکمت، علی اصغر ۷۲  
حمام جیار ۴۵  
حمام زال ۴۵  
حمام سردشت ۴۵  
حمام قلعه ۴۵  
حمام کُرخرمن ۴۵

- حَمَام کوشک ۴۵  
 حمدالله مستوفی ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۲۱۰  
 حواجه اسد ۵۵  
 حوض سیدی ۷۰، ۱۳۴، ۱۴۱  
 حیدر تونیایی ۸۶  
 حیرتی تونی ۸۰، ۸۲، ۸۳  
 خاتون هفت قلعه ۲۲  
 خالقی مطلق، دکتر جلال ۱۵  
 خال کود ۱۲۰  
 خانکوک ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹  
 ۱۷۴، ۱۹۴، ۲۱۶  
 خانیک شاه ۱۰۳  
 خاوری تونی ۸۶  
 خبیص ۱۳۱  
 خدا بنده لو، محمد ابراهیم ۳۵، ۶۶  
 ۶۷  
 خداوندی ۱۹۷  
 خراسان ۷، ۸، ۹، ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۴  
 ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۵۹  
 ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۹۵، ۱۱۴، ۱۱۶  
 ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲  
 ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۸۶، ۱۹۸، ۲۰۶  
 ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۲۸، ۲۳۳  
 خرو ۲۱، ۱۰۳  
 خسرو و شیرین ۸۲  
 خسروی، ابوالقاسم ۲۲۶  
 خصلی هروی تونی ۸۶  
 خضر خراسانی ۸۷  
 خطیب تونی، ابو حاتم محمد بن اسحاق ۸۴  
 خلاصه ای از منابع و مسائل آب استان خراسان ۱۰۴  
 خلاصه التواریخ ۸۱  
 خلف تبریزی ۱۶  
 خوارزم ۵۴  
 خوف ۵۲، ۶۲  
 خوفا ۵۶، ۸۵، ۹۰  
 خواندمیر ۹۱  
 خوانساری ۸۵، ۸۸  
 خواند شاه، میر محمد بن سید برهان الدین ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۰، ۶۳  
 خور ۲۵  
 خورزاد ۱۰۳  
 خوسف ۹۵، ۱۳۱  
 خوست ۲۵  
 خوشگو ۸۴  
 خیابان پهلوی ۴۳، ۱۵۱، ۱۵۳  
 خیابان رسالت ۲۲۶  
 خیابان سعد آباد ۴۳، ۱۵۳  
 خیام پور، عبدالرسول ۷۸، ۸۶، ۸۷  
 ۹۰  
 داراحیاء التراث العربی ۸۴

- داریوش ۱۷، ۲۲  
 دامادی، محمد ۸۴  
 دانش پژوه ۸۶، ۸۹، ۹۱  
 دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۱۰  
 دانشگاه تهران ۱۷، ۱۰۶  
 دانشگاه فردوسی ۱۰  
 دبیر سیاقی، محمد ۲۹  
 درخش ۶۰  
 دروازه سرخ کوه ۴۴  
 دروازه ملک ۴۴  
 دروازه سوق ۴۴  
 دروازه طبس ۴۴، ۱۳۴  
 دروازه قاینی (قاین) ۴۴، ۶۸  
 دروازه میدان ۴۴  
 درویش خلف بن علی میرانشاه ۶۹  
 درویش قاسم تونی ۹۰  
 درّه نادره ۶۳  
 دشت لوت ۹۵  
 دولداری، عبدالرحیم ۵۶  
 دهستان حومه ۲۱۶  
 دین محمد ۵۹، ۶۱  
 دیوان ابوطالب کلیم همدانی ۸۹  
 دیوان بیگی ۸۷، ۹۱  
 دیوان بیگی، جان محمد ۶۰  
 دیوان حیرتی ۸۲  
 دیوان کامل جامی ۹۱  
 دیه محمد ۵۶، ۶۴، ۱۰۱، ۱۲۳  
 الذریعه الى تصانیف الشیعه ۷۸  
 رازی ۸۶، ۸۷، ۹۱، ۹۲  
 راوندی، مرتضی ۶۵  
 راهی به روشنائیها ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۲۸  
 ربیعی خطیب فوشنج ۵۵  
 رجبی، پرویز ۱۴  
 رحمت آباد ۱۶۹  
 رحیم علیخان ایمان ۷۸، ۸۷  
 رزم آراء، علی ۲۰۱  
 رزمی، عبدالرحیم ۵۶  
 رساله ذهبیه ۸۸  
 رستم میرزا ۶۰  
 رشحات عین الحیوة ۹۱  
 رشیدالدین ۵۴  
 رضاشاه ۴۷  
 رضوانی، دکتر محمد اسماعیل ۵۶  
 الرضی ۶۹، ۷۰  
 رضی، هاشم ۹۱  
 رقه ۹، ۲۵، ۳۴، ۱۰۳، ۱۹۴، ۲۱۶  
 ۲۲۰، ۲۲۱، ۵۶  
 رودخانه ریسو ۱۲۳  
 رودخانه فتح آباد ۱۲۳  
 رودخانه قلعه وامقی ۱۲۳  
 روز روشن ۷۸، ۸۷  
 روسها ۶۷

- روسی ۶۷  
روشنی (زعفرانلو)، قدرت‌الله ۳۷،  
۱۳۴  
روضات الجنات ۸۵، ۸۸، ۱۳۸،  
۱۸۵  
روض الجنان و روح الجنان ۸۷  
روضۃ الاصول المفخریه فی  
شرح الفصول النصیریہ ۹۰  
روضۃ الصفا ۵۷، ۶۳، ۶۴  
روضۃ الصفا ناصر ۶۵  
ریاحی، دکتر محمد امین ۱۴، ۱۶  
ریاض الجنۃ ۷۸  
ریاضی زاوہ ای ۸۲  
زردشتی ۲۲، ۷۳  
زردکوه ۹۵  
زرین کوب، دکتر عبدالحسین ۹۰  
زمانی، عباس ۸۸  
زندیان ۶۴  
زنگویی ۶۴  
زنوزی ۷۸  
زید ۲۰  
زیر آسمان کویر ۴۳، ۱۳۴  
زیرک ۱۰۳  
زیرکوه ۶۵  
زین العابدین ۶۹، ۷۰  
ساحری تونی، محمد قاسم ۸۷  
سادات ۴۳، ۴۴  
سادات ناصری ۹۲  
ساسانی ۱۶، ۲۱، ۲۶  
ساعدی، محمد باقر ۸۵، ۸۸  
ساقی نامه ۹۱  
ساگارتی یا ۲۲  
سالنامه هواشناسی کل کشور ۱۰۷،  
۱۰۹  
سامانیان ۲۴  
سام میرزا ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۸۶،  
۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲  
سامی، شمس‌الدین ۹۱  
سایکس ۳۴، ۳۷، ۱۷۱  
سبزوار ۶۰، ۲۲۹  
السبتین ۶۹  
سبک شناسی ۸۵  
سپانلو، محمد علی ۳۲  
سپهسالار ۸۴  
ستوده، دکتر منوچهر ۲۴  
سرایان ۹، ۶۶، ۶۷، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۵،  
۱۳۳، ۱۳۸، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۶  
۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۳، ۲۰۳  
۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸  
۲۲۰، ۲۲۴  
سربداران ۵۵  
سرخ کوه ۲۲

- سردادور، حمزه ۱۴، ۱۳۱  
 سردار ارفع ۶۷  
 سردار مکرم ۶۷  
 سردهشت ۴۳، ۱۴۲  
 سرزمینهای خلافت شرقی ۲۳، ۱۷۱  
 سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۹۵، ۱۷۲  
 سرکار تون ۱۵۰  
 سُزُند ۱۲۵، ۱۶۹  
 سرو ۸۰  
 سرو و تَدرو ۷۸، ۷۹  
 سِرّی، ابوالقاسم ۶۲  
 سعادت نوری، حسین ۳۴، ۱۷۱  
 سعدآباد ۱۹۷  
 سعدی ۱۷  
 سعیدی رضوانی، دکتر عباس ۹  
 سفرنامه ۱۹، ۲۷  
 سفرنامه خراسان و کرمان ۳۷، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۷۱، ۲۰۱  
 سفرنامه سرپرسی سایکس ۳۴، ۱۷۱  
 سفرنامه میرزا خانلرخان  
 اعتصامالملک ۲۵۶  
 سفیدکوه ۹۵  
 سفینه خوشگو ۸۴  
 سلجوقی ۵۳  
 سلطان ابراهیم ۷۱  
 سلطان بهادرخان ۱۳۴  
 سلطان حسین ۵۸  
 سلطان علی خلیفه شاملو ۶۰، ۶۱  
 سلطان محمد ۷۱  
 سلوکیان ۲۲  
 سلیم اختر، دکتر محمد ۸۵  
 سلیمان خان ۵۸  
 سلیمان خلیفه ۵۸، ۶۰، ۶۱  
 سلیمی تونی ۸۷  
 سنجر ۵۱  
 سوندول بیگ ۷۲  
 سهراب ۵۸  
 سه قلعه ۶۷، ۱۶۵، ۱۹۴، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۰  
 سیاحتنامه ۳۳  
 سیاوش ۱۹  
 سیاه کوه ۹۵، ۱۲۳، ۱۶۵  
 سیری ۱۱۴  
 سیدبن طاهر بن یحیی ۷۰، ۱۳۴  
 سید علی محمد حسن خان ۸۳  
 سید محمد صدیق حسن خان ۹۲  
 سیستان ۳۴، ۳۵، ۶۵  
 سیستانیان ۵۲  
 سیمای صنایع استان خراسان ۲۲۵  
 شادکی ۱۹۷  
 شافی الاوجاع ۸۶

- شاملو ۶۰  
 شرکت توکل ۱۶۷  
 شاه اسماعیل صفوی ۷۱، ۷۲  
 شرکت مؤلفان و مترجمان ایران ۲۵  
 شاه بوداق ۵۸  
 شریف آباد ۱۶۷  
 شاهپور ۱۳  
 شش تو ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۲۲  
 شاه تهماسب ۷۷، ۸۱، ۸۲  
 شعبانی، رضا ۶۳  
 شاه تهماسب اول ۳۱، ۸۰، ۱۳۴  
 شعرالعجم ۸۸  
 شاه سلطان حسین ۷۲  
 شفیع کدکنی ۸۴  
 شاه صفی ۴۶  
 شمس الدین محمد نور کمال ۷۹  
 شاه عباس اول (کبیر) ۴۶، ۵۸، ۵۹  
 شمع انجمن ۹۲  
 شوراب ۲۲۲، ۲۲۳  
 شاهنامه ۱۹، ۲۰  
 شوری ۲۰۹  
 شاهنامه حیرتی ۸۲  
 شوقی جیجک تونی ۸۷  
 شاه و درویش ۷۹  
 شهر عمید ۳۱  
 شاهی ۱۳  
 شهباز ۱۳  
 شهید ثانی ۹۱  
 شبلی نعمانی ۸۸  
 شهیدی، دکتر سیدجعفر ۶۳، ۸۴، ۸۷  
 شتران کوه ۱۰۱  
 شتری ← کوه شتری  
 شیخ حسن جوری ۵۵  
 شرح الباب الحادی عشر ۹۱  
 شیخ محمود ۷۰، ۱۷  
 شرح سفر به ایالت خراسان و شمال  
 شیر احمد تونی، خواجه ۸۷  
 غربی افغانستان ۶۵، ۹۵، ۲۰۱  
 شیراز ۶۷  
 شرح لمعه ۹۱  
 شیعه گری ۸۲  
 شرف الدین ابو محمد عبدالمؤمن بن خلف  
 شیعی ۵۳، ۷۴، ۸۳  
 التونی ۸۹  
 شیعی سیزواری ۸۳  
 شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳  
 الصادق ۶۹، ۷۰  
 شرکت الیکا ۲۲۲  
 صادق، بهزاد ۲۰۸  
 شرکت بهنشر ۲۴  
 صارمی، اسماعیل ۷۹

|                                  |                                     |
|----------------------------------|-------------------------------------|
| صافی تونی ۸۸                     | طرجد ۲۱۶                            |
| صبا ۸۷، ۷۸                       | طرح توجیهی مرکز تحقیقات گیاهان      |
| صباح، حسن ۵۱                     | مناطق خشک ۲۰۸                       |
| صبح گلشن ۸۳، ۹۱، ۹۲              | طرح مطالعاتی توسعه راه آهن در استان |
| صفاء، دکتر ذبیح الله ۸۴، ۸۷، ۸۹  | خراسان ۱۳۶                          |
| صفاریان ۶۲                       | طوس ۱۹، ۵۲                          |
| صفوی، صفویان ۴۶، ۴۷، ۶۲، ۷۱      | طهماسب شاه ۷۰ ← شاه تهماسب          |
| ۱۳۳                              | طهوری ۲۱                            |
| صفویه ۳۶، ۵۸، ۱۳۹، ۱۵۰           | ظریفی تونی ۸۸                       |
| صنی قلی خان ۶۲                   | ظهر (در متن غلط چاپی است) ۱۰۳       |
| صنیع الدوله، محمد حسن خان ۳۱، ۳۲ | ظهر الدوله ۶۴                       |
| ۳۳، ۸۵، ۱۳۵، ۱۷۱                 | عالم آرای عباسی ۵۸، ۵۹، ۶۱          |
| صید محمد خان ۶۴                  | عباسیان ۵۳                          |
| طاهر آباد ۱۶۹                    | عبدالرحیم ۶۷                        |
| طبس ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۲۳       | عبدالعلی تونی ۸۸                    |
| ۲۴، ۳۲، ۳۹، ۴۰، ۴۶، ۵۸، ۵۹       | عبدالله خان اوزبک ۵۹، ۶۱، ۶۷        |
| ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۹۵       | عبدالمطلب خان لالویی ۶۳             |
| ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۳۲          | عبیر تونی ۸۹                        |
| ۱۳۶، ۱۳۷، ۲۲۳، ۲۳۴               | عراق ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۱۳۴            |
| طبس خرما ۲۳، ۲۵                  | عراق عجم ۶۰، ۶۳                     |
| طبس عتاب ۲۳، ۲۵                  | عربی ۱۶، ۸۹                         |
| طبس گلشن ۲۳، ۱۵۰                 | عرفات العاشقین ۷۸، ۷۹               |
| طبس گیلکی ۲۳                     | عرفان، محمود ۱۳                     |
| طبس مسینان (مسینا) ۲۳            | العسکری ۶۹، ۷۰                      |
| طبسین ۲۳                         | عشق آباد ۱۰۳                        |
| طرائق الحقایق ۴۲، ۴۲، ۷۴، ۹۰     | عطار ۸۴                             |

- عطار تونی ۸۹ غنی آباد ۲۱۶
- عطاملک جوینی ۵۱، ۲۸ غنی، دکتر قاسم ۷۹
- علاج الاسقام ودفع الآلام ۹۱ غوریان ۵۲
- علامی ۸۸ غیاث الدین ۵۷
- علاءالدین تونی ۷۴ غیاثی تونی ۸۹
- علاءالدین ملک علی بن محمد شفیع تونی ۹۱، ۸۹ فاختری رازی، ابوالمفاخر ۷۹
- علاءالملک تونی ۸۹ فارس ۵۷، ۵۶، ۲۰
- علی ۷۲، ۶۹ فاضل تونی ۹۰
- علی آباد ۱۹۷، ۲۲۳ فاضل، جواد ۷۸
- علی اکبر بن عبدالله تونی بشروی ۸۹ فاضل مطلق، دکتر محمود ۸۸، ۸۹
- علی بن ابی طالب ۸۱، ۸۲ فتح آباد ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۶۹
- علی بن عبدالسلام کاتب ۲۴ ۲۱۶
- علی بن موسی الرضا ۷۹ فتحعلی خان ۶۲، ۶۳
- علی بن نجم الدین تونی ۸۹ فخر داعی گیلانی ۸۸
- علی جمال ۱۹۴ فخری هراتی ۸۸
- علیزاده، دکتر امین ۱۱۷ فدائیان اسماعیلی ۵۱
- علی میرزا استاجلو ۵۸ فرامون داروغه تون ۵۶
- عمادالملک ۳۹، ۶۶، ۶۶ فرانسوی ۱۶
- عمرولیث صفاری ۲۶، ۳۶ فرانسه ۲۰۹
- عملکرد طرحهای عمرانی سال ۱۳۶۷ قرق، محمود ۵۵، ۸۴
- ۲۱۴ فردوس درآیینۀ آمار ۱۹۲، ۱۹۴
- عنبری ۴۳، ۴۴ فردوس درگذرگاه تاریخ ۵۳، ۶۴
- غزل سارغ ۵۱ فرقه اسماعیلیه ۵۳
- غلامحسین خان افضل الملک ۳۶، ۱۳۴ فرنگی ۳۲
- ۱۷۱ فرود ۱۹، ۲۰

فهرست نسخه‌های خطی الهیات مشهد

۹۱، ۹۰

فهرست نسخه‌های خطی انجمن شرقی

۸۵

فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۷۸

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه

دانشکده ادبیات مشهد ۸۶، ۸۸

۸۹

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه

دانشکده الهیات تهران ۸۹

فهرست نسخه‌های عکسی مرعشی

۸۹

فیاض، دکتر علی اکبر ۵۰

فیض آباد ۱۳۷

فیلیپ سوم ۱۳۲

قاجار، قاجاریان ۶۰، ۶۱، ۶۵

قاجاریه ۳۱، ۶۴، ۱۵۰

قاسم آباد ۱۲۴

قاضی احمد ۸۱

قاطعی هروی ۸۵

قال چهل دختر ۲۲

قاموس الاعلام ۹۱

قاهره ۲۵

قاین ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۵

۳۲، ۵۱، ۵۶، ۶۰، ۶۱، ۶۷، ۹۵

۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۷۱

فرهنگ ۲۰

فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور

۹۵

فرهنگ آبادیهای شهرستان فردوس

سال ۱۳۶۵ ۲۱۵

فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در

ادبیات فارسی ۷، ۱۶

فرهنگ ایران زمین ۳۵، ۶۶

فرهنگ جغرافیایی ایران ۴۲، ۱۳۴

فرهنگ سخنوران ۷۸، ۸۳، ۸۶، ۸۷

۹۰

فصیحی خوافی ۸۴، ۸۵

فکرت، محمد آصف ۸۵

فنون ۱۰۳

فهرست الفبایی کتب خطی ۸۵

فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه

تهران ۸۶، ۸۹، ۹۱

فهرست کتابخانه آستان قدس ۸۷

فهرست کتابخانه آیه الله مرعشی

۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۱

فهرست کتابخانه مسجد اعظم ۸۶

۸۹

فهرست گنج بخش ۹۲

فهرست نسخه‌های خطی آستان قدس

۸۸

- قاینات ۳۶، ۶۴، ۶۵  
قاینی، حسین ۵۱  
قبرستان خاموشی ۵۴ ← گورستان  
خاموشی  
قرآن مجید ۱۶، ۷۴  
قرانجیری ۱۲۳  
قراولخانه ۱۲۰  
قزلباش، قزلباشان ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳  
قزوین ۸۱  
قزوینی، محمد ۲۸  
قصص العلماء ۸۸  
قطب الدین بن حسن تونی ۹۰  
قطب الدین حیدر تونی ۹۰  
قطب الدین کیدری ۸۳  
قطبی تونی ۹۰  
قلعه دختر ۲۲، ۱۲۰  
قلعه کله کوب ۶۴  
قم ۸۵  
قنات سعدآباد ۱۹۶  
قندهار ۶۰  
قنوجی، حسین ۹۲  
قوری میرزا ۵۹  
قهرمان، محمد ۸۹  
قهستان ۱۳، ۱۴، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۱۳۰  
کاخک ۱۶۵  
کاروانسرای جوادى ۱۳۵  
کاروانسرای میدان ۱۳۵  
کاروان هند ۸۷، ۸۹  
کاشان ۶۵، ۸۰  
کاشمر ۱۰۱، ۲۲۳، ۲۲۳  
الکاظم ۶۹، ۷۰  
کاظمای تونی، حکیم ۹۰  
کال شور ۱۲۳، ۱۲۴  
کال نمک ۱۲۳  
الکامل فی التاریخ ۲۳  
کانون کارآموزی ۱۶۹  
کتاب پاژ ۹۲  
کتابخانه آستان قدس مشهد ۸۵  
کتابخانه ابن سینا ۱۴  
کتابخانه طهوری ۲۹  
کتابخانه عمومی فرهنگ و ارشاد اسلامی  
۵۳  
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۷۹  
کتبافروشی باستان ۵۵  
کتبافروشی خیام ۵۵  
کتبافروشی دهخدا ۲۲  
کتیب معجزات ۸۲  
کرات ۶۱  
کرمان ۳۶، ۳۷، ۵۰، ۵۹، ۵۹، ۶۴

|                                  |                         |
|----------------------------------|-------------------------|
| کوهستان ۱۳۱                      | ۲۳۴، ۱۳۱، ۱۳۱           |
| کوه سیاه ۱۰۶ ← سیاه کوه          | کُرُنْد ۲۱۶، ۱۰۳        |
| کوه شتری ۱۰۶                     | کری ۲۵، ۲۴              |
| کوه قاسم آباد ۱۲۳                | کریْت ۲۴                |
| کوه قراول خانه ۹۵                | کریمو ۱۲۸، ۱۰۳، ۱۰۱     |
| کوه قلعه ۹۵                      | کشاوَرز، کریم ۲۸        |
| کوه قلعه حسن آباد ۹۵             | کَشْمَان خداوندی ۱۶۷    |
| کوه کلات ۹۵، ۱۰۶                 | کَشْمَان نوقاب ۱۶۷      |
| کوههای شتری ۱۰۵، ۱۲۳             | کَفّه نادر ۶۴           |
| کوههای شوراب ۱۰۱                 | کلات ۲۳۳، ۲۰، ۱۹        |
| کوههای مصعبی ۹۵                  | کلات نادر ۲۰            |
| کویر لوت ۱۰۱                     | کلاته حسین ۱۰۳          |
| کویر نمک ۹۵، ۱۲۳، ۱۲۴            | کلالی، ژیلای ۱۰۳        |
| کویرهای ایران ۱۴                 | کندر ۲۴                 |
| کیخسرو ۱۸، ۱۹، ۲۰                | کنگره کوه ۱۰۴، ۱۲۰، ۱۹۶ |
| کیدبوقا ۵۲                       | کوچکی، دکتر عوض ۲۰۷     |
| گابریل، آلفونس ۱۳۲               | کوچه سعیدی ۱۵۰          |
| گذار، آندره ۷۲                   | کوچه عنبری ۱۴۱          |
| گزارش ستکوپ ۱۱۳، ۱۲۵             | کوکاایلکای ۵۲           |
| گزین ۶۷                          | کوه امروودکان ۹۵        |
| گستج ۱۰۳                         | کوهبنان ۱۳۱             |
| گلچین معانی، احمد ۷۸، ۸۲، ۸۷، ۸۹ | کوه تریخستان ۱۲۰        |
| گناباد ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۵، ۶۰، ۹۵    | کوه جمال ۱۲۳            |
| ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۳۶          | کوه خال ۱۲۳             |
| ۲۰۸، ۲۲۳، ۲۳۳                    | کوه درونه ۱۰۱           |
| گنجی، مرتضی ۱۶                   | کوه زول ۱۰۶             |

- گودرز ۲۰  
گورستان خاموشی ۵۵ ← قبرستان  
خاموشی  
گورکانیان ۵۵  
گوش کمر (کوه) ۱۲۳  
گوا ۱۳۲  
گیسور ۶۷  
گیلان ۵۹، ۸۱  
گیلکی ۱۸  
گیلکی بن محمد ۱۸  
لب التواریخ ۵۴، ۵۳  
لسترنج ۱۳، ۲۳، ۱۷۱  
لطائف الاخبار ۸۵  
لغت نامه ۸۹  
لکهنو ۹۱  
لندن ۳۴  
لوت ۱۰۵، ۱۰۶ ← کویر لوت  
لیدن ۲۸، ۷۳  
مآثر رحیمی ۸۶  
ماد، مادها ۱۷، ۲۱، ۲۲  
مادی کوه ۲۱  
مارکوپولو ۱۳، ۱۳۱، ۱۳۲  
مارکوه ۲۱  
ماوراءالنهر ۵۸، ۸۰  
مایل هروی ۳۱  
مباهج المهج ۸۳  
مبین، صادق ۱۲۸  
مجتمع فرهنگی امام ۱۵۹، ۱۶۴  
مجدی، محمد ۳۲، ۳۳  
مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه تهران ۹۰  
مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
مشهد ۸۷  
مجله مهر ۱۷  
مجمع الشعرای جهانگیر شاهی ۸۵  
مجمع الفصحاء ۸۷  
مجمعل فصیحی ۵۵، ۵۶، ۸۴، ۸۵، ۸۵  
۹۰  
محتشم کاشانی ۸۲  
محبوب، دکتر محمدجعفر ۴۲، ۹۰  
محراب خان ۶۱، ۶۲  
محکمی، مجید ۱۵۹  
محلّه تالار ۱۵۳  
محلّه سادات ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۵۳  
محلّه سردشت ۱۵۳  
محلّه عنبری ۱۵۱، ۱۵۳  
محلّه میدان ۱۵۳  
محمدآباد ۱۹۷  
محمد باقر بن ملک علی تونی، ابوالمفاخر  
۹۰  
محمد بن احمد الشلبی، ابو عبد الله ۲۵  
محمد بن منور ۸۴

- محمد بن نجیب بکران ۱۴  
 ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۱۳  
 محمد تونی ۹۰  
 مردستان هنویه ۱۰۳، ۸۶، ۸۸، ۸۹  
 محمدخان ۶۴  
 ۹۰، ۹۱  
 محمدرضابن عزیزالله تونی ۹۰  
 مرکز انتشارات علمی و فرهنگی ۶۳  
 محمد شفیع تهرانی ۶۳  
 مرو ۸۰، ۸۱، ۶۶  
 محمد علی بن محمدرضا تونی خراسانی  
 مزار ۷۱، ۴۴ ← امامزاده  
 مسالک و ممالک ۱۳۰  
 ۹۱  
 محمد علی گنابادی ۶۷  
 مستشارالملک ۶۶  
 محمد کاظم ۶۳  
 مستوفی قزوینی ۳۱، ۳۳، ۵۵  
 محمد مفید مستوفی ۶۲  
 مسجد ارگ ۱۴۱، ۱۴۲  
 محمد میرک تونی ۹۲  
 مسجد پای سنگ ۱۴۱  
 محمد نبی التونی ۹۱  
 مسجد پوخی ۱۴۲  
 محمد هلال تونی ۹۲  
 مسجد تالار ۱۴۱، ۱۴۲  
 محمودی، منوچهر ۲۶  
 مسجد جامع ۲۶، ۳۰، ۴۲، ۴۴، ۷۳، ۷۴  
 محیط طباطبایی، محمد ۱۵  
 ۱۳۹، ۱۵۱  
 محیی الدین عبدالحمید، محمد ۲۵  
 مسجد جلیل آقا ۱۴۱  
 مختصر فی سیره سیدالبشر ۸۹  
 مسجد جهانیار ۱۴۱  
 مدرس رضوی، محمد تقی ۵۳  
 مسجد حاج حسن رضا ۱۴۲  
 مدرسه علمیّه مجتمع فرهنگی امام  
 مسجد حمام ۱۴۱  
 ۱۳۹، ۱۴۱  
 مدرسه تون ۱۳۹  
 مسجد حوض شربت حسینی ۱۴۱  
 مدرسه حبیبه ۷۴، ۷۵، ۱۳۹  
 مسجد خلیلا ۱۴۲  
 مدرسه شیخ ۷۴  
 مسجد خوجه ۱۴۲  
 مدرسه علیا ۷۴، ۷۵  
 مسجد خیروز ۱۴۲  
 مدیترانه ۱۰۳، ۱۱۲  
 مسجد داشگری ۱۴۱، ۱۴۲  
 مرآت البلدان ۳۱، ۳۲، ۱۳۵، ۱۷۱  
 مسجد در انبار استاد عبدالله ۱۴۱

- مسجد سرخرمنان ۱۴۱  
مسجد سردشت (پای سنگ) ۱۴۲  
مسجد سیدی ۱۴۱  
مسجد شیرعلی ۱۴۱، ۱۴۲  
مسجد طاقتی ۱۴۱  
مسجد قدمگاه ۱۴۲  
مسجد کربلایی حسین ۱۴۲  
مسجد کوشک ۲۲، ۶۸، ۶۸، ۶۹  
۱۴۲، ۱۳۹  
مسجد کله گلی ۱۴۱، ۱۴۲  
مسجد گود خمیری ۱۴۱  
مسجد ملاجعفر محله میدان ۱۴۱  
مسجد ملا زمان ۱۴۱  
مسجد میرزا ۱۴۱، ۱۴۲  
مسجد میرمهدی ۱۴۲  
مسکو ۶۳  
مشکوة ۱۵، ۲۲، ۶۹، ۸۳، ۱۳۹  
مشهد ۱۴، ۳۶، ۳۷، ۵۰، ۵۵، ۶۲  
۶۳، ۶۵، ۶۷، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱  
۱۱۷، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۶۵، ۲۱۹  
۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۴  
مشیرالایاله ۶۷  
مصطفی بیک کنگرلو ۵۹  
مصطفی خان کنگرلو ۵۹، ۶۰، ۵۹، ۶۱  
مصعبی ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۹۴، ۲۰۳  
۲۱۰، ۲۱۶
- مطالعهٔ سرگ زعفران در تغذیهٔ دام  
۲۰۷  
مطلع الشمس ۸۵  
مطهر علی شاه تونی ۸۴، ۹۱  
معجم البلدان ۷۷، ۸۴، ۸۵  
معصوم علی شاه نعمة اللهی شیرازی  
۴۲، ۸۵، ۹۰  
معین الدین تونی ۹۱  
معین الدین محمد زمجی اسفرازی  
۱۳۸، ۱۸۵  
مغول، مغولان ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۵۳  
۵۴، ۷۳، ۱۳۰، ۱۳۳  
المفید فی علم التجوید ۸۶  
مقدس، علی ۹  
مقدسی ۲۵، ۲۶، ۷۳، ۱۳۱  
مقصودآباد ۱۷۲، ۱۸۹  
مکتب وقوع در شعر فارسی ۷۸  
مک گرگر ۶۵، ۹۵، ۹۹  
ملاحده ۵۲  
ملا عبدالله تونی ۸۸  
ملا عبدالواسع بن علامی تونی ۸۸  
ملا محمد شیخ ۷۴  
ملکشاه ۵۱  
ملک شمس الدین کورت ۵۲  
ملک فخرالدین محمد کورت ۵۵

- ملک محمود سیستانی ۳۱، ۶۲، ۶۳، ۱۳۳  
 منابع و مسائل آب استان خراسان ۱۲۰  
 منتخب اللطائف ۸۷  
 منتخب برهان الکفایه ۸۹  
 متزوی، احمد ۷۸، ۸۶، ۸۹، ۹۲  
 متزوی، دکتر علی نقی ۲۵  
 منصوری، ذبیح الله ۵۵  
 منصوری، فیروز ۲۴  
 منگوقاآن ۵۲، ۵۳  
 منم تیمور جهانگشا ۵۵  
 منورآباد ۱۶۷  
 موالی تونی ۹۱  
 موسی بن جعفر ۷۱  
 مهاجر، علی اصغر ۴۳، ۷۰، ۱۳۴  
 المهدی ۶۹، ۷۰  
 مهدی زاده، مجید ۶۵، ۹۵  
 مهران کوشک ۲۱، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۲۵  
 مهوید ۱۰۳، ۱۶۵، ۱۷۴، ۲۱۳، ۲۱۶  
 میدان ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۱۴۲  
 میدان پهلوی ۱۵۰  
 میداندار، علیرضا ۹، ۱۹۵  
 میر تونی ۴۶، ۹۲  
 میرجعفری، حسین ۹۰  
 میرحاج تونی ۹۲  
 میر حسین خان عرب زنگویی ۶۴  
 میرخواند ۶۵  
 میرزا آیغوت بیگ ۸۰  
 میرزا ابراهیم ۵۶  
 میرزا بابر ۵۶، ۵۷  
 میرزا حبیب الله امانی ۷۴  
 میرزا حبیب پسر علاءالدین تونی ۱۳۹  
 میرزا خانلرخان ۲۶، ۳۵، ۳۶  
 میرزا عبدالقادر تونی ۸۸  
 میرزا علاءالدوله ۵۶  
 میرزا عنایت بیگ ۶۲  
 میرزا قاسم پسر میرزا عبدالقادر تونی ۹۲  
 میرزا محمد تونی ۹۱  
 میرزا مهدی خان استرآبادی ۶۳  
 میر علم خان ۶۷  
 میرعلیاالحسنی ۴۶، ۹۲ ← میر تونی  
 میرعلی بیگ ۷۴  
 میرقلباکوکلتاش ۵۹  
 میمون دژ ۵۳  
 مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس  
 رضوی ۹  
 مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۶  
 نائین ۲۲۰  
 ناجولی ۵۹  
 نادر ۶۳، ۶۴  
 نادرشاه ۶۳، ۶۴

- ناصرالدین محتشم ۵۳، ۵۲  
ناصر خسرو ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۷، ۲۸، ۳۱، ۴۹، ۵۱، ۱۳۳، ۲۱۰  
نامه عالم آرای نادری ۶۳  
نامه علوم اجتماعی ۱۷، ۲۶  
ناهید ۲۲  
نایب حسین کاشی ۶۵  
نایبند ۶۴  
نثاری تونی ۷۷، ۷۸، ۷۹  
نجفی، حجة الاسلام ۱۳۹  
نخجوانی ۷۸  
نرم ۱۰۳  
نزهت القلوب ۲۱، ۲۹، ۲۱۰  
نسخه های خطی انجمن شرقی ۸۵  
نشابور ۲۴ ← نیشابور  
نصرآبادی، محمد طاهر ۷۸، ۸۸، ۹۰، ۹۲  
نصیرالدین توسی ۵۲  
نظام الدین شاه قلی ۷۹  
نظری، علی اصغر ۱۸۱  
نفائس المآثر ۷۸  
نفیسی، سعید ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰  
نقاوة الآثار فی ذکر اخبار ۵۸  
نقشه بشرویه ۹۵  
نقشه پوشش گیاهی ایران ۱۲۸  
نقشه توپوگرافی فردوس ۹۵  
النقی ۶۹، ۷۰  
نقوی پاکباز ۱۴، ۲۱، ۴۷، ۶۲، ۶۴، ۷۲، ۷۴  
نگارستان سخن ۷۸  
نمکزار ۱۰۱  
نوایی، دکتر عبدالحسین ۸۱، ۸۷  
نوبهار ۱۰۳  
نوده ۱۰۳  
نورالحسن ۷۸  
نوری علاء، پرتو ۳۲  
نوغانی مقدم، احمد ۹، ۲۲، ۶۹، ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۲۸  
نوقاب ۱۹۷  
نهاوندی، عبدالباقی ۸۶، ۹۲  
نهبند ۱۳۱  
نهج البلاغه ۸۳  
نیشابور ۵۰، ۵۴، ۶۳، ۲۲۳، ۲۲۹  
نیکی اصفهانی ۸۲  
نیگنان ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۲۴، ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۳  
نیمبلوک ۹۵  
وافیه الاصول ۸۸  
وحید دستگردی ۷۸  
وحیدی قمی ۸۲  
وزین پور، نادر ۱۹

- وسيلة النجاة في شرح دعاء السمات  
۸۸
- وصالی تونی ۹۲
- وفاپی تونی ۹۲
- ولایتی، سعدالله ۱۲۰
- ولی دشت بیاضی ۷۸
- ولی زاده ۲۰۷
- ویلم فلور ۶۲
- هاجسن ۵۳
- هخامنشیان ۱۶
- هدایت، رضا قلی خان ۸۷، ۶۵، ۶۴
- هدایت، صادق ۱۷
- هدایة المسترشد ۸۹
- هدين، سون ۱۴
- هرات ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴
- هرن ۱۵
- هرودوت ۲۲
- هفت اقلیم ۷۸، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۹۱، ۹۲
- هلاکو خان ۲۸، ۳۶، ۵۲، ۵۳، ۵۵
- علالی ۷۹
- همایون قرخ، رکن الدین ۸۰، ۸۵، ۸۸
- ۹۱، ۹۰، ۸۹
- همدان ۱۷
- هند ۷۸، ۸۶، ۸۸، ۹۱، ۹۲
- هنر و مردم ۳۱، ۸۸، ۱۳۰
- هنویه ۱۰۱، ۲۱۶
- هوایی تونی ۹۲
- هوشمان ۱۵
- یات ان وتی ۱۷
- یاحقی، محمد باقر ۷۹
- یاحقی، محمد جعفر ۱۰، ۱۶، ۷۸، ۸۳
- ۹۱، ۹۲، ۲۳۶
- یادداشت‌های دکتر قاسم غنی در حواشی
- دیوان حافظ ۷۹
- یاقوت حموی ۵۱، ۸۴، ۸۴، ۸۵
- یتیم سلطان ۵۹، ۶۰، ۶۱
- یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر ۲۵
- یحیی بن عبداللطیف ۵۴
- یخاب ۱۰۱
- یزد ۴۰، ۵۰، ۵۷، ۵۹
- یزدانی، لطف الله ۱۹۶
- یساول، احمد ۵۶
- یمن ۸۰
- یناید ۲۴
- یونس ۶۶